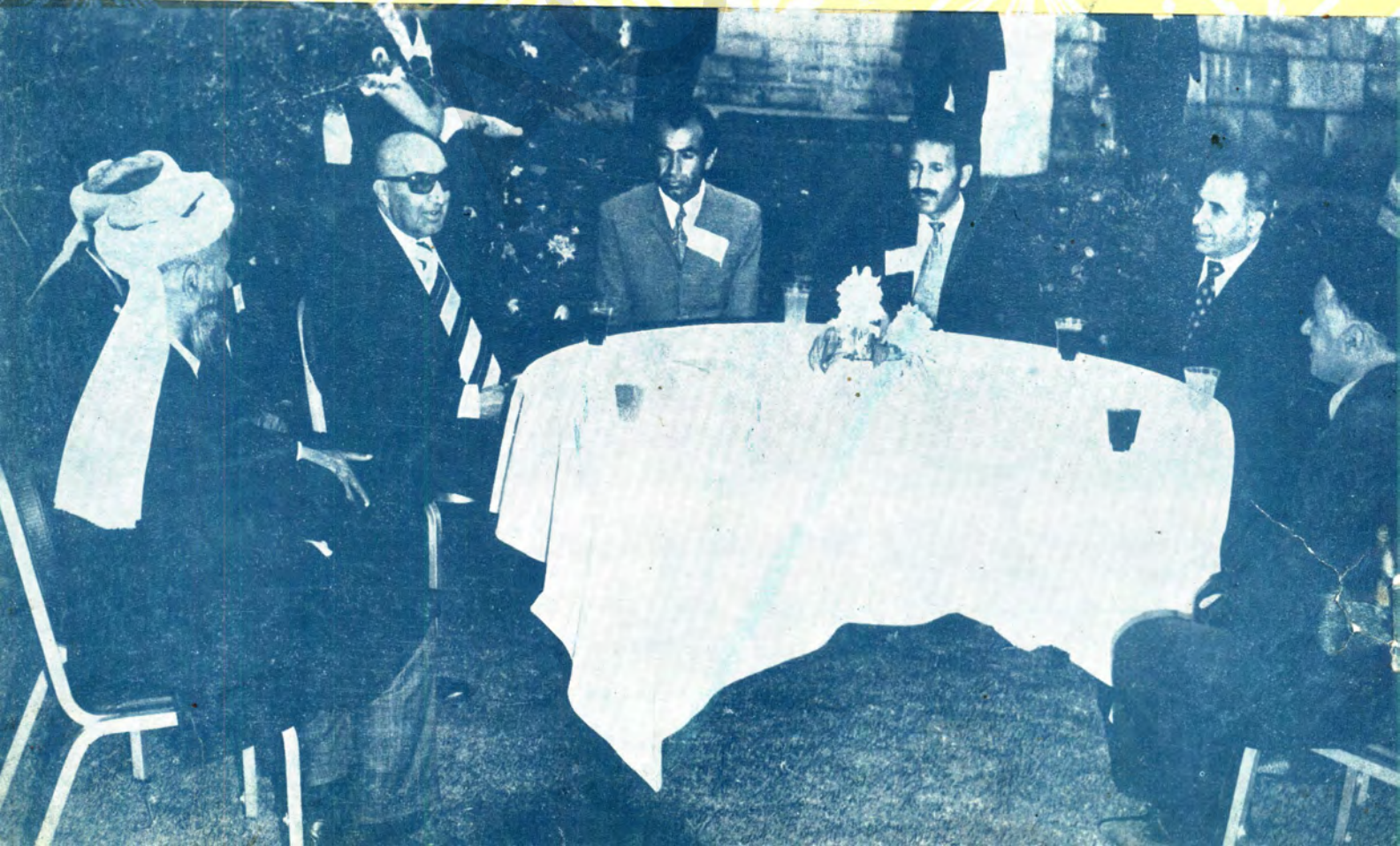


دَارُ وُجَلَاءَ



د افغانستان جمهوریت



مجله اردو: تبریکات صمیمانه خویش را بمناسبت

پنجاه و هشتمین سالگرد استرداد استقلال کشور بحضور

رهبر انقلاب بنماغلی محمد داؤد رئیس دولت

و صدراعظم، منسوبین اردوی با شہامت

افغان و کافہ ہموطنان عزیز تقدیم داشته

و بر روان پاک جانبازان و

سرسپردگان راه آزادی تحیات

و درود بی پایان میفرستد

شرح روی جلد

رهبر انقلاب بنماغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم،
موقعیکہ یکمہدہ استادان معارف را در مراسم تجلیل روز معلم
بحضور پذیرفتہ اند۔



د افغانستان جمهوري اردو

دارد و مجله

ژوند پخپله، تجربه او درس دی او انسان دی باید همیشه

له هغه نه زده کړه و کړی

زموږ د جمهوریت د مؤسس دویناوو څخه

د جمهوریت ۳۵ گڼه



شماره جوا ۱۳۵۵

نمبر مسلسل: ۶۵۱

۳۱ حمل ۱۳۹۹ ن

سال تاسیس:

می - جون ۱۹۷۶ عیسوی

۱	دگرمن فیض محمد عاطفی	پیکار حق و باطل
۴	...	په اجتماعی، سیاسی اقتصادی اود ملی فرهنگ
۶	جگتورن شمس الدین ظریف صدیقی	همسفر بهار
۱۰	جگتورن حبیب الله «زړه سواند»	دعلمی اساساتو په وسیله دقطعی درسولو ...
۱۲	م: فرزانه	رویداد های جهان در پرتو علم و دانش
۱۷	تورنجنرال عبدالقدیر خلیق	درسهای تئیکه اردوی امریکا پس از سقوط ...
۲۲	جگرن ارکانحرب فضل الرئی	مطالعاتی در تحلیل قرارگاه نظامی مصر ...
۲۶	جگتورن گل زرك	دجگړی له امله داسارت په کمپ کی ...
۲۹	جگتورن عبدالواسع روئین	صنعت حرب در اضلاع متحده امریکا
۳۴	جگتورن محمد ابراهیم	برخی مسائل مدافعه معاصر
۳۹	...	تطبیقات قوماندان و قرارگاه فرقه ۷
۴۳	بیاغلی پکتاش	مقایسه بی میان حماسه های گشتاسپنامه و ...
۴۷	جگرن محمد حکیم	مطالبی درباره اردو های جهان
۵۰	دگرمن سید عبدالقیوم «شا افضلی»	ریشه و معنی لغت ورزش و تربیت بدنی
۵۲	جگرن ارکانحرب جلالی	نقش قدرت نظامی در روابط بین المللی
۵۷	جگرن محمد معروف	په چمتو او مکمل حالت کښی دموترو لرونکی ...
۶۰	دپلوم انجنیر تورن محمد اکبر سروری	خصوصیات سوق وادارد قوای مدافعه هوایی
۶۵	جگتورن حمید	دلبنان کورنی شخړی او جگړی ورځ ...
۷۰	جگتورن مهر جو	تمرکز حواس وسیله برای انکشاف ذهنی ...
۷۴	جگتورن میرحسام «محتشمی»	چگونه میتوان بالای بیماری ترن پیروزو ...
۸۲	مهرمن نفیسه شایق مبارز	مسئولیت مادران
۸۲	جگتورن حبیب الله	گرانی او مهربانی موری
۸۴	...	رول و اهمیت سوق و اداره
۷۶	بیاغلی محمدجان مهدی	صلاح الدین ایوبی، فاتح بیت المقدس
۸۹	...	بازدید از فرقه ۸ و فعالیت های قرارگاه ...
۹۳	...	افتتاح تورنمنت بهاری اردو ...
۹۵	اداره	ما و همکاران قلمی مجله اردو
۱۰۳	راز	محیط زیست
۱۰۴	...	بازدید از تطبیقات قوای هوایی و ...

فهرست

این

شماره

بیانیهٔ بناغلی رئیس دولت بمناسبت پنجاه و هشتمین

سالگرد استر داد استقلال افغانستان

هموطنان گرامی !

در این روز تاریخی که در سراسر کشور ما پنجاه و هشتمین سالگرد استرداد استقلال وطن عزیز تجلیل می‌گردد، تبریکات صمیمانهٔ خویش را به همهٔ شما هموطنان عزیز می‌رسانم و به روح پاک آن مردان فداکار که در راه حصول این ناموس ملی جان سپردند، درود فراوان می‌فرستم .

تجلیل ازین روز تاریخی در حقیقت تجدید خاطره‌ای از کارنامه‌ها و سربازی‌های آن فرزندان صدیق این خاک است که به پیروی از رهبران فداکار خویش در جهاد استقلال وطن سر داده‌اند. این روز را صرف نظر از پیروزی‌های نظامی و، سیاستش اهمیت بزرگتر دیگری نیز دارد و آن اینکه ملت مادر آن زمان یکی از محکمترین حلقه‌های امپریالیسم جهانی را درهم شکست و زمینه را برای تشجیع و تحریک و توسعهٔ جنبش‌های آزادی خواهی ملی در این قسمت آسیا فراهم کرد این میراث ارزشمند تاریخی برای نسل کنونی و فردای کشور مایهٔ درسها و عبرتهای بزرگ است .

غلبهٔ مردم افغانستان بر استعمار کهن از جانبی باعث تضعیف بنیان امپریالیسم در سراسر جهان شد و از جانب دیگر برای ما، استقلال ملی و آزادی سیاسی به بار آورد اما همان طور که دیدیم تاریخ و زمانه به اثبات رسانید که تحکیم حاکمیت ملی و تحقق استقلال ملی در شرایط ابقاء و دوام مناسبات غیر عادلانه و دور از ایجابات عصر، آنچنان که باید صورت نمی‌پذیرد چه با موجودیت فقر، مرض، بیسوادی و

نابرابری‌های اجتماعی، مفهوم آزادی فقط به لفظ باقی میماند و هرگز جامعه عمل نمی‌پوشد اما حادثهٔ تاریخی انقلاب جمهوری امکاناتی را فراهم کرد تا ملت افغان اهداف انقلابش را به ثمر رساند و از مرحلهٔ انقلاب سیاسی به تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی تکامل نماید هر چند تا ساختمان یک جامعه مرفه و مترقی زمان زیادی باقیست، ولی امیدوارم با قبول زحمات خستگی ناپذیر و عزم راسخ روزی این آرزوی مقدس ملت افغانستان برآورده گردد .

همکاری بین ملتها به پایه مساوات در جامعه بین المللی نتیجهٔ مستقیم جریان تاریخی آزادی کشور های جهان است .

ملت افغانستان نه تنها در راه پیکار با استعمار پیشگام و در پیشتیبانی از مجادلهٔ ملتها برای کسب حقوق حقهٔ شان مصمم بوده و از آن پیروی نموده است، بلکه بنیان خط مشی بی طرفی و عدم انسلاک را نیز گذاشته است که امروز یکی از پایه های همزیستی مساومت آمیز و تعاون ثمر بخش بین دول گیتی به شمار میرود .

در این فرصتیکه ما این روز تاریخی خویش را تجلیل می‌داریم، همدردی و تمنیات نیک خویش را به برادران پښتون و بلوچ خود تقدیم میدارم .

در خاتمه به روان های بزرگ و پر فتوح اعلیحضرت غازی امان الله خان و اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه و دیگر جانبازان راه آزادی درود می‌فرستیم و برای ملت افغانستان آرزوی سربلندی و خوشبختی مینمایم .

زنده باد افغانستان
پاینده باد جمهوریت

پیام بنیادگلی رئیس دولت و صدر اعظم بمناسبت روز معلم

شامخ دارد و احترام به مقام معلم ، از عنعنات برجسته ما می باشد و ما این میراث سالم و ارزشمند کلتوری خود را نیک حفظ می داریم و به نسل آینده با مانت می سپاریم .

من بخوشی یاد آور میشوم که ریفورم بنیادی معارف، زمینه را برای رشد و تعمیم معارف حقیقی که جوابگوی نیازمندیهای جامعه ما میباشد در کشور مهیا ساخته است و تطبیق آن در تعلیم و تربیه شاگردان امروز که سرنوشت آینده جامعه ما بدست آنان میباشد به عهده معلمان است . سر بیون وقتی از عهده این وظیفه مقدس بدرشده میتواند که پاک طینت فداکار ، وطن پرست، وظیفه شناس و با تقوا باشند .

از وظایف عمده معلمان است که علاوه بر تعلیم دانش های ضروری و عصری، شاگردان را به همبستگی کامل، وحدت فکر و عمل، کار و زحمت خستگی ناپذیر و خدمت صادقانه به قاطبه مردم، در یک محیط برابری و برادری، برای تحقق بخشیدن آرمانهای ملی و به ثمر رسانیدن اهداف انقلاب جمهوری، تربیه نمایند. این روز فرخنده را یکبار دیگر به همه استادان و معلمان جمهوریت افغانستان تبریک میگویم.

زنده باد افغانستان

پاینده باد جمهوریت

بنام خداوند بزرگ و توانا !

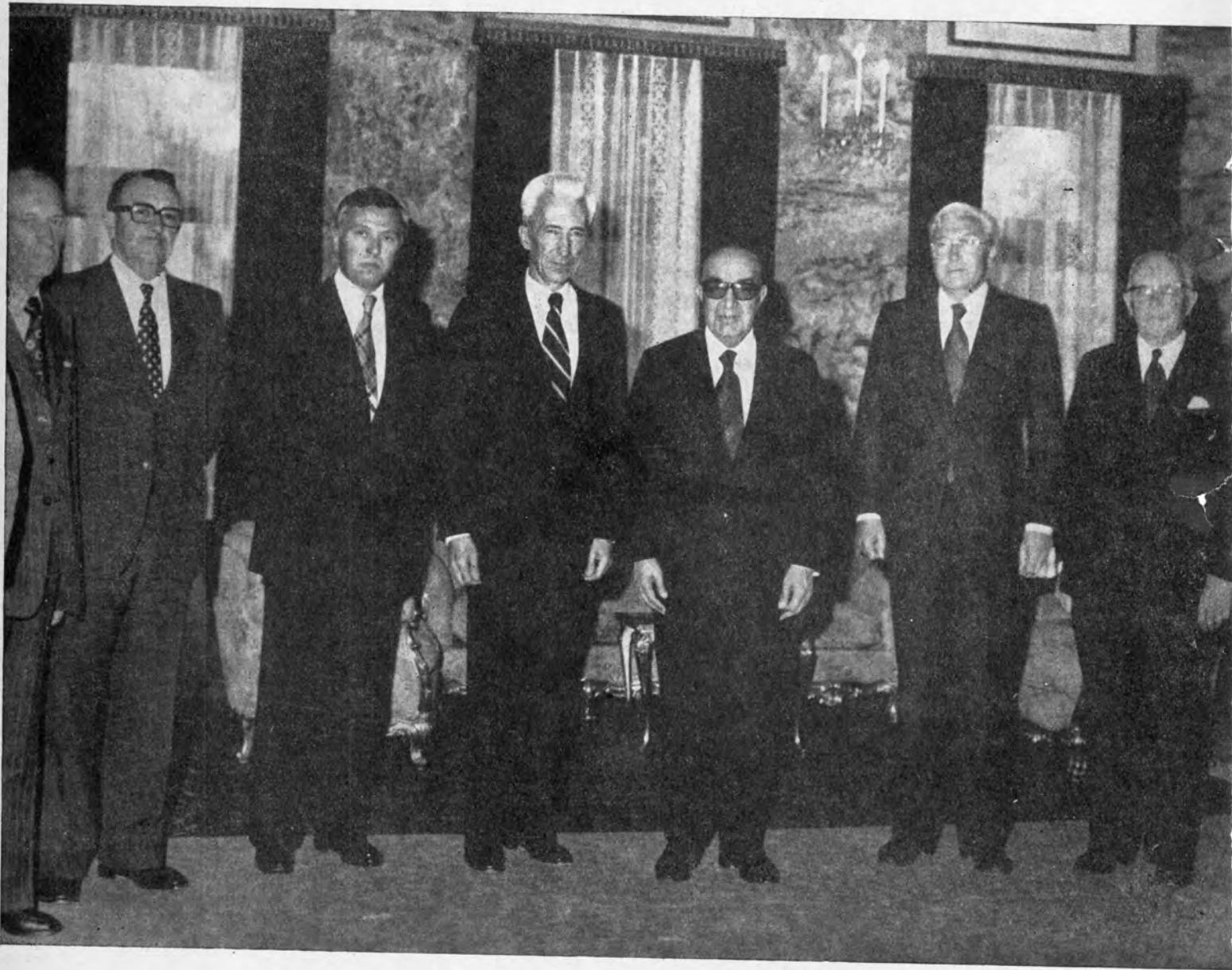
استادان و معلمان گرامی !

مسرورم که به پاس خدمات ارزشمند استادان و معلمان همه ساله یکروز بنام روز معلم در سراسر جمهوریت افغانستان تجلیل میشود و این روز خجسته را با استادان ، معلمان و اهل علم و فرهنگ کشور، صمیمانه تهنیت میگویم. معلمان تأمین کننده گهر حیثیت انسانی، معماران تحولات عظیم جهانی ، تهداب گذار تمدنها، و عامل ترقی جوامع بشری میباشند و آنچه را نبوغ بشری طی هزاران سال در ساحات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کلتوری حاصل نموده است، معلمان در ایجاد آن سهم فعال داشته اند.

معلمان مسئولیت سنگین انکشاف همه جانبه شاگردان را دارند و این مأمول از طریق سعی مداوم معلمان در تعلیم و تربیه نسل جوان و تنمیه ابتکار آنان در استفاده سالم از منابع مادی و معنوی و رهنمائی غرض زیست باهمی در یک فضای نوع دوستی و صلح و امنیت و مصئونیت در قایل بشریت و نجات انسان از امراض مزمن بیسوادی، فقر و ناداری، مریضی و نابرابری که هستی و تفکر انسان را باختناق می اندازد، بر آورده میشود .

در فرهنگ ملی و سنن دینی ما ، معلم مقام

بناغلی رئیس دولت و صدراعظم هیأت برجسته انجمن ملی دکتوران حقوق فرانسه را پذیرفتند



بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم بعد از آنکه اعضای برجسته هیأت انجمن ملی دکتوران حقوق فرانسه را در قصر ریاست جمهوری پذیرفته و صحبت دوستانه نمودند عکس یادگاری گرفتند

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم ساعت سه بعد از ظهر ۹ جوزا اعضای برجسته هیأت انجمن ملی دکتوران حقوق فرانسه را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند و با آنها صحبت دوستانه نمودند . ریاست دفتر جمهوری اطلاع داد که درین موقع بناغلی وحید عبدالله معین وزارت امور خارجه و بناغلی ژورژ پیروش سفیر کبیر فرانسه مقیم کابل نیز حاضر بودند . هیأت انجمن ملی دکتوران حقوق فرانسه برای ازدید از افغانستان چندی قبل وارد کابل شده بودند .

پیام

سباغلی محمد داؤ در ئیس دولت

و صدر اعظم

بمناسبت روز مادر

ذات البینی در ایفای وظایف ملی و در خدمت وطن تبارز دهند .

تعالیم مادران در تشکیل و تکامل شخصیت فرزندان بزرگترین مشعل راه فرزندان وطن است .

فرزندان امروز نه تنها معمار جامعه کنونی ما هستند بلکه مسئولیت بزرگ ایجاد شرایطی را که در آن راه موفقیت های جامعه آینده باز باشد عهده دار اند .

توجه بیشتر مادران در تربیت اولاد وطن مطابق به نیازمندی های کشور و وظایف ملی و عمومی مردم ما همان وظیفه بزرگی است که مادران در تربیه اولاد وطن مطابق شرایط عصر و زمان شان بدوش دارند .

دولت جمهوری افغانستان با تطبیق پروگرام های عرفانی اجتماعی و اصلاحی امیدوار است تسهیلات ممکن را در هر ساحه برای مادران فراهم ساخته و زمینه های رفاه و آسایش مادران را مساعد گرداند .

موفقیت های روز افزون همه مادران گرامی خاصه مادران و وظیفه شناس فداکار و وطن پرست را که در تربیه اولاد شان با همه مشکلات زندگی از سعی و تلاش دریغ نمی نمایند صمیمانه آرزو مینماییم .

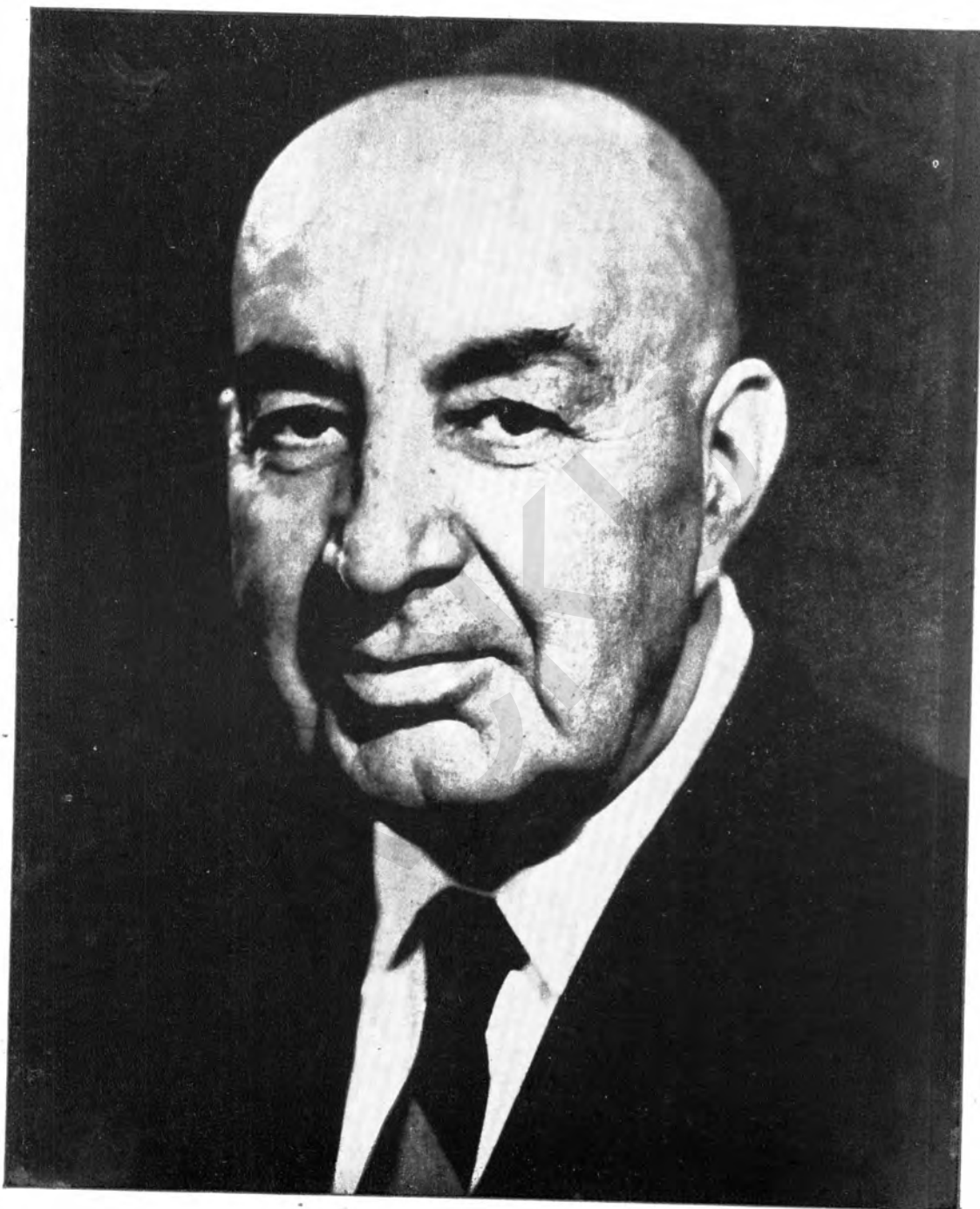
مادران گرامی و ارجمند .
روز خجسته مادر را به همه مادران گرامی و کافه هموطنان عزیز تبریک میگوییم .

احترام به مادران و قدردانی از مقام بزرگ مادر احترام و قدردانی از هستی بزرگی است که منبع و محور همه موفقیت های ملی و بشری شناخته میشود .

مادر بنیان گذار جامعه بشری است و بقای نسل بشر مرهون مادر است چنانچه موفقیت های گذشته جامعه محصول فکر کار کوشش و تلاش فرزندان لایقی است که در دامن مادران باشخصیت پرورده شده اند مادران در ساختمان امروز و فردای جامعه بدون شك نقش تعیین کننده دارند .

مادران افغان در طول تاریخ از این وظیفه بزرگ تاحد زیادی موفقانه بدرآمده اند توقع میرود در آینده نیز پیش از پیش به این مسئولیت ملی و تاریخی خویش عمل نمایند .

سهام مادران در منزل و مرکز فامیل بحیث یک واحد اقتصادی و اجتماعی جامعه چنانکه در اقتصاد فامیل اثر اساسی دارد در اقتصاد ملی و مسائل اجتماعی نیز انکار ناپذیر است . فرزندانیکه در دامن مادران پابند باصول فضایل اخلاقی و سجایای ملی پرورش مییابند بیشتر میتوانند این ارزشهای عالی را در روابط



رهبر انقلاب و مؤسس جمهوریت در افغانستان بنماغلی محمدداؤد
حامی استقلال وطن

اعلامیه

مشترک

این اعلامیه در ختم مسافرت
بناغلی ذوالفقار علی بوتو صدر اعظم
پاکستان به افغانستان بتاريخ ۲۱
جوزای ۱۳۵۵ در کابل و اسلام آباد
نشر شده است.

نظر بدعوت بناغلی محمد داود رئیس دولت
و صدراعظم جمهوریت افغانستان بناغلی
ذوالفقار علی بوتو صدر اعظم جمهوریت اسلامی
پاکستان از تاریخ ۱۷ تا ۲۱ جوزای ۱۳۵۵ از
افغانستان باز دید رسمی بعمل آورد.

درین مسافرت بناغلی عزیز احمد وزیر
دولت برای امور دفاع و خارجه، بناغلی
محمد یوسف بچ مشاور مخصوص صدراعظم،
بناغلی آغاشاهی سکرتر در وزارت امور خارجه
و بناغلی شهنواز سکرتر در وزارت امور خارجه
بناغلی صدر اعظم پاکستان همراه بودند.

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم
و بناغلی ذوالفقار علی بوتو صدر اعظم پاکستان
بتاریخ ۱۷ - ۱۸ - ۲۰ و ۲۱ جوزای ۱۳۵۵ در
قصر گلخانه باهم ملاقات و در فضای دوستانه‌ای
مذاکره کردند بعد از ظهر روز ۲۰ جوزا
زعمای دو کشور در مذاکرات خویش از طرف
هیات‌های مربوطه خود همراهی شدند.

جانین راجع به روابط دو جانبه افغانستان
و پاکستان مذاکرات و تبادل افکار صریح و
مفیدی در یک فضای دوستانه بعمل آورده و
بمنظور حل اختلاف سیاسی و سایر اختلافات شان
بر اساس پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز و به
مقصد حفظ و تقویت فضای مساعد و دوستانه‌ی
نعلی و به هدف رسیدن به حل نهایی و
شرافتمندانه‌ی این اختلافات هر دو طرف موافقه
کردند تا فعلاً از پروپاگند، تبلیغات مخاصمانه
علیه یکدیگر در مطبوعات و برود کاستهای
خویش خود داری نمایند.

بناغلی ذوالفقار علی بوتو صدر اعظم پاکستان
از بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم
افغانستان دعوت دوستانه بعمل آوردند تا از
پاکستان باز دید رسمی نمایند.

این دعوت بامسرت پذیرفته شد تاریخ این
بازدید در آینده نزدیک از طرق دیپلوماتیک
تعیین خواهد شد. (ب)

پیکار حق

و باطل

دکتر بن فیض محمد طغی

میر مجله اردو

نهفته است، پیکارهای بزرگ و رستاخیزهای عظیمی از حنجره رهبران ملی در گوشه‌ها و دل‌ها طنین افکنده است.

احساس آزادی در اعماق فطرت ملت نجیب افغان مردم ماهنگامی به ثمر رسیده است. که فریاد (آزادی)



مارشال شاه و ایخان غازی
از مجاهدین استر داد آزادی

مر حوم محمود بیک طرزی

مر حوم سپه سالار غازی شاه محمود خان
از مجاهدین پیکار استر داد استقلال

اعلی حضرت غازی محمد نادر شاه شهید

مر حوم اعلی حضرت امان الله غازی

استخدام نمود، ثروت و دارائی عامه را بسزور و چپاول از میان برد، حتی فرهنگ و کلتور جوامع را در سیطره جا برانه خویش قرار داد، ملت هائی بودند که بالائی دیو استعمار بخواب نوشین فرو رفته بودند و احساس بیداری و حرکت از آن‌ها سلب شده بود اما مردمی هم بودند که این لائى دایه‌های مهربان تر از مادر را با نفرت و خشم می نگرستند و آن روح حق پرستی و آزادی خواهی را که دست قدرت در ضمیر آن‌ها بود دعوت گذاشته بود و شراره تابناکش از زیر خاکسترهای دوران گرمی و نورش را از دست نداده بود

(بقیه در صفحه ۱۱۳)

را بغارت بردند، استعمار همچون بت عیار با اشکال و انواع گوناگون و چهره‌های حق بجانب و دلسوز و با اشک تمساحی رخ بجانب شرق نهاد و آنچه خواست کرد آزادی ملت‌ها را در پنجه استبداد و خونریزی مضمحل ساخت، منابع تولیدی مردم را بسود خود

استعمار، همان دار و دسته بشرمانه و ننگین باطل است که با دست آوردهای ظالمانه و سوغات پلید غرب بجانب شرق راه یافته است، آن‌ها با منطق نارسای بلند بردن سویه تمدن ملل پسمانده در واقع بمنظور بهره برداری از تمام منابع مادی و حیاتی این کشورها دست تسلط و تجاوز را برمالک بیدفاع و مظلوم دراز نموده سرمایه‌های هستی و آبرو و عظمت شان

زندگی صحنه کار زار است بین حق و باطل، از روز گارانیکه بشر در روی کره زمین پای بعرضه وجود گذاشت تا کنون همیشه این نبردها و پیکارها در بین گروه‌ها و دسته‌های طرفداران حق و باطل ادامه داشته و تا آن هنگام که باطل راه گمراهی رامی پیماید و تابع حرص و آرزو و هوسهای سرکش بشری است، حق با نیرومندی و قدرت عظیم جاودانی اش با او بمجادله برمیخیزد و عاقبت هم بشهادت تاریخ، غلبه و پیروزی از آن حق است.

باطل با نیروی اهریمنی اش با ستیزه جوئی فاسدش میتواند روز گاری برحق غلبه نماید و علی الظاهر بساط خود سری و خونخواری اش را بر بساط زندگی دیگران پهن نماید اما حق باشکوه جاودانی اش و با عظمت ابدی اش تدریجاً این بساط ننگین باطل را از میان بر میدارد و خود بر جایگاه پرافتخارش قرار میگیرد.

په اجتماعي، سياسي اقتصادي او د ملي فرهنگ په چارو کې

د ايو ثابت شوی حقيقت دی چې يوه ټولنه هغه وخت کولای شي چې د پرمختګ او تکامل پر اوونه يو په بل پسې ووهي چې د کلامي ملي او مترقي پوهني خاوند وي لکه پوهنه د یوې ټولني بشري قواوې د علم او تخنيک په معرفت آشنا کوي او هغوی د پته چمتو کوي چې منطقي او سالم تفکر وکړي او صحيح ادراک د ټولني د افرادو په منځ کې را ولي که مونږ د بشري ټولنو د مختلفو ډلو تکاملي پړاو و ته غبر شو او د دوی تاريخ ته يونظر واچوو د نړۍ هغه خلک او وگړي ژر خپلو هیلو او آرمانو ته رسيدلي چې د پوهې او علم خاوندان وه لکه همدا پوهه او علم وه چې بشر بريالی شو چې د طبيعت قهار قدرت مهار کړي او د طبيعت د پتو خزانو څخه دخپلي گټې دپاره کار واخلي دا چې پوهنه او علم غرنګه تکامل او انکشاف کړي يوستر عامل يې د ښوونکي عا ملانه رول او ارزښت د تاريخ په اوږدو کې دی .

اوسنې نړۍ چې ورځ په ورځ د تکامل په لور حرکت کوي او بشر د طبيعت د ټولو شتمنيو څخه دخپل هوساينې نيکمرغي او آرامتيا لپاره گټه اخلي د اهم د ښوونکي دلار ښوونې او زيار ايستلو نتيجه ده لکه همدا ښوونکي دی چې شپې او ورځې زيار باسي ، کشفيات کوي ، علمي غيږنې کوي او په پای کې خپلي علمي نتيجه د بشري نيکمرغه کيدو لپاره بشري ټولنو ته عرضه کوي که د ښوونکي ار زنده اوستر رول اولار ښوونې د بشري ټولني د نيکمرغي لپاره نوی نوښت به دغه لوی ، لوی مدنيتونه اولوی علمي پرمختګونه او تکاملونه به هم نه وه نو همدا وجهه ده چې په ننني نړۍ کې هره ورځ چې تير پړی د ښوونکي نقش او ارزښت په بشري ټولنو کې لاسي پياوړی کيږي اوداسې څوک به نه وي چې د ښوونکي د تاريخ جوړونکي نقش څخه سترگي پټي کړي د ښوونکو رول او اهميت په بشري ټولنو کې

د بشري ټولنو د ترقي

او پر مختيا بنسټ

د ښوونکي په واسطه

اينښودل کيږي

او د بشري د سالم تفکر

په قوت او د پوهې په زور د مقصد پر اوته رسيږي

محاذته حدود نلری اوکه دی حقیقت ته بحیرشو ویلی شو چه بنوونکی دټولنی دژوندانه دسمبالتیا په ټولو برخوکی اساسی او تعین کونکی نقش رول او اهمیت لری دسواد دخپرولو مخه تر لویو لویو علمی کار و سرته رسول ټول دبنوونکو دبرکنه مخه مینځ ته راځی اوداخکه چه شعوری فعالیتونه او هلی ځلی بدون د معلم او راهنما مخه مینځ ته نشی راتلای علمی او پلانیزه فعالیتونه هم هغه وخت په یوی ټولنه کی په ښه توگه عملی کیدای شی چه پور پوه او عالی بنوونکی پدغه ټولنه کی موجودوی .

که د یوی ټولنی په افرادو کی بشری عواطف او اجتماعی عدالت مینځ ته راځی هغه هم دبنوونکو په وسیله په افرادو کی منځ ته راځی ځکه همدا بنوونکی دی چه په بنوونکی کی شاگردانوته ښه او بده لیار ښی اودټولنی ټول افراد دپته چمتو کوی چه دخپلو همنوعانو او خپلی ټولنی د پاره د ښو کار واودښو فعالیتو مصدر وگرځی ځکه هدف دزد کړی مخه دادی چه دټولنی په غړو کی د اجتماعی مسئولیتو او مکلفیتو احساس را پیدا شی اود ټولنی ماشومان چه دسباورځی مهم شخصیتونه دی دسالمی روزنی په اساس د اجتماعی شعور خاوندان گرځی دغه مامل هغه وخت ترسره کیدای شی چه د بنوونکو تر صحیحی پاملرنی او روزنی لاندی راولی ځکه په نننی نړی کی ورځ په ورځ کیفیت ته زیاته پاملرنه کیری او هغه څوک کولای شی چه د اجتماعی مهمو پراووته ورسیری چه به پوره توگه علمی او معنوی شخصیت ولری دی هدف ترسیدل یواځی او یواځی دبنوونکو پوره پاملرنه او توجه ده چه دخپلو شاگردانو په هکله بی ولری . او هم د اورنیو ستر مسئولیت دانی چه دخپلو ماشومانو دروزلو په لپاره کی د بنوونکو سره هراړخیزی همکاری او مرستی وکړی .

خو په لنه توگه ویلای شو په هغو ټولنو کی چه بنوونه او پوهنه په علمی شکل سره سمبال شوی او دټولتی غړی په ښی توگه د معلم او پوهنی درناغه گټور شوی وی تحول پرمختگ او بنیادی بدلونونه هم په آسانه توگه منځ ته راتلای شوی او دژوندانه ټولی ستونزی په آسانی سره د مینځه تللی شی مگر برعکس په هغو ټولنو کی چه بیسوادی توره تیاره موجوده وی او پوهه په علمی شکل انکشاف نوی کړی ټولنه هم نشی کولای چه د پرمختگ او تکامل عالی پراووته ورسیری نو په همدی مناسب زمونږ په هیواد کی چه د پخوانیو نیمگرتیاوو او ستونزو له کبله زمونږ پوهنی ښه پرمختگ او انکشاف نوه کړی جمهوری دولت تصمیم ونیوه چه د هیواد دپوهنی دپرمختگ او انکشاف لپاره یو لړ علمی اقدامونه وکړی او څرنگه چه د انقلاب د لارښود ښاغلی محمد داؤد له خوا په خطاب وینا کی ویل شوی وه « دولت جمهوری افغانستان بر پروگرامهای معارف تجدید

نظر نموده و آنها را اصلاح خواهد کرد. برای امحای بیسوادی عمومی و ایجاد تحول فرهنگی در مملکت بر اساس فرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد نمود و نسل جوان را با تقوی و با روحیه وطن پرستی و خدمت به مردم پرورش خواهد داد.

دولت تعلیمات ابتدایی عمومی و مجانی را برای کودکان اعم از دختر و پسر از طریق بسط و توسعه مکاتب دولتی تأمین خواهد کرد. همچنان زمینه های تعلیمات متوسطه و عالی را به منظور پرورش گادر علمی آماده خواهد ساخت. دولت جمهوری برای بسط و توسعه مطبوعات و انتشارات دیموکراتیک به منظور بیداری مردم کومک موثر خواهد کرد».

هغه وخت چی دغی متینی وینا ته ښه بحیرشو دا مونږ ته به ثابتی شی که حقیقتاً او په موثره توگه دغه وینا په علمی شکل سره عملی شی زمونږ دټولنی اساسی نیمگرتیاوی به د پوهنی په هکله له مینځه لاړی شی او زمونږ د ټولنی نوی نسل به په صحیحه توگه وروزل شی او هغه اړتیاوی او ضرورتونه چه زمونږ ټولنه بی علمی او تخنیک کی پر سونلوته لری د عصر د ایجاباتو او غوښتنو سره به سم ترسره شی ځکه دا خبره اوس ثابتی شوی ده زمونږ د ټولنی پخوانی پروگرامونه دپوهنی په هکله اساسی نیمگرتیاوی درلودی او همدغه وجهه ده چه زمونږ ټولنه تر اوسه پوری پدی بریالی شوی نده چه دژوندانه په بیلو بیلو برخو کی دپرسونل له کبله په خپل ځان متکی شی پدی هم مونږ پوهیږو چه په اوسنیو شرایطو کی چه اوس نوی زمونږ په هیواد کی علمی او اساسی هلی، ځلی په اقتصادی اجتماعی او سیاسی برخو کی شروع شوی بیاهم د علمی کادر کمبود چه د دولت اساسی کارونه پرمخ بوزی احساس کیری دا ټولنی ستونزی د پخوانی ناقصه پروگرامو مخه منځ ته راغلی دی .

یوبل حقیقت ته چه باید سره له اوسه زیاته او جدی پاملرنه وشی هغه دادی چه هرو مرو دجهانی پرمختگ او تکامل مخه په انکشافه هیوادونه متأثره کیری او که مخ په انکشافه هیوادونه خپل فعالیتونه او اقتصادی هلی ځلی دجهانی پرمختگ او تکامل سره سم عیار نکړی او دپوهی علم او تخنیک په معیارو سره دخپلی ټولنی اجتماعی اقتصادی او دژوندانه نوری چاری سمبال نکړی نو هرو مرو په مخ په انکشاف هیوادو کی ناوړی نتیجی او اغیزی به منځ ته راشی ځکه په مخکی تللی نړی کی ورځ په ورځ لوی لوی اقتصادی تحولات منځ ته راځی دمالونه بیه هر گړی مخ په زیاتیدو ده د علمی او تخنیک کی او کارگرانو معاش دجگیدو په حال کی دی چه دا ټول شرایط مستقیماً په مخ په انکشافو هیوادو باندی تأثیر کوی او ددغو هیوادو ملی اقتصاد ته تاوان رسوی .

(پاتی په ۱۰۰ مخ کی)

همسفر بهار

(قسمت اخیر)

این جشن که در خانه او منعقد شده بود بساط نشاط گسترده شد و ساقیان سیم اندام به گردش درآمدند و جامهای شراب را با عشو و ناز به مهمانان تقدیم میکردند چون مدتی از شب گذشت داروغه دست هارا بهم زد و گفت :

— امشب بهاس دوست طوسی ما ، برزین ، تفریح باشکوهی خواهیم داشت ، هم اکنون شما رقص یکی از بزرگترین و زیباترین رقاصان عربی را تماشا خواهید کرد .
لحظه بعد پرده بالا رفت و رقاصه زیبا و جوان سرا پا عریان در لابلای لباس حریر نازکی بدرون خرامید ، صدای چنگ و دف بلند شد ، رقاصه عربی مثل پیک پرنده زیبا میخرامید و میرقصید ، چون سرها گرم شد رقاصه جامی گرفت و به هر یک از بزرگان تعارف کرد ، قارن و باذان زودتر از دیگران تظاهر به مستی کردند در حالیکه کاملاً هوشیار بودند ، برای بار احتیاط که مبادا حیله در کار باشد عده از عیاران و جانبازان را به لباس غلامان و همراهان خود بدرون آورده بودند ، همتیکه رقاصه ، جام بدست بسوی قارن با چشمان خمار آلود دست دراز کرد تا جام را بگیرد ، رقاصه نیز دست دراز کرد ، ناگهان دیدگان قارن از حیرت کشاد شد باور کردنی نبود ، بازوبند اسماء بر بازوی رقاصه ، نه این باور کردنی نبود ، باذان که متوجه تغییر ناگهانی دوستش شد کمی وارخطا گردید و با بازویش قارن را بخود آورد قارن تکانی خورد و جام باده از دستش افتاد ، با صدای لرزان گفت :

— به بخشید ، جامی دیگر بیاورید .

و بعد به باذان در دوسه جمله مطلب را حالی کرد ، باذان به او اطمینان داد که از هیچ چیز نهراسد چون بیشتر از سی عیار فداکار درین گردونواهی استند و با اولین علامت خود شان را به اینخانه خواهند رسانید . در همین حال رقاصه خرامان خرامان جام دیگری آورد ، وقتی جام را بدست قارن میداد ، قارن آهسته گفت : به بینم چه بازوبند قشنگی داری ، این را از کجا آورده ای ؟

— خدایا چه میبینم ؟ آیا تو برستی قارن استی ؟
قارن اغوش کشود و باذان را در میان بازوانش فشرد ، و بدینتر تیب دودوست پس از سالها بهم رسیدند کماندار که دید آنمرد تیر انداز قارن بود خیلی خوشحال شد .
آنشب قارن و باذان خیلی باهم حرف زدند ، باذان همه چیز را به او قصه کرد ، از وضع مردم ، از وضع شهر و بالاخره از بیداد و استبداد استعمارگران ، همه چیز را به دوستش باز گفت ولی چیزی راجع به اسماء بیان نداشت .
از فردا به بعد باذان و قارن در کمال احتیاط شروع به جمع نمودن عیاران کردند ، شهرت قارن دوباره همه جا پیچید و مردم بخصوص جوانان ماجراجو بیباک ، در خفا به او پیوستند ، قارن در مجامع شروع به رفت و آمد نمود و همه جا خود را بنام بزرگزاده از طوس معرفی کرد ، قیافه اش طی هشت سال در زندان خیلی تغییر کرده بود بخصوص ریش انبوه او که نیمی از چهره اش را پوشانیده بدشواری ممکن بوده شناخت شود ، در تیر اندازها ، پهلو انبوه و اسب دوانی ها شرکت کرد ، نام (برزین) را برای خود برگزید و بعنوان برزین طوسی همه جا شهرت یافت ، بکمک باذان عیاران شروع به تحقیق کردند تا بلکه خبری از اسماء بیابند ، بیکهای به هر طرف فرستاده شد تا مردمانیکه بعلت دوستی با قارن ترک شهر و دیار کرده بودند دوباره برگردند ، خانواده ها دسته دسته همراه با کاروان ها به هرات برگشتند ، فرمانروا و داروغه ازین وضع به تعجب افتادند ، برزین کم کم بسا امرای دولتی دوست شده هدفتش آن بود تا سراغی از نامزادش بیابد ، تا آنکه کم کم فهمید آخرین دفعه که از اسماء خبر داشتند از زبان داروغه شهر بوده است ، قارن با همه نفرت و او انزجاری که داشت به داروغه نزدیک شد ، یکسال گذشت ، طی این مدت باذان صدها عیار جانباز را در خفا ترتیب کرده بود ، دوستی برزین با متنفذین روز بروز بیشتر میشد ، تا اینکه سال به آخر رسید و بهار دیگر نزدیک شد شب نوروز داروغه شهر جشن باشکوهی بهار داشت ، در

رقاصه تبسمی کرد و گفت :

این یک بازوبند قدیمی است ، آنرا هفته پیشتر جناب داروغه بمن بخشیده اند .

قارن تبسمی کرد و چیزی نگفت همینکه پاسی از شب گذشت ، مهمانان سرمست و لایعقل یکی بعد دیگر مجلس را ترک کردند ، قارن و باذان صبر کردند همه مهمانان بروند ، در آخر وقتی با مهمانان تنها ماند ، قارن خطاب به او گفت :

— من امشب در بازوی این رقاصه زیبای عربی بازوبندی قدیمی دیدم ، برای من تعجب آور بود ، چون یک لنگه آنرا سالها قبل در مروالرود خریده ام ، نمیدانم این رقاصه لنگه آنرا از کجا آورده بود .

داروغه خنده کرد و گفت :

این لنگه بازوبند متعلق به زنی بنام اسماء است ، این زن مدت هشت سال که در حرم بندی است ، اوروزگاری نامزد مردی بنام قارن بود ، و قارن در مروالرود بحال اسارت در زندان انداخته شده است .

قارن تبسمی کرد و گفت :

— عجب ، این زن که گفتید اسماء نام دارد ، هنوز هم در حرم شما بندی است ؟

داروغه بی آنکه بداند موضوع چیست گفت :

بلی ، این زن از تیر اندازان و سوارکاران بنام است اوسخت عاشق و شیفته قارن است ، هر چه میکنم ، تسلیم نمیشود با سر سختی مبارزه میکند و اصرار دارد تا وقتی خبر مرگ قارن را نشنود هرگز تسلیم کسی نخواهد شد .

قارن که اینک نام برزین را بر خود نهاده بود گفت :
واقعاً عجیب است ، من خبر مرگ قارن را میتوانم به او بدهم ، چون همین لنگه بازوبند گواه بر ادعای منست ، قارن در زندان مروالرود مرده است .

داروغه خوشحال شد و گفت :

درینصورت تو خدمت بزرگی برای من انجام خواهی داد اگر بازوبند نزد تو باشد همین امشب ترانزدا و خواهم برد برقی در چشمان قارن درخشید ، دلش به تپش افتاد ، سری شورداد و گفت :

— بلی ، این بازوبند نزد منست ، شما هم لنگه دیگر را از رقاصه بگردید تا هر دوی آنرا به آن زن که گفتید اسماء نام دارد نشان بدهیم .

داروغه با آنکه خیلی مست بود ، بازوبند را از رقاصه گرفت و پذیرفت که برزین را با خود به حرمسرا ببرد ، باذان که همه چیز را شنید لحظه برآمد و یکی از عیاران که جز همراهان با او بدرون آمده بود موضوع را به اختصار بیان داشت ، بزودی مشعل داران حاضر شدند و در حالیکه داروغه پیشاپیش حرکت میکرد برزین و باذان بدنبال مشعل دار به اندرون رفتند . قارن از شنیدن نام اسماء چنان بیخود شده بود که تمام خطرات را پذیرفت و حاضر شد تک و تنها بادوستش باذان بدیدار اسماء مجبوس برود ، آشوبی که

دردرویش برخاسته بود سخت او را فشار میداد دیدار غیر منتظره محبوبش در چنان شرایط ، بمشکل تحمل پذیر مینمود بهر حال ساعتی بعد آنان بدرون حرمسرای داروغه رسیدند شحنه ها و محافظان خواب آلوده برخاستند و راه دادند تا مهمانان بروند ، باذان مصروف مطالعه اوضاع حرمسرا بود ، او میدانست این شب آستان حوادث خونینی برای آنهاست ، قارن هر طور میشد میکوشید اسماء را همین امشب نجات بدهد و این ، کار را مشکل تر میساخت . همینکه داروغه پشت اتاق اسماء رسید گفت :

امیدوارم اسماء بتواند خبر مرگ شوهرش را به پذیرد .
برزین آهسته گفت :

شما این کار را بمن واگذارید ، من او را قناعت میدهم .
وقتی محافظ در را کشود ، باذان ناگهان گفت ، نمیدانم چرا چنین شده ام ؟ فکر میکنم دل من بدرد آمده باشد .

قارن گفت : به اجازه جناب داروغه تو برو ، من بادوسه نفر همراهانم خواهم آمد .

داروغه سری شورداد و گفت :

بلی ، دوست شما برود ، من شمارا خواهم رسانید .

بدین ترتیب با اشاره قارن باذان رفت تا عیاران را بدرون بیاورد . داروغه تا میخواست دروازه را بکشاید قارن گفت :
فکر میکنم شما قبلاً نزد آن زن بروید دست و یاپش را بکشاید بعد به او خبر دهید که یکی از دوستان قارن از سرورود آمده است تا پیام او را به شما برساند و شماروی انسان دوستی مرا موقع داده اید تا نزد وی بیایم .

داروغه کمی اندیشید و در همان حال مستی بدرون رفت قارن بایکی از مشعل داران لختی بیرون ایستاد ، او درین فرصت کوتاه ب فکر نقشه بود تا اسماء را نجات بدهد و این کار بدون اسلحه و قتل داروغه امکان نداشت ، اما اسلحه را از کجا میآورد . دفعه تا توجه مشعل دار شد دید شمشیری بر کمر او آویخته است ، وضع را در ذهنش مرور کرد چاره داشت ، باید خطر را بجان میخرد ، او مرد شجاعی بود و هشت سال حبس و بند هم نتوانسته بود از شجاعتش بکاهد فقط خدا خدا میکرد اشتباهی از اسماء سر نزنند ،

صدای ضعیف اسماء بگوشش خورد ، معلوم میشد هنوز مقاومت میکرد ، بعد از چند لحظه داروغه بدرون آمد و گفت :

— عجب زن سر سختی است ، با آنکه از ضعف و ناتوانی نزدیک است بمیرد باز هم لجاجت و ایستادگی میکند .
قارن چیزی نگفت و بدنبال مشعل دار داخل شد . اتاق کشیفی بود بوی شمشیر کهنه میداد ، در گوشه اتاق روی پلاس کهنه ، زنی دید با چهره زرد نحیف و لاغر ، قارن نمیتوانست به پذیرد که این زن از پای افتاده همان اسماء زیبا و محبوبش باشد ، آهسته پیش رفت و سلام کرد .
زن نگاه بیگانه واری انداخت و با لحن دردناکی گفت :
که استی از جان من چی میخواهی ؟

قارن با تائر گفت :
من یکی از دوستان قارن استم ، همراه او در زندان
مروالروید یکجا بودم !

زن پرسید :
گفتی ، قارن ؟ آیا او هنوز زنده است و مرا بخواهد دارد ؟
قارن پیش رفت ، بازو بند را پیش کرد و گفت :
— آیا این را میشناسی ؟
زن گفت : بلی این بازو بند منست و تنها یادگاری از
شوهرم است .

قارن آهسته بازو بند دیگر را پیش کرد و گفت :
— حالا بگو این دیگر را میشناسی ؟
چهره زن با دیدن لنگه بازو بند باز شد ، سیماهای استخوانی
او کمی به سرخی گرائید و بیتابانه پرسید .

— آه ، خدایا ، این بازو بند اوست ؟ آیا من درست میگویم ؟
قارن نگاهی به داروغه افکند مشعل را از مشعل دار
گرفت ، کمی جلو رفت و در مقابل اسماء زانو زد و بعد به
صدای بلند گفت .

— این بازو بند را قارن در آخرین لحظه حیاتش بمن
سپرد تا به شما بسپارم .
و آهسته دست زن را گرفت و فشرد .

اسماء همینکه جمله آخرین لحظه حیات را شنید ناگهان
باصدای بلند به گریستن شروع کرد ، به تلخی گریست
بطوریکه حتی داروغه نیز به تاثیر افتاد ، برای اینکه مبادا
قلب سنگینش به رقت بیاید از اتاق برآمد این فرصتی بود
برای قارن ، سر را جلو برد و گفت :

— اسماء ، اسماء محبوبم ، آرام بگیر ، شجاع باش .
اسماء از لحن دوستانه قارن تکان خورد و گفت :
— چی گفتی ؟

قارن دست او را فشرد و گفت .
— قارن نمرده اما من مجبورم این حرف را بتو بزنم ،
او زنده است .

اسماء گیج و بهت زده به مرد تازه وارد خیره شده
فکرش کار نمیکرد ، در همین حال قارن برخاست و مشعل
را به جانب مشعل دار برد ، مشعل دار تا میخواست آنرا
بگیرد ، قارن هوشیارانه مشعل را برویش زد ، مرد
وارخطا شد ، دستهایش را برویش گذاشت تا جلوسوزندگی
آتش را بگیرد ، قارن به سرعت دست به نیام شمشیر او برد
و با همان چالاکی شمشیر را کشید و به سینه سرد فرو کرد ،
مرد فریاد درد آلودی کشید در همین حال مشعل به زمین
افتاد و خاموش شد ، داروغه شتابزده بدرون آمد تا به بیند
چه شده ، ولی قارن به او امان نداد و همینکه سیاهی هیکل
او را در تاریکی پیش رویش احساس کرد شمشیر را به شدت
جلو برد ، داروغه فریاد ترسناکی کشید و بدیوار خورد ،
قارن که چشمش به تاریکی عادت کرده بود بطرف اسماء
رفت و گفت :

اسماء غم نخور ، قارن منم ، برای نجات تو آمده ام ،
برخیز که بگریزم .

زن بیچاره از شنیدن این جمله تکان خورد ، بی آنکه
حرف بزند دست قارن را گرفت و با سبکی مثل پرکاه بدنبال
او براه افتاد ، مشعل دار که فریاد داروغه را شنیده بود
با مشعل جلو آمده تا به بیند چه شده ؟ اما دفعه دید این
مرد بیگانه دست زن را گرفته به بیرون میکشاند ، ناگهان
خطر را حس کرد ، فریاد زد و پهره داران را بکمک
خواست ، قارن به سرعت با شمشیر به او حمله کرد و او
را از پای درآورد ، مشعل او نیز خاموش شد و تاریکی همه
را فرا گرفت ، پهره داران از صدای رفیقشان وارخطا شدند
ولی در تاریکی کاری از دستشان بر نمی آید بزودی صدا
های مختلفی شنیده شده ، اهل حرم نیز احساس خطر کرده
بودند ، غالمغال و گیردار در آن نیمه شب وضع عجیبی
را بوجود آورد ، قارن کمی ایستاد ، او منتظر بود به بیند
دوستش بازان چه کرده است ، چون وقت زیادی از رفتن
او میگذشت ، هیاهو و غالمغال گوش هارا کرمیکرد هر کس
حس کرده بود که خطر جدی او را تهدید میکند ، در همین
کشاکش طنین فریاد اشخاص ناشناسی بلند شد ، بدنبال آن
چکاچاک شمشیر و بگیر و ببند نیز حواس قارن را متوجه
خود ساخت ، مدتی به همین متوال گذشت ، ناگهان صدای
باذان شنیده شد که قاری را صدا میکرد ، از صدای باذان
اسماء بخود آمد و گفت :

— مثلیکه قارن اینجاست ، او را صدا میکنند .
قارن او را بخود فشرد و گفت :
بلی ، قارن من استم ، بگذار ازین مخصصه نجات بیایم
همه چیز بتو معلوم خواهد شد .
اسماء این دفعه معنی جمله قارن را فهمید ، با دستهایش
بجستجوی چهره قارن برآمد و در همان حال ناله کنان گفت :
— آه ، پس تو قارن استی ؟ برای نجات من بدینجا
آمده ای !

تا میخواست چیز بیشتر بگوید که صدای باذان نزدیکتر
شد قارن او را بخود خواند ، باذان مشعل بدست بسوی آنان
آمد ، همینکه آنانرا سالم یافت ، خدا را سپاس گفت ،
قارن اسماء را روی دستهایش گرفت و بدنبال باذان روان
شد ، عیاران از خود گذر بر اوضاع مسلط گردیدند و تمام خانه
داروغه را متصرف شدند ، قارن اسر کرد مال داروغه را
تاراج کنند اما تاکید کرد که به هیچوجه زنها و اطفال را
اذیت ننمایند .

قرادیش قارن دانست که سی تن از شجنه ها به قتل
رسیده اند و چندتن از عیثاران نیز به شدت زخمی شده اند
خبر حمله به خانه داروغه بزودی در شهر پیچید فرمانروای
دشمن وقتی دانست اسماء از خانه ربوده شده جای پای
قارن و عیارانش را درین حادثه حس نمود . او خبر داشت
که قارن از زندان مروالروید نجات یافته و اجازه بازگشت

به هری را هم گرفته است از سوی دیگر قارن بد کمک باذان اسماء را نزد طیبی امین برد، طرفداران قارن روز بروز افزایش می یافتند، هنوز فصل بهار به نیمه نرسیده بود که قیام قارن آغاز یافت اسماء به کوشش طیب حاذق بزودی بهبود یافت و پس از نه سال دوباره وضع سابق خود را یافت، زنی شد وجیه وزیبا، درکمال شجاعت، لباس رزم را پوشید و در کنار همسرش قارن به قیام کنندگان پیوست فرمانروای دشمن در یک حمله باصقین اسیر شد، هری آزاد شد، نماینده دستگاه استعمار گروتبعیض طلب بنی امیه باردوی بزرگ از مروبسوی هری پیش آمد، ولی قارن باقوای بزرگ خود جلو او را گرفت و در دشت پروانه در شمال کوی الله اکبر دشمن را شکست دادند، نبرد سهمگین بود، در یک لحظه هردوقوا، رو در روی هم قرار گرفتند و محاربه شدیدی روی داد، چنان نبردی که باور کردنی نبود، همه میخروشیدند از دو طرف عده کشته شدند گروهی شمشیر خوردند و زخمی شدند، در تاریکی شب توفانی و در غرش باد و باران، در میان آن دشت بزرگ که تپه ها و و کوه الله اکبر اطرافش را فرا گرفته بود، همه بیجان هم افتاده بودند، همه بیجان میزدند، این مرگ بود که فریاد میکشید و این آسمان بود که میبارید، هوا گرم بود اما بارش سیل آسادر روز های آخر ماه ثور در گرما گرم اشتعال شعله محاربه امان از همه بریده بود، بلی آسمان میبارید تا خون خودی و بیگانه را بشوید سرانجام قوای دشمن شکست خورد، فرمانروای قوای دشمن وقتی باقارن روبرو شد در حالیکه از غضب و ناراحتی شکست بر خود می پیچید گفت:

— تو میفهمی چه آتشی افروخته ای؟ تو با این کار خود سراسر خراسان را به آتش خواهی کشید، تو با این وضع در میان دستهای خود آتش گرفته ای و بی خبری.

قارن برو فریاد زد:

در میان دستهایم، نه، درون قلبم آتش گرفته ام حالا این قلبهای ماست که یکبارچه آتش است و این آتش بنیاد ظلم و ستم، بنیاد استعمار و استثمار را در سرزمین ما خواهد سوزانید. قارن فرمان داد حلقه غلامی را پگوش او انداختند و او را روانه سرزمین نیشابور ساخت. بدین ترتیب قیام قارن به نتیجه رسید و برای نخستین بار هرات، قلب خراسان (۷) مؤقتاً از قید اسارت و استثمار آزاد شد، قارن باشکوه بیمانندی پیروز مندانه به شهر خود برگشت و زمام امور را در دست گرفت، در همین حال عده از کهن سالان ساق سلمان نزد او آمدند و به او عرض کردند:

— تو ساق سلمان را مرکز عملیات عیاران خود ساخته بودی پس از اسارت تو دشمن این ده بزرگ را سراسر ویران ساخت کاریزها و چشمه ها را خشکانید و اینک به آبادی دوباره احتیاج دارد.

(۷) این بیت معروف که در اکثر تاریخهای کهن ثبت شده بخاطر میاید:

شده است سینه روی زمین خراسان لیک

هرات از ره معنی دل خراسانست

قارن ناگهان به خاطر آورد، شبیکه در دشت پروانه گرفتار توفان، رعد و برق شده بود و باخستگی سر انجام خودش را به رودخانه رسانیده بود، همانوقت بفکرش رسیده بود که باید این آبهای سیلابی به نفع مردم، برای حصول غله بکار برده شود، پس باعیاران بر سر کوه الله اکبر برآمد و کنار شمال غربی قلعه الله اکبر، در منطقه که بعد نام کوه مختار را بخود گرفت بین دو برآمدگی کوه هائی را انتخاب کرد تا سدی برای ذخیره آب های سیلابی رودخانه ساخته شود، مردم فرمان او را بجان پذیرفتند و تلاش آغاز شد تا اواخر سال آینده، این سد به ثمر رسید و بنام بند قارن (۸) برای همیشه بخاطر ها ماند. مؤرخین اردوی قارن را درین زمان در حدود چهل هزار عیار و مبارز ذکر کرده اند که البته درست است، بالنتیجه قیام قارن باعث شد تا قوت دستگاه تبعیض طلب بنی امیه به تزلزل بیفتد، بطوریکه پس از او، فکرش دنبال شد و مردانی مثل استاد سیس و دخترش مراجل و سرانجام ابو مسلم خراسانی به تأیید مطالبات قارن قیام کردند و پس از تلاش فراوان امویهارا که خراسانیان را اعجمی و جزء موالی خود میدانستند بر انداختند و خود را از سر مفکوره های فراوان و ساطانی که بزور سر نیزه بر خراسانی ها تحمیل میشد نجات بخشیدند و اختفارات جاویدانی را برای خود و ملت خود کمایی کردند.

قارن سر انجام به تاریخ پیوست و با بهار جاویدان زندگی افتخار آمیز و باشکوه ملت ما همسفر شد و در خاطر نسلهای حق شناس و سپاسگزار آینده زنده جاویدماند (۹)

(۸) این رودخانه هنوز بنام رود قارون معروف و مشهور است استاد فکری سلجوقی مورخ شهیر در تاریخ هرات باستان درین باره چنین مینویسد: بند قارن در پشت پوزه کوه مختار واقع است و معروف است که قارن نامی (سپهسالار و قائد ملی در اول اسلام) اینجاسدی ساخته بود و آب ذخیره آن قریه های جبرئیل و ساق سلیمان آبیاری میکرد در بهار و زمستان آب بسیاری که از سلسله جبال به دهنه دوبر- ادران (کمر کلاغ) میریزد و از دره پشت کوه مختار به دهنه بند قارن سرا زیر میشود و تشکیل رودی میدهد که به رود قارن مشهور است، این رود در زمستان و بهار هنگام بارندگی آب دارد و تمام آن از قریه ها میگذرد و به انتهای کار تبار میریزد. خیابان، کابل: مطبعه دولتی. از نشرات انجمن جامی عقرب ۱۳۴۳، ص ۸۳.

(۹) قارن همانند ابو مسلم و طاهر فوشنجی از چهره های مشهور ملی باستانی کشور ماست، ولی سیمای قارن را نیز مثل دیگر قهرمانان هاله ای از افسانه های فولکلوری و حماسه های روایات ملی فرا گرفته است.

بهر حال به شهادت تاریخ او مرد بزرگی بود که سیزده قرن پیش سلحشوران قیام کرد و سالها بخاطر مردمش مبارزه کرد. (پایان)

دیوی قطعی او جزو تام رسول او په ښه توگه دهغوی کنترولول او دسوق او ادارې چاری دعلمی میتودونو او اساساتوله مخی پرمخ بیول برسیره پدی چه یوسهم او ضروری کاردی دیوقومانان داساسی او مهمو مسؤلینونو او وظیفونو ته هم شعیرل کیری .

په نړی کښی دنورو پرمختگونو او بریالیتوبونوپه څنگ کښی په نظامی او عسکری چارو کښی هم دحیرانتیاوړ انکشافات او پرمختیامنځ ته راغلی ، تخنیک او تکنیک په نوی ښه دتحول او تکامل په لورگرندی گامونه او چتوی اولدی سره جوخت ورځ په ورځ په عمکینو، هوایی او بحری ډگرونو کښی نظامی تعلیمات او عملیات په پراخه پیمانته انکشاف کوی اوددی بیساری تکنیکی او تخنیکی پرمختگونوپه څنگ کښی دنوو، وسلو او موذرنو وسایطو دمنځ ته راتلولمن پراختیا مومی چه دهمدغی اصل له مخی دعلمی میتودونو او اساساتو په وسیله دیوی قطعی او پایو جزو تام رسول دسر یو طو قوماندانانو پوهه، ابتکار علمی اونظری هغی ایجا بوی .

دعمل اونظر له مخی (دمثال نمونه) وی اوداڅکه چه دقطعی او جزو تامونو دحرکت او فعالیت دگتور توب او بریالیتوب راز اورمز په همدغه شان هغو کښی نغښتی دی، عسکری علم او پوهه همدغه ډول عمل اولوک ته ضرورت لری .

دقطعی د علمی او په علمی پرنسیبونو برابری سوقی ادارې له پاره دځینو مهمو موضوعاتو او تکو په نظر کښی نیول ضروری دی اوقومانان ښائی تل دیوی ښی ادارې او کنترول په غرض خپل مطالعات او څیړنی جاری وساتی .

ددی له پاره چه داسما هیت او اړخښت ساتل شوی اود سوق او ادارې سیستم ته کومه صدمه نه وی رسیدلی ښائی مخکی له مخکی دهغه دسر ته رسولو امکانات مطالعه او محاسبه او بیالاس لاندی کسانو ته ورکړشی همدغسی دتولور څښو فعالیتونوپه خواو شا کښی دکار اوزیارنه دښی او گتوری نتیجی دلاس ته راوړلو په مقصد دغور او پاملرنی نه کار اخستل یو پراخای کاردی اود وظیفوی او قطعی دستونځو اومشکلاتو په له منځه وړلو کښی زیاته مرسته کوی او په

د علمی اساساتو په وسیله د قطعی در سولو او اداره کولو چاری پرمخ بیول

ژباړونکی :- جگنورن حبیب الله (زړه سواند)

عین زمان کښی قوماندان ته دافرصت اوموقع په لاس ورزی چه وخت ئی عبث او بیخایه تیر نه شی اود ضرورت په وخت ښه قرار ورکړای شی .

دځینو پروگرامونو او پلانونوپه طرحه اوتطبیق کښی د همکارانو اولاس لاندی کسانو همکاری اونظر جلبول له یوی خوا دقوماندان دهمکارانو اولاس لاندی کسانو داستعداد اوابتکار دروزلو اوددی لپاره ښه شرایط برابریری او له بلی خوا ددغی گهی همکاری اود نظر یا تود تبادلې له لاری ښه حاصله اونیجه تر گوتو کیدای شی اوترتولومهمه او غوره داچه په همکارانو اولاس لاندی کسانو کښی دباور اواطاعت روحیه لاپسی پیاوړی کیری .

داچه په معیاری اومقایسوی ډول په تخنیکی اوتکتیکی ډگر کښی ځینی د تعجب نه ډک بدلونونه او اوبښتی راځی د صاحب منصبانو اود قطعی دنورو غړو د معلوماتونو د تازه کولو اود علمی اومسلکی سویی دلورلو په منظور وار په وار مشتی لاری چاری لتول اولازم امکانات برابرول په

هغه وخت چه عسکری تکنیک ابتدائی حالت او ښه درلوده اوانسانانو او هیوادونو په په خپلومتځو کښی جگړه ایز عملیات په ساده او ابتدائی وسلو او طریقو سرته رسولنو د قوماندانانو وظیفوی مسؤلیت اومصرفیت هم دنن په نسبت دوسره زیات اودرونه دنده، همدا کافی وه چه دخپلو شخصی مهارتونو اوتجربونه زیاته استفاده وکاندی خوولی دنوو اومدرنو عسکری تجهیزاتو او ډول، ډول عصری وسلو دمنځ ته راتلوله امله تکنیک اوستراتیژی هم خپله ښه واړوله یولوی اوشکاره بدلون او تحول پکښی راغی نو ددغو عصری تکنیکونو اوستراتیژی خصوصیاتو دکمیت اوکیفیت نه بشپړه استفاده کول او په نتیجه کښی دهمدغو خصوصیاتو په پوهولوسره دافرادو او جزو تامونو دښوونی اوروژنی مهمی چاری اودندی سرته رسول اوهم همدغه برخه کښی دافرادو مهارت اوقابلیت زیاتول دقوماندان ابتکار، استعداد اوجانگری اوصاف غواړی چه البته دغه دقطعی اوقومانان گډه هیله اوشر یک همدغه وخت تر سره کیدای شی چه قوماندان

کښې نور هم صحت او سرعت راشي، ښکاره ده چه علمي شخصيتونه او قوماندانان په هروخت او هرځای کښې دغه ډول ضروري اوحياتي اصولو او پرنسيپونو ته زيات ارزښت ورکوي او دکار او عمل د سمون او پرمختگ غوره اساس ټي بولي .

د مربوط قطعي او جزو تام په منځ کښې اخلاقي رقابتونه او وظيفوي سيالي منځ ته راوړل د پروگرام او د ټاکلي مهال وپيش سره سم په مربوطو چارو باندي د افرادو مصروف او بوخت ساتل زياتي گټي لري چه پدغه صورت کښې نه يوازي داچه د قطعي او جزو تامونو د مربوطو وغړو د جسمي او ذهني قوت او استعدادنه د يو عمل او وظيفي د سرته رسولوله پاره په زړه پوري او مطلوبه استفاده کيږي بلکه په علمي او فني توگه سوق او اداره هم خپل واقعي ارزښت او ضرورت څرگندوي او هم د نظم ، نسق او د سېلن په تامين کښې مهم رول لوبوي چه د هريو په خپل وار او خپل ځای کښې خاص اهميت لري او د قطعي او جزو تام د حرکت او فعاليت په چټکتيا او پرمختيا کښې پراخه او فعاله مرسته کوي . (پای)

علمي توگه د قطعي په رسولو او اداره کښې زياتي آسانتياوي منځ ته راغلي او هم د سوق او اداري په هڅو مثبت اغيزه کوي .

دلاس لاندي کسانو او جزو تامونو تر منځ د همکاري او خواخوږي روحيه ژوندي ساتل او دغه اجتماعي احساس ته وده ورکول په علمي ډول د قطعي او د قطعي د غړو او وکړو د اساسي اداري سيستم مهمه برخه تشکيلوي او د دغی روحی په مراعاتولو سره يوه قطعه او يو جزو تام کولای شي چه ډيري مهمی او درندی حضري او سفري دندي سرته ورسوي او په ډيرو مهمو او سترو مشکلاتو ډيري ومومي .

د گټورولارونه د مهمو او اغيزمنولار ښوونوپه وسيله د قطعي دوگړو او غړو پاملرنه د وظيفي ماهيت او قدسيت ته راگرځول او د هغوی هیواد پالنې او ملي احساس ته وده او انکشاف ورکول په حقيقت کښې په عملي او منطقي ډول د (سوق او اداري) پرمخ بيول دي او داددي سبب گرځي چه د قطعي او جزو تام په مربوطو او ورځنيو حرکتونو او فعاليتونو



د سوق او اداري چاري هغه وخت

په ښه توگه پرمخ تللي شي چه

د قوماندان له خوا ټی تل

څارنه وشي



ازم - فرزانه

تغییرات و بهتر شدن در اطراف تازه‌های جهان علم و دانش بکمال شدت ادامه دارد. علماء و دانشمندان در تلاش اند تا با تولیدات هر چه بیشتر و بهتر مالز مه‌های ساخته دست‌شان هنوز هم زمینه زندگی نیکوتر و خوبتر را برای باشندگان کره ارض میسر و آماده گرداند تا باشد که آنها دور از هرگونه جار و جنجال حیات خوش و مرفه را بکمال آرامی و راحتی پشت سر بگذرانند.

بروی ارزش‌های بالا ممالک متعدد میکوشند تا با عرضه کردن هر چه خوبتر مالز مه‌ها و وسایط جدید طرف ضرورت علاقمندان امتیازات و حاصله نیکوتر را بدست آورده و گذشته از آنکه توسط این نوآوریهای خویش یک مقدار اسعار کافی را بدست خواهند آورد همچنین خدمات ارزنده‌را برای مردمان سراسر گیتی نیز انجام خواهند داد، لذا رقابت برای بدست

آوردن امتیازات یادشده فوق با سرعت بیشتر ادامه دارد، مخصوصاً با تکنولوژی قوی ای که در شرائط موجود برای انسانها دست داده این رقابت‌ها قوس صعودی خود را میپیماید که ما شاهد چنین موفقیت‌ها با گذشت هر روز میباشیم،

در حال حاضر نیز این رقابت‌ها با سرعت هر چه بیشتر ادامه دارد تا ممالک تولیدکننده با عرضه کردن مالز مه‌های فنی خویش پیروزیهای درخشان تری را بدست بیاورند.

برای آنکه باصل موضوع خوبتر وارد شده باشیم در این شماره نمونه‌های چند از این موفقیت‌ها را بصورت مختصر ارزیابی کرده و آنها را از نظر میگذرانیم تا دیده شود که اشیای جدید تا کدام پیمان در رفع نیازمندیهای فعلی جهان که انسانها به آن مواجه اند مؤثر و ثمر بخش واقع خواهد گردید و کدام خدماتی را انجام و بسر خواهد رسانید؟

در بحث امروزی از آخرین تحولات و انکشافات که در ساحه الکتریک رخ داده و درین راه دانشمندان به موفقیت‌های مطلوبی راه یافته اند صحبت کرده و می‌بینیم که این اشیاء و مالز مه‌های جدید الکتریکی تا کدام پیمان در رفع احتیاجات سازندگان خویش مشمرواق خواهد گردید و گره از مشکل‌شان خواهد گشود.

اولین مطلب این بحث در اطراف لامپ‌های جدید و یا چراغ‌های جدید برقی میباشد که آنها را از نگاه ارزش و حاصله کار آن طرف تحلیل قرار میدهیم:

کمپنی زیمنس متعلق به جمهوریت اتحادی آلمان در این اواخر یک نوع لامپ یا چراغ را اختراع کرده که شش مرتبه نسبت به دیگر لامپ‌ها روشنی داشته و به نصف آمپیرهای دیگر چراغها ضرورت دارد، قرار اظهار سازندگان این لامپ‌ها شده میتواند که از آن

در اکثر موارد، مخصوصاً در طبابت سالون‌های سینما، صحنه‌ها و استدیوم‌های مختلف ورزشی استفاده کرد که به مراتب نتیجه حاصله کار آن نسبت به دیگر چراغ‌ها مفیدتر و اضافه‌تر خواهد بود.

روزیکه دانشمند و مخترع بزرگ جهان توماس ادیسون موفق بکشف برق و تحت کنترل در آوردن این نیروی بزرگ در راه روشن کردن محیط برآمد و از لامپ برای روشنائی استفاده نمود هرگز تصور نمی‌کرد که برق منشاء بسز گترین تحولات مثبته در اکتاف جهان گردد و همه چیز را تغییر دهد.

در مراحل ابتدائی چراغها یا لامپها با اندازه چراغ‌های فعلی پیشرفته و تکامل یافته نبودند و نمی‌توانستند مثل چراغ‌های امروزی اطراف و محیط خود را روشن و نورانی نمایند.

قسمیکه تولید برق بسرعت انکشاف یافت بعین ترتیب لامپها نیز انکشاف یافته‌تر شدند که در حقیقت همان وظیفه اولیه را با کمی تغییر انجام میدهند یعنی روشن کردن اطراف و جوانب خود و از بین بردن ظلمت و تاریکی.

مطالبی که در این اواخر از جمهوریت اتحادی آلمان رسیده حاکی از آن است که کمپنی زیمنس آنکشور در راه انکشاف و تحول چراغ‌های برق گام‌های اساسی برداشته و یکنوع چراغی را اختراع و طرف استفاده قرار داده که حداقل ۶ برابر روشنائی اضافه‌تر را نسبت بدیگر چراغها دارا میباشد و ارزش اضافه‌تر آن در این است که با وجود روشنائی اضافه‌تر بقدرت کمتر یعنی نصف دیگر چراغهای معمولی ضرورت دارد.

از این چراغها در مراسم مخصوص و تشریفات بالخاصه چراغان کردن و تزئین خانه‌ها، جاده‌ها، پارکها فابریکات و سالون‌های نمایش و بسی موارد دیگر بوجه نیکوئی استفاده شده میتواند.

یکتعداد از مهندسين الكتریسته عقیده دارند که ببازار آمدن لامپهای جدید کمپنی زیمنس سبب تغییرات و دگر گونیهای متعدد در بازار لامپها و مصرف کنندگان آن خواهد شد و ممکن است دواير و موسساتیکه که احتیاج به تزئینات شهری داشته باشند، عوض استفاده از لامپ‌های فعلی از لامپ‌های جدید که از طرف کمپنی زیمنس جمهوریت اتحادی آلمان اختراع شده استفاده کنند. زیرا فواید بیشماریکه در چنین لامپها دیده شده مصرف کنندگان را از هر هکذر قانع ساخته و رضایت شانرا حاصل خواهد نمود.

با ترتیبات خاصی که در چراغ‌های جدید بکار رفته، اگر چه فعلاً مراحل ابتدائی خود را می‌پیماید مگر با نهم نظر به ارزانی قیمت، کمی مصرف و روشنی کافی دیری نخواهد گذشت که سیل علاقمندان و خریداران را لامپهای جدید بطرف خود جلب خواهد کرد که شاید با گذشت يك مدت هنوز هم نتیجه بهتر و قناعت بخش تر از آن غرض استفاده عموم بدست خواهد آمد. همچنین در این اواخر يك چراغ دیگر بنام چراغ قوه جدید ببازار آمده که علاوه از سادگی، ساحه استعمال آن هم خیلی وسیع و فراخ میباشد. چراغ قوه جدید این امکان را میدهد که از داخل آن یعنی از پشت نور باشیاء نگاه کرد.

این چراغ که اخیراً در کالیفرنیا ببازار آمده علاوه از موارد استعمال متعدد آن همچنین از طرف دو کتوران دو کتورهای دندان، لوله کشها، میخانیکها، کارگران برق، ماهیگیران و قایقرانان طرف استفاده قرار گرفته میتواند.

بعین شکل در این چراغ قوه جدید وسایلی بکار رفته که در موقع ضرورت اشیا را از حالت اصلی آنها بزرگتر و روشنتر نشان میدهد. باید افزود چراغ قوه جدید نظریه حاصله بهتری که از آن در يك مدت

بسیار کم بدست آمده نوید آنرا میدهد تا از آن در آینده در موارد متعدد و متنوع مخصوصاً در ساحه علم طب استفاده‌های سرشاری کرد.

جاروب برقی بدون برق یکی دیگر از محصولات جدید است که طرف استقبال علاقمندان آن قرار گرفته و ببازار عرضه گردیده است.

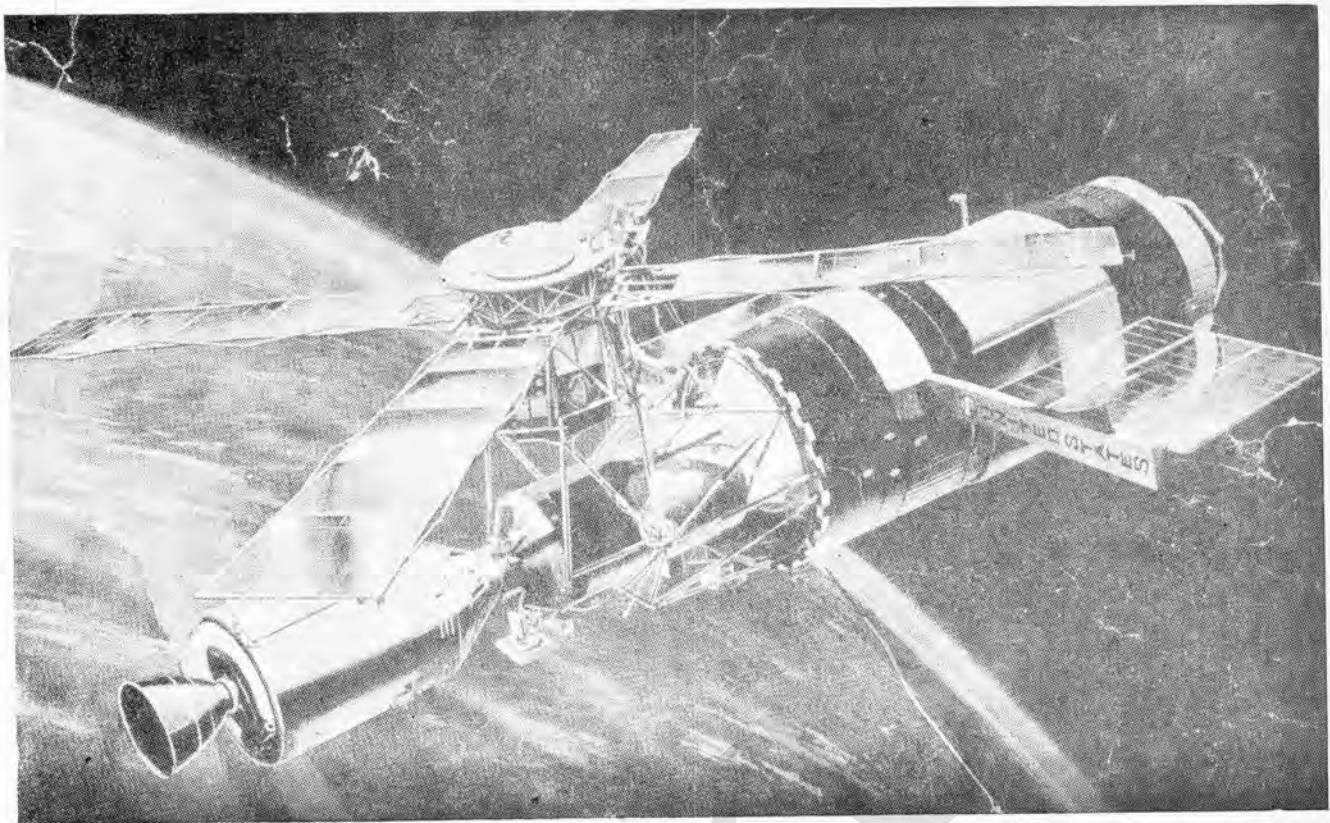
جاروب برقی صنعتی که احتیاج و ضرورت بنیروی برق ندارد توسط يك فابریکه امریکائی عرضه شده.

جاروب جدید که «ورتکس» نامیده میشود از یکنوع جدید پمپ جت استفاده میکند که با هوای فشرده موجود در فابریکه کار میکند بدون آنکه احتیاج و یا ضرورتی به نیروی برق داشته باشد.

این جاروب برای محل‌های مخاطره آمیز ایده آل و مناسب میباشد زیرا موتور و یا انجن ندارد که جرقه تولید کند. همچنین سیم کشی ندارد که اتصالی پیدا کند. از اینرو این جاروبها در محل‌های فروش رنگهای مختلف پودری و روغنی و در محل‌های هائیکه مواد منفجره از قبیل باروت و غیره بقدر کافی وجود داشته باشد مورد استعمال خوب دارد که شده میتواند بدون از هر نوع درد سر توسط جاروی جدید مواد منفجره و غیره را جارو کرد.

جاروی ورتکس هر نوع ناپاکی کثافات، ضایعات و هر چیزیکه از لوله ۵ سانتی متری آن بگذرد. جمع آوری میکند. بعین ترتیب برای مکیدن مایعات از داخل مخزنها و حوضچه‌ها هم بکار برده شده و طرف استفاده قرار میگيرد.

جاروب جدید که بنام «ایراسپین» هم مسمی است و از طرف کمپنی واکيوم پولمن در ماساچوست ساخته شده نظریه نتیجه حاصله بهتری که از فعالیت آن گرفته شده و همچنین نسبت به قیمت ارزان و مصونیت آن درباره تولید حقایق، طرف علاقه بیشتر مردم قرار



شکل متکامل سکا یلاب

گرفته و نظریه سهولت و طرز استعمال ساده آن استفاده از یک پایه آنرا در شرایط فعلی اکثر لازمی و عادی از هرگونه اشتباه میدانند.

استفاده از بطریهای بادوام نیز قدم دیگری است در راه زندگی آرام و مرفه انسانها. زیرا در شرایط فعلی رشد سریع نفوس در اکناف جهان با دیگر ساحه های زندگی هم آهنگی ندارد.

قسمیکه با گذشت هر سال چندین میلیون به نفوس جهان فزونی بعمل میاید بعین ترتیب گذشته از هزاران احتیاج و ضرورت دیگر انسانها، آنها برای ادامه حیات و تهیه غذا و پیش بردن دیگر چرخهای زندگی به انرژی و قوه حرارتی بیشتر ضرورت دارند. در حالیکه با گذشت هر روز انرژی زمین پایان رسیده و مصارف آن با سپری شدن هر روز بیشتر شدت پیدا میکند. که

این امر یک عدم هم آهنگی را تولید و شرائط زندگی را بالای انسانها سخت تر و دشوارتر میسازد.

لذا دانشمندان و علمای مختلف جهان در صدد اند تا با مطالعات وجد و جهد فراوان جلو چنین بی موازنگی را گرفته و اشیائی وارد کنند تا بتواند تلافی این رکود جهانی را تا یک پیمانهای بکند.

با پیروی از گفته های یاد شده بالا و تخفیف بخشیدن بحران عمومی میتوان بطریهای بادوام را بقسم نمونه مثال آورد.

در نتیجه تحقیقاتی که برای قوای بحری امریکا بعمل میاید یکنوع بطری پر قدرت الکترو شیمیائی تکمیل شده که مدت های طولانی اضافه تر از بطریهای معمولی و عادی کار میکنند. از آنجا نیکه قوه این بطریها وقتی طرف استفاده نیست تمام نمی شود لذا

میتواند سالها برای چراغ های قوه و رادیو که گاه طرف استفاده قرار میگردند یک منبع نیرو باشد.

این بطریها که دارای ولت قوه یا قدرت میباشد توسط دو کتور اوم هلرود و کتور جمیز آبورن و همکارانش در لابر اتوار مربوط به « شرکت جنرال تیل-فون و الکترونیک » در ماساچوست ساخته شده است.

کشف جدید ناشی از مطالعاتی است که بالای خواص مایعات غیر ارگانیک صورت میگرفت.

زمانیکه این گروه مصروف مطالعه بودند متوجه شدند که بعضی مایعات غیر ارگانیک راهی میتوان بعنوان هم حلال و هم اکسید کننده در سیستم بطریهای فلزقلتی بکار برد و منبع انرژی پر قدرتی بدست آورد.

با استفاده و بهره برداری از این شیوه متخصصین مذکور یک بطری

امتحان‌ی را ساختند که قادر است بطری مذکور ۸ مرتبه اضافه تر از دیگر بطریهای خشک معمولی انرژی بدهد.

بطری جدید بصورت عمومی از ۳ قسمت تشکیل گردیده، یک آنوداز فلزیلیتوم، یک الکتروکاتود و یک الکترولیت مرکب از نمک‌های غیر ارگانیک دریک حلال غیر ارگانیک. از صفات و مشخصات عمده بطری الکتروشیمیایی یکی آنست که مایع یا منبع انرژی صرف هنگامی مصرف میشود که مدار بسته باشد و بطری نیرو یا قوه تخلیه کند.

و یا بعبارة دیگر باید گفت یک چراغ دستی و یا دستگاهی مشابه که با این نوع بطری فعالیت میکند ممکن است بعد از گذشت سالها بدون استفاده بوده و بازرگر فتن فعالیت آن دوباره مثل روز اول که ساخته شده شروع به فعالیت و یا کار نماید.

یکی از صفات دیگر آن ثابت است میباید زیرا این بطری جدید بصورت دوامدار نیروی ثابتی به چراغ دستی و یا رادیو میدهد بدون آنکه قدرت و نیروی آن دچار ضعف گردد.

اخیراً یک قسم خورد از این بطریها ساخته شده که مخصوص برای ساعت‌های دست میباید و در نظر است در رادیوها و تلویزیونهای خورد و گوشکیها هم از این بطریها استفاده و بهره برداری گردد.

از موارد دیگر استعمال این بطریها استفاده در قوای بحری میباید که از آن درار تباطات تحت البحریمهای مین گزاریها و فعالیت‌های موشک‌ها استفاده خواهد شد.

مهمترین ساحت استعمال این بطریها در مصارف نظامی و عسکری است که حتی آنها در مقابل درجه حرارت ۷۶ تا ۱۴۶ درجه فار نهایت مقاومت خواهند کرد.

یک تعداد اوصاف خورد و ریزه دیگر نیز این بطریها دارند که در شرائط

موجود لا براتوارهای شرکت «جنرال الکترونیک» در شرف ثبت اختراع خویش میباشند تا آنرا بعد از یک مدت کم بیازار عرضه کنند. امید است در آینده و با مطالعات و تغییرات اضافه تر هنوز هم ساحت استعمال این بطریها وسیع تر شده و مصدر خدمات ارزنده تری برای انسانها گردد؟ ...

با رشد و انکشاف دانش کافی امروزی و تکنولوژی قوی که در شرائط فعلی بیک پیمانسه ای وسیع پیشرفت کرده و حتی در بعضی مواقع خارج از تصور می نماید، آینده شرائط زندگی بهتری را برای انسانها در پیشرو خواهد داشت زیرا این انکشافات و ترقی در ساحت‌های مختلف زندگی چشمگیر بوده و با گذشت زمان هنوز هم بوسعت آن افزوده خواهد شد.

دانش و تکنولوژی مدرن در بعضی مواقع حتی از افسانه‌ها و تخیلات علمی هم سبقت نموده اند که بطور مثال یکی از آنها دنیای حیرت‌آور دیودهای ساطع کننده نور میباید.

این ادوات خورد شگفت‌انگیز تاریخ کوتاه دارند اما فعلاً جانشین عقربه‌های ساعت شده و عوض لامپ‌های کوچک برق بکار میروند و حتی در ماشین‌های محاسبه جیبی مورد استفاده زیاد دارند، گروه محصولات مخصوص الکترونیک شرکت مونساتو در زمینه استفاده از دیودهای ساطع کننده نور که پیشقدم هستند چهار سال پیشتر با استفاده از دیودها اولین نمایش حروف و ارقام را عرضه داشتند. نمایش حروف و ارقام عبارت از ظاهر شدن روشنایی‌های خورد بشکل حروف الفبا یا ارقام است که مفهوم و معنی مخصوص دارند.

استفاده از این اختراع تازه در زمینه تکنولوژی دیودها کافی است است که شخص را بسر زمین‌های افسانه‌های تخیلی علمی ببرد.

این اجسام خورد افسانوی علاوه بر ماشین‌های محاسبه جیبی و ساعت‌ها ساحت استعمال فراوان دیگر هم دارند بعد از وصول تقاضاهای کافی و پائین آمدن سطح قیمت بیازار عرضه خواهد شد و طرف استفاده عموم قرار خواهد گرفت.

دانشمندی که در کار تکمیل تکنولوژی دیودها مصروف خدمت هستند صحبت از نقش و چگونگی دیودها عوض لامپ‌ها، تصاویر تلویزیون، چراغ داخل خانه و موترها میکنند و حتی آنها پیشروی کرده و میگویند که در آینده در مالز مه‌هایی مانند دکمه‌های تیلیفون، چراغ دستی، کلید تغییر تلویزیون و ادوات بشمار دیگر با کمک دیودهای ساطع ساخته خواهد شد.

زمانکه معلومات طرف اطمینان توسط علام خورد نورانی خواسته شود دیودها آنرا بدون معطلی بسر خواهند رسانید.

استفاده از دیودهای ساطع اگر چه یک مسله نو و تازه میباید مگر تولد آن از سال ۱۹۰۷ آغاز میگردد. در آن وقت شخصی بنام «راوند» یک قطعه کریستال کاربیدسیلیکون را به سیم یک بطری نزدیک کرد. در قسمت اخیر یکی از سیم‌ها جرقه‌های نور زرد رنگ نمایان گردید که در حقیقت این اولین ساطع از دیود بود.

این کشف راوند گذشته از آنکه سروصدائی تولید نکرد همچنین بوظئه فراموشی سپاریده شد و تا سال ۱۹۵۰ هرگز هیچکس از آن هیچ یادی نکرد.

در آن سالها بود که خواص ژرمانیوسلیکون طرف تحقیق قرار گرفت هر دو این عنصر نیمه هادی در حقیقت از مواد بین هادی و عایق بودند، امواج کنترل شده الکترونها در این مواد باعث شد که نور ماوراء سرخ ساطع شود.

در سال ۱۹۶۲ دیود ساطع کننده

نور بطور نورمال قابل رویت ساخته شد. از آن سال به بعد زمینه برای اختراعات مختلف برای دیودها فراهم و میسر گردید.

در شرائط موجود شرکت مونسانتو دیود هائی را عرضه میکند که از تراشیدگی های بسیار نازک به اندازه مواز گالیوم آرسنید و گالیوم آرسنید فاسفید ساخته شده اند در این تراشیدگی ها اتصالات دیود بخش شده تا الکترون ها را عندالزوم به اهتزاز در آورند.

ارقامی را که دیودها بقسم نور سرخ روشن نشان میدهند صرف ۳ میلی متر ارتفاع دارند اما برعکس بسیار قابل دید و خوانا میباشند.

قطار کردن ۷ دیود هر یک از ارقام را از صفر تا ۹ بشکل نورانی نشان میدهد. موظفین دیودها را بقسم ارقام ترتیب داده و در یک عدسیه پلاستیکی میگذارند که هم دارای استحکام و مقاومت بیشتر بوده وهم بشکل واضح تر قابل دید یا رویت باشد.

البته با استفاده از مواد مختلف شده میتواند سایر نورهای رنگه را نیز تولید کرد، که در شرائط موجود رنگ های زرد و سبز آن تولید گردیده که طرف رضایت قرار گرفته است. عکس العمل دیود های ساطع کننده نور چندین مرتبه تیزتر از لامپ برق بوده و عمر دراز تر و طولانی تر دارند که تقریباً به ۱۰۰،۰۰۰ ساعت میرسد.

با این عمر دراز و مزیت فراوان برای دیودها ساحه استعمال وسیع در نظر گرفته شده و فراهم گردیده که شرکت مونسانتو قسمت بزرگ آنرا در دست دارد.

اولین ساحه بزرگ استعمال برای دیودها در بکار بردن ماشین های خورد محاسبه بود.



چراغ دستی جدید

دقیقه ها و ساعت ها طبقه بندی کرده و به دیودها میدهد تا بشکل نورانی آنرا مجسم گردانند.

تنها وظیفه را که مالکین این ساعت ها انجام میدهند اینست که د کمه ساعت خویش را فشار میدهند تا نیروی بطری بکار آغاز نماید و دیودها را در صفحه ساعت روشن نماید.

حساسیت این ساعت ها تا اختلاف ۶۰ ثانیه در سال تضمین میشود. عمر بطری آن اگر بقسم عادی طرف استفاده قرار گیرد بیشتر از یکسال خواهد بود.

نداشتن قطعات متحرک، مقاومت بیشتر به مقابل ضربه و صحت و دقت عالی این ساعت های الکترونیکی را نسبت بدیگر ساعت ها ممتاز تر و بهتر ساخته است بطوریکه در هر سال سالانه میلیونها عدد آن ساخته شده و طرف استفاده عمومی قرار خواهد گرفت.

قیمت این ساعت ها نسبت بدیگر ساعت ها یک اندازه اضافه تر میباشد اما در صحت و اقتصادی بودن آن در آینده نسبت بساعت عادی فرق بزرگ خواهد داشت.

اگرچه از عمر تکنالوژی دیودهای ساطع کننده نور زمانی درازی سپری نمیگردد مگر بآنهم در این وقت کم از آن نتایج مطلوب و قناعت بخش بدست آمده که ترجمانی از آینده درخشان و امیدوار کننده آن میکند و اختراعات شگفت انگیز و دنیای نوینی را نوید میدهد که شاید با مطالعات بیشتر و آزمایشات دقیق تر و علمی تر هنوز هم حاصله بزرگ و نیکو در اکثر از ساحه های زندگی از آنها گرفته شود که جواجوی آینده بهتر انسا آنها در اکثر از ساحه ها خواهد بود.

اگر ماشین های خورد حساب بدون از داشتن دیودها ساخته میشدند در آنصورت کار و فعالیت آنها چندان قناعت بخش و درخور توصیف نمی بود. از همین سبب آنچه در طرز فعالیت و کار آنها اهمیت دارد، مدار های بسته یکپارچه هستند که اطلاعات را طبقه بندی و ذخیره کرده و بایک اشاره آنرا ظاهر میسازند و شرکت مونسانتو سلیکون های مخصوص مدار بسته یک تکه را برای این صنعت تولید میکنند.

ساحه استعمال دیگر برای دیودهای ساطع کننده نور فعلاً ساعت های دستی «نبض دار» است که در سال ۱۹۷۲ توسط شرکت ساعت سازی هامیلتون بی بازار آمد.

ساعت های نبض دار این فابریکه با کمک دیودهای ساطع کننده نور ارقام را بصورت نورانی نشان داده و قلب این ساعت ها کریستال کوارتز است که در اصل یک شگفتی طبیعی دیگر است و در فیثانیه ۳۲۷۶۸ مرتبه نوسان میکند. در اینجا نیز یک مدار یک تکه آن ضربانها را به ثانیه ها،

در سهائیکه اردوی امریکا پس از سقوط ویتنام آموخته است

ترجمه از: — تورن جنرال عبدالقدیر «خلیق»

دلیل موجودیت اردوی امریکا نشانهٔ تعميل اوامر حکومت آنکشور بوده و اگر يك مملكت در حرب مرتكب اشتباهی میگردد قصورش بر اردوی آنکشور تحمیل نباید شد اردوی امریکا مسئولیت خویش را در برابر افراد و رئیس جمهور که سرقوماندان قوای مسلح آن کشور میباشد ، بخوبی احساس کرده میتواند .

گردد ، که قربانی جوانان در راه این جنگها به حیات بازماندگان کمک و معاونتی را انجام داده میتواند اگر غلطی های رون گردیده باشد ، که در ظهور آن هیچ شبهه ای وجود ندارد ، برخی از این خطاها ، در تکتیک میتواند ، پروسیجرها ، پروسیجرهای نظامی عملیاتی و امثال آن خواهد بود . پس قبل از اینکه اردوی امریکا ، بکدام حرب خونین دیگری داخل شود ، بهتر خواهد بود که غلطی های قبلی خویش را اصلاح نماید .

بدرجه دوم اگر به فراموشی ویتنام اجازه داده شود و مانند یک عمل منحرف آنرا رد نموده و صرف در اطراف حر بهای ظفر یا فته سخن رانی به عمل آید ، در آنحال از تجارب قیمتداری که ازین حرب بها بدست آمده است ، هیچ استفاده نشده و در اردو اصلاحاتی تبارز نمی نماید . گویا افسران جوان و سربازان عصر امروز از تجارب جنگ ما فوقان خویش بهره را حاصل نکرده و فاقد اینگونه معلوماتهای مانند تدریس و سخن رانی در اطراف جریان محاربات ویتنام و خاصتاً در قسمت خبطه های که در محاذ مذکور به عمل آمده افسران جوان را تنویر نموده احتمال موقیت آنها را در حربهای آینده بیشتر می سازد . بدرجه سوم اردوی امریکا یک اردوی بس عاقل و باتجربه و یا خود خیلی های حسود خواهد بود که اگر ادعا نماید که آنها کار بس خوبی را در ویتنام انجام داده و صرف تصمیمات مقامات غیر نظامی امریکا دشمن را از مغلوب شدن نجات داد . اگر مقامات عسکری

هنگامیکه مباحثه ها در اطراف ناکامیهای ویتنام جریان نموده و در این قسمت هاتبصره هامیگردد ، منسوبین اردو بامتانت خاصی ابراز نظر کرده و میگوید : « بما اجازه فتح کردن این حرب داده نشد . » این اظهارات در حقیقت قدمه های جناحی یک سوال بس مهم دیگری است که متوجه سربازان اردو میگردد و آن اینست : « آیا قسمتی ازین تصور متوجه ما است ؟ » - آیا مارول بهتری را بازی کرده میتوانستیم ؟ اگر حل این مسئله مربوط عسکری میباشد ، در آنحال به یک خطر نظامی منتج گردیده و یا اینکه و قتر و با مصرف کمترین بحرب خاتمه داده میشود .

گرچه نویسندهٔ مضمون راعقده بر آن است که وی جواب این سوال را نمیداند مگر پرسش آن حتمی است . چیزها تیکه به سلسلهٔ سوالات و پیشنهادات بروز مینماید در حقیقت لوله های روشنی اندازهای ایست که در تنویر آن کاری را انجام میدهد . حقائق و واقعیت ها در خود اردو هویدا بوده و اگر به حسن شعوری و حافظه و خاطرات زمان مراجعه گردد و به بروز مفکوره ها میدان داده شود ، در آنحال هر چیز از خلال آن ها نمایان خواهد شد .

ارزیابی دقیقانه حربهای ویتنام و نتیجه گیری درست از آن هم برای اردو وهم برای ملت امریکا فوائد بیشماری را تامین کرده میتواند اولتر از همه بایست متذکر شد که باوجود اینکه حیات جوانانیکه در خلال این نبرد ها از دست رفته و حالاتلافی شده نمیتواند ولی اقلان این قناعت فراهم

امریکا اجازه این ادعا را بخود میدهد، در آنحال اشتباه و خطائی را مرتکب شده خواهد بود، که همین ادعا آنها را به تلخی بیشتری مواجهه ساختن است و هم در اخیر باید متذکر شد که اگر مقامات عسکری ملتفت حرکات و معیضات اجراءات خود نمی‌شود، دیگر مقامات مسئول بآن متوجه گردیده و قضاوت را بدست میگیرند.

گویا فوه اجرائیه و یا کانگرس و گروههای صاحب قدرت، ملامتی‌ها را از بالای یکدیگر خود بدور افکنده و چنین تجویزی را اتخاذ نمایند که اردو به یک خانه تکانی احتیاج دارد.

تعمق درین موضوع به مقصد بوجود آوردن اصلاحات، می‌بایست به دقت خاصی اجرا گردد. مسائل مهم روی اساسات قانونی بررسی گردد. گویا مسائل مذکور نه روی احساسات بلکه در چوکات پرنسب‌های مسلکی گنجانیده شود. مثلاً اگر گفته شود که آیا اردو برای پیشبرد جنگ درست تشکیل گردیده بود و یا خود، یا دشمن و کرکتر متیک او را به خوبی می‌دانستند آیا مفکوره‌های تعلیمات هوائی و دریائی اهداف خود را بدست آورده می‌تواند؟ در صورتیکه تحلیلات اردو از انتقادات متوجه خودش سرچشمه میگیرد، نتایج آن ضد تولیدی (?) خواهد بود. همچنان اگر تحلیلات مذکور برین بنا یافته باشد که آیا جنرال (x) از جنرال (n) بهتر بوده و یا خود فرقه دهم پیاده نسبت فرقه دوازدهم دشمن بیشتری را کشته باشد، در آنحال نتیجه آن طور اعظمی، خود را ذیحق پنداشتن است.

در اینجا بسا مسائل تخنیکی تصادف می‌گردد که اثرات آن بر بسا اشخاص و ایجنسی‌ها تعلق می‌گیرد: آیا سلاح M ۱۶، یک اسلحه درستی در جنگ ویتنام بوده؟ آیا بوجود آوردن وسائط مخارطی فوق العاده عالی جهت کشف نمودن بایسکل سواران و قایق ران‌های ویتکانگی مفید بوده؟ آیا اشتراک قوای هوائی در عوض طوپهای کشتی‌ها جهت وقایه و حمایه نزدیک قطعات بهتر می‌بود؟ پرسش و پاسخ دادن به همه سوالات ولو به اشخاص و ایجنسی‌ها هم تماس نماید باز هم می‌باید صرف بمقصد آموختن تجارب حرب و لی نه بقکر متهم گردانیدن آنها اجرا گردد.

از همه چه عمومیت‌های متواتر، منطقاً بعضی سوالات عرض اندام می‌نماید که هر کدام آن عمداً ارتباط می‌گیرد بر مسائل زمان ویتنام و بر نقصانات تعلیمات اردوی وقت که تمام آنها راهیست که مقامات عسکری امریکا را از تجارب مستحصله ویتنام بسوی اصلاحات حال و استقبال رهبری مینماید.

اصرار بر اهداف قریب :-

آیا امریکائی‌ها در ویتنام مساعی بهترینی که لازم بود بخرچ داده‌اند و یا اینکه برای مغشوش ساختن ما موریت نهائی و مکتوم گردانیدن هدف اصلی، توجه خود را بر اهداف

قریب معطوف نمودند؟ بطور مثال پالیسی پرسونل رامطرح بحث قرار باید داد مثلاً مسافرت ۱۲ ماهه افراد در ویتنام از نگاه مورال و بلند بردن روحیه آنها طبعاً یک چیز خوبی بوده ولی فراموش نباید کرد که اگر این اجراءات را از نگاه نظامی مورد مطالعه قرار دهید ملاحظه خواهید نمود که تا چه حدی گران تمام شده خواهد بود؟ پس هنگامیکه تصمیم یک ساله خدمت افراد در ویتنام اغلباً از منابع سیاسی سرچشمه می‌گرفت، اینکار برای طراحان نظامی از نگاه پلان گذاری حربی، که به مدت خدمت بیشتری نیاز مندی داشت خیلی‌ها سخت و مشکل تمام می‌شد.

اکنون که حرب ویتنام خاتمه یافته است آیا کسی ادعا کرده می‌تواند که دامنه پرابلمها چیده شده و در پیشروی اردو پرابلمی عرض اندام نخواهد کرد؟ نی، تا زمانیکه بشر در قید حیات و میدان کارزار زندگی مشغول جد و جهد است ایجاد پرابلمهای نوین متناسب به درجات حل پرابلمهای اسبق، ادامه یافته و بشر همواره با موجودیت پرابلمها پنجه نرم خواهد کرد.

جستجوی تکامل: تکامل یک عملیه دوامداری بوده که دائماً حیات انسان، حیوان و نبات بآن مواجه می‌باشد. اردوی امریکا از بدو تشکیل خود مانند دیگر اردوهای جهان، همواره رویتکامل بوده و از تجارب و اندوخته‌های حرب جهانی و ویتنام استفاده‌های خوبی نموده و نظریه ایجابات تجارب مستحصله در تشکیل، تسلیح و تجهیز آن تعدیلات لازمه را بوجود آورده است، سویده‌های تکامل نظریه زمان فرق نموده و تکامل امروز را میتوان غیر تکامل فردا خواند و بنحویکه مشاهده می‌شود هر روزیکه میگذرد، چیزهای نوینی در تمامی ساحات فعالیت‌های بشری رونما گردیده و ایجابات فوق و زمان هم‌راهم‌را مجبور و وادار به یک تحول می‌سازد، زنجیر و سلسله تحولات عاری از گسیختن بوده و باید طور لاینقطع به پیشرو ادامه بیابد. اردوی که از تحول بازماند گوئی اسمش را مرگ خواند. دردنیای کنونی نوآوری‌ها و تجدید حتمی است اردو هم در تکامل خویش بسوی تشکیلات نوین به پیشرفته و خود را به آهنگ پیشرفت زمان هم‌راهم‌را گردانیده اسلحه و وسائط نوین و آنچه را که تکنالوجی معاصر بما ارزانی نموده، در اردو شامل سازد، در غیر آن اردو هادر صورتیکه از ترقیات زمان بی‌بهره مانده و انکشافی در آن رونما نمی‌گردد محققاً که با اردوهای معاصر جنگیده نخواهند توانست پس در حالیکه کشورهای جهان صلح و آرامش حقیقی را آرزو نمایند بایست سلسله تکامل اردوهای خود را از دست نداده و در پرتو بوجود آوردن تکامل و انکشافات استقرار توازن قوا را در جهان تأمین نموده و بشریت را از نائره یک حرب فجیع و تباہ کن برکنار سازد.

اردوی امریکانیز به تأیید مفکوره فوق‌الذکر همواره سلسله انکشافات و تکامل را دنبال نموده متعاداً می‌کوشد



یک طیاء ثقیل بمباردمان
در حال نشستن به زمین

بس و پیچیده را طور صحیح و درست در زمان بس کوتاهی حل نموده و در امورات بکار انداختن و استعمال اسلحه و وسائط جدید سهولت های بیشماری را بار آورده مینماید ولی بایست تعداد آنها بقدر کافی بوده از تعداد زیاد آنها که بنیه اقتصادی اردو را تضعیف میسازد، خودداری باید نمود. سیستم های مختلف کمپیوترها از قبیل، سیستم اوپراسیونهای تکتیکی، سیستم تأمینات لجستیکی و سیستم توجیه آتش تکتیکی از زمره سیستم هایی خواهد بود که بر حسب آرزوهای افسران جوان جای تطبیق خود هارا در اردوهای مودرن پیدا نمایند ولی اجرا این امر زمان را بکار دارد. اینهم ناگفته نماند که اردوها به سیستم های بس بزرگ و پیچیده احتیاج نداشته بلکه کمپیوترهای کوچک و نسبتاً ارزان نیازمندیهای فرقه را مرفوع ساخته میتواند. از اینکه ارزش دالر رو به سقوط است آیا امریکا حقیقتاً به کمپیوترهای تکتیکی، که قابلیت عملیاتی آن در پرتو عوامل نورمال محاربه مانند حرارت، گرد و خاک و حرکات دشمن تهدید میگردد، ضرورت خواهد داشت. از طرف دیگر، جای تعجب است که چرا انسانها در محلات خطرناک و مدتهاش ماشین را در عوض افراد بکار نمی اندازد. اردوی امریکا آلات سانسور کننده رادر سرتاسر ویتنام، به مقصد کشف حرکات دشمن، بکار انداخته و سپس کور کوران به آتش دست زد. مفکوره مذکور در ابتداء خوب و در بساحالات مفید بود ولی مرور زمان این حقائق را که آلات سانسوری اینکار را حتی به یک درجه غیر قانع کننده ایفا مینماید، آن را به شکلی در آورد که بیش ازین بخطر انداختن حمایت افراد، بیلزوم جلوه نمود. مثلاً وقتاً کمپهای بس های نظامی اعتماد خود را تماماً بالای آلات مخا براتی تخنیکی اتکاء داده و از اشخاص مترصد و امنیتهای قریب کمتر استفاده کردند، دشمن از خالیگها حلول نموده و بسبب هلاکت افراد گردیدند که همین چیزها به ذات خود اردوی امریکارا از ادامه همچو فعالیت های، که در آن حیات اشخاص تهدید میشده باز داشت.

تا نظر به تجارب حربهای ماضی و حال و با استفاده از دروس تاریخ حرب، وقتاً فوقتاً خود را عیار گرداند تا واقعاً بتواند صلح و آرامش را که آرزوی واقعی کافه مردم جهان است تأمین نماید.

در جریان تکامل اردو، نقطه مهم و قابل غور، همانا ایجاب سادگی ها و دوری از پیچیدگی ها می باشد که باید این مفکوره اصلاً از مغلیه پلان گذاران تشکیلاتی بدور افکنده نشود. مگر طوریکه دیده می شود اکثر پیچیدگی ها رونما گردیده و عنصر حقیقی اردو را که عبارت از جنگجویان و یا خود اشخاصیکه واقعاً جنگ کرده می توانند، نابود ساخته و در مقابل چیزهای را که فاقد این قدرت است داخل می سازد مثلاً موجودیت کمپیوترها یا ماشین های حساب برای هر فرد عسکر یک چیز اضافی و بیلزوم می باشد. شاید شمول اینها در پرتو عکس العملهای دماغان بسیط، به عمل آمده باشد ولی عقیده نویسنده مضمون برای است که اردو بیک تعداد محدود ولی کافی متخصصین تحلیل سیستم های ریسرچ و اوپراسیون، نیازمند بوده و باید در پرتو تقلیل تعداد همچو اشخاص تعداد افرادی که عملاً دست بجنگ زده و سلاح خود را در برابر خصم بکار می اندازند؛ افزود گردد زیرا قدرت آتش بلند و قابلیت مانور یک جزو تام در میدان جنگ یگانه عامل استحصال ظفر محسوب گردیده شاهد موفقیت را در آغوش آن میکشاند. گرچه ناگفته نماند که موجودیت تکنیشن ها، فزیک دانان ذروی، و دیگر متخصصین شقوق مختلف در اردوی میکانیزه و عصری امروزه هم حتمی و ضروری است ولی تعداد آنها نباید به اندازه زیاد ساخته شود که موجودیت آنها را بیلزوم ثابت نموده و از تعداد افراد محارب که در حقیقت هسته استحصال موفقیت محسوب می شود بکاهد یا بباره دیگر قدرت محارب بوی جزو تام محارب را مختل و ضعیف گرداند.

اینهم قابل تذکر است که ماشین های حساب (کمپیوترها) چیزهای عجیب و خارقه اساسی را انجام می دهد گویا حسابات

استخدام و بکار انداختن همچو ماشین های الکترونیکی بعوض پرسونل در آینده توام با انواع دستگاه های مخابراتی که معلوماً تها را در باره دشمن به کمپیوترهای ساحه محاربه داده و چند ساعت قبل از وقت موجودیت خصم را در محلی پیش گوئی مینماید برای اردو خلی ها ارزان تمام میشود زیرا در استحصال آن از ریختن خون بشر جلوگیری گردیده و از ضیاع حیات جوانان مبارزه کننده جلوگیری به عمل می آید. گوئی انجام این مأمول بواسطه خارقه های تکنالوجی تا مین گردیده و در پرتو آن طور دوامدار میتوان از پرنسیب های تامین مرکز ثقل توسط پرسونل بیشتر فعالیت های با صقینی را اجرا و مؤفقت را کسب نمود. مگر در ایفای این امر، یک مشکلی وجود دارد و آن اینست که خارقه های تکنالوجی طوریکه شاید و باید در ویتنام در برابر یک دشمنی که مجهز با اسلحه بس عالی تخنیک نبوده، آنقدرها مفید واقع نشد. مثلاً در اکثر اوقات سیستم های مذکور توسط چنان معلوماً تهای خام مغلوب ساخته شد که امریکائیا به مشکل میتوانستند، معلومات درست را از نادرست تمیز و فرق نمایند. اکنون درینجا سوالی عرض اندام میکنند که: آیا تجارب مادر برابردشمن آینده که از نگاه اسلحه و وسائیل تخنیک و داشتن تکنالوجی معادل باشد، چه خواهد بود؟

همچنان «اگر دشمن هم خدعه، جیم ساختن الکترونیکی و تکاشف آتش را بالای مرکز کمپیوترهای ما تطبیق نماید در آنحال ما دوباره به همان لوحه استیات و پنسل روغنی به مکتب انتاج انس یا استخبارات خود مراجعه نموده میتوانیم یا نه؟ بلی! ولی این مراجعه ما با عدم داشتن معلومات در طریقه قدیم نتیجه مثبتی نداده و مشابه به این خواهیم ماند که گوئی هم از زاغ مانده ایم و هم از رزاق. و هم این نکته را نباید فراموش کرد که شاید در بسا اوقات لوحه نیز میسر نگردد. که در آنوقت به مشکلی برخورد کردنی هستیم.»

گفتار فوق مفهوم این را ندارد که گوئی اراده اینست که بر استخدام سیستم های مخابراتی تنقید و استعمال آنها را نادرست خوانده و هم بکار انداختن کمپیوترها در وظائیل استخباراتی بی لزوم می باشد ولی هدف اصلی آن است که در پهلوی این نوآوری سیستم های کار اسبق را نیز فراموش نباید کرد آنرا به حیث یک آلترنتیو (Alternative) دیگر همواره نهاداشته و پرسونل را در هر سیستم تحت تعلیم و تربیه قرار داد، تا باشد که در فقدان یکی از دیگری استفاده نمود و بدینوسیله ماشین فعالیت محاربوی را مغتنق و فلج نباید ساخت. حربها، منحنیت تعریف، عاری از تاثیرات قیمت بوده فقط باید تقلیل استخدام را فیما بین انسان و ماشین همواره طور حتمی قبول نمود. تاکنون هیچ تعویضی در برابر سرباز مجاله کننده عرض اندام ننموده و از طرف دیگر اینهم گرانتی شده نمیتواند که کمپیوترها بکلی از حملات با صقینی و یا خود فریب خوردن مصئون خواهند ماند.

گویا انسان و ماشین هر دو جای خود را حفظ نموده و ساحاتی وجود دارد که استخدام یکی بر دیگری سر جح می باشد. در اخیر بایست متذکر شد که کارهای خراب تکنیکی را، در حالیکه ماشین از اجراء آن عاجز ماند، بواسطه افراد انجام باید داد.

راحت و قناعت :

درین قسمت . وقتا اردوی امریکا را بعد از حرب ویتنام مورد ارزیابی قرار میدهم چنین سوالی برای خود آنها پیدا می شود که آیا منحنیت یک اردو، نظر به ماحول و محیط زیست خود از حد زیاد مستریح گردیده اند؟ آیا حیات خوب و مملو از وسائل راحت و جاده عالی موفقیت عزم و اراده آنها راست و نرم ساخته است؟ ولی اگر واقعیتها نادیده گرفته نشود همین است دلالتی که میباید مورد بررسی قرار داده شود.

اگر در حقائق نظری افکنده شود، وسائل راحت زندگی از قبیل میز و چوکی، یخچال ها و هزاران ایرکاندیشن ها، موترهای لوکس و هیرسپری و غیره سامان میدان محاربه تماماً چیزهای بوده که از طرف امریکا، نیما در ویتنام ترویج داده شده. اگر از این چیزها گذشته و به فائقت های هوائی بردشمن نظری افکنده شود دیده می شود که استعمال هلی کوپترها بکثرتی که در ویتنام استخدام گردید، خاصاً حینیکه قابلیت نگهداشت یک پارچه اراضی از طرف قطات امریکائی متحصرباین امر ساخته میشود که توسط هلی کوپترها در آنجا رفت و آمد نمایند، ماهیت یک تلک عمیقی را بخود اتخاذ کرد. مقامات عسکری امریکا را عقیده بر آن است که اگر آنها خود را باین اندازه به استعمال هلی کوپترها مربوط نمی ساختند شاید قرارهای خوب تکنیکی را داده و موفقیت های بیشتری را نصیب می گردیدند. از طرفی هم فراموش نباید کرد که موجودیت وسائیل نقلیاتی هوا و قدرت آتش طرف های بس خوبی را دارا بوده و آنرا می بائست یکی از تجارب خوب محاذ ویتنام در پلان گذاری های آینده خواند و قیمت آرمی ایوشین یعنی قوای هوای اردو را از نظر دور نیفکده و تعلیم و تربیه و کوآردنیشن اردو را با کونترپارت هوائی مربوط به خودش را اصلاً فراموش نباید کرد.

بعین شکل می بایست اردو، در حربهای آینده علاوه از داشتن وسائل حیاتی اردو گاهای عصری مانند خانه سیار و جنراتورها، در قسمت خیمه و چراغ های تیل خاکسی و وسائیلیکه آنقدرها زیاد مودرن نباشد، نیز تسرتیبات لازمه را اتخاذ نماید تا باشد که در احوالات فقدان یکی از دیگری نیز استفاده شده بتواند. همچنان در عوض وسائیل نقلیاتی زمینی که تعداد آنها از حد لزوم بیشتر است به تمیه وسائیل جنگی که بالفعل کار نقل و محاربه را داده

طیاره عجدید

برای امور

اقتصادی

این طیاره در انگلستان ساخته شده. بالها وانجن آن در قسمت عقب طیاره نصب شده است. در قسمت پیشروئی آن دو بال کوچک برای محافظه استیوارت طیاره گنجانیده شده. این طیاره وظایف آتی را اجرا کرده میتواند: انتقال دادن الی یک تن وزن، پاش دادن کود کیمیاوی و مواد کشنده حشرات در زمین های زراعتی، خاموش ساختن حریق و غیره. کانیپیز (محل بارگیری) این طیاره طوری ساخته شده که بوقت بسیار کم از طیاره جدا گردیده و سامان لازمه بجای آن نصب میگردد. سرعت اعظمی این طیاره ۱۳۳ کیلو متر در ساعت میباشد.

عادات خراب را باید از سیستم زندگی خود اخراج نمایند تجارب اندوخته شده محاربات ویتنام می بالست در مکاتب تربیه افسران و خورد ضابطان مورد تطبیق قرار داده شده و بر اساس آن و تحول آوردن در سیستم تعلیم و تربیه صاحب منصبان و خورد ضابطانی را بار آورد تا در تحت هرگونه شرایط حیاتی بالاستفاده از وسایل بسیط حربی و زندگی به وظیفه اصلی که عبارت از مجادله در برابر خصم است، محاربه را پیش برده و خود را مربوط به وسایل رهایش لوکس و وسایل بس عالی تخنیککی نسازند.

اندوخته های جبهه ویتنام از تجارب بس قیمنداری است که بخون و ارزش حیات ملیونها جوان بدست آمده که می باید از هر کدام آن استفاده اعظمی به عمل آمده تشکیلات، تجهیزات، تسلیحات و سیستم تعلیم و تربیه خود را نظربان عیار و تنظیم نمود، تا باشد که در پرتو همچو نو آوریها، اردوی متشکله هدف مطلوب را در حر بهای آینده بدست آورده بتواند.

امروز مقامات نظامی امریکا در مرحله استفاده ازین تجارب قرار داشته و یقین کامل است که نوآوریهای این اردو، بتواند در راه تامین صلح و سلامت گیتی خدمت ارزشمندی را انجام داده ساکنین این کره خاکی را از یک حرب خون آشام و تباه کن مصئون گردانیده مأمول اصلی که عبارت از رفاه و آسایش مردمان گیتی است برآورده سازد. (پایان)

بتواند مبادرت گردد. گویا سیستمی را که در آینده اتخاذ باید کرد طوری باشد که واقعاً مربوط به اشیای یوکس مانند ایرکاندیشن، جراتور و ماشین های الکترونیکی نبوده بلکه در شرایط بسیط زندگی نیز فعالیت کرده بتواند. همچنان ترك دادن يك مقدار وسائط مخابراتی برقی مانند بیسیم و شبکه تلی تایپ فوق العاده دردناک است ولی اگر عدم موجودیت و عدم استعمال آنها در تحت آتش دشمن ممکن باشد، بهتر خواهد بود که از وسائط مخابره که آنقدر هامدرن و عصری نباشد نیز استفاده به عمل آید.

اگر در حر بهای آینده، بالاستفاده از تجارب قیمندار ویتنام، افراد در عوض داشتن کوکه کولا، انواع مشروبات بسکوت و چاکلیت و غیره سامان داخل (PX) (مغازه های عسکری داخل قطعات که انواع اشیای لوکس را دارا می باشند)، مهمات و ادوات مورد ضرورت جنگ را با خود نقل می نمایند، در تحصیل مؤفقت و ظفر وول بیشتری را دارا خواهند بود. از طرفی هم اگر یک صاحب منصب قرار گاه کار و استراحت را در یک محوطه آرام و لوکس انجام می دهد، آیا آنها قوماندان کندک را که صرف در هفته یک مراتبه از جبهه محاربه به عقب آمده و بعد استراحت و احیای مجدد از نارامی های جنگ دو باره رهسپار وظیفه میگردد، ملامت کرده خواهند توانست؟ بعین شکل اگر وسایل نقلیاتی مختلف و هلی کوپتر ها به قوماندانان عالی رتبه فرصتی را می دهد که ما نور یک قطعه خط تماس با دشمن را از نزدیک ببینند آیا آنها صاحب منصبان خورد رتبه را می توانند که در قسمت عدم داشتن استقلالیت حرکت و دادن قرار های ضعیف ملامت نمایند؟

سوالات فوق از زمره هزاران سوالانی است که جبهه ویتنام، آن هارا بحیث تجارب ذی قیمت، به اردوی امریکا داده است. زیرا امریکائی ها درین محاذ عصری ترین وسایل و وسایل حربی خود را مورد استعمال و تجربه قرار دادند ولی جریان حرب ثابت ساخت که انسان مناسبت خود را به تمامی وسائل راحت و خوب و آسان زندگی مربوط ساخته در پهلوی آنها یک اندازه وسایل و وسایل بسیط زندگی را قرار دهد تا عندالضرورت از آنها نیز استفاده نمود و هم در مقابل با منطبق ساختن عساکر در شرایط مشکل و دشوار میدان آثار زار از اکمال وسایل راحت و لوکس بیلزوم زندگی، که با شرایط محیطی میدان محاربه مفایرت دارد، کاسته و در عوض آن چیزهای را اکمال نمود که در جریان و سرنوشت حرب تأثیری را وارد کرده بتواند.

در اخیر باید گفت که اردوی امریکا از محاذ ویتنام بسا چیزها و عاداتی آموخته که بعضاً خوب و بعضاً نامطلوب میباشد عادات خوب کسب شده صرف در پرتو مشق و تمرین بیشتر جز خو و عادات پرسونل اردوی آنکشور شدنی بوده ولی



مطالعاتی در تحلیل قرارگاه نظامی جمهوریت عربی مصر

به دوام گذشته

ترجمه: جگر نازکان حرب فضل الربی

تا با ایجاد این نوع رخنه بتوانند پل‌های پانتونی را تاسیس و برای عبور وسائط به صحرا از آن کار گیرند. اسرائیلی‌ها حساب نموده بودند که مصری‌ها با استعمال وسائط تورمال مانند مواد منفلقه و بولدوزرها ۲۴ ساعت و یا بیشتر به کار خواهد داشت تا در محلات مطلوب به ایجاد خالیگاه موفق گردند که البته این مدت وقت کافی برای اكمال سقربری و اقدام متقابل قوای اسرائیلی محسوب می‌شد در نتیجه تجربه به مصری‌ها ثابت شد که پایپ‌های آبی که با فشار زیاد از خود آب را خارج کند به سرعت و به پیمانته و سیعی خریده‌های ریگی را بیجا نموده و قادر خواهند بود که در مدت ۳ الی ۴ ساعت خالیگاه‌های مطلوب را به امتداد خط برلیف در ساحل شرقی بوجود آورد. بدین لحاظ و تر پمپ‌های

کوچک با قدرت عالی تامین و پرسونل را به مقصد استعمال آن تحت تعلیم و تربیه قرار دادند. خلاصه نشان دادن ابتکار فوق و در یافت راه حل ممکنه به شکل فوق هم جواب لازمه فراهم ساخته شد.

بدون شبهه مشکل دیگر عبارت از خود کانال بود. جریان آب بحال ملایم و آرام نبوده بلکه جریان و ارتفاع سطح آب در هر ۶ ساعت تغییر می‌خورد. در انتهای قسمت شمال سویه مدوجزر در حدود ۶۰ سانتی متر بوده اما به طرف جنوب این رقم بیشتر شده می‌رفت در حالیکه در انتهای قسمت جنوبی فرق در حدود ۲ متر مشاهده می‌شد. سرعت جریان آب که در قسمت شمال ۱۸ متر در دقیقه ثبت می‌شد در آوا نیکه به قسمت جنوبی می‌رسید به ۹۰ متر در دقیقه بالغ می‌گردید. کانال که دارای طول ۱۷۵ کیلومتر و عرض ۱۷۰ الی ۲۲۰ متر میباشد توسط خلیج آب تلخ شکسته گی حاصل و مانند بحر اختلال موسمی داشت. برای رسیدن به یک نتیجه درست و کسب غلبه به این مشکل اسناد مربوط چندین ساله موظفین کانال به صورت دقیق تحلیل گردید. در منطقه آل بلاه کانال یک چرخ را اجرا نموده و هر دو قسمت کانال درین حصه به تصرف مصری‌ها باقیمانده بود، این محل نیز به مقصد انجام تمرینات طرف استفاده قرار گرفت. قوما ندان قطعات استحکام مدعی شده که افراد مربوطه او عملیه عبور از کانال را بیشتر از ۳۰۰ مرتبه با نظر داشت شرایط حقیقی محاربه انجام داده بودند اینها همه مشکلاتی مادی بود که اسمعیل به آن مواجه و بایست راه حلی به هر یک ازین مشکلات در یافت می نمود.

بر علاوه نامبرده به یک مشکل دیگر که آنرا تب خندق می‌نامید نیز مواجه شده بود زیرا اردوی مصر در مدت ۶ سال اخیر به حالت مداغه موضعی بسر برده و او مجبور بود تا عساکر خود را برای اجرای یک تعرض عادی سازد. اکثر آ برای شان اظهار می‌کرد که اردوی مصر برای اجرای یک حرب ناگزیر است تعلیم و تربیه دشوار، طاقت فرسا و دوامدار بود و اکثر آ هر حرکت به حال مکرر اجرا می‌گردید تا هر نفر وظیفه خود را در محاربه به صورت مشخص در حالیکه به خود و اسلحه خود اعتماد داشته باشد انجام داده بتواند اسمعیل بعداً توجه خود را به بهبود وضع محاربه وی صاحب منصبان بالخاصه به صاحب منصبان مادون تمرکز می‌دهد افسران تنبل و غیر مستعد را از اردو پاک کرده و مرخص ساخت. در جنوری ۱۹۷۱ ستاندارد دخول محصلین عسکری به پیمانته قابل ملاحظه بالا برده شد. این اقدام سبب شد تا برای جنگ اکتوبر افسران شایسته، جوان و قدامت کار به اختیار شان باشد.

انتخاب روز تعرض:

به تاریخ ۶ اگست جنرال شازلی لوی درستیز قوای مسلح مصر یک سفر دیگر به دمشق انجام داده و بعداً در همین ماه یک کنفرانس طولانی را در اسکندریه دائر کرد.

پلان ساختگی به مقصد فریب دادن دشمن:

در یک مصاحبه بانمایندۀ جریده مشهور الازهرام جنرال اسمعیل در موضوع طور ذیل ایضاحات داد: « در هر حرب دو پلان موجود است که یکی آن بنام پلان حرکات و دیگرش بنام پلان ساختگی یاد میشود. یقین دارم که در احضار پلان ساختگی به سویه ستراتیژی و سفربری عمومی توفیق حاصل نموده ایم. و برای اینکار محل و زمان را طوری عیار و ترتیب نمودیم که بازمان تنظیم شده پلان حرکات به صورت موازی و هم آهنگ انکشاف مینمود.»

پلان ساختگی مصر مؤثرانه کار کرد و به شکل ذیل احضار شده بود:

احضار نموده یک سلسله تاسیسات تدافعی دائمیه در ساحل غربی کانال تاضربات متقابلۀ اسرائیل را جذب نموده بتواند و بدشمن این فکر را تقویت بخشد که برای دفاع از یک تعرض اسرائیل به غرب کانال آماده گی از طرف مصر گرفته میشود. اسمعیل اعتراف کرد که این پروژه پرمصرف و مشکل بود. در سایه این فعالیت های ساختگی تدافعی مواضع کموفلاژ شده و پناگاه برای سلاح، وسائط و جبخانه انشا گردید. مالز مه و تجهیزات لازم در اثنای شب انتقال داده شده و تا درجه ممکن به پیشرو ذخیره میشود. برای مثال مالز مه پل سازی که در ذات خود جسیم، زیاد و ستر و اخفا آن مشکل است تا آخرین لحظه به عقب گذاشته شده و در زمان مساعد قسمت اعظم آن بداخل محفظ های عظیم به پیشرو انتقال و در چاله ها و محلات حفر شده قبلی گذاشته می شد، برای اینکه از طرف دشمن کشف نشود روی آن پوشانیده می شد هم چنان به عقب دیوارهای خریطه های ریگ ساحل غربی تاخت های کانکرتی برای توپ و تانک ها به مقصد اجرای انداخت های دیرکت ساخته شده بود.

مصری ها در ده سال اخیر مانورهای خزانی را به صورت مسلسل به مقاصد مختلف در منطقه کانال اجرا می نمودند ولی مانورهای مربوط به چهار سال اخیر به عبور یا هجوم از موانع آبی بیشتر به سینا مختص گردانیده شد ادامه این فعالیت ها به نظر اسرائیل تکرار تمرینات قبلی و عادی تلقی شده و فکر نمی کردند که در مانور آخری مصری ها دست به فعالیت غیر عادی بزنند بنا بر آن این وضعیت سبب آشوبش و آلارم یهودی ها نشد.

مصری ها هم چنان به یک اقدام ظاهری دیگر نیز تشبث نمودند؛ طوریکه قسمت انتهایی شمال ساحل شرقی که به شکل یک مثلث و مرکب از اراضی شوره زار، جبه زار و نم دار بوده و به تصرف مصر باقی مانده بود.

و نسبت تشکل اراضی اسرائیلی ها برای اشغال آن کدام علاقه از خود نشان نداده بودند مصری ها به انشا یک معبر خشک در منطقه اقدام نمودند تا به اسرائیل وانمود سازند که تعمیر این راه از لحاظی صورت می گیرد

پلان گذاران عالی مرتب از هر دو مملکت مصر و سوریه با درجه احضارات، مؤثریت قوای مسلح و امور مربوط به کوردیناسیون را بررسی و راجع به وضعیت داخلی اسرائیل تدقیق و مطالعه بعمل آورد. گروهی که مشغول جمع آوری معلومات برای دریافت تاریخ مساعد جهت شروع اجرای حرکات بودند را پوری با تشریحات مفصل تکنیکی ترتیب و یکی از ماه های اکتوبر و یاسپتامبر را برای این مقصد پیشنهاد کردند. در پیشنهاد در حالیکه از لحاظ سیاسی ناممکن نباشد حق اولیت به اکتوبر تا کید شده بود. روز حقیقی تعرض به مفاهمه مشترک دولیدر مصر و سوریه یعنی حافظ الاسد و انورالسادات تثبیت شد. این روز برای هفته های متعدد صرف به دوزعیم فوق معلوم بوده دیگران ازین تاریخ کدام اطلاعی نداشتند. هر دو رئیس دولت قراردادند تا روز شنبه ۶ اکتوبر که مصادف به روز دهم رمضان المبارک بود بحیث روز تعرض انتخاب شود. این روز در عین زمان سالگره مبارکه بدر که یکی از جمله مجاربات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در شبه جزیره عربستان و در واقع اولین ظفرشان بود؛ محسوب میشد. بدین لحاظ قسمت عسکری حرکات جرقه را بنام حرکات بدر مسمی ساختند. اعراب این حرب را بنام حرب دهم رمضان یاد میکنند.

عواملیکه در تثبیت ۶ اکتوبر به حیث روز تعرض تاثیر وارد آورده بود:

— عامل سیاسی؛ حمایه عرب و دنیا درین زمان به نفع مصر و سوریه اعظمی خواهد بود. هر چیز دیگر مجبوراً از راه استعمال قوه بدست آورده خواهد شد.

— درین روز وضع جوئی متعادل بوده و شرائط هیدر و گرافی برای کشتی ها مساعد خواهد بود.

— شب دارای طول اعظمی بوده (در حدود ۱۲ ساعت) قسمت اول با داشتن روشنی مهتاب به تعرض امکان میبخشید تا موضع سرپل را تحکیم و قسمت دوم آن (بدون روشنی زیاد) به انتقال تعداد زیاد پرسونل، مهمات و وسائط به پیشرو بدون دیده شدن مساعدت میکرد.

طوریکه این روز در ماه رمضان، اتفاق افتاد و اسرائیلی ها که مشغول فعالیت های انتخاباتی برای ۲۸ اکتوبر بود، انتظار چنین یک حمله را نمی کشیدند پلان گذاران مصری این شایعات را که روز ۶ اکتوبر نسبت عید مذهبی یهودی ها انتخاب گردیده و مفکوره شانرا مبنی بر اینکه درین روز هر یک از افراد یهودی مشغول مراسم دینی خود بوده و مصر توانست ازین فرصت استفاده نماید، تردید نموده اند. مصر برای اثبات تردید شایعات فوق مدعی شده اند که اشخاص مسئول اسرائیل به صورت قطعی میدانستند که احتیاط های شان درین روز به کجا هستند (در خانه و یادار کنیسه) در حالیکه این وضعیت به سال نو یهودی که مصادف به ۲۹ الی ۲۷ سپتامبر است مغایرت کلی داشته و تماس کمترین مقامات مربوط و افراد برقرار میبود.



راکت پورتاتیف دافع هوای (پلوپایپ) انگلیسی

تا عندالموقع از آن به سرعت استفاده نموده و به استقامت شرق به امتداد راهای ساحل شمالی وادی سینا پیشرفت نماید.

فعالیت پلان ساختگی دیگر یکه به مقصد فریب دادن و اغفال دشمن عملی گردید مسئله قلعه شانوا در استریا بود. از قلعه مذکور وظیفه یک پایگاه ترانزیتی یهودی هایکه از اتحاد شوروی به قصد اسرائیل مهاجرت می نمود استفاده میگردد. برای مسدود ساختن این پایگاه (کمپ) ترانزیتی کماندوهای سوریه یک قطار آهن آستریائی هارا

اسرائیل بدون اینکه به طیارات شان صدمه دارد آید بعد از سقوط دادن ۱۱ طیاره جت قوای هوایی سوریه سالمآ به مراکز خود فرود آمد. اما سوریه درین تصادم هوایی به سقوط هشت طیاره خود اعتراف کردند.

این واقعه سبب تولید غیظ در بین قوای سوریه شده و اصرار داشتند تا روز تعرض نسبت به روز تعیین شده پیشبرده شود اما اسمعیل متین و آرام به این کار ابراز موافقت نکرد. به تاریخ ۲۴ سپتمبر تمرکز قوای سوریه به جبهه جولان از طرف اسرائیلی ها احساس گردید و موشی دایان وزیر دفاع اسرائیل به بلند بردن احضارات قوای مسلح آن کشور به یک درجه بالاتر امر داد. اما در عمل یک مفهوم قابل ملاحظه محسوب نگردید. با آنهم در دوران سال نو یهودی به صورت مخفی و بدون افشا نمودن به طبقه عامه یک غنڈ زره دار را از بیرشبا به قسمت شمالی ارتفاعات جولان انتقال داد (این انتقال احتمالاً مانع اشغال مکمل ارتفاعات جولان از طرف سوریه شده باشد). سال جدید بدون مجادله مخصوصاً به پایان رسیده و اسرائیلی ها مجدداً به کشیدن نفس راحت تری شروع نمودند به تاریخ ۳۰ جنرال اسمعیل به همکاری هم پایدانش جنرال تلاس در یک تلگرام اظهار کرد که حرکات بدر قریب الوقوع میباشد. به تاریخ اول اکتوبر قوای مسلح مصر و سوریه به حالت تیارسی آورده شد و قوای زره دار سوریه جهت انتقال به مناطق تجمع به حرکت شروع نمود در جبهه مصر به فرماندهانها ابلاغ شد که این فعالیت یک تمرین سفربری بوده و برای قطعات استحکام زمینه مساعد خواهد شد تا تا سیستمات تدافعی را تقویه نموده و راه خشکه که تحت انشا بود تکمیل خواهد ساخت، تمرکز قوتها به طرف پیژو آغاز شد طوریکه غنڈها به مقصد اجرای تمرینات در اثنای صبح بطرف غرب حرکت کرده و در عصر صرف یک کندک آن بازگشت نموده

ر بوده و حکومت استریا تقاضای خاتمه دادن به روش مهاجرین یهودی شد. مصری ها به این عمل بانی میلی موافقت نشان داده بود. صدراعظم استریا به تقاضای کماندوهای عرب جواب مثبت داده که این عمل باعث تأثر و آشفتگی اسرائیلی هاشد. وحادثه مذکور سبب بروز انفلاق سیاسی در اسرائیل گردیده که بدون شک تأثیری در انتخابات آینده و قریب الوقوع اسرائیل دارد می نمود.

از عنصر دیگر پلان ساختگی به مقصد اغفال نمودن دشمن یکی هم راهپوری بود که برای نشر به جریده الاهرام سهرده شده و در آن تذکر داده شده بود که برای آنعده از افسران نظامی که به ادای عمره (حج کوچک) اقدام می کنند مساعده داده خواهند شد هم چنان مرخص نمودن بیست هزار احتیاط به مقصد فوق به تاریخ ۳ اکتوبر خبر و این پلان بود علاوه تا اعلامیه دیگری نشر و در آن تذکر رفته بود که وزیر دفاع رومانیه به تاریخ ۸ اکتوبر جهت ملاقات با وزیر دفاع جمهوری عربی به قاهره وارد خواهند شد.

به تاریخ ۶ سپتمبر جنرال اسمعیل دیر کتیف قدرالی بیشتری صادر و در آن اعتبار از اول اکتوبر تصریح گردیده بود تا قوای مصر و سوریه به وضعیت آماده باش ۵ روزه در آورده شود. در یک ملاقات سران عرب که برگزار گردید روابط اردن دوباره با بعضی ملل عرب نزدیک شد و هم به علیحضرت ملک حسین پادشاه اردن درباره عملیات جرقه و حرکات بدر معلوم ابسبهم داده شده بود موافقت کرد تا احضارات علنی اتخاذ و قوای خود را به ساحل دریای اردن انتقال دهد تا به اینصورت اسرائیلی ها را در ساحل غربی دریای اردن تهدید نموده و بر علاوه دوجبه دیگر درین منطقه نیز به استخدام قوت مجبور ساخته شود. به تاریخ ۱۳ سپتمبر بین اسرائیل و سوریه یک تصادم هوایی بوقوع پیوست که نظر به ادعای

سخنان چاودان

دوست دارم پرداخت مزد کارگر را پیش از آنکه عرق وی خشک شود.

خداوند فردی را که بیکار باشد دوست نمیداند.

«حضرت محمد ص»
کبر او غرور د عقل او پوهی سره نه جوړ پیری
«ژان دوک فونتن»

غریبانوته په هیڅ وخت کښی سپک مه گوری
«سولون»

و به محل معینه اخذ موقع نمود. بطرف راست آن جنرال اسماعیل و بطرف چپ آن جنرال شاز لی قرار گرفتند باید واضح ساخت که محل قومانده به فاصله چند کیلومتری شرق قاهره بحال زیر زمینی در بین یک زمین ریگی احراز شده بود. تمام نقشه‌های ساخته گئی که به مقصد فریب دادن دشمن احضار شده بود پایان آورده شده و به یک طرف گذاشته شد. سیف‌های مربوط باز و خریطه‌های حرکات کشیده شده و به محلات معینه آن نصب گردید.

به ساعت ۱۳۰۵ امر صادر شد تا تمامی فعالیت‌های هوائی ملکی و نقلیاتی متوقف گردد.

به ساعت ۱۷۰۵ اشارات و علایم الکترونی روی پرده‌ها، نقشه‌ها و خریطه‌های روی دیوارها نشان می‌داد که حرکات بدر به وقت معینه به فعالیت آغاز و به شکل پیش بینی شده و به ساحه تطبیق قرار داده شده. قوت‌ها از کانال عبور و اسرائیلی‌ها به عقب رانده شده موقیت بود اوچ موقیت پلان گذاری که ماها را در بر گرفت. حل قرارگاه مصری‌ها سبب حسرت و دل‌تنگی اسرائیلی‌ها، شادمانی دنیای عرب و تعجب دنیای ناظر گردید. باصقین به شکل مکمل آن تطبیق شد. حتی خروج پرسونل و فامیلی‌های روسی از قاهره به اتحاد شوروی به تاریخ ۱۵ اکتوبر سبب اخطار به اسرائیلی‌های از خود راضی نشده بلکه بالعکس عقیده شانرا که مصری‌ها بدون کمک شوروی‌ها حرب کرده نمی‌توانند؛ تقویت بخشید. ریچارد نکسن رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به ساعت ۰۶۰۰ وقت واشنگتن از خواب بیدار ساخته شد و از حرکات فریب‌الوچ به نامبرده اطلاع داده شد. بامد نظر گرفتن فرق زمان آمریکا و شرق میانه او از یسن حرکات صرف یک ساعت قبل از شروع ساعت ۵ اطلاع حاصل کرد.

قسمت باقیمانده قوا در مناطق اجتماع شان به پیشرو بحال مخفی گذاشته می‌شد. از روز تعرض صرف یکعهده محدود صاحب منصبان مطلع بودند. تاریخ تعرض در روز اول اکتوبر به حال پراگنده نظر به احتیاج به اشخاص مورد نظر توزیع و اخبار شد. از روز تعرض به ملک حسین هیچگاه خبر داده نشد. او شروع حرب را توسط امواج رادیو در حالیکه پلان در ساحه تطبیق قرار داشت استماع کرد. لیدر لیبیا در پلان مدنظر گرفته نشده بود.

ساعت تعرض (ساعت - S) هنوز هم نسبت موجودیت اختلاف نظر تثبیت نشده بود سوره آرزو داشت تا ساعت تعرض هنگام فجر تعیین گردد اما مصری‌ها عصر را ترجیح می‌دادند. زیرا هر دو طرف میخواستند تا آفتاب را به عقب گذاشته و روشنی آفتاب در حالیکه قوای شان پیشرفت نمایند به چشم دشمن بتابد به روز دوم اکتوبر جنرال اسمعیل به دمشق پرواز نموده به مصالحه رسیدند و در نتیجه ساعت - S را ۱۴۰۵ تثبیت کردند. شمارش واقعی به ساعت ۰۶۰۰ روز پنجم اکتوبر شروع شد. درین زمان قطعات انجنیری به فعالیت‌های مقدماتی خود جهت برداشتن خریطه‌های ریگ در قسمت‌های مورد نظر آغاز نموده تا بتوانند تا به ساعت - S درین محلات به انفلاقات خود به پردازند. جریان آب تازه در معبرهای آبی مسدود ساخته شد تا مانع انشأ پل‌ها برای عبور عراده‌جات نشود.

اسلحه مخفی اسرائیل:

به ساعت ۱۱۰۰ یک مشکل که آنهم اسلحه مخفی اسرائیلی‌ها بود باقیمانده بود. تمام مواضع خط برلیف به استثنای دو موضع واقع در خلیج آب تلخ دارای یک تانک بزرگ مواد محروق بوده. که در بین ریگ‌های خریطه دار مدفون گردیده بود و از هر تانک نل‌ها تا کنار آب ساحلی کانال تعدید شده بود. این اقدام برای این مقصد بعمل آمده بود تا در صورت اجرای یک عبور هجومی از طرف مصر، وال مربوطه هر نل باز و مواد محروقه را به روی آب انتشار داده و با دادن اشتعال سبب سوختن قوای مصر خواهد شد.

اما به شب پنجم اکتوبر کماندوهای مصر مخفیانه کانال را عبور نموده نل‌ها را یا قطع نموده و یا دهن هر نل را توسط کانکریت مرطوب مسدود ساختند در صبح روز دیگر صرف یک صدمه دیده کشف گردیده و برای ترمیم آن پرسونل استحکام اسرائیلی فرستاده شد که آنهم از طرف قوای مصر اسیر گرفته شد در واقع این اولین اسیر بود که از طرف قوای مصر بعد از ساعت ۵ گرفته شده بود.

به چاشت روز ۶ اکتوبر تمام آنسها به حرکات بدر اشتراک داشتند ساعات خود را با استفاده از برود کاست‌های نورمال رادیو قاهره اعیار ساختند. به ساعت ۱۳۳۰ انور السادات به اطاق حرکات محل قومانده عمومی داخل

د جگړې له امله د اسارت په کمپ کې

د پایښت او فعالیت د پاره هڅه

د جکتورن گل زرگ ژباړه

استعمال سره سره له منځه لاړشي او يا د دېمن په لاس کې د اسير اويا اسيرانو په حيث کيوزي، د هيواد والو په مخکې به رټل شويو افرادو په حيث ارزيايي نه شي، بلکه د خوا خوړي تلوسه به هيوادوال دي ته را اړباسي چه د اسيرانو د خلاصون په مقصد هراڅخيزي هڅي په کار واچوي.

بر عکس، هر هغه فرد او يا ډله چه د موجوده قابليتونو او امکاناتو د استعمال او بشو شرايطو په صورت کې، دخپلو امکاناتو او قابليتو نو غځنه استفاده نه وي کړي دوي په هر موقف چه وي، له منځه تللي وي اسير شوي وي او يا ژوندي پاتي وي مسئول دي او هيواد والو په نزد رټلي شميرلي کيږي.

په همدې اساس هر هغه څوک چه دخپلو امکاناتو د استعمال سره سره پياهم اسير شوي وي په دي د ډاډه اوسي چه د هيواد والو په منځ کې ددوي نځای خالي دي، او ددوي سره د هراړ-څيزو مرستو لار پرانيستي ده.

د اسارت پيښه گر چه اتلوتوب (قهرمانی) نه شميراي کيږي، مگر بايد رټلوتوب (نفرت) هم و نه گنل شي. ځکه په جگړه ټيزو شرايطو کې ډير کله پيښيږي چه جگړه ټيزو امکانات له غځنه ځي. مختلف ډول زخمو نه ددي باعث گرځي چه فرد او يا عسکري ډله د

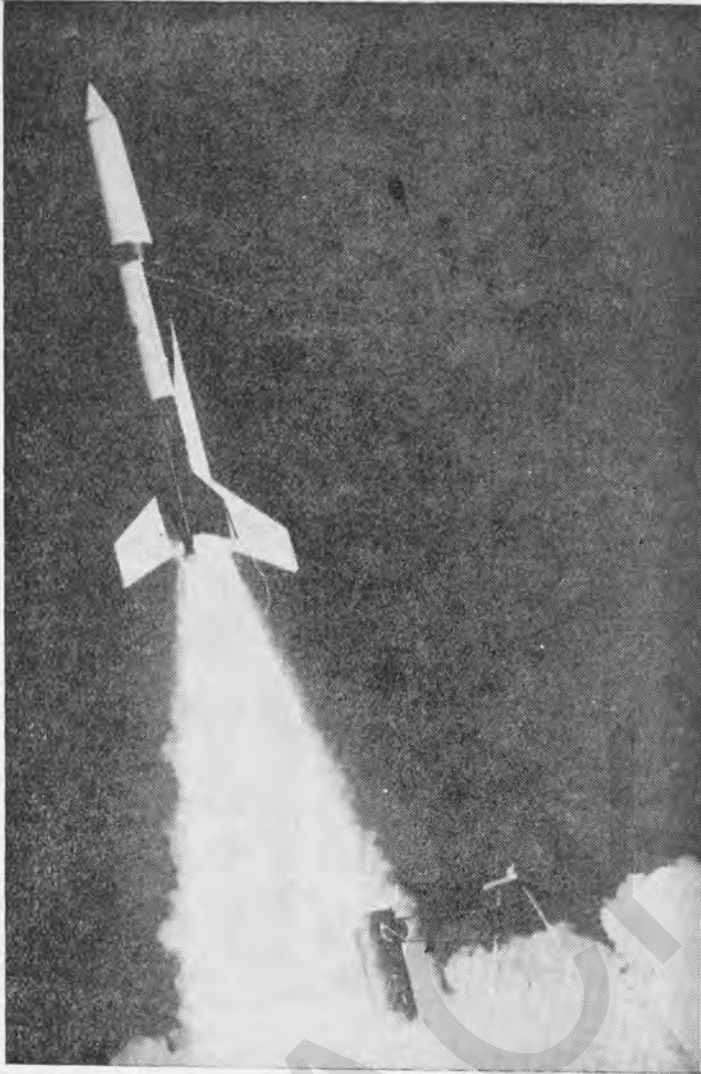
په مقصد په بي ساري سمبالښت لگيادي جگړه ټيزو قوتونه دورځنيو ايجابانو په اساس روزي او په حضر کې د جگړې دپاره دعالي احضاراتو د تامينيدو په مقصد مختلف ډول روزنتو نوته پرانستي دي، او د ضرورت سره سم دروزلو پروگرامونه پکې عملي کيږي.

لدي امله چه په جگړو کې دا فراد و اسيريدل يوه محتمله پدیده ده، نو ځکه اسير شوي فرادو ډله نه پوازي داچه ديوه عسکر په حيث مکلفيتونه لري بلکه دځان او نورو د خلاصون په مقصد مسئوليتونه ور په غاړه کيږي نوځکه، دا ايجابات منځ نه راځي چه په حضري روزنتو نو کې، جگړه ټيز افراد په دي وپوهيږي چه د اسيريدو په صورت کې، هر وروځان او ډله خپلوا که کاندې او د اسيرانو په کمپ کې دپايښت او فعاليت دپاره لازم تدابير غوره او په عملي کولوئي لاس پوري کړي، دا مرام او غايه هغه وخت تحقق پيدا کولي شي چه، د اسارت په شرايطو کې فرد د لازمو فعاليتونو د اجرا کولو دپاره په حضر کې لازم چمتووالي ولري، په همدې مقصد دا دلاندي معلومات د مطلب د توضيح په مقصد څيرل شوي او په لنډيز ډول وړاندي کيږي:

هر هغه فرد او ډله چه دخپلو موجوده قابليتونو او امکاناتو په صحيح

د بشریت د تاريخ د بشپړتيا په درنښل کې په سلهاو او زرهاو جگړې اجرا شوي، او په دي لړ کې بشر ډير مادي او معنوي تاوانونه زغملې او تير شوي تاريخ د جگړه ټيزو ډگرونو د بري او ماتي خوږي او ترڅي خاطرې دخپلو پاڼو په مخونو کې ثبت شوي ساتلي دي د ډيرو پخوانيو جگړو غځنه را نيولي، تر همدې نږدې وخت جگړو او پر له پسي لگيا جگړو په درشل کې، دېمنو ډلوته درانه تاوانونه وراوښتي وي او لگيادي همدا اوس هم وراوړي. د دېمنو ډلو تر منځ په اوږدو نځو تاوانونو کې، د افرادو په ژوندي توگه اسرديدل هم شامل دي لکه غنګه چه د تير تاريخ شاهد دي د مقابلو ډلو په لاس کې په زرهاو افراد اسير نيول شوي، او د اسارت اجباري ژوند ته مجبور کړلي شوي دي له دي کبله چه راتلونکي جگړې د پخوا په تناسب د کيفيت او کميت له مخې خورا ډير توپير لري، او بشریت د همدومره پر مختگ سره سره لاتر اوسه هم ندي بريالي شوي چه د جگړې مخه ونيولي شي، او راتلونکي هم دا تضمين نه شي کولي چه موجوده صلح او کراري به د تل دپاره پایښت ودرلولي شي.

همدا سبب دي چه هيوادونه د خپلو خاورو او ملتونو دخوندي ساتلو



د تخنيک د بشپړتيا په درشل کې ، هغسی اری و یشتونکی توغندی جوړ شوی دی ، چه د صحیح نېټې له امله د پخوا په نسبت ډیر توپیر لری ، او دلری ویشود و اتن له امله دسترا تیرۍ صنعت ته ئی عملی مفهوم ور بشلی دی

دشمن په لاس کی اسیرشی ، لکه څنگه چه تجربو بنودلی ده ، ډیر هغه کسان چه اسیر شوی دی په کیفی او معنوی لحاظ ئی خپل امکانات لسه لاسه ور کړی وی .

داسیریدو په صورت کی دپامړنی

خلاصون دپاره هڅه :

دا داسیر شوی فرد وظیفه ده چه دخپل ذکاوت څخه په استفاده داسارت په لومړنیو پیښو کی دتبیستی په پلان لاس پوری کړی . په همدی مرحلو کی به د دینمن له خوا داسارت تدا بیر دومره کلک نه وی لکه غومره چه به دکمپ په شرایطو کی تر اجرا لاندی و نیولی شی .

بل دا چه د دینمن د لومړی خط قواو څو کیداران د اسیرانو د ساتلو په برخه کی په هغه اندازه سره چه د شاقدمو افراد مسهارت لری ما هر نه وی ، لسه همدی امله اسیر شوی افراد د شرایطو څخه په استفاده د محان او نورو د خلاصون لټه با ید هیره نه کړی .

د اسیریدو څخه وروسته د دینمن هغه کوی چه اسیر شوی افراد شاته تخلیه کړی ، د اسیرانو تخلیه امکان لری چه دپلی تگ په صورت ، دلاریو او یا اور گاډی په واسطه صورت ونیسی ، له همدی مواقعو څخه په استفاده ، د اسارت څخه د خلاصون او تیبستی په مقصد لکه څنگه چه شرایط مساعدت و کړی ، سمدلاسه محان او نور دتیبستی دپاره چمتو کړی ، او په دی ډول باید داسارت له کمپ اور تلی ژوند څخه محان و ژغوری .

په هغه صورت کی چه دتیبستی شرایط هیڅ موجود نشی ، هغه وخت اسیر فرد مسؤلیت لری چه په کمپ کی د پایښت او فعالیت دپاره محان چمتو کاندی .

د اسیرانو په کمپ کی د پایښت دپاره عزم :

د پایښت د عزم دپاره لومړنی اوله هر څه نه زیات ضروری عوامل هماغه ژوند ته هیله ، په محان و یساتوب

(متکی بخود بودن) او دکړونو په مقابل کی تینگار درلودل دی . د اسارت په کمپ کی ، د ژوند تیب شرایط ، د دینمن ظالمانه رویه ، اسیر روحاً او فزیکي زبی . د نوموړیو شرایطو په مقابل کی روحی تینگار او فزیکي متانت بری تأمینوی .

د اسارت په کمپ کی د ژوند د پایښت چانسونه ، ددی لاندی تدا بیرو په عملی کولو سره تأمینیدای شی :

۱- دلپور شپ او مشر توب

احساس پیاوړی کول .

۲- شخصی او عسکری د سپلین

ساتل .

۳- فردی او ټولنیز مورال پیاوړی کول .

۴- د پایښت هڅی د ټولنیزو هڅو اوز یارونو په ترڅ کی مخته بیول .

۵- ډار او بیم پیژندل او هغه تر کنترول لاندی راوستل .

۶- هر هغه څه چه دخوړلو وړ وی ، د ژوند د پایښت په مقصد ترسپنه استفاده کول .

۷- دخوش خلقی او ساعت تیری احساس ته وده ورکول .

۸- د پایښت په مقصد روغتیا مراعاتول او لومړنی مرسته پخپله اجرا کول .

۹- د پايښت د پاره تل عزم درلودل .

د پايښت د پاره تل عزم ساتل ددی لاندی ټکیو په مراعتو لوسره تامينيدای شی .

۱- د مسئولیت احساس : (هیواد او عسکری و ظالمو ته تل صادق او وفادار پاتی کیدل) .

۲- د کور او کورنی سره علاقه : (کور او کورنی ته د بیرته راستیندو احساس) .

۳- په هیجانو بانندی غلبه کول .

۴- په لمان ویساتوب ، او دهیلو تر سره کیدو تر وخته پوری صبر او حوصلی ته وده ورکول .

۵- د زغم احساس پیاوړی کول .

۶- په ډله کی د اړخو لاس نیوی کول .

۷- د پايښت په هکله عمومی معلومات او پوهه درلودل .

۸- د تصمیمونو د عملی کولو د پاره چمتو کیدل .

د اسارت په کمپ کی د پايښت د پاره پلان :

په کمپ کی د پايښت په مقصد له هر هغه څخه استفاده کیری ، کوم چه ، د کمپ په شرایطو کی لاس ته راتلای شی . په عمومی توگه دادی لاندی دری غوره موضوعات د پايښت چانسونه تامينولی شی :

سپما او زیرمه :

د اسارت په کمپ کی هر څه لکه کالی ، فلزی پارچی ، کاغذونه ، پری ، اوسپنی ، ږوږی او داسی نور شیان ساتلی کیدای شی . د خوندي پاتی کیدو په مقصد د شیان له غولی لاندی او یا په محکمه کی زیرمه کیدای شی .

الف : د لزوم په صورت کی ، کم کالی اغوستل کیری . زیار باید وایستل شی چه بوتونه ، کیمسونه ، جاکتونه ، بالاپوش ، اود کالیو نور اغوستونی باید د زیرمی په مقصد سپماشی ترخو دیرته راتگ په لارو کی ترینه استفاده وشي .

ب : هغه غذائی مواد چه ترڅنډه

ساتل کیدای شی باید سپماشی . د اډول غذا باب امکان لری چه د کمپ له اداری اورگان اود سرو میاشتیو له خوا ویشل شوی وی . د مثال په توگه خواجه باب چه انرژي منځ ته راوړونکی مواد دی ، په سفر کی د ارزښت وړ شمیرلی کیری . کیدای شی چه ورځنی استحقاقی بوره ، لونده شی او بیا دخوړو په ډول زیرمه شی .

د غذا په ډله کی ، پخه غوښه ، وچه ږوږی ، وچه میوه ، د میوو ږوږی اونور مواد د ارزښت وړ دی .

ج : فلزی آلات او پارچی په هر کیفیت چه وی ساتلی گټور دی . لکه د کمپ د اسارت په موده کی او یا دیر ته راتگ د لارو په اوږدو کی له نوموړیو فلزیو ټوټو څخه مختلف ډول استفاده ممکنه کیدای شی .

د : دخپل لمان سپما : دا په دی مفهوم افاده کیری ، چه هر غوسره چه ممکن وی له سرتیا څخه د لمان ژغورنه وشي اوروغتیا د تل د پاره مراعات شی . د روغتیا د ساتنی په مقصد اسیر شوی فرد ، دايمآ اکتیفي وی .

۲- زیاتول : د پايښت په مقصد د آلتو اوشیانو ټولونه او سپما باید د پاره دوام ولری ، لکه ددی امکان شته چه ، ناوړه شرایط موجودشی ، په هغه صورت کی سپماشوی شیان د پايښت د پاره ښه ارزیا بی کیدای شی .

۳- ساتنه او څارنه :

د پايښت تامينيدو په مقصد ساتنی او څارنی تدابیر غوره اغیزی لری شی هر هغه څه چه د اسیر سره موجودوی هغه باید به کلکه توگه وساتی .

البته په هغه صورت کی چه بوتونه او یا کالی موزاره شی ، ترڅو چه معین وختی راغلی نه وی ، د بیا د پاره ټی د کمپ اداره نه ویشي .

البته دا خبره هم ډیره غوره ښکاری ، چه دروغتیا د بیا لاس ته راوړو څخه له اوله د روغتیا ژغورنه گټوره ده .

د پايښت په مقصد د کمپ په هر ډول شرایطو کی دخپل لمان دروغتیا څارنه او ساتنه محبثه ډیره اغیزه لری ، اود پنی روغتیا په درلودوسره په لمان ویساتوب پیاوړی کیری اود هر ډول

پلان عملی کولو امکان تامينيدای شی د لمان دروغتیا ساتنه بالخصوص د کمپ په گټه گونه او ناوړه صحی شرایطو کی ډیر اهمیت لری .

د هر هغه امکان او تدابیرو څخه استفاده کول کوم چه روغتیا تامين کړی یو ضروری کار دی .

اوبه او صابون د وجود د سپیڅلتیا د پاره لومړنی درجه او غوره وسیله ده په هغه صورت کی چه اوبه کمی وی ،

د باران اوبه او یا دا چه د لونده رومال په واسطه د صورت موبیل روغتیا تامينولی شی

د پاک ساتلو د فعالیت په لړ کی د وجود هغه برخي چه ډیر زر خیری اخلی ، لکه د پښی د گوتو منځونه ، تخرگونه ، غښدی ، سر ، خوله او غاښونه د یادولو وړ دی .

د کالیو د حفظ الصحی په مقصد ، دايمآ له صابون څخه کار اخلی ، د صابون دنه موجودیت په صورت کی ، دولی او یا د نورو ټوټو ایره ډیر یمنخلو د پاره یو غوره تدبیر دی . په هغه صورت کی چه د مینځلو امکان تامينی خورا مشکل شی .

بیانو کالی په خلاصه هوا کی لمر ته وغوړوی ، ترڅو ټی لمر ووهی اود لمر وړانگی د لمانو میکروبونو په وژلو کی اغیزه ناکرولوبولی شی .

په وجود کی دخزندو د پیدا کیدو دمخ نیوی په مقصد ، د تل د پاره پاملرنه کوی لکه ډیر کله دخزندو په واسطه لیدیدوونکی ناروغی ساری ښه لری ناوړه عواقب منځ ته راوړی .

د خزندو د پیدا یښت په صورت کی سمدلاسه باید د کمپ صلاحیتدار مقام ته خبر ورکړی هغوی به د ناروغی د سرایت څخه دمخ نیوی په مقصد په لازمو تدابیرو لاس پوری کړی .

کله چه د ناروغی کړاو منځ په زیاتیدو وی . لازم دی چه د کمپ اداری ته سمدلاسه خبرونه وشي . د کمپ د اداری دخبرونی تکلیف اوزغم په دی ارزنی ، چه ستاد ناروغی دمخ نیوی په مقصد په وظیفوی لحاظ اقدام شی .

صنعت حرب در اضلاع متحده

مترجم جکتورن دیپلوم انجنیر عبدالواسع روئین

مفکوره اوج گرفت که بایست از نگاه قدرت تفوق نسبت بدیگر قوا دارا باشد از اینرو در صنعت علم عسکری امریکا یک سلسله تشبثات جدید شروع شد در این دوکتورین حربی امریکا باید نیروی هوائی رول فیصله کن را در بین سایر قوای مسلح بازی کند .

روی این اساس تصمیم گرفته شد که قوای مسلح هوائی باید دارای اوصاف عالیتر سرعت حرکت باشد .

اصل عمده این بوده که قوای هوائی در آنزمان طوری فکر میشد که فقط نقل دهنده سلاح ذروی باشد .

برعلاوه قوماندانی امریکا نظریه

داشت که اهداف استراتژیکی در

حرب فقط با یکجا ساختن تمام صنوف

قوای مسلح مضمحل شود . درین

دوکتورین حربی تناسب و توازن قوا

مد نظر گرفته شده و انکشاف متوازن

انواع قوای مسلح طرح گردید این

پروگرام با خود تا بعین (قوای زمینی)

قوای مسلح هوائی و قوای مسلح بحری

وزارت دفاع امریکارا بخود مشغول

نموده البته در جریان حرب دوم

وزارت دفاع درین مورد چندان توجه

صنعت حرب استراتژیکی و صنعت حرب تکنیکی .

روی این درجه بندی استراتژیکی

و یا (استراتژیکی بزرگ) نظر به

مفکوره متخصصین نظامی عبارت از فن

طرز استعمال تمام قدرت کشور است

تکنیک ، تیوری و عمل را با هم

یکجا ساخته نه تنها محاربه بلکه

اپراسیون ها به شکل اتحادیه های

اپراتیفی (اپراتیفه های متحد شده)

از طرف یک و یا چندین قوای مسلح

اجرامیگردد نظریه مفکوره متخصصین

حربی انکشاف صنعت حرب امریکا

دارای چندین مراحل (دوره ها)

می باشد :

مرحله (دوره) اول ، ۱۹۵۳ ،

۱۹۴۵ :

در نتیجه مضمحل شدن المان و

جاپان که درین حرب ها اهمیت

اتحاد شوروی نیز بود و بالای تمام

قوت های مسلح جهان این حربها تاثیر

زیاد وارد کرد . از آنجمله اضلاع

متحده امریکا درین اثنا به تقویه

قوای مسلح خود کوشید . در همین

سالیان دوکتورین حرب « قدرت

اتومی هوایی » را پذیرفته و حتی این

گرچه در سالیان اخیر مجاهده زیاد برای برقراری صلح و رفع تشنجات بین المللی از طریق مفاهمه صورت گرفته باز هم در اکثر ممالک مصارف نظامی همه ساله افزایش می یابد و قدرت نظامی انکشاف یافته و نظریات حربی هم بحال رشد می باشد .

طوریکه واضح است ، صنعت حرب شامل دو قسمت اساسی احضارات نظری (تیوریکی) و عملی ساختن میباشد روی این اساسات ، مقیاس حرکات محاربوی و طرز اجرا و احضار آن تعیین می گردد .

طوریکه تجارب گذاشته ثابت می سازد صنعت حرب مربوط به سیاست دول از لحاظ ساختمان مانند بزرگی سویه نیروی تولیدی موفقیت های علمی تخنیکی و خصوصیت حرب منتظره می باشد .

برعلاوه بالای صنعت حرب ، خصوصیات وضع سیاسی دول عنعنه ملی و شرایط فیزیکی و جغرافیایی دیگر عوامل نیز تاثیر غیر مستقیم دارد . صنعت حرب امریکاردو قسمت تقسیم

می شود :

استراتژیکی و تکنیک یا عباره دیگر

جدی نداشت

در آغاز سال های ۱۹۵۰ در آمریکا تیوری «حرب های عمقانی» بوجود آمد (جنگ در ساحه و اراضی بیگانه خارج امریکا ادامه یابد)

صفت حربی این دوره اصلاً به تجارب سالیان حرب دوم جهانی بوده مگر بنا بر امکانات مجوزه قطعات، جزو تام ها، قوتها و قوتهای بزرگ «در نتیجه پذیرفتن مدرن ترین انواع وسایل تخنیک و حربی مخصوصاً سلاح اتومی» و نظر به فواصل و ساحات اهراتیفی قوای زمینی زیادتر شده. بدین اساس نوع اصلی اصول های فعالیت محاروبی حرکات تعرضی پنداشته شد.

مدافعه بجهت حادثه «حرکت» موقتی محسوب شده و به دو شکل اجرا می شد. مدافعه موضعی و مدافعه توأم با حرکات.

مرحله «دوره» دوم در طی سالیان

۱۹۵۰:

خصوصیت این مرحله زیادتر خصوصیت سیاسی «از لحاظ قوه» بود انکشاف سریع و جدی انواع سلاح حربی و بطور عمده تولیدات زیاد مهمات اتومی و وسایل استعمال آن در انواع و صنوف مختلفه قوای مسلح قابلیت و خصوصیات بیشتری در انکشاف امور حربی این سالیان بوجود آورد.

قوماندانی امریکا سلاح اتومی را بجهت سلاح (توتال) پنداشت که از لحاظ ذخایر مهمات هستوی، در تمام صورتها به پیروزی نایل آید بدین اساس در سال ۱۹۵۳ طور رسمی در اضلاع متحده امریکا استراتژی بنام «پاداش تجمع داده شده» یاد شد.

تیورسن های حربی امریکا متکی باداشتن تفوق بادشمن احتمالی خود اسلحه اتومی را در نظر داشته به اساس این مفکوره نظریه، تیوری حرب های هستوی مجموع الشمول بوجود

آمد وضعیت های اصلی در تعلیمنامه ها و غیره اثرات قواعد حربی گنجانیده شد.

پذیرفتن استراتژی «پاداش تجمع داده شده» واضحاً در ساختمان قوای مسلح منعکس شد که به ظهور و بسط پوتانسیل هستوی استناد نمود روی اساس «استراتژی پاداش تجمع داده شده» صنعت حرب بمقیاس بزرگتری گسترش یافته، متود و شکل اجرای اپراسیون استراتژیکی و حربهای هستوی بطور مکمل تر تعیین گردید که در عین حال، تکنیک جدید ظهور نمود و در قوای مسلح هستوی، ایجاد متود جدید اپراسیون و حربها در شرایط جدید تشریح گردید. تیورسن های (نظامی) اعتراف نمودند که چنین فاصله و انقطاع بین قوتهای مسلح و عدم موجودیت تجارب اجرای حرکات محاروبی با سلاح زروی و با در نظر گرفتن ارزش محاروبی آن نظریات متضاد را در مورد استعمال انواع قوای مسلح بوجود می آورد.

با تدقیق اصول های اساسی احضارات تعلیم و تربیه و اجرای محاربه و اپراسیون ها تیورسن های حربی امریکا سلاح ذروی را در نظر داشته و هم در بعضی موارد استعمال سلاح عادی مضمحل کننده را پیشنهاد کرده اند.

در پلان استعمال سلاح ذروی پرنسیب اجرای محاربه خلاف انتظار باداشتن قابلیت عالی حرکت مورد بحث قرار گرفت ضمناً وسایل قوای زمینی در استقامت های اصلی مورد مطالعه واقع شد. اپراسیونها بطور جدی و غیر قابل انتظار با سلاح ذروی بالای دشمن اجرا گردیده و متعاقباً تعرض وصل کننده به هدف به تمام عمق ساحه فعالیت محاروبی امحاکننده دشمن صورت گیرد.

مراکز مهمتر سیاسی و اقتصادی دشمن اشغال شده و بالاخره دشمن مجبور به تخلیه گردد.

ضمن ارتباط با موضوع متذکره فیصله شد که بطور فوق العاده گروهان عظیم قوتهای زمینی در ساحه های احتمالی محاروبی سوق گردد.

امحای گروهان دشمن اشغال شده با سلاح هستوی کتلوی کم صورت گرفته مگر فرقه ها دارای سرعت عالی حرکت با تشکیل پنجگانه و وسایط و مالز مه مخصوص (مسلمکی) باشد که چنین فعالیت در شرایط حرب هستوی بنام محاربه صنوف پنجگانه بی یاد گردید. در تشکیل فرقه ها سلاح راکتی هستوی هم شامل بوده که موجودیت سلاح راکتی باعث کم شدن تعداد وسایل عادی صحرائی و توپچی دافع تا نك میشود.

بدین اساس در فرقه گروپ محاروبی قطعات جداگانه موبیلزه شده با قدرت زیاد آتش نسبت به غند پیاده احضار گردیده مگر تعداد افراد آن نسبت به تولی های پیاده حرب دوم کمتر بود.

تمام قوتها بالاتر از فرقه در اختیار خود وسایل زیاد و مهمات ذروی داشتند از اینرو ذخایر و وسایل هستوی هم افزونی گرفت. بطور مثال اپراسیون گروپ اردو ۵۶-۶۰ جبهه خانه و برای اردو صحرا ۱۵-۲۰ جبهه خانه تخصیص داده شده حالانکه در سال ۱۹۵۹ این مقدار در تعرض گروپ اردو ۲۰۰-۳۰۰ جبهه خانه و برای اردو صحرا ۱۲۰-۱۳۰ جبهه افزونی یافت در سال ۱۹۵۰ پرنسیپ تجمع دادن خیلی رواج یافته چنانچه مینویسند در شرایط استعمال سلاح ذروی تجمع دادن اجزای ساختمانی مخصوص (نظام محاروبی) در جبهه و عمق بیشتر گردید بدین اساس در تطبیقات گروپ اردو در تعرض ساحه ۴۰۰-۴۵۰ کیلومتر و اردوی صحرا ۱۵۰-۲۰۰ کیلومتر را احتوا میکرد حالانکه در جنگ دوم جهانی ساحه تعرض گروپ اردو



راکت پورتاتیف دافع هوای (ردای) امریکائی

۱۵۰-۲۰۰ کیلومتر و از اردوی صحرا
به ۴۰-۶۰ کیلومتر میرسد.

با در نظر گرفتن قدرت عظیم تخریبی
سلاح ذروی قوماندانی مسلح اضلاع
متحدہ امریکا- باین نتیجه رسیدند
مخصوصاً در تعرض ضربه های کانی
بالای قوای دشمن وارد گردیده بعد
فعالیت محاروبی بطور متشبثانه پیش
برده شود. لذا عمق اپراتیفی گروپ
اردو به اندازه ۶۰۰-۷۰۰ کیلومتر
و از اردوی صحرا از ۲۵۰-۳۰۰ کیلومتر
مترا تقایف حالانکه سرعت متوسط
شبانہ روزی در حین شق مدافعه به
۲۵-۳۰ کیلومتر و در عمق اپراتیفی به
۶۰-۸۰ کیلومتر میرسد.

قدرت ضربه اول در اپراسیون های
تعرضی مفید تر پنداشته شده که-
مخصوصاً این موضوع در تطبیقات
شیرسیاه سال ۱۹۵۷ به ثبوت رسید.

بدین ترتیب بنا بر موجودیت
تفوق سلاح ذروی در اجرای اپراسیون
تعرض موفقیت مدنظر گرفته شده
بود.

چیزیکه جلب توجه درین تطبیقات
نمود اینست که در دو- سه استقامت
تعرض اجرا گردیده مگر استقامت ضربه
اصلی تعیین نه شده بود. اجرای شق
هم به تلفات کمتر صوت میگردد اگر
قوت های تعرض کننده ذریعه انفلا قهای
هستوی در مدافعه از بوجود آوردن
حرکات تدافعی به اساس تعلیماتمه های
آن زمان طبق وضعیت پلان گذاری شده
دقت زیاد در قسمت کمابی کردن زمان
مبذول گردیده تا که مساعدترین
شرایط برای اجرای تعرض بوجود
آید. برای اجرای تعرض فیصله کن
در یک استقامت از استقامت های دیگر
قوا- آهش یابد.

در جریان فعالیت های تدافعی باید
تمام فعالیت طوری تنظیم گردد که
امحای مکمل گروپمان تعرض کننده
دشمن بصورت قاطع بوجود آمده از
اینرو در اجرای چنین فعالیت محاروبی
وسایل تاثیر دسته جمعی و قوت های

موبلیزه شده دارای قدرت عالی حرکت
اشتراک ورزد.

در مدافعه هم امحای قوت های
متعرض بصورت قاطع به کمک سلاح
ذروی تعرضی پلان گذاری شده
و قوت های مدافعه دارای قدرت عالی
موبلیزه شده باشد، صحت محافظه
قوتها از تاثیر سلاح هستوی عرض
و عمق مدافعه قوتها و قوت های بزرگ
هم زیاد گردید. بدین ترتیب عرض
ساحه گروپ اردو و اردوی صحرا در
مدافعه دوچند و عمق باندازه ۲۰-۲۵،
چند افزایش یافت، در اواسط سال
۱۹۵۰ قوت های مدافعه طوری جا جا
شدند تا که امکانات تاثیر جبهه خانه
هستوی قدرت متوسط ساحه یک تولی
و یا [بطریه] را احتوا کرده بتوانند.
ضمناً راجع به نقاط مقاومت مدافعه اهمیت
زیاد قایل شده در صورت آسیب دادن
باید خطوط تدافعی برای کمائی
کردن زمان اشغال شود تا احتیاط های
تازه دم تقرب بتواند.
بدین ترتیب در تطبیقات های بزرگ
اروپا در سال ۱۹۵۶ «لانه خرس» و در

سال ۱۹۵۷ «شیرسیاه» و امثال آن که
اپراسیون های تدافعی در شرح محاربه
مدنظر بوده و بعداً داخل ساختن قوتها
به محاربه با اجرای فعالیت محاروبی
لازمه در عمق ۱۵۰-۲۰۰ کیلومتر تحت
تدقیق قرار گرفت. ضمناً در طی فعالیت
محاروبی دشمن را مجبور به تعرض
در استقامت های نامساعد ساخت.
تا نظام محاروبی آن تحت فشار
واقع شده و برای وارد کردن تلفات آن
شرایط را مساعد ساخت، برای پایداری
و محافظه خطوط تدافعی آخرین که
از آنجا به تعرض متقابل می گذارند
تقویه اساسی در نظر گرفته شده بود
باید متذکر شد که با پذیرفتن سلاح
هستوی در فعالیت محاربه با خصوصیات
محاربه تعرضی و تدافعی «زمان» اهمیت
زیاد پیدا نمود: مثلاً در استعمال کتلوی
سلاح دسته جمعی، کوتاه ساختن
وقت و سیستم پلان گذاری، و اتخاذ
احضارات برای اجرای فعالیت
محاروبی و افزایش قدرت آتش و قدرت
حرکت قوتها و افزایش فواصل
فعالیت محاروبی، سرعت محاربه و تغییر

سریع وضعیت، و گذشتن از یک شکل محاربه به شکل دیگر محاربه و مجادله برای کمایی کردن انسیاتیف .

استعمال سلاح هستوی با پلان گزاری فعالیت محاربه بوی بدرقه و تکمیل شده نظر به گذشته بعضی تحولات در سیستم آتش بوجود آمد.

مثلاً در سابق اولاً پلان فعالیت قوتها بوجود آورده شده و بعداً حمایه آتش ترتیب می شد .

کنون در ابتدا موضوع نظام محاربه بوی و استعمال سلاح هستوی حل و فصل شده و بعداً پلان گزاری مانور قوتها و مساعدترین شکل استفاده از موثر واقع شدن ضربات اتمی احضار میگردد .

شق کردن شکل اساسی مانور در محاربه تعرضی قبول شد .

چنین نظریه بوجود آمد تعرض با سرعت عالی و با غایه معین اجرا شود .

بدین اساس متخصصین امریکایی

داشتن قابلیت عالی حرکت را در محاربه حتمی شمرده در سابق برای

فرقه در تعرض ۵-۷ جبهه خانه ذروی تخصیص داده میشد و کنون با داشتن

همین قوه ۲-۳ مراتبه ساحه تعرض و عمق وظایف محاربه بوی تزیاید یافته

است . پس باید قدرت عالی حرکت به قوتها داده شود . پرنسیپ اساسی

محاربه تدافعی عبارت از تجمع قوا و مانور بوده درین او اخر ضربات

ذروی قوی بالای دشمن تعرض کننده پلان گذاری می شود .

طبق تعلیمنامه، قطعات و جزواتها در جبهه فراخ و عمق زیاد بمدافعه

پرداخته ، نظام محاربه بوی قوتها با تجهیزات در نقاط مقاومت احتیاطی

وصلی و منطقه های (به شکل های مختلف) تدافعی جا بجاشده و ایجاب تاسیس

مواضع قطع کننده و مناطق احاطوی تدافعی رامی نماید .

با چنین نظام محاربه بوی فواصل زیادین نقاط مقاومت تولی ها و بلوکها

گردیده از اینرو دقت خاص برای ترتیب و تنظیم مدافعه علیحده و

واحاطوی هر جزواتام و قطعه مبدول گردید .

مرحله دوره سوم سالیان ۱۹۶۰ شروع این دوره با قواعد

استراتژیکی (با داشتن تجمع داده شده) ارتباط داشته که از طرف اداره

کننده گان نظامی اضلاع متحده در سال ۱۹۶۱ « پاسخ قابل انحناء » بوجود

آمد .

با در نظر داشت استعمال غیر محدود سلاح ذروی و عواقب غیر مستقیم که

بالای امریکا وارد می کند . امریکا در تجسس آنست که طروق محدود

ساختن آنرا دریافته و از ضربه های اتمی کشور خود را رهایی بخشد

روی این منظور فیصله شد که به اساس آن حرب مجموع الشمول

هستوی به حرب محدود تبدیل گردد . نظر به مفکوره متخصصین حربی

امریکائی حرب های محدود دارای خصوصیت و هدف تثبیت شده بود

و مقیاس استعمال وسایل سلاح محاربه بوی و منطقه فعالیت محاربه بوی تعیین می شود

یا بعباره دیگر چنین محاربه دارای نیرو و مصاد. انه مسلحانه بوده که از

نگاه مقیاس از حرب مجموع الشمول کوچکتر است .

حرب های منطوقی ؛ استعمال سلاح عادی و یا حرب محدود با سلاح هستوی

صورت گرفته می تواند . از اینرو مدنظر گرفته شده که

چنین مجادله مسلحانه تا آخرین سرحد خود رسانیده نشده و کشور های

اشتراک کننده قبلاً به موافقه برسند تا که فعالیت حربی از چوکات معینه

خارج نشده و به حرب های مجموع - الشمول ذروی تبدیل نگردد نظر به

تشکیل دول طرفداران حرب های محدود و دارای تشکیلات مختلفه می باشد .

مثلاً جنگ های ویتنام در جنوب شرق آسیا و جنگ های عرب و اسرائیل .

همچنان چنین نظر موجود است که تصادمات مسلحانه محدود ممکن

به حرب های مجموع الشمول هستوی ارتقا یابد و این وضع شرایط را برای

جنگ های محدود مساعد ساخته که در آن حمایه کنندگان عظیم هم اشتراک

ورزیده بودند . و یادرجریان آن دلچسپی شان تحریک گردیده بود .

و محققین حربی امریکا تذکر داده - اند که خیلی مشکل است قبلاً لحظه

« وقت » تبدیل حرب های محدود را به حرب های مجموع الشمول تعیین نمود .

مخصوصاً در نشرات امریکا بسیار زیاد امکانات اجرای حرب های

محدود در ساحه اروپا مورد جرح و بحث قرار گرفت . یک تعداد متخصصین

پیشنهاد نمودند که در اروپا ممکن حرب های محدود بظهور برسد .

در اینصورت در تصادمات بین پیمان ناتو و پیمان وارسا فقط سلاح ذروی

تکتیکی استعمال خواهد شد . از اینرو شالوده مفکوره دیگری ریخته شد .

به اساس اینکه استعمال سلاح تکتیکی ذروی در حرب های محدود ممکن

خطر بروز حرب های مجموع الشمول را بار آورد پس طرفین متخاصم هم

پیمان های ناتو و وارسا سعی ورزیدند که در استعمال وسایل امحای تاثیر

دسته جمعی ؛ معاهده را امضا نمایند که چنین معاهده میتواند شرایط خاصی

را بوجو آورد :

— منطقه معین یک اراضی که در آنجا سلاح ذروی استعمال شوده

— تعیین اندازه قدرت مهات ذروی با استثنای انفلاق های هوائی دارای

تاثیر رادیواکتیوی زیاد که مقصد معین رادارا است .

— مدنظر گرفتن شرایط و معیار که به نشر سپرده شده . از نگاه تکتیکی

و غیره نقاط نظر مغلق بوده و طوریکه شرایط حرب های محدود در حال تبدیل

و تحول است پس از چنین معیارها با تبدلات تکتیکی خطرات بزرگ از آن

بوجود آید . در اینصورت تحدید دوباره شرایط

مورد بحث قرار گیرد . مطابق با پذیرش استراتژی سال های ۱۹۶۰ خصوصیات

بوجود آمد که قوماندانی اضلاع متحده امریکا توجه زیاد برای مکمل

ساختن قوای استراتژی ذروی خویش
مبذول داشته، تا انکشاف قوا به حسب
مقاصد عمومی ایجاب لازم به بطور
متوازن صورت گیرد در شرایط ایجاد
شده قوماندان های اضلاع متحده
امریکا به نتیجه رسیدند قوت های زمینی
در اجرائی فعالیت های محاربه ای
خویش فقط از سلاح عادی کار
بگیرند روی این مفکوره ضرورت
تبدیل تشکیل فرقه های پنجگانه بی به
فرقه های تشکیل سه گانه بی احساس
شد .

برای اینکه قدرت اساسی بلند
برده شود باید قدرت آتش و قدرت
ضربه و قدرت حرکت « موبیلیسیون »
اپراتیفی و تکنیکی افزونی یابد .

مگر ذخایر زیاد مهمات ذروی
و تولید انواع وسایل و سلاح هستوی
برای قوتها موقوف جدید خلق نمود
که بدین لحاظ قوتها و قوت های بزرگ
نسبت به سال ۱۹۶۰ مقدار مواد ذروی
پیشتر داشته باشد .

در اردو اضلاع متحده امریکادین
مرحله صنعت اوپراتیفی و اصول اجرای
اپراسیون ها در حرب های ذروی و غیر
ذروی انکشاف زیاد تر یافته از اینرو
وقت بیشتر راجع به تحول حرب های غیر
ذروی به حرب های ذروی میگردد .

در هنگام اوضاع بحران و خطر،
استعمال سلاح های مختلفه مصادومی
و غیر محدود ذروی هم اجازه داده میشود
گرچه در جریان این اجراات دانشمندان
توجه داشتند کمایی کردن فعالیت
محاربه ای از اثر قوا و سلاح عادی
صورت گیرد . مگر بطور عملی این
مفکوره تحقق نپذیرفت و برعکس
دوره بدون اتوم بیحیث قانون غیر
دوامدار (از چندین ساعت الی چندین
شبهانه روز) به دوره استعمال سلاح
ذروی تظاهر نمود که تطبیقات های
فالس - ۶۴ و ۶۰ بطور عملی موضوع
باثبات رسید .

در طی سالیان این دوره تیوری
و اجرای تدابیر عملی راجع به تاسیس

و استعمال مین و موانع ذروی اهمیت
زیاد داشته باید در استقامت های
اصلی مهم ، در ساحه فعالیت حربی
سیستم مکمل موانع هستوی (کمبرند
مین) و در اطراف سرحدات کشور
تاسیس گردد .

در آینده هم اصول های اساسی
صنعت حربی انکشاف بیشتر یافته
و خلاف انتظار بودن و قدرت عالی
و حرکت (موبیلیسیون) خصوصیت بارز
حرب ها خواهد بود .

پیوسته با این موضوع اردوی اضلاع
متحده مقدار زیاد سلاح و وسایل
تخنیکی حاصل نموده که قابلیت مانور
قوتها را زیاد ساخته از آن جمله جزو تانک
های مخصوص ایروموبیل مخصوصی
ایجاد شد که در شرایط حرب ها
در وینتام مورد آزمایش واقع شد .

یکی از پرسنپ های مهم صنعت
حربی مثل سابق تجمع دادن
(متمرکز ساختن) قوا بوده که
در حرب های ذروی و غیر ذروی
بدون تغییر باقی مانده است بدین ترتیب
عرض ساحه گروپ اردو درین دوره
۳۰۰ - ۴۰۰ کیلومتر و اردوی صحرا
الی ۲۵۰ کیلومتر قول اردو و اردو
۷۰ - ۹۰ کیلومتر و فرقه ۲۰ - ۳۰
کیلومتر را احتوا می کند .

در عین حال عمق وظیفه و سرعت
تعرض بدون استعمال سلاح ذروی
نسبت به ذروی کمتر میباشد .

نظر به مفکوره دانشمندان حربی
عمق اپراتیفی گروپ اردو ۲۵۰ - ۳۰۰
کیلومتر و اردوی صحرا ۱۵۰ - ۱۸۰
کیلومتر بوده و سرعت متوسط تعرض
شبهانه روزی ۲۰ - ۲۵ کیلومتر در عمق
اپراتیفی ۳۰ - ۴۰ کیلومتر میباشد .

در شرایط استعمال سلاح عادی
مجدداً اهمیت زیاد پرسنپ کتلوی
بودن قوا و وسایل در استقامت اصلی
بوده و شرایط مهم ترین موفقیت تعرض
به اساس تفوق در تعداد قوای تعرض
کننده به تناسب ۱ : ۲ و یا ۱ : ۳
می باشد .

ارتقا و انکشاف در موضوع
مدافعه است ، مدافعه موبیلیسیون متین
و مضبوط در احضارات قوت های
امریکا مدنظر گرفته شده در صورت
استعمال سلاح ذروی این عناصر
موبیلیسیون شامل مدافعه موضعی بوده
که در سال ۱۹۶۰ بنام مدافعه منطقه
مسمی گردیده و فرق چنین مدافعه
با مدافعه موضعی اینست که این نوع
مدافعه به حمله محکم خطوط (محلات)
معینه مدافعه استناد نموده و دارای
فعالیت های متحرک مدافعی - تعرضی
می باشد دخول دشمن را به محل معینه
اجازه نداده و دارای وسایل آتشدار
و موانع انجنیری است گرچه مدافعه
موبیلیزه شده (موبیلیسیون) یعنی مدافعه
محل و فعالیت های محافظه کننده
با ترتیب و تنظیم و خصوصیت اجرای
آن از همدیگر فرق دارد .

مثلاً در حین ترتیب و تنظیم مدافعه
قوت های عظیم (قول اردو و بالاتر)
قوت اول به مدافعه موبیلیسیون
پرداخته و قوت دوم مدافعه منطقه
(محل) را پیش ببرد و قوت سوم
حمایه و محافظه کننده فعالیت آنها باشد
بر حله دوره چارم آغاز سال ۱۹۷۰
این مرحله دارای خصوصیت بوده که
که پنتاگون استراتژی جدید را قبول
نمود به اساس آن تناسب حقیقی و قدرت
را کتی در ساحه بین المللی را بوجود
آورد .

مفکوره اساسی این است که نظر
بخصوصیات محاربات آینده هم به شکل
حرب های محدود این مفکوره نظامی
تظاهر کند بصورت اساسی تیورسن
جنگ ها را به چار شکل اساسی تقسیم
می نماید :

حرب های استراتژی هستوی
حرب های هستوی فقط در ساحه محاربه
حرب ها با سلاح عادی در ساحه محاربه
حرب های عادی در ساحه فعالیت
محاربه ای و یادر منطقه محدود ساحه
فعالیت محاربه ای . [محل تعیین شده]
(بقیه در صفحه ۴۹)

برخی مسائل مدافعهٔ معاصر

تتبع از دیپلوم انجینیر
محمد ابراهیم جگنورن مدافعه هوایی

دائمی سلاح هستوی که در قبال آن استفاده از سلاح مذکور وجود داشته باشد.

گذشتن به مدافعه مربوط به وضع متشکله بوده و طبق پلان بطور عمدی (پیش از پیش) و یا مجبوری (عاجل) میباشد.

گذشتن عمدی به مدافعه در آغاز محاربه هنگامی در نظر گرفته میشود که دشمن از لحاظ قوا و وسائط تفوق داشته و موقعیت بهتر کاتی و ستراتیژیکی را! اشغال کرده باشد. در اینصورت گذشتن به مدافعه طبق پلانهای تنظیم شده پیش از پیش که در جریان تطبیقات آزمایش گردیده و در زمان صلح طرح شده اجرا میشود. سوق قوتها و اتخاذ وضع مدافعی میتواند که پیش از آغاز و یاد شروع فعالیت های محاربه‌ی صورت پذیرد. زمان معین پیش از آغاز محاربه موقع میدهد تا مواضع را از نگاه انجینیری مجهز نمود، عملیات متقابل قول اردوها و واحدهای بزرگ قوای پیاده را بین خودشان سازمان داد و عملیات آنها را با سائرا نواع قوای مسلح خصوصاً قوای هوایی تنظیم کرد.

گذشتن مجبوری به مدافعه در آغاز محاربه بنا به عقیده متخصصین نظامی هنگامی ضرورت می‌افتد که قوای مسلح دشمن در زمان سوق و گسترش قوتها نسبت به قوای دوست پیش می‌افتد و یا نتیجه جنگهای نزدیک به سرحد موفقیت آمیز نباشد. در این شرائط گذشتن به مدافعه عاجل بوده، تجهیزات انجینیری کافی نمیشد و اتخاذ وضع مدافعی و سوق و گسترش قوتها در وضع پیچیده حرکاتی صورت میگردد.

در اساسنامه‌ها و تعلیمنامه‌های اردوی اکثر آملک پیشرفته و همچنین در نشریات روزمره‌شان مدافعهٔ یک شکل اساسی فعالیت محاربه‌ی قوتها خوانده میشود. ضمناً قبول شده است که فعالیت های مدافعی بمقیاسی های مختلف اجرا شده میتواند (تاکتیکی، حرکاتی و ستراتیژیکی). چنانچه مطبوعات نظامی مدعی میباشد که کشور های ناتو از اصل مدافعی پیروی نموده و موضوعات مدافعی اساسی تطبیقات و مانورهای قوتها را تورا تشکیل میدهد. معیناً در نشریات اروپای شرقی گفته میشود که اداره نظامی - سیاسی بلاک اتلانتیک شمالی از اصول تعرض جانبداری میکنند.

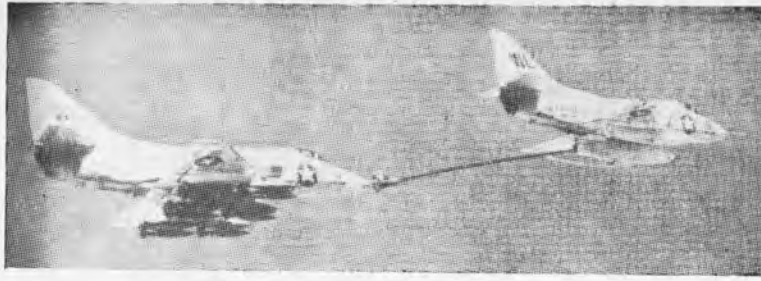
بنا به عقیده متخصصین نظامی در شرائط استعمال سلاح هستوی که اوضاع بسیار زود و ناگهانی تغییر میپذیرد، گذشتن از تعرض به مدافعه و عکس آن نسبت به شرائط استعمال و سائل تخریب عادی، بسیار زیاد تکرار گردیده و یک پدیدهٔ کثیرالوقوع میشود. از این رهگذر به سازمان دهی و اجرای این شکل فعالیت محاربه‌ی اهمیت بسزائی داده میشود.

اینک برخی مسائل سازمان دهی و اجرای مدافعهٔ معاصر را در قوای مسلح اعضای ناتو مطالعه مینمائیم.

شرایط گذشتن به مدافعه: معتقدند که -سوق اردوها و واحدهای بزرگ قوتهای پیاده در شرائط مختلف اوضاع بحال مدافعه درآمده میتوانند: در آغاز محاربه و یاد جریان آن، در شرائط استعمال سلاح هستوی از شروع محاربه و یا در شرائط استعمال سلاح عادی در صورت تهدید

گذشتن مجبوری به مدافعه در جریان عملیات تعرضی نیز مجاز بوده خصوصاً در مرحله آخری آن زمانیکه تعرض بعدی در اثر تلفات بزرگ و سنگین حین فعالیت های محاروبی امکان ناپذیر میشود .

متخصصین نظامی ناتو به این مفکوره اند که در صحنه های فعالیت های محاروبی در اروپا گذشتن به مدافعه در شرایط استعمال تنها سلاح عادی در صورت تهدید دائمی سلاح هستوی با امکانات شروع جنگ هستوی احتمال بیشتر دارد .



طیاره استراتژیک B-52 مواد سوخت خود را اکمال میکند

گرفتن ابتکار بمقصد شکست و خورد نمودن دشمن استفاده نمایند ، توجه مزیدی مبذول گردیده است . بدین مقصد دشمن را باید به عملیاتیکه در پلان در نظر گرفته شده است وادار نمود و عزم و اراده خود را به وی تحمیل کرد . قوت های مدافعوی باید از نقاط ضعف دشمن استفاده نموده و اشتباهات وی را که هنگام تعرض صورت می گیرد به نفع خویش بکار برد .

علاوه از آن مطالبه استفاده اعظمی امکانات تعرضی قوت های خود نیز موجود است . معتقدند که موفقیت اساسی در مدافعه مربوط به حملات متقابل (ضربات متقابل) میباشد ازین لحاظ قوت های در حال مدافعه از هرگونه امکانات مساعد برای گذار به تعرض باید استفاده بعمل آورد . چنین عملیات در تعرض دشمن اختلال وارد کرده ، ویراموقع نمی دهد که قوت های خویش را تمرکز بخشد و در نتیجه شرایط مساعدی را برای قوای در حال مدافعه بمقصد انجام وظیفه محوله ایجاد می کند .

به استفاده ماهرانه از مناطق (شکل اراضی و سازمان دهی محافظت اطمینان بخش قوتها در مدافعه اهمیت خاص داده میشود . در اسانامه ها اشاره میشود که مدافعه باید عمیق ، پایدار ، ضد اتمی ، ضد تانک و مانورها باشد .

طبق نظریات متخصصین نظامی شکل اراضی عامل مهمی هنگام انتخاب منطقه و یا سرحد مدافعوی ، تقسیمات قوا و وسائط می باشد . عامل مذکور بالای پلان عمومی مدافعوی جنگ و عملیات تاثیر بزرگی دارد . ازین نگاه لازمست که قوت های در حال مدافعه باید بخوبی شکل اراضی را دانسته و خصوصیات آنرا ماهرانه در مدافعه بکار برند .

بمنظور جلوگیری از حملات ناگهانی دشمن ، قوت های در حال مدافعه باید محافظت دائرویی داشته باشد . محافظت دائرویی ، افزاز قوا را در راه های احتمالی تقرب دشمن ، حمایه جناح ها و معابر و حفاظه تاسیسات مهم عقب جبهه احتوا نماید .

در نشریات نظامی غرب تذکر داده میشود که بموجب موجودیت امکانات حملات دشمن نه تنها از جبهه بلکه از

هدف مدافعه : نظریات متخصصین در مورد هدف مدافعه بعد از جنگ جهانی دوم تابع تغییرات فاحش گردید . با ایجاب سلاح هستوی و امکانات استعمال آن هدف مدافعه بیشتر قاطع و ثابت گردیده است .

در صورت اجرای فعالیت های محاروبی با استعمال وسائل تخریبی عادی قوت های در حال مدافعه هنگامی به هدف خود نائل میگرددند که منطقه را در تصرف خویش نگهدارند . اما در شرایط استعمال سلاح هستوی ، هدف مدافعه تلفات اعظمی دشمن متعرض و امحای گروپهای ضربوی را احتوا میکند . زمانی حتی تأیید مینمودند که تصرف و حفظ منطقه اهمیت درجه دوم دارد . زیرا که بعد از امحای قوت های متعرض دشمن تصرف منطقه بخودی خود صورت میگیرد .

در مورد مدافعه معاصر قوت های ناتو که میتواند در طی مدت استعمال تنها وسائل تخریب عادی و به تعقیب آن استفاده از سلاح هستوی آغاز یافته و عملی میگردد باید گفت که مبنی به نظریات متخصصین نظامی کشورهای غرب هدف آن باید حفظ مستحکم منطقه (نخستین سرحد مدافعوی) و همچنین وارد نمودن ضربات و تلفات اعظمی به دشمن متعرض باشد .

طبق تجارب تطبیقات های قوای مسلح ناتو که در سالیان اخیر صورت پذیرفته است هدف عملیات مدافعوی در آغاز محاربه عبارت از شکست گروپ های متعرض دشمن ، جلوگیری از تصرف نخستین سرحد مدافعوی توسط دشمن ، احیای وضع اولیه و ایجاد شرایط تمر بخش برای گذار قوت های ناتو به حملات متقابل می باشد .

بدینسان هدف آخری مدافعه اینست که در صورت اجرای مؤفقا نه آن شرایط مساعد و تمر بخش بمقصد گذاشتن به تعرض بوجود آورد .

مطالبات اساسی مدافعه معاصر :

یکی از مطالبات و خواست های اساسی مدافعه معاصر عبارت از جدیت مدافعوی میباشد .

در تعلیمنامه های رسمی به این مسئله که قوت های در حال مدافعه باید از هرگونه امکانات مساعد برای بدست

اشکال مدافعه : طوریکه معلومست در اردوهای کشور های ناتو دوشکل مدافعه در نظر گرفته شده است : متحرک و ثابت مدافعه متحرک به اساس وارد نمودن حملات متقابل (ضربات متقابل) توسط ذخائر بزرگ عمقانی و مدافعه ثابت به اساس حفظ مستحکم اراضی و آماده نمودن موقعیت مدافعوی از نگاه انجیرری استوار می باشند .

قول اردوها و واحدهای بزرگ اردو در جنگهای مدافعوی و یا عملیات محاروبوی قاعدتاً از هر دوشکل مدافعه استفاده می کنند . چه وقت و در چه شرائطی این و یا آن شکل مدافعه باید مورد استفاده قرار گیرد ؟

متخصصین نظامی تاکید می کنند که در شرائط استعمال سلاح هستوی باید اکثرآ از مدافعه متحرک استفاده شود و هنگام استعمال وسائل عادی حمله و تعرض مدافعه ثابت ترجیح داده میشود . اما این امر بدان معنی نیست که مدافعه متحرک را تنها باید در شرائط استعمال سلاح هستوی سازمان داد و عملی کرد . رجحان نامبرده شکل عمومی داشته و در موارد لازمه می توان از مدافعه ثابت در شرائط استعمال سلاح هستوی و از مدافعه متحرک در شرائط استفاده از سلاح عادی استفاده بعمل آورد . نظریاتی حاکی از تاثیرات عوامل دگری در انتخاب شکل مدافعه موجود می باشد . مثلاً مشوره داده میشود که گذاشتن به مدافعه متحرک زمانی صورت پذیرد که وظیفه محوله و منطقه عملیات محاروبوی اجازه سازماندهی و اجرای فعالیت های محاروبوی را در عمق زیاد بدهد ، شرائط اراضی حرکات نسبتاً آزادانه قوتها را تامین نماید ، تحرك قوتهای در حال مدافعه مساوی و یا بیشتر از تحرك قوتهای دشمن باشد قوتهای در حال مدافعه حاکمیت هوائی را بدست گیرد (اقلآ حاکمیت منطوقوی) قوتهای دوست عاجلانه به حال مدافعه بیاید ، مدافعه درجهبه وسیع صورت پذیرد و قوتها وظیفه حفظ اراضی و منطقه را نداشته بلکه وظیفه شکست دشمن را بعهده گرفته باشد . مدافعه ثابت (مدافعه منطقه) در موارد ذیل باید عملی گردد : در صورت عمق غیر کافی مدافعوی ، ضرورت به حفظ حتمی يك منطقه معین و یا اراضی و تأسیسات ، در شرائط خاص که اراضی به قوتهای در حال مدافعه اجازه مانور راندهد ، اگر قوتهای متعرض نسبت به قوتهای در حال مدافعه تحرك زیاد داشته باشد ، هنگامی که دشمن تفوق هوائی داشته باشد ، در زمان موجودیت موقع کافی برای استحکام وضع مدافعوی و ایجاد موانع و در وقتیکه عرصه مدافعوی نسبتاً تنگ باشد .

حق انتخاب شکل مدافعه به قوماندان تعلق می گیرد . قوماندان با ارزیابی وضع و شرائط قرار اتخاذ نموده که اساس مفکوره اجرای جنگ و یا عملیات مدافعوی را تشکیل میدهد .

عناصر اساسی ساختمان مدافعه : اساسنامه های اردوی کشورهای بزرگ ناتو سه عنصر اساسی ساختمان

جناح ها و عقب جبهه نیز ، مدافعه معاصر باید دائروی باشد . برای حملات مذکور دشمن از قوای پاراشوتی (دیسانت هوائی) و پرتاب هوائی و وسائل استفاده نموده و یا جنبش های پارتیزانی را سازمان میدهد . در صورت پلان گذاری مدافعه دائروی همه قوماندانان از قواء و وسایط شان باید ماهرانه استفاده کننده که در صورت ضرورت ، تجدید گروپ بندی قوتها و انتقال آتش امکان پذیر باشد .

بمقصد پایداری علیه دشمن امروزی که دارای قدرت بزرگ ضربوی و آتش بوده ، مدافعه باید عمیق باشد تا بتواند دشمن متعرض را متوقف سازد و یا او را به منطقه مساعد برای وارد نمودن حملات متقابل و یا ضربات متقابل براند . بنا به مفکوره متخصصین نظامی ، مدافعه کم عمق بسیار قابل نفوذ می باشد زیرا که دشمن می تواند پیش از آنکه قوتهای در حال مدافعه و یا متوقف سازد و یا حمله متقابله و یا ضربه متقابل را سازمان دهد رخنه نماید . عمیق مدافعه مربوط به نظم محاروبوی و ساختمان حرکاتی قوتها ، اشکال مانور ، ایجاد ساختمان های مدافعوی در عمق زیاد و استعمال موثر وسائل و ذخائر آتش می باشد .

بمنظور افزایش ثبات و پایداری مدافعه بمقابل سلاح هستوی و کیمیاوی ، قوتهای در حال مدافعه باید در مخفی گاه های زیر زمینی جایجا شوند و در عین زمان پراکنده باشند . اما پراگندگی باید بالای انجام وظیفه تاثیر منفی نداشته باشد . اندازه پراگندگی پیش از همه باید انجام وظیفه محوله را و تنها بعد از آن تلفات اقل ناشی از سلاح دشمن را تامین کند .

در اردوی کشورهای ناتو و بیش از همه در قوتهای آلمان غربی به سازمان دهی مدافعه ضد تانک اهمیت بسزائی داده میشود مدافعه ضد تانک به صفت اساس مدافعه معاصر پذیرفته شده است . پایداری مدافعه ضد تانک خصوصاً در شرائط استعمال وسائل تخریب عادی پیش از همه مربوط به قابلیت قوتهای در حال مدافعه در دفع حملات قوی تانکهای دشمن می باشد . ازین لحاظ موفقیت قوتها در مدافعه اضافه تر از همه به اجرای مدافعه ضد تانک بستگی دارد . موفقیت مدافعه باید گفت که رویهمرفته مربوط به موفقیت انجام مبارزه ضد تانک میباشد به اساس نظریات متخصصین غربی موجودیت ذخائر متحرک و در- شرائط استعمال وسائل تخریب کتلوی - ذخائر سلاح هستوی و کیمیاوی مطالبه مهم مدافعه معاصر را تشکیل میدهد . این امر آزادی عمل وسیع قوماندان را در صورت جنگها و تصادمات تدافعی تامین می نماید . ازین لحاظ تاکید میشود که مدافعه معاصر باید از امکانات مانور توسط قوا و وسائل برخوردار باشد .

مدافعه را در نظر می گیرد: خط تأمینات، منطقه پیش افتاده مدافعه و منطقه ذخائر.

خط و یا منطقه تأمینات از کنار مقدمی منطقه پیش افتاده شروع شده و بطرف دشمن گسترده میشود.

منطقه پیش افتاده مدافعه از کنار مقدمی مدافعه شروع از عمق گذشته و به سرحد عقب جبهه قطعات و قول اردوها نیکه در مدافعه قطار اول قرار دارند می انجامد.

منطقه ذخائر از سرحد عقب جبهه منطقه پیش افتاده مدافعه الی سرحد عقب قول اردوها امتداد دارد.

عناصر فوق الذکر ساختمان مدافعه به مقیاس تاکتیکی و همچنین به مقیاس حرکاتی تعلق میگیرد هر قول اردو و

واحد بزرگ نظامی دارای خط تأمینات، منطقه پیش افتاده مدافعه و منطقه ذخائر میباشد. اما عمق آنها مختلف است. بطور

مثال خط تأمینات فرقه دارای عمق ۱۵ الی ۲۰ کیلومتر و قول اردو و اردوی دارای عمق ۵۰-۷۵ کیلومتر میباشد. منطقه

پیش افتاده مدافعه فرقه میتواند که ۸ الی ۱۲ کیلومتر عمق داشته باشد. بعضاً عمق آن به پانزده کیلومتر ارتقا می جوید

(عمق مدافعه قطعات قطار اول) اما منطقه پیش افتاده مدافعه قول اردو ۲۰-۳۰ کیلومتر و حتی بیشتر از آن می باشد

منطقه پیش افتاده مدافعه اردو عمق ۵۰-۶۰ کیلومتر گرفته می تواند و بعضاً عمق آن بیشتر افزایش می پذیرد.

باید در نظر داشت که در شروع محاربه خطوط تأمینات قول اردوها و واحدهای بزرگ که در امتداد سرحدات ایجاد

گردیده منطقه خاصی را تشکیل میدهد که بنام منطقه حمایه مسمی می باشد. و منطقه عقبی آن که مناطق ذخائر و پیش

افتاده مدافعه قول اردوها و واحدهای بزرگ را در بر می گیرد در حقیقت منطقه مدافعه را تشکیل میدهد. طبق

نظریات قوماندانی ناتو منطقه حمایه در امتداد سرحدات دولتی بمنظور حمایه آن از حملات غیر مترقبه قوتهای پیاده دشمن احتمالی بوجود می آید. در منطقه حمایه گروپ بندی عمده قوتهای در حال مدافعه صورت می پذیرد. منطقه مدافعه برای استقرار قوا و پیشبرد جنگ اساس مدافعی اختصاص داده میشود.

مفاهیم « منطقه حمایه » و « منطقه مدافعه » در سالهای پنجاه هنگامیکه ایالات متحده امریکا و بلاک ناتو برای

اجرای تنها یک نوع محاربه - جنگ عمومی هستوی در منطقه ناتو آمادگی می گرفتند، میان آمد. مفاهیم مذکور تا اکنون

هم در بلاک ناتو حفظ گردیده است. در حال حاضر قوای مسلح بلاک مذکور برای هر گونه جنگ بشمول جنگهای که

در آن تنها از وسائل عادی تخریب استفاده میشود و یا - با وسائل عادی تخریب آغاز یافته و بعداً از سلاح هستوی

استفاده بعمل می آید، آمادگی می گیرد. اما باید افزود که عمق مناطق مذکور و همچنین ساختمان شان و آمادگی انجیری

تابع تغییراتی گردیده است. در نظریات نظامی سالهای پنجاه کشورهای غربی دیده

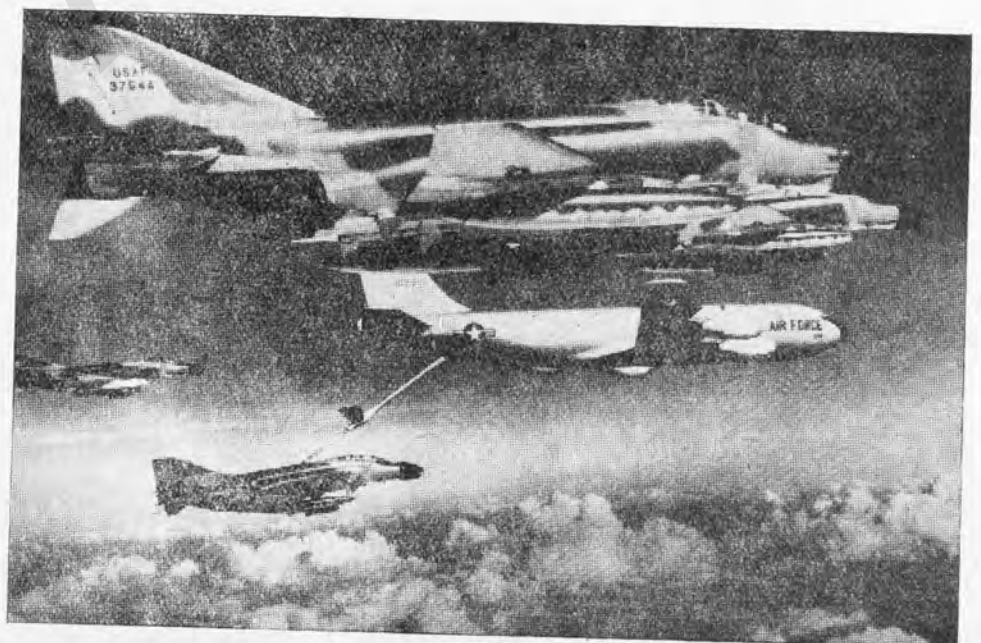
میشود که عمق منطقه حمایه را صد کیلومتر و عمق منطقه مدافعه را دو صد الی سه صد کیلومتر تعیین نموده بودند که در سال

۱۹۶۳ کاهش پذیرفت. منطقه مدافعه در حقیقت پیش برده شد که عمق آن از ۱۵ - ۲۰ کیلومتر به ۵۰-۷۵ کیلومتر می رسد.

بلاک ناتو به آمادگی منطقه از نگاه انجیری اهمیت شایانی قائل می باشد. در مطبوعات نظامی غرب مطالبی بچشم

میخورد که درین منطقه علاوه از مواضع مشخص شده، چاههایی برای انفجارات هستوی نیز حفر گردیده است. مطابق

پلان طرح شده درین منطقه خط انفجار هستوی مخصوصی



یک دسته از طیارات فانوم قوای هوایی امریکا در حال اجرای فعالیت

ایجاد خواهد گردید .

ساختمان منطقه مدافعه نیز تغییرات زیادی پذیرفته است . در سابق ، در ایالات متحده امریکا الی سال ۱۹۶۱ و در بلاک ناتو الی سال ۱۹۶۳ ، هنگامی که تنها آمادگی برای جنگ هستوی گرفته میشد ، بصورت اساس استعمال سلاح هستوی در نظر بود و به عملیات قوت‌های پیاده چندان اهمیت زیادی نمی‌دادند . فکر می‌نمودند که افواج می‌تواند در عمق جبهه عقب نشینی کند اما در طی این مدت در نتیجه استعمال سلاح هستوی سنجیده شده بود که توازن قوا به نفع ناتو برهم خورده ، حملات دشمن متوقف می‌گردد و گذشتن به تعرض متقابل صورت می‌پذیرد .

بنابر این ساختمان منطقه مدافعه یک و یا چندین سرحد مدافعی پیش افتاده را در نظر گرفته بودند که در آخرین آن باید دشمن متوقف می‌گردید و حملات متقابل آغاز می‌یافت نخستین سرحد مدافعی عموماً در فاصله ۱۰۰ - ۱۱۰ کیلومتر از سرحدات دولتی آلمان غرب با کشورهای سوسیالیستی امتداد داشت .

با تصدیق فرضیه «سرحدات مدافعی پیش افتاده» توسط ناتو ، نخستین سرحد مدافعی بطور اعظمی به سرحدات دولتی نزدیک شد . سرحد مذکور در فاصله ۱۵-۷۵ کیلومتر از سرحدات شرقی آلمان غرب تعیین گردیده است . به تعقیب آن می‌تواند که یک و یا چندین حدود و یا سرحدات عقبی واقع گردد . در مورد حدود و یا سرحد آخری باید گفت که در ساختمان منطقه مدافعه شامل نمی‌باشد ، زیرا که طبق فرضیه «سرحدات مدافعی پیش افتاده» نخستین سرحد مدافعی باید توسط فوجها بشکل پایدار حفظ گردد . یعنی باید از نفوذ دشمن به نخستین سرحد مدافعی جلوگیری بعمل آورد که در حقیقت حیثیت سرحد آخری مدافعه را می‌گیرد .

حدود مدافعی باید دارای نقاط اتکاء جدا گانه ، مناطق مدافعه و مراکز مقاومت باشد . مناطق و مراکز مذکور باید بطور غیر مساویانه در امتداد جبهه و عمق واقع شود . سطح و تناوب تجهیزات انجنیری مربوط به مقصد و مفکوره عملیات مدافعی ، موجودیت قوا و وسائط و همچنین مربوط به زمانست که بدسترس قوت‌های در حال مدافعه قرار دارد .

خصوصاً درجهاتی که اجرای مدافعه ثابت در نظر می‌باشد از نگاه انجنیری باید حدود و سرحدات دقیقانه آماده گردد . درین نواحی باید پناه گاه‌های متعدد ، بخش‌های مخا براتی و مواضع ستروا خفاء ایجاد شود .

درجهاتی که مدافعه متحرک صورت می‌پذیرد باید «کیسه» های مخصوصی برای فریب دشمن گذاشته شود تا توسط سلاح هستوی یا عادی و یا حملات متقابل تخریب شوند .

در مناطق ذخائر ، پناه گاه‌هایی بمنظور استقرار پراکنده قوت‌ها ، شبکه راه‌ها برای مانور ، نقاط و مواضع مقاومت ساخته

میشود . مواضع مقاومت برای نقل ذخائر هنگام حملات و ضربات متقابل در صورت ضرورت برای اتخاذ مدافعه مستحکم اختصاص داده میشود .

با در نظر داشت امکانات اجرای عملیات مدافعی در صورت تنها استعمال وسائل تخریب عادی ، تمایلات مبنی به مجهز نمودن انجنیری دقیقتر حدود مدافعی و مناطق مدافعه پدیدار گشت .

صف آرائی قوت‌ها برای مدافعه: تقسیمات قوت‌ها بمقصد جنگ (عملیات) طبق عناصر ساختمان مدافعه فوق‌الذکر صورت می‌پذیرد .

بخشی از قوا برای خط تا مینات و یا منطقه حمایه تعیین می‌گردد و قوای نامبرده بنام گارد عمومی و یا فوج های حمایتی یاد میشوند . بصفت قوت‌های مذکور مشوره داده میشود که متحرک ترین قطعات و قول اردوها مورد استفاده قرار گیرد (قوت‌های مکانیزه و تانک) .

در فرقه بصفت گارد عمومی می‌تواند که کندک کشف و یا گروه مؤقتی تاکتیکی ایفای وظیفه کند در قول اردو عموماً وظیفه قوت‌های حمایتی را فرقه مکانیزه و یا زره‌دار بعهده می‌گیرد .

در منطقه پیش افتاده مدافعه قوت‌های وظیفه دار میشوند که نخستین قطار مدافعی را تشکیل میدهند در منطقه ذخایر افواج قطار ذخایر عهده دار می‌باشند .

تقسیمات قوا بین نخستین قطار و قطار ذخایر به شکل مدافعه مربوط است در صورت مدافعه متحرک در منطقه پیش افتاده مدافعه حداقل قوا و وسایط مورد ضرورت اختصاص داده میشود (رویهمرفته از جزو تاسمهای پیاده) در ذخایر (احتیاط) که اساس مدافعه را تشکیل میدهد باید بخش اعظمی قوا و وسایط تعیین گردد در صورت مدافعه ثابت (مدافعه) در منطقه پیش افتاده مدافعه بخش اساسی قوا و وسایط متمرکز می‌گردد بشکل ذخایر و احتیاط بخش کوچک قوا و وسایط باقی مانده که تا مین عمق و استحکام مدافعه را بدوش می‌گیرد .

بدینسان نظم محاروبی قول اردوها و ساختمان حرکاتی واحد های بزرگ از سه قطار مرکب است قطار حمایتی (مخافطت و یا تا مینات) ، نخستین قطار مدافعه (قطار مدافعی پیشتاز) و قطار ذخیره یا احتیاط .

سوق و اداره توپچی در فرقه و قول اردو از یک مرکز صورت می‌پذیرد اگر بعد مسافه اداره را از یک مرکز اجازه نمی‌دهد ، توپچی به جزو تاسمهای بزرگ و قطعات داده میشود . برخی جزو تاسمهای توپچی اتومی به قوت‌های گارد و یا حمایتی داده میشود هنگام شمول ذخیره احتیاط در جنگ از طرف توپچی حمایه می‌گردد .

تطبیقات قوماندان و قرار گاه فرقه «۷»



بناغلی لوی درستیز
در حال استماع
جوابات یک تن
از افراد فرقه ۷



در فرقه (۷) قول اردوی مرکزی تطبیقاتی صورت گرفت که از تاریخ ۲۷ ثورالی ۲۹ ثور ۱۳۵۵ دوام کرد . برای مشاهده این تطبیقات تور نجنرال غلام حیدر رسولی لوی درستیز، عده از جنرالها و دیگر صاحب منصبان ارشد اردوی جمهوری حضور داشتند ، که اکثریت آنها را صاحب منصبان قطعات اطراف تشکیل داده بود .

موضوع آن را ، تطبیقات قوماندان و قرار گاه در خصوص احضارات محاربوی تشکیل میداد ، و بنا براینه تور نجنرال رسولی که توسط درستیز و اول قول اردوی مرکزی قرائت گردید بدینصورت آغاز شد :

رفقای عزیز و دوستان محترم !
جای بسی مسرت است که قطعات مربوطه اردوی جمهوری درین عصر فرخنده جمهوری طبع آرزوی رهبر ملی ما بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم شاهراه ترقی و اعتلای خویش را می پیماید و وظایف



تور نجنرال محمدنظیم قوماندان فرقه ۷ در حال دادن وظایف به قوماندانان شامل تطبیقات



بناغلی لوی درستیز صورت
از کانسرویشن کشیدن وسایط
را ملاحظه می نمایند

فعال و مواج است که هر آن قوس
صعودی خود را با جدیت تام می پیماید
و با مساعی خستگی ناپذیر و ظایف
خویش را طبق پروگرام مرتبه تقویمی
انجام میدهد.

به بیانیه بناغلی لوی درستیز بعد
از آنکه پیرامون سیر تکامل اردو
در افغانستان و خدمات مردان مبارز
و فداکار سخنان ارزنده ایراد
گردید چنین ادامه داده شد:

تطبیقاتی که امروز در مرحله اجرا
قرار میگیرد نمونه از فعالیتها
وزحمت شباروزی منسوبین فرقه «۷»
را وانمود می سازد که برای رشد بیشتر
آنها مؤثر بوده و برای ملکه و ممارسه
منسوبین مذکور نقش بسزای دارد.
یک ملت و یک کشور وقتی قوی
و نیرومند است که اردوی آن از هر نگاه
مجهز و مسلح بوده و در هر نوع شرایط
آمادگی کامل داشته باشند. آرزوی
من از شما جوانان رشید و زحمت کش
این است که با مساعی هر چه بیشتر
در راه حفظ خاک و نوامیس ملی خویش
دریغ ننموده و فرزند صادق و برومند
این سرزمین مرد خیز باشید.

این رژیم خجسته از هیچگونه فداکاری
و جانبازی دریغ ننموده و این سرزمین
قهرمانان را آنطوریکه آرزوی واقعی
هر فرد این خاک است به اوج اعتلا
و ترقی برسانیم.
اردوی امروز دیگر یک اردوی

محوئه خویش را بوجه احسن به پیش
می برند.

برادران عزیز!

کشور ما در این مرحله حساس
تاریخی نیازمند نیروی توانای شما
جوانان وطن پرست است تا در تحکیم



بناغلی لوی
درستیز حین
بازدید از
موضعهای پلانیزه
شده تطبیقات

کشور خویش گردیم . تا باشد برای مردم و مملکت مصدر خدمات ارزنده گردیده باشیم ... بناغلی لوی درستیز در پایان بیانات خویش از بناغلی والی لوگر که در اکثر تطبیقاتها تشریح مساعی کرده اند ابراز تشکر نمودند و بیانیه خود را با شعار: زنده باد افغانستان - پاینده باد رهبر کبیر افغانستان خاتمه دادند .

در ختم تطبیقات - سرید جنرال محمدیحیی نوروز رئیس اوپراسیون وزارت دفاع ملی خطاب به حاضرین گفت :

رفقای محترم!

اجازه بدهید وظائف عمده که بالنتیجه تطبیقات نمایشی قوماندان و قرارگاه بعهدہ مقرر میگردد طور خلاصه باشما در میان بگزاریم:

طبق نظریات جدیدترین اردوهای معاصر جهان، تعلیم و تربیه تکتیکی یک علم مستقل است. فرا گرفتن صحیح این علم تا اندازه زیاد ب مهارت میتودیک قوماندانان و آمران و نتایج تعلیم و تربیه صاحبمنصبان قرارگاهها و قوتهای مادون مربوط میباشد.



تورنجنرال غلام حیدر رسولی لوی درستیز هنگامیکه از مواضعها بازدید می نمایند

جمهوری افغانستان گام برداشت تا اردو که رکن اساسی و مهم مملکت است تقویة بیشتر یابد .

پس بر ما است که با اساس مشی خرد مندانة رهبر ملی خویش گام برداریم تا یک اردوی مترقی و ظفرمند

تورنجنرال رسولی لوی درستیز بعد از ختم تطبیقات سه روزه در بیانیه خویش چنین گفتند :

تطبیقات سه روزه فرقه «۷» که با اساس دیرکتیف ستر درستیز در دشت «التمور» صورت پذیرفت مؤفقانه بود. دشت التمور جائیست که شاهد بسا واقعات تاریخی بوده است، واقعاتی که بواسطه دشمنان داخلی و خارجی بمیدان آمد. اما مردان مبارزان خاک به رهبری اعلیحضرت غازی امان الله خان نگذاشتند که دشمن علم پیروزی را بر فراز کوههای شامخ این خطه باستانی به اهتزاز در آورد اعلیحضرت نادر شاه شهید برای برانداختن شورشیان بر خاست و دشمنان وطن را تار و مار کرد .

اما امروز عصر دیگر است، عصریکه آرزوی دیرینه مردم افغانستان بوده علم برداران فرزندان صالح این خاک بناغلی محمد داود کبیر است. این شخصیت بزرگ از همه اولتر در راه پیشرفت علمیت منسو بین اردوی



بناغلی لوی درستیز توضیحات یک تن افراد را استماع می فرمایند

در جهان امروز تعلیم و تربیه صحیح
عسکری بدون ادراک ماهیت حربهای
مودرن. میتودهای عصری سوق و اداره
فهمیدن نقش انسان و تکنیک در حربهای
حاضر. تعیین محتویات مناسب تعلیم و
تربیه تکنیکی و تطبیق اشکال و
میتودهای معقول تعلیم و تربیه ممکن
نمیباشد.

تعلیم و تربیه تکنیکی با گذشت
زمان بصورت متعادی مکمل تر شده
و اشکال جدید بخود میگیرد.
این تحولات زاده تغییرات سلاح
و وسائط و تشکیلات قوتها میباشد و این
تغییرات بنوبه خود بالای محتویات.
میتود ترتیب و تنظیم و پیشبرد دروسهای
تکنیکی و تطبیقات تاثیر قابل ملاحظه
دارد.

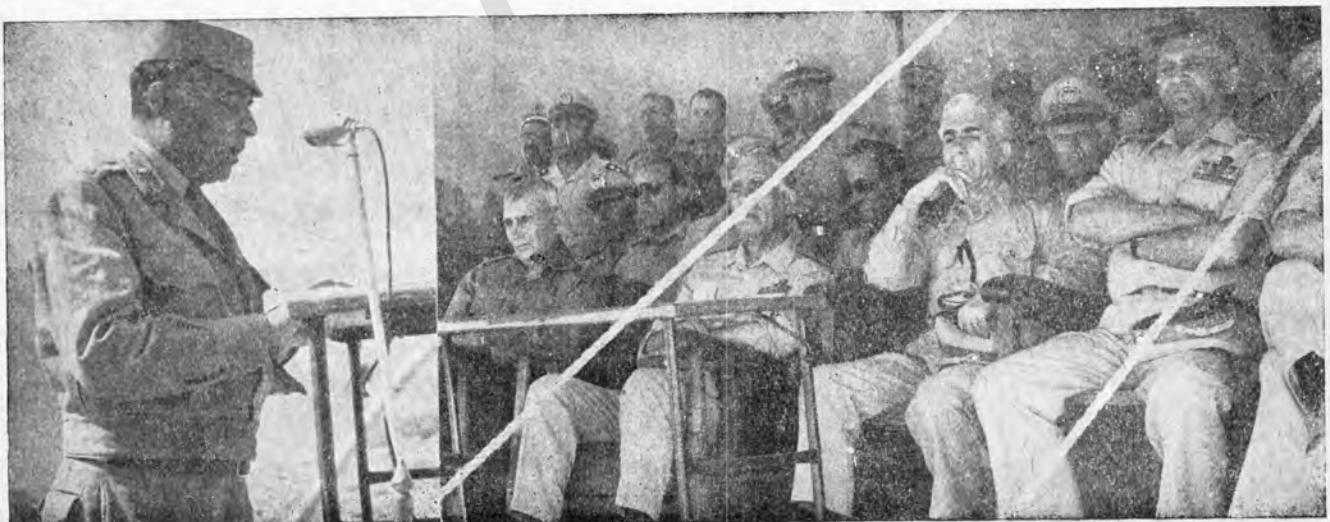
خوشبختانه ما این تغییرات را در
اردوی جمهوری افغانستان نظر بدلائل
آتی بوضاحت مشاهده کرده میتوانیم:
۱- ازدیاد تعداد تطبیقاتها.
۲- تطبیقات گذشته بالعموم شق
موضع مدافعه، گرفتن خط مدافعه و
غیره بود. امروز اقسام عملیات
محاروبی مانور دار، گذشتن از یک
شکل بشکل دیگر، شروع از قشله.



پرسونل شامل تطبیقات در حال کشیدن وسایط از کانسرویشن

مسا فیه زیادی را پیمودنی هستیم باید
میتود اجرای درس ها و تطبیقات هارا
ببهرت بسازیم و برای این مقصد نباید از
نواقص جدی که در حرکات ما موجود
است چشم پوشی کنیم بلکه آنها را
تشخیص دهیم مطرح نمائیم و برای
از بین رفتن شان مساعی بخرج دهیم.
این نواقص هم در تنظیم و اداره
(بقیه در صفحه ۷۷)

- ۳- ساحه تطبیقات وسیع تر شده.
- ۴- از نگاه زمان، وقت زیادتر را
در بر میگیرد.
- ۵- تطبیقاتها توام با انداخت
محاروبی تمام انواع اسلحه بالخاصه
قوای هوائی.
- اما این پیشرفت ها در حالیکه مایه
مسرت است. کافی نمیباشد. ماهنوز



برید جنرال عبدالعلی درستیزوال قول اردوی مرکزی در باره موضوع و مفکوره تطبیقات بیانیه میدهد

مقایسه‌ی بی میان حماسه‌های گشتاسپنامه

و

بر زونا مه

نوشته: بکتاش

(۲)

را کشته است تورانیان را شکست داده است، خاقان چین را گرفتار کرده است بیژن را از چاه رها نیده است، از هفت‌خان گذشته است و اکوان دیورا نابود کرده است و اسفندیار و سهراب را کشته است بلکه شمایل مرد محافظه کاری است که می‌خواهد با ترفند و نیرنگ دشمن را نابود سازد و اینگونه قهرمان سازی، شناخت خواننده را از رستم پیلتن مغشوش می‌سازد، از رستمی که گویا فردوسی در باره اش به سلطان محمود گفته بود: خدای تعالی خویشتن را هیچ بنده چون رستم دیگر نیا فرید. (۱)

اگرچه فردوسی هم در شاهنامه دوبار، تصویری را از رستم میکشد که تصویر مطلوبی نیست، یکی در نبردش با سهراب و دیگری در رزم اسفندیار که اندیشه فرار بر سرش میزند ولی در هر دو رزم، باز هم پیروزی از آن رستم است، از آن گذشته رستم که وجودش اینهمه آمیخته با افسانه‌هاست، وجودش هرگز از یک انسان عادی و خاکی جدا نمیشود مردیست دارای گوشت، پوست، استخوان دارای ضعف‌ها و توانایی‌های جسمی... (۲)

اما در برزو نامه رستم به پیمان‌نویسی ناتوان است، در

اگرچه دقیقی خود بحیث راوی داستان دآوری و قضاوت نمیکند اما روایتش نشان میدهد که گشتاسپ یک شخصیت لرزان و مضاعف است. یکی از روانکاوان، این بیدادگری گشتاسپ را در حق فرزندش چنین تحلیل میکند درد دیگر از گره‌های بزرگ روانی آدمی، حسادت نسبت بنسل جوان است و چیزی که من عقده، رستم خواننده‌ام موضوع رستم و سهراب چیزی جز بیان این عقده روانی نیست همچنین این عقده روانی را در رفتار گشتاسپ با پسر خود اسفند یار به بهترین وجه میتوانیم دید فاجعه رستم و اسفندیار را در حقیقت گشتاسپ بوجود می‌آورد و در حقیقت قاتل اسفندیار هم اوست (۱) و بی‌جهت نیست که طبری هم میگوید، گشتاسپ به پسرش حسادت میورزیده است (۲)

اما قهرمان سازی در برزو نامه، سوای قهرمان سازی در شاهنامه است، باین معنی که قهرمان‌های شاهنامه در این داستان عملاً ناتوانتر و ضعیف‌تر نشان داده میشوند. شمایل رستم در برزو نامه شمایل مردی نیست که دیوسفید را کشته است، دژ کوه سهند را گشوده است، کیقباد را از البرز آورده است، با شاه‌ها و اوران جنگیده است، اشکبوس

(۱) تاریخ سیستان تصحیح ملک الشعرا، بهار ص ۷.

(۲) روشن، دکتور محمد علی اسلامی. زندگی و مرگ

پهلوانان در شاهنامه، ۱۳۴۸، ص ۲۹.

(۱) صاعی، دوکتور محمود. تراژدی چیست (مجموعه

سخنرای‌های دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۴۷-۱۳۴۸

(۲) طبری، ج ۱، ص ۶۸ س ۱۲ (به نقل از کتاب نولدکه)

با برزودستش خسته میشود و فردای آن پسرش را در قالب خویشتن
بجنگ میفرستد، گویا میخواهد از نیروی شکست ناپذیر
جوان به نفع نیروی کهن استفاده کند. او فرامرزا در هیات
خویشتن میفرستد و اصرار دارد که خود را دستم معرفی بدارد
و برزو که از این گریز رستم آگاهست در جایی چنین طعنهایش
میزند :-

دوبار آمدی جنگ را پیش من

چو دیدی بهیدان کم و بیش من

بچاره زمن روی برگ-اشتی

مرا ابله و خیره پنداشتی

گذشته از این در حضور همین رستم است که گرگین غذای برزورا
زهر آگین میسازد و رستم علی الرغم خصوصیات پهلوانیش،
این ننگ رامی پذیرد و همین رستم است که بخاطر حدیثش
بازنان در برزونا مه مورد شحاتت برزو قرار میگیرد (۱)
ولی ارجاسپ و افراسیاب تورانی دو قهرمان منفی این دو
حماسه و این دو قهرمان یک خصامت مشترک آشکار دارند که
پیوستگی و گرایش به دیواست. دقیقی در مورد ارجاسپ
میگوید :

مگر شاه ارجاسپ توران خدای

که دیوان بدندی به پیشش بجای

و در برزونا مه میخوانیم که روان افراسیاب نزد دیوان
مزدور بوده است :

نه این بی خرد، کز خرد دور بود

روانش بر دیو مزدور بود *

صفت ارجاسپ (ارجت اسپه *Aredjat aspa*) در
اوستا (درونت) است یعنی دروغ پرست اما در گشتا سپنامه،
گذشته از اینکه بنامهای شهریار جهان - جهاندار کهان و
مهان، سالار گردان چین گردگزين، سپهدار چین، یاد میشود
بنام ترك جادو و ارجاسپ زشت هم یاد میشود و با آنکه مرکز
قدرت های نابکار و پلید هموست اما وابستگان او بیشتر
به صفت زشت یاد میگردند تا خودش. مثلاً بیدرفش در
گشتا سپنامه پلید مترگ نامیده میشود و سگ جادو.

در هر دو منظومه، قدرت و پیروزی، از آن نسل نوحاسته
است از آن نسلی که جوان است، برومند است و دینامیزم
بیشتری دارد، اسفندیار، بستور و برزو از شمار همین نسل اند،
از شمار همان پهلوانانی که قدرت بازوی شکست آفرین و
ناشکستنی. در گشتا سپنامه با آنکه زیر پرده پهلوان نیرومندی،
هم شخصیت مطلوب مذهبی، اما محکوم است، بهیرد تا
توانایی فرزندش آشکار شود و همینگونه، توانایی و
زورمندی اسفندیار پسر گشتاسپ.

در برزونا مه هم رستم جهان پهلوان باید ضعیف تر و
نا توانتر از نوه اش برزو بهیدان آید و نا توانتر از فرزندش
فرامرز جنگی را که رستم میبازد، فرامرز میبرد، تا حقانیت
و برتری نسل نوحاسته بیشتر شود.

ولی تفاوت در اینجاست که در برزونا مه، رستم جهان
پهلوان، بحیث قدرتمندترین پهلوان حماسه ملی ما کرکتری
است که از لحاظ نیروی جسمانی و هم از نگاه قدرت روحی
و اخلاقی پهلوانی، ضعف های آشکاری دارد درین مغایر
اصل داستانپردازی در منظومه های حماسی است و دقیقی
با فهم همین مطلب است که اسفندیار را بحیث قهرمان اصلی
داستانش، کرکتر بی عیبی جلوه میدهد.

یکی دیگر از وجوه اشتراک در منظومه، تطمیع قهرمانان است.
تطمیع قهرمانان در هر دو منظومه نقش مؤثر و تعیین کننده
دارد.

زن و زور دو وسیله بی است که در این دو مثنوی، صاحبان
قدرت در بهای آن پایگاه منفعت های خویشتن را تحکیم
می بخشند.

در گشتا سپنامه هنگامیکه کی گشتاسپ میخواهد از نیروی
اسفندیار بهره کشی بیشتری نماید، وعده میدهد تا پس از
جنگ، تخت و تاج را به اسفندیار بسپرد، تا بدینوسیله او را
حریمانه تر بجنگ بکشاند و تمام نیروی او را در خدمت
خویش استخدام کند :

چو من باز گردم از این رزمگاه

با سفند یارم دهم تاج و گاه

میدانیم که گشتاسپ نه تنها در اینجا وعده خلافی میکند
بلکه در آن زمان که اسفندیار کافران و بت پرستان را به آیین
تازه می آورد باز هم از پدر همین وعده رامی شنود و همان
خلافی را می بیند.

سومین بار و چهارمین بار هم این وعده دادن و این تطمیع
ادامه می یابد و باز هم در پشت سرش وعده خلافی را نهفته دارد.
زمانیکه اسفندیار از زنجیر و غل زندان (گنبدان دژ) بر میخیزد
و ارجاسپ را شکست میدهد و خواهانش را بشهر بلخ می آورد
و زمانیکه بفرمان پدر به نبرد رستم جهان پهلوان تهمتن
بیگناه کشور خویش می شتابد و جانانش را بر سر این کار
میگذارد.

تطمیع گشتاسپ در حماسه دقیقی یکبار دیگر در جایی است
که میخواهد انتقام برادرش زریرا از دشمن بگیرد، در
همین زمان است که میگوید، بخاطر خونهای زریر، حاضر
است دخترش همارا به فاتح این جنگ بدهد.

که هر کس میانه نهد پیش پای

مرا و را دهم دخترم را همای (۶۱۹)

در همین جنگ است که ارجاسپ تورانی هم اعلان میدارد
که هر کسی بتواند زریرا از پای در اندازد، دخترش را
ولشکرش را با وارزانی خواهد کرد.

(۱) ترا بازنان چیست این گفتگوی

اگر جنگ را آمدی جنگجوی

حدیث زنان سخت ناخوش بود

نه آیین مردان سرکش بود

هران کز میان باره انگیزند
بگرداندش پشت و بگریزند (۶۵۳)

من او را دهم دختر خویش را

سپارم بدو لشکر خویش را (۶۵۴)

در برزو نامه هم، قهرمان مرکزی داستان بر اثر تطمیع
افراسیاب متقاعد میگردد که نقشه های جنگی افراسیاب را
بپذیرد وزن و خواسته او را بسوی لشکر افراسیاب براند
چون در اینجا افراسیاب است که باردیگر اسلحه بران تطمیع
را از غلاف بیرون میکشد و میگوید:

بیای زین دولت و کام تو بشاهی کشد این سرانجام تو
همان کشور و دخترم، آن توست

همالشکرم زیر فرمان توست (۱۰۴-۱۰۵)

نقطه ضعف چنین قهرمانی تسلیم شدن در برابر خواسته
و دارایی است و هنگامی که برزو آنهمه خواسته رانزد مادرش
می برد، این ادعا بخوبی ثابت می شود:

بمادر چنین گفت کای نیکروز روان را بدین خواسته بر فروز
کزین گونه کس خواسته دیده نیست

همان گوش کس نیز بشنیده نیست

در همین بخش است که (شهر و) مادر (برزو) تصمیم
میگیرد تا با پند و اندرزش پسر را از جنگ با رستم و دل بستن
بادینار و دیبا باز دارد و چنین صحنه بی خواننده را ناگهان
بیاد اندرزهای کتابیون مادر اسفندیار می اندازد درست
در همان لحظاتی که میخواهد بجنگ رستم برود.

همینجاست که (برزو) و (اسفندیار) بخاطر قدرت و
پیروزی و بخاطر جاه طلبی بجنگ واقعتاً با برمیخیزند و
و هر دو مادر آگاه، این جنگ را جنگ غیر عادلانه میدانند
سخن پرداز برزو نامه، درین قسمت هم بشدت زیر تاثیر
فردوسی است، اگر کتابیون از شنیدن خبر رزم پسرش با
رستم می گیرید و بیتابی میکند، شهر و ما در برزو هم به
چنین عملی دست میزنند.

کتابیون چه بشنید، شد پر ز خشم

به بیش پسر شد پراز آب چشم

این حادثه را از برزو نامه چنین میخوانیم:

چو شنید مادر فغان بر کشید

سر شکس ز دیده برخ بر چکید

آنجا هر دو مادر، یا بگفته دیگر هر دو شاعر به گذشته
رستم و دلاوریهای او بر میگرددند تا قهرمان خویش را از
جنگ با او بازدارند و اینجا هم وصف ها کاملاً مشرک
است، حتی همان نقطه عاطفی که فردوسی بر رویش
انگشت میگذارد، مولف برزو نامه هم انگشت میگذارد،
کتابیون میگوید که این عمل برای مادر تو خاکساری دوگیتی
است: از این کار سر باز زن:

مکن خاکسار دوگیتی مکن ازین مهر بانمام بشنو سخن
در برزو نامه هم همین توقع را از زبان مادر برزو

می شنویم:

همی آرزو رزم شیران کنی مرا خاکسار دوکیهان کنی
اما اختلاف کلی قهرمان سازی در گشتاسپ نامه و برزو
نامه اینست که قهرمان گشتاسپ نامه سیمای مغشوش و
و گنگی دارند صفات و حالات شان بدرستی تشریح نمیشود
مخصوصاً صفات جسمانی شان در حالیکه در برزو نامه از
همان آغاز مخصوصاً از قهرمانان اصلی تصویرهای روشنی
پیش روی داریم ولی میتوان به جرأت گفت که اینگونه
قهرمان سازی به سختی زیر تاثیر قهرمان سازی فردوسی
است. حتی کلمات و تشبیهات که ارزانی قهرمانان میشود
بیشتر ترکیبات و صفات و تعابیری است که قبلاً فردوسی
بکار برده است، هنگامیکه از زبان افراسیاب در مورد برزو
می شنویم که:

نیامد ز ما بردلش هیچ باک

چه یا بیم پیشش چه یک مشت خاک

ناگهان بیاد سخن رستم می افتیم در تراژدی رستم و

سهراب که وی در مورد کاووس میگوید:

چرا دارم از خشم کاووس باک

چه کاووس پیشم چه یک مشت خاک (۱)

نحوه پرداخت و ساختمان:

نحوه بیان و ساخت داستانی هر دو حماسه یکی نیست
بدین معنی که در گشتاسپ نامه از توصیف *Description*
و تصویر سازی (*Image*) کمتر است ولی برزو نامه،
دارای توصیف ها و تصویرهای فراوانی است از همینروست
که فردوسی در نقد منظومه گشتاسپ میگوید:

به نقل اندرون سست گشتش سخن

از او نونشد روزگار کهن

و یا: بگیتی نماند است از او یادگار

مگر این سخن های نا پایدار

و یا: نگه کردم این بیت و سست آمدم

(بسی) همه بیت نا تند رست آمدم

در گشتاسپ نامه، وصف ها، فشرده و کوتا هست،
گویی دقیقی وظیفه دارد که یک متن منشور را، منظوم
سازد، از اینرو در روایاتش شتابزدگی فراوانی بچشم
میخورد. ظهور زردشت در گشتاسپ نامه با دوسه بیت
آشکار میشود و پذیرش گشتاسپ، این بهی را باز هم در
چند بیت مختصر است. همینگونه وصف میدان های جنگ هم
به تناسب صحنه های جنگ شاهنامه حتی به نسبت صحنه
های برزو نامه کوتاهتر است، فقط در نامه گشتاسپ است
که فضای وسیعتری را می بینیم، در اینجا دقیقی در استعمال
تعبیرات و تشبیهات، سخاوت بیشتری دارد و از پهلوان هایش
تصویر روشنی نشان میدهد. همچنان در خطابه ار جاسپ...
و اینگونه وصف های بالنسبه هنرمندانه می نماید که دقیقی

رستم و سهراب، بکوشش مینوی و بنیاد شاهانه:

۱۳۵۲، بیت ۴۱۷.

در تصویر سازی و وصف، ناتوان نیست بلکه بخاطر پاسداری از متن مورد نظر خود است و بخاطر سفر درازی که در پیش دارد، در داستان پر دازیش، شتابی فراوان روا میدارد و گرنه همین چند بیت کافی است که یارایی او را در بیان هنری و بیان داستانی به خوبی ثابت سازد. هنگامیکه او برای ارجاسپ تورانی خصوصیات پهلوانان آریایی رامی شمرد، در واقع نقاشی است چیره دست که تصویر پهلوانان را بر روی پرده، نقاشی میکند و آدم را بی مهابا بیاد وصف های فردوسی می اندازد:

بیارم ز گردن هزاران هزار

همه کار دیده، همه نیزه دار (۲۵۱)

همه ایرجی زاده و پهلوی

نه افراسیابی و نه یبغوی (۲۵۲)

همه (ماه) چهر و همه ماه روی

همه سروبالا، همه راست گوی (۲۵۳)

همه نیزه داران، شمشیر زن

همه باره انگیز و لشکر شکن (۲۵۵)

با آنکه توصیف میدان های جنگ و توصیف حالات و ابزار در برز و نامه بیشتر است اما غالباً این وصف ها تکرار میشود کاری که دقیقی در چند جای گشتاسپ انجامش میدهد (۱) از توصیف های تکراری استفاده می برد در واقع، عملی است که ناظم برز و نامه انجامش میدهد، با این قضاوت که گاهی این وصف ها و تعبیرها، از خودش هم نیست. و قتیکه برزو درباره زندگی گذشته اش با افراسیاب سخن میزند چنین میخوانیم:

چو افراسیاب این ز برزو شنید

بکردار گل تازه شد بشگفتید

اما همین وصف را در جای دیگری از برزو نامه، باز هم همینگونه می یابیم:

چو افراسیاب، آن زاهنان شنید

بکردار گل تازه شد بشگفتید

یا هنگامیکه افراسیاب در مورد دلیری رستم سخن میزند میگوید که: چه کوه و چه هامون چه دریای نیل، در حالیکه همین وصف را از زبان شهرو، در مورد بزر در جای دیگری میخوانیم.

جای که افراسیاب به هومان میگوید سه، کمان و گرز و نیزه او را حاضر سازد میخوانیم که:

همان گرز و هم نیزه من بیار

بدین نامور مرد جنگی سپار

واند کی بعد همان مصرع را بی هیچگونه تغییری در این بیت می بینیم:

بیاور بدین مرد جنگی سپار

درنگی مکن، زودا کنون بیار

گاهی ممکن است که این تعبیرها و توصیف ها، بیش از دو بار هم تکرار شود مثلاً در این ابیات:

چو آمد بنزدیک رستم فراز

زمین را بوسید و بردش نماز

یا: چه رستم بر خسرو آمد فراز

زمین را بوسید و بردش نماز

یا: پیاده شد از اسپ و بردش نماز

نمونه های را که شاعر تکرار میکند و یا بکلام دیگر از گفته های خودش وام میگیرد کم نیست ولی گذشته از این سراینده برز و نامه از کلام فردوسی هم به سختی متأثر است و از آوردن تشبیهات تعبیرات، وصف ها و حتی بکار گرفتن یک مصرع تام و یایک بیت کامل فردوسی هم ابا نمی ورزد جاییکه در برز و نامه میخوانیم:

ترا شرم ناید ز ریش سفید

ز یزدان همانا شدی نا امید

بی اختیار بیاد گفته، پشوتن در رستم و اسفندیار فردوسی می افتم که خطاب به پدرش گشتاسپ میگوید:

ترا شرم ناید ز ریش سفید

که فرزند کشتی ز بهر امید؟

یا این بیت فردوسی که از زبان رستم در برابر اشکبوس بزبان می آید که:

مرامان من، نام مرگ تو کرد

زمانه مرا هتک ترگ تو کرد

در برز و نامه چنین تقلید میشود:

درین جایگه نام من مرگ توست

کفن بیگمان جوشن و ترگ توست

گاهگاهی تاثیر شاعران دیگر را هم میتوانیم در برز و نامه بنگریم، مثلاً تأثیر فرخی رادین بیت برزو نامه:

چو خواهد کسی را رسیدن زمان

گواهی دهد، دل برو هر زمان

که مأخذ است ازین بیت فرخی:

بلی هر چه خواهد رسیدن بمردم

بر آن دل دهد هر زمانی گواهی

گذشته ازین میتوان بیت های ضعیفی را، با ترکیبات سست و حشوهای ... در برز و نامه دید، مثلاً در این ابیات:

بسی کرد زاری و مویه گری

بمن آخر این داد انگشتی

یا: مرانگه بخری ستور چهار

چنانچون بود در خور کار زار

یا: بگفتا بمن این زمان گوش دار

شوم تا بگویم بتو هوش دار

اما تأثیر فردوسی چه از نگاه مضمون و چه از نگاه پرداخت جای در جای برز و نامه آشکار است و حتی زیبایی

(بقیه در صفحه ۵۱)

(۱) دکتور صفاهم باین تقلید پذیری، اشاره رانده است.

مطالبی درباره اردوهای جهان

ترجمه جکرن محمد حکیم

جمهوریت (تایوان)

چونگ هوامین - کوو

ارقام پوتانسیل قدرت :

ساحه : ۱۳۹۵۹ میل مربع

نفوس : ۱۳۰۴۰۰۰۰۰ نفر

مجموع قوت‌های مسلح فعال : ۵۲۸۰۰۰ نفر (۳۰.۹۲٪ نفوس)

(نفوس)

تولید مجموعی ملی : ۳۰۷ میلیارد دلار (۵۲۷۶ دلار فی نفر)

مصارف سالانه نظامی : ۲۵۷ میلیون دلار (۴.۶٪)

تولید مجموعی ملی : ۶۸٪ بودجه عمومی)

تولیدات آهن و فولاد : ۴۰۰۰۰۰ تن.

تولید مواد سوخت : ذغال سنگ ۵۱ میلیون تن .

نفث تصفیه شده : ۱۷ میلیون بیرل.

تولید انرژی برقی : ۶ میلیارد کیلووات فی ساعت.

بحریه تجارتنی : ۱۲۲ کشتی بظرفیت مجموعی ۷۶۰۰۰۰ تن)

هوانوردی ملکی : ۴ طیاره جت ، ۵۸ طیاره پستون دار

۱۴ طیاره ترانسپورت خفیف ساختمانی دفاعی :

رئیس جمهور سر قوماندان قوت‌های مسلح بوده شخصاً

از آن واری می کند ، قواها استقلالیت نداشته و بصورت

مرکزی از طریق وزارت دفاع و ستر درستیز عمومی تقریباً

مشابه ستر درستیز مشترک امریکا اداره می شود ، لوی درستیز

دارای وظیفه دوگانه میباشد . ولی بحیث ستر درستیز نزد

رئیس جمهور و همچنان نزد وزیر دفاع از نظر اعطای

اوامر و اجرای فعالیت مسئول می باشد .

پالیسی نظامی - سیاسی

هدف اساسی پالیسی نظامی جمهوریت تایوان عبارت است

از حمایت از تصمیم جز ایرلسیسموچینا نکاچک در مورد اعاده

حکومت وی بالای خاک اصلی چین که از طرف حزب کمونسٹ

چین بتاريخ ۱۹۴۹ از آنجا اخراج و رانده شده باین دلیل

ساحه کوچکیکه تا هنوز تحت کنترل حکومت جمهوریت

تایوان است (تایوان و چند جزیره کوچک) از چیزی حمایت

می نماید که احتمالاً سنگین ترین بار دفاعی در جهان بمقایسه
نفوس ، ساحه و عایدات آن میباشد . (قابل تذکر است که
در این زمینه کمک قابل ملاحظه را از اضلاع متحده
امریکا دریافت داشته) هدف عمده درجه دوم پالیسی
نظامی تایوان امنیت ساحه آنست که در اینمورد به پیمان
متقابل امریکا و تایوانی استناد می شود .

این حقیقت که حکومت جمهوریت تایوان یک ایالت
چین (تایوان) و قسمت های ایالت دیگر اکوی مولی و
ماتسو که جزء ایالت فوکین میباشد) را کنترل مینماید
دارای اهمیت فوق العاده سیاسی بوده و در زمینه جنگ
داخلی لاینحل این اهمیت زیاتر می شود .

بعد از ختم جنگ جهانی دوم که تلفات انسانی چین
فقط کمتر از اتحاد شوروی ، جرمنی و جاپان بود ، حکومت
سابق از طرف اردوی سرخ چین در سال های (۴۴ - ۱۹۴۵)
شکست های سختی خورده ، حکومت مذکور به تایوان فرار
کرده و بجای آن در چین جمهوریت مستقر گردید . عواملیکه
این شکست فاحش را سبب شد عبارت بودند از عوامل
اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و سایکولوژیکی همچنان بعضی
محققین غربی علت آنرا اشتباهات و نواقص عمده ای میدانند
که از طرف حکومت مذکور در اثنای حرب صورت گرفته
یک هدف عمده پالیسی نظامی تایوان از زمان مهاجرت
آن تاکنون رفع نواقص مذکور و تصحیح آن غلطی ها
می باشد با کمک های نظامی و مشاورتی امریکا مخصوصاً
از سال ۱۹۵۳ باینطرف این تلاشها تا اندازه زیادی موفق
بوده است .

جمهوریت تایوان خدمت عسکری به اساس قرعه که بر ای
مدت دو سال بوه و برای همه جوانان را که سن شان از
۱۹ سالگی تجاوز کند جبری می باشد صورت می گیرد . تقریباً
نیم اعضا و افراد قوت های مسلح از سرزمین اصلی چین میباشد .
همه شامل افراد مهاجر مسن و فرزندان شان می شود که در
۱۹۴۹ به تایوان فرار کرده اند . اکثر آنها اعضای
دائمی میباشد نیم دیگر قدرت اردو از مسکونین اصلی

تایوان بوده که اکثراً به سیستم قرعه تابع می باشند .
 بعد از جنگ جهانی دوم بقایای قوتهای نظامی حکومت
 ملی در اراضی جنگلدار و صعب‌المرور شمال شرق برما و شمال
 غرب تایلند باقی مانده اند. درجه ارتباط و مسؤلیت این
 قوتها با حکومت آن کشور معلوم نیست .

پراپم های استراتیژیک :

کاملاً واضح است که امید حکومت چین تایوان در
 بازگشت بوطن اصلی چین بدون کمک و حمایت وسیع خارجی
 محتملاً اضلاع متحده یا انهدام رژیم موجوده چین میسر شده
 نمی تواند که در شرایط فعلی کاملاً محال است. از طرف
 امریکا واضح ساخته شده که در این نوع عملیات تعرضی
 بهیچ صورت کمک نکرده اما رسماً تمامیت و استقلال تایوان
 تضمین گردیده با آنکه دولت چین بمشکلات و بحران مواجه
 گردد. امریکا چنین کمک های اقتصادی لوژستکی و یا کمک
 های دیگر را جهت حمایت تعرض چین ملی مهیا نخواهد کرد.
 تصمیم جمهوری تایوان جهت بدست آوردن کنترل
 چندین جزائر همجوار قریب سواحل چین (مخصوصاً کوی
 موی) پرابلم بزرگی را بالای حکومت تایوان تحمیل کرده
 است با وجود بمبارد مانهای مکرر، تهدیدات متعدد،
 معیارهای کافی تدافعی زمینی و هوایی، همراه با حمایت
 امریکا، حکومت تایوان قادر گردیده است تا جای پائی
 در کوی موی برای خود داشته باشد یک بر پنجم حصه تمام
 قوتهای مسلح در تأمین این-کار مؤظف است. قوتهای
 مذکور و جزائریکه گارنیزونهای آنها را تشکیل میدهد در
 برابر تعرض احتمالی جمهوری مردم چین نهایت ضعیف میباشد
 این نقطه ضعف با قرار گرفتن چین در ردیف کشورهای دارای
 سلاح ذروی عمیق تر شده در حقیقت این قدرت اتمی تهدید
 بزرگی برای تایوان هم بشمار میرود .

کمک های نظامی :

از سال ۱۹۵۱ اضلاع متحده امریکا زیاد تر از ۳ میلیارد
 دالر کمک نظامی به تایوان داده است فعلاً مقدار این
 کمک زیاد تر از ۱۰۰،۰۰۰ دالر سالانه تخمین شده است.
 از سال مذکور یک هیئت بزرگ نظامی امریکا در تایوان
 متمرکز میباشد. تجهیزات نظامی اردوی آن از طریق
 پروگرام همکاری نظامی امریکا تهیه میگردد .

نتیجه این :

یگانه متحده چین تایوان امریکا می باشد که به اساس
 قرار امنیت متقابل استوار است. تحت موافقات و قراردادهای
 دوجانبه چندین قوت محاروبی هوایی امریکا در تایوان
 موجود بوده و همچنان تسهیلات لازمه برای بحریه نمبر ۷
 امریکا نیز وجود دارد. ظاهراً امریکا برای تایوان طیارات
 کشف U-2 دارای امکان پرواز بلند غرض کشف مناطق
 حکومت مردم چین داده است .

قوتهای جمهوری تایوان بشمول بعضی قطعات خصوصی
 آن در جنگ ویتنام حصه گرفته و با حکومت سابقه ویتنام جنوبی
 کمک های لازمه را انجام داده است .

اردو :

۱ فراد : ۳۷۲۰۰۰ نفر (بشمول ۶۵۰۰۰ نفر در کوی موی
 و ۱۵۰۰۰ نفر در ماتسو)

تشکیلات :

- ۲ فرقه زره دار .
- ۱۵ فرقه پیاده
- ۶ فرقه خفیف
- لوای پراشوت
- ۲ غنند سواری زره دار .
- ۴ گروه قوتهای خصوصی
- ۲ کاندک سام (نایک - هر کولیس - هاك)

سلاح و وسایط

۵۰۰ عراده تانک (M-24 و M-41)

طیارات خفیف

دستگاه های پرتاب سام (هاك ، نایك هر کولیس)

احتیاط :

تقریباً يك میلیون نفر احتیاط تعلیم و تربیه
 دیده در اختیار داشته و هنگام سفر بری سلاح و وسایط آنرا
 جهت تجهیز و تسلیح این تعداد محتملاً در اختیار دارد .

قوای بحری

افراد ۳۵۰۰۰ نفر

قطعات و جزو تامه های عمده

۶ مخرب (DD)

۵ مخرب اسکورت (DE)

۴ اسکورت (PF)

۱۴ تعقیب کننده تحت البحری (PC)

۹ تعقیب کننده تحت البحری (SC)

۱۲ کشتی ترانسپورتی سریع السیر (APD)

۶ کشتی نقب پاك كن (MSF)

۹ کشتی نقب پاك كن ساحلی (MSC)

۱ کشتی قومانده امفیبیک (AGC)

۱ کشتی پیاده کننده (LSD)

۳۷ کشتی پیاده کننده تانک (LST)

۱۸ کشتی پیاده کننده وسط (LSM)

۵ کشتی پیاده کننده قوتهای پیاده کلان (LSIL)

۳ کشتی کلان اکمال (LSSL)

۴۵ قایق گز مه (YP)

۱۶۰ قایق گز مه ساحلی

۲۱ کشتی های معاونه

پایگاههای مهم بحری تای نان ، تای تو ننگ ،

چی لونگ ، تسو- ینگ ، پننگهر .

قوای هوایی :

افراد ۸۵۰۰۰ نفر

تشکیلات :

۴ قوماندانی شکاری بمبارد

مرکب از طیارات *F-100A/DF*

F-SA/B, F-104G, F-86F

هر قوماندانی شامل ۳ الی ۲ کاندک ۲ طیاره ای می باشد)

۱ کاندک کشف (*RF-104G, RF-101*)

۱ قوماندانی ترانسپورت *C-119G, C-123, C-46A/B*

(*C-47, C*)

۱ قوماندانی تعلیمی و حمایتی

۱ کاندک هلیکوپتر

انواع طیارات

۳۷۵ طیاره محاربوی

۵۰ طیاره *F-104G* دفع و طرد کننده

۷۰ طیاره *F-SA/B* شکاری

۱۸۰ طیاره *F-86F* دفع و طرد کننده

۶۰ طیاره *F-100A/D* شکاری بمبارد .

۱۵ طیاره *RF-101* و *GF-104G* کشف .

۱۶۰ طیاره دیگر .

۵۰ طیاره ترانسپورت *C-47*

۳۰ طیاره ترانسپورت *C-46A/B*

۳۵ طیاره ترانسپورت *C-119G* و *C-123*

۳۵ طیاره مختلف النوع تعلیمی و حمایتی

۱۰ هلیکوپتر .

طیارات کشف *U-2*

پایگاههای مهم هوایی : تایپی-هسین-چو- تائویوهان

تای چونگ - چایا- تانایان - نیپک تونگ کونگ کوانگ

(پایگاه هوایی امریکا)

قوتهای پیاده بحری :

افراد ۳۶۰۰۰ نفر

تشکیلات . دوفرته

صنعت حرب در اضلاع متحده

(بقیه صفحه ۳۳)

حربهای ستراتژی هستوی و یا حربهای مجموع الشمول ذروی به مفکوره تیورسن های بین دو بلاک متضاد بظهور میرسد هر دو طرف متخاصم شروع حرب تمام قوا و وسایل ستراتژی هستوی خود را استعمال نمایند .

حربهای هستوی در ساحه محاربه عبارت از تصادمات مسلحانه بوده که در جریان آن طرفین متخاصم با سلاح عادی تکتیکی و اپراتیفی و تکتیکی هستوی بوده و مدنظر است که چنین حرب نباید از چو کات یک حرب خارج شود .

در صورت وارد کردن ضربات هستوی ممکن که قوای هستوی ستراتژی

نیز بکار رود .

حربهای عادی در ساحه حرب عبارت از مصادمه مسلحانه با استعمال قوا و سلاح عادی بوده ممکن این زدو خورد بین قوتهای زمین و یا قوتهای بحری تظاهر کند و انواع سلاح عادی در آن سهم بگیرد .

حرب عادی در ساحه فعالیت محاربوی آن نوع مجادله بوده که در ساحه فعالیت محاربوی و یاد منطقه محدود بوقوع پیوند ضمناً درین نوع حربها قوتهای محدود اشترک ورزد .

ساحه فعالیت حربی در مناطق محدود بمقیاس کوچک بوده فقط با وسایل عادی حربی در یک قسمت خاک یک کشور

پیش برده می شود چنین حربها ممکن بصورت عمومی در شرق میانه و یا شرق دور و یا شرق نزدیک و یا افریقا و یا امریکای لاتین و یا غیره شمالک بوقوع میبندد . تیورسن های امریکا چنین پیشنهاد می نماید که در شرایط مدرن که خصوصیت مانور و سرعت فعالیت با سلاح عادی و هستوی زیاد بوده بایست در طی زمان کوتاه از یک شکل محاربه به شکل دیگر آن گذشتن آسان باشد. ضمناً بعضی تصحیحات در قدمه های قوای توتال و مکلفی بودن ستراتژی و انتخاب هدف و حربهای نیمه و داشتن ستراتژی موبیلیسیون بوجود آمده است .

ریشه و معنی لغت ورزش و تربیت بدنی

از دکتر هن
سید عبدالقیوم «شاه‌فضلی»

ورزش «ثقیل» و از دیدگاه علوم اجتماعی به ورزش «انفرادی» و ورزش «اجتماعی» تقسیم میشود و اگر بمقصد اصلاح نقائص بدن باشد ورزش «اصلاحی» نامیده میشود. همچنان با افزودن نام رشته‌های مختلف علوم - اساسی مرکب جدیدی از آن ساخته میشود مثلاً ورزش صحتی یا ورزش روانشناسی و غیره که از دیدگاه همان علم که نام برده شده نوع رشته ورزشی را مشخص داشت.

لغت ورزش در زبان دری بمعنی کشت و زراعت نیز یاد گردیده مثلاً در بیت ذیل میگوید :-

کسی را کجا تخم یا چار پای
بهنگام ورزش نبودی بجای

همچنان فعل «ورزش کردن» بمعنی ممارست و تمرین کردن نیز آمده چنانچه میگوید :-

با بلاهای عشق و ورزش کن
خویشتن را بلند ارزش کن

ضمناً اگر «ی» نسبتی در آخر نسبتی بودن آن بهمان معنی منسوب میگردد مثل مجله ورزشی میدانهای ورزشی - جائزه ورزشی و مانند آن.

۴- **تربیه بدنی** :- لغت تربیه بدنی مرکب ازدو کلمه تربیت و بدنی که کلمه دوم آن منسوب بر بدن میباشد اما کلمه تربیت در زبان دری بمعنی «پروردن» و پروراندن و اسم مصدر پرورش استعمال میشود.

این لغت عربی و انشعابی از مصدر «ربوب» بمعنی پرورش دادن که اسم، فاعل آن عربی یعنی پرورش دهنده است ولی بطور کلی تربیت بدنی بمعنی پرورش بدن بوسیله انواع ورزش آمده است.

قبل از آنکه مفهوم، معنی، مقام ورزش و تاثیر آن از دیدگاه علوم مختلف مورد بررسی قرار گیرد. لازم است طور مختصر اشاره به معنی لغت ورزش «SPORT» و تربیت بدنی *Physical Education* که امروز در بین تمام ملل دنیا تحت یک معنی و مفهوم مصطلح و متداول است پرداخته شود.

۱- ورزش :-

لغت ورزش در زبان دری همانطوریکه از علامت مصدر آن «ش» مشخص میشود اسم مصدری است از فعل «ورزیدن» که بطور کلی به معنی عمل کردن انجام کار پیاپی، بکار گماری فکری و جسمی، و یا به معنی اجرای مرتب تمرین‌های بدنی به منظور تکمیل قواء جسمانی و روحی استعمال میشود. فعل امر آن ورزیا بورز اسم فاعل آن «ورزنده» و اسم مفعول آن «ورزیده» میباشد. با افزودن حرف، کلمه و یا اسم به «ورز» به صورت اسم مرکب استعمال که از جمله «کارورز» و یا کارورزی را میتوان نام برد. از مشتقات آن لغات ورزشکار (کسی که ورزش میکند) ورزشگاه (محل انجام ورزش) میباشد از لحاظ کیفیت تدریس آن در مدارس ابتدائی - متوسط و عالی اصطلاحات ورزش - سپورت - تربیه بدنی - احضارات بدنی بطور معمول استعمال میشود.

از نگاه تاریخ ورزش بدو قسمت «ورزش باستان» و «ورزش مدرن» تقسیم میشود. از لحاظ انطباق یا عدم انطباق حرکات آن با زندگی روزانه به «ورزش طبیعی» یا «ورزش صنعتی» از لحاظ امکان اجراء آن در فصول مختلف سال ورزش زمستانی و ورزش «تابستانی» از نقطه نظر مقدار قشاری که به بدن وارد می‌آورد کیفیت و اثرات آن ورزش «خفیف»

لغت سپورت که ترجمه فارسی آن ورزش است و امروز به تمام معنی یک لغت بین المللی و در بین تمام ملل مترقی و نیمه مترقی متمدن نیمه متمدن دارای معنی و مفهوم و مورد استعمال است ولی در عین حال عملاً این لغت دارای مفهوم دیگری است که به مراتب بیشتر از تفریح و سرور معنی میدهد. گرچه لغت سپورت از کشور انگلستان بوسیله زبان انگلیسی به اکثر زبانهای دنیا منتقل شده است ولی این لغت در اصل یک لغت انگلیسی نبوده بلکه لغت فرانسوی که در حدود قرن ۱۱ میلادی اصطلاح بوده که عشایر فرانسوی آنرا برای «زندگی مرفه» بکار میبردند و استعمال میگردند.

هرگاه در جستجو، ریشه لغت سپورت *Sport* برآئیم می بینیم که این لغت در ابتدا با پیش آرند های مختلفی استعمال شده است از قبیل «*di*» (*disport*) و «*dy*» *dy spo* و «*de*» «*de sport*» و غیره است، ولی بطوریکه حدس زده میشود از قرن ۱۴ میلادی به بعد در اثر استعمال زیاد پیش آورد، چنانچه خیلی لغات فرانسوی و انگلیسی در قرن وسطی پیشاوندش حذف شده اما معنی آن استراحت مطلق، سرور و تفریح بوده است.

اگر ریشه این لغت را قبل از قرن ۱۱ میلادی مورد ارزیابی قرار دهیم متوجه میشویم که این لغت در اصل لاتینی و به شکل (*disportare*) و یا *disportet* استعمال میشود است. با توجه به اینکه در زبانی ایتالیوی کنونی نیز *diporto* بمعنی ورزش و *disporto* بمعنی شادی و تفریح کردن و بطور کلی همان معنی را میدهد که امروز نیز بکار برده میشود، این لغت در زبان اسپانیائی نیز به همین شکل یعنی *deporto* و در زبان پرتگالی *esporto* مورد استعمال دارد بناء بر آن به توجه به ارتباط لغات فوق الذکر و از یک خانواده بودن آنان میتوان گفت که ریشه این لغت را نیز باید در زبان لاتینی جستجو کرد. چه در زبان لاتین قرون وسطی لغت *disportus* و *desportare* نیز استعمال شده است. محقق دیگری لغت سپورت را مشتق از لغت *deporto* بمعنی «زندگی در بندر» میداند. چه بناء به استدلال «زندگی در بندر» در مقابل کارهای سخت بدنی و طاقت فرسای قرون وسطی در کشتی ها یکنوع تفریح همراه با نشاط و بازیهای مختلف بوده است.

برعکس معنی مفردی که امروز لغت ورزش در زبان انگلیسی دارد تا چندی پیش بعنوان یک اسم جمع بخصوص به معنی انواع بازیهای مرکب بکار برده می شد. چنانچه در کتابی که اسقف مرتن در سال ۱۶۱۷ بنا به امر حاکم وقت انگلیس جاکوب اول تحت عنوان *Book ob sports* نوشته است لغت ورزش به عنوان اسم جمع استعمال شده است این شخص در تاریخ ۲۷ ماه می ۱۶۱۸ یعنی یکسال بعد طی انتشار نشریه بنام «*Dection of sports*» برای همه مردم انگلستان و کشور انگلیس از ورزش های مجاز و غیر مجاز نام برده است.

هفتاییمه پی میان حمامیه های گشتا سپناره

(بقیه صفحه ۴۶)

سببی و حلاوت کلام برزو نامه هم تا حدی بخاطر پیروی فراوان و مطابقت فعل بالفعل از فردوسی است آنگونه که در بخش نخست گفته آمد، تیم داستان تا سر حد زیادی همان تیم رستم و سهراب است، با همان گره ها با همان پرداخت و با همان جدال. منتها شناخت رستم از سهراب، در آستانه مرگ صورت میگیرد و آشنایی رستم از برزو هنگام اسارتش، از آن گذشته جنگ دوروزه برزو با رستم که رستم فردای آن پسرش را بجای خود گسیل میداد نوعی تقلید از جنگ رستم و اسفندیار است.

اما دقیقی هر چه که دارد از خودش است و او مستقیماً دنباله رو کسی دیگر نیست، او فقط موضوع را برگزیده است و این موضوع را با تجربیات خویشتن که فراوان همه نیست آمیخته است و او که بقول فردوسی در مدح افسر تاجداران است (۱) اما در داستان پردازی، داستان پرداز شتابزده بی است که آرزو دارد، پیغامش را هر چه زودتر بگوش خواننده اش برساند و انگهی او در پیش رویش متنی را نهاده است که نمخواهد از آن متن انحراف کند، برای اثبات این ادعا کافیت که حتی یادگار زیران را بگشایم و بگیر که چگونه دقیقی محتاطانه و با امانت داری حوادث را در زنجیر نظم میکشد.

در یادگار زیران در مورد تردد جاماسپ در اظهار پیشگوئی نتایج جنگ چنین میخوانیم:

درجا ماسپ بتتخس (*Bitaxsh*) گفت که کاش
نمیزادم و چون زاده ام به بخت خویش بدور جایی بمیرم
و یامرغی شوم که بدریا افتم و یا خدا یگان این پرسش از من
نمیکرد و اکنون که کسره است، مرا گامی دیگر نیست،
جز آنکه راستی گویم اگر خدا یگان خواهد دست بردل نهد،
به خوره، آهور مزد به دین مزدیستان و بجایی زیریر سوگند
یاد کند «دقیقی این ابیات را اینگونه به نظم میکشد:

نیامد خوش آن پیرجاماسپ را

بروی دژم گفت گشتا سپ را (نا تمام)

در شرایط کنونی نیز در اکثر قریب به اتفاق زبان ملل دنیا لغت سپورت بمعنی تمرین بدنی تفریح، جنبش بازی، مشغول کردن سرگرمی، حرکات مصنوعی، سرگرمی در هوا آزادمانند شکار، ماهیگیری، مسابقه پهلوانی، دویدن خیز زدن، انداختن، تماشا و تشویق پهلوانان برای رقابت آنها در مدرسه و سایر اجتماعات، اعمال و حرکات منظم برای تقویت جسم و روح و مانند آن آمده است ولی با ترقی و صنعتی شدن جوامع معالک مختلف به تدریج این لغت نیز بیشتر از آنچه که در بالا اشاره شده معنی میدهد و بخصوص در جوامع صنعتی در مقابل گرفتاریهای ناشی از زندگی ماشینی بیشتر بمعنی «تجدید قوا» و ایجاد تعادل جسمی و روحی شده است.

مستقل ایتالیه اثر کوچکی بر حوادث سیاسی و نظامی داشت چونکه قدرت مذکور محصول ساختمان و اندیشه‌های قرون وسطائی بود این قدرت مجبور بودیک قلعه واحد راماه‌ها در محاصره بکشد و بالاخره هم بانامیدی از تسخیر آن ترك محاصره کند. مگر تاخت قشون جدید فرانسه به ایتالیه که شهرها و دولت‌ها را به سرعت بی سابقه‌ای در دست مهاجمین ترار داد تمام آن معیارها و اندیشه‌های سابقه را در مورد تاثیر قدرت نظامی بر روابط بین‌المللی دگرگون ساخت و کاریرا که قشون و افواج سابقه قرون وسطائی در ماه‌ها و سالها انجام داده نمی‌توانستند قشون جدید با استفاده از نیروی توپچی و پیاده جدید در چندروز به نتیجه میرساند این موضوع سبب شد که توازن بین‌المللی سابقه که متکی بر قدرت اردوهای سابقه بود دفعتاً برهم خورد و اقدامات عسکری تعیین‌کننده سر نوشت دول قرار گیرد.

این حوادث و تحولات بزرگ در ماهیت قدرت عسکری ماکیاولی را چنان تحت تاثیر قرار داد که در اندیشه هایش پایه دولت را یک تشکیلات شایسته نظامی تلقی کرد و گفته معروفش را به این الفاظ بیان داشت که بقا و عظمت دولت فقط هنگامی تضمین میگردد که در نظام سیاسی موفقیت خاص

در اواخر قرن پانزدهم هنگامیکه استفاده از نیروی آتش توپچی تازه در برخی از اردوهای اروپائی عمومیت یافت و سیستم‌های عسکری قرون وسطائی را دستخوش انقلاب عظیمی قرار داد و توجه به اهمیت پیاده تشکیلات و طرق استعمال آنرا در ساحه محاربه که قرن‌ها از نظرها افتاده بود باردیگر احیا کرد، قشون فرانسه بسال ۱۴۹۴ تحت قیادت شارل هشتم با برخورداری از قدرت توپچی و بادستیاری پیاده جدید سویس چون سیلاب خروشان بر شبه جزیره ایتالیه فرود آمد و در نتیجه تشکیلات سیاسی ایتالیه را کاملاً زیر و رو کرد. این حادثه در تاریخ حرب با توجه زیادی مورد مطالعه قرار گرفته است چونکه حادثه مذکور در پهلوی سایر ویدادها سبب شد که متفکرین عسکری و سیاسی به اهمیت قدرت عسکری در ساختمان سیاسی جامعه و روابط بین‌المللی توجه بیشتری نشان دهند. یکی از اشخاص برجسته این عصر که اندیشه‌های جدیدی را درین زمینه عرضه داشت عبارت از اندیشمند معروف ایتالیوی ماکیاولی بود که عده‌ای او را احیا کننده صنعت حرب در اروپا می‌دانند. او که درین عصر زندگی میکرد و تاثیر عملیات قشون بزرگ و مجهز فرانسه را در ایتالیه به چشم سردیده بود به یک

نقش قدرت نظامی در روابط بین‌المللی

از جگرن ارکان عرب علی احمد جلالی

قدرت عسکری تامین شود. آنچه که توجه ماکیاولی را به روابط بین تشکیلات سیاسی و نظامی معطوف داشت تجربه دوران زندگی‌ش بود زیرا او خود میدید که استقلال ایتالیه به خاطر درمات کوتاهی ازین رفت که قدرت نظامی آن کفایت خاص را نداشت و نه به آن توجهی بعمل آمده بود. او قدرت نظامی سابقه ایتالیه را با شرایط متحول و متغیر آن عصری که معیارهای زندگی قرون وسطائی را کاملاً زیر و رو میکرد کافی نمیدانست و دگرگونی‌های حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرون جدید را موثر بر قدرت نظامی میدانست که باید مطابق با اوضاع جدید هم آهنگ گردد. این موضوع بر یک واقعیت خیلی مهم روشنی انداخت و آن عبارت ازینست که بین اوضاع و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از یکطرف و قدرت نظامی از جانب دیگر روابط نزدیکی موجود است. شاید بتوان گفت که این واقعیت تار و زگار ما اهمیت خود را از دست نداده است. به همین ترتیب آنچه از اندیشه‌های ماکیاولی در زمینه مبانی قدرت که قدرت نظامی عنصر مهم آن میباشد

بررسی جدید در مورد رابطه قدرت نظامی با ساختمان سیاسی جامعه و روابط بین‌المللی تمایل یافت و نتیجه آن اثر معروفی می‌باشد که او بنام (صنعت حرب) نوشت و علاوه بر آن نظریات خود را درین باره در آثار دیگری نیز ابراز داشت. زمانیکه قشون فرانسه بر ایتالیا تاخت برد ماکیاولی چون سایر ایتالیویان بوضوح مشاهده کرد که سیستم سیاسی آنکشور به چه سرعتی درهم ریخت و قوای بیگانه به چه سهولتی بر سر زمین مختلف ایتالیه حاکمیت یافت. در آنوقت در ایتالیه پنج دولت عمده وجود داشت که عبارت بودند از: دولت کلیسا، دولت ناپل، دولت ونیز، دولت میلان و دولت فلورانس. دول مذکور تا آنوقت همواره سعی داشتند توازن قوا را بین خود حفظ نمایند تا در روابط ایشان استقرار مورد نظر ادامه یابد. این دولت‌ها در حالیکه جدا از همدیگر به زندگانی سیاسی دوام میدادند دارای قدرت نظامی کوچکی بودند که باهم توحید یافته نمی‌توانست. در نظر آنها قدرت نظامی از روی معیارهای موجود در ایتالیه ارزیابی میشد و آن معیارهای بود که بر اساس آنها قدرت نظامی هر دولت

برمی آید روابط بین المللی طی قرن‌ها تحت تاثیر معیارهای قدرت نظامی قرار گرفته است. این موضوع طی حوادث بعدی در قرون جدید و معاصر در فعالیت های مختلف و در مناطق مختلف تأیید شده است. منتها ماهیت قدرت با تحول شرایط زندگی و انکشاف علمی و تکنیکی و بالاخره توسعه روابط همه جانبه بین ملل جهان تحول پذیرفته است.

امادر هر صورت با در نظر داشت نقش حرب در روابط بین المللی میتوان گفت که حرب چیزی جز یک عمل سیاسی بشکل دیگر نیست همانطوریکه کلازویتز در تعریف آن گفته است و اهمیت این نقش در روابط بین المللی بیشتر از همه از طریق بررسی تاریخ واضح میگردد. بیائید باری به احصائیه ها و ارقام درین زمینه توجه نمائیم. طبق محاسبه یک دانشمند سویدنی در طول پنج و نیم هزار سال گذشته در جهان به تعداد چهارده هزار و پنجصد حرب صورت گرفته و در آنها بطور مجموعی تقریباً معادل نفوس فعلی جهان تلفات بمیان آمده است. سوروکین در اثر معروفش (دینامیک اجتماعی و کلتوری) توضیح میدارد که در طول تقریباً دو نیم هزار سال گذشته عده ای از ممالک اروپائی که مورد مطالعه اش قرار گرفته اند مجموعاً نهصد و چهل و هفت حرب بزرگ را انجام داده اند و به این ترتیب هر کدام بطور متوسط در هر دو سال یکبار به حرب اقدام ورزیده اند. پروفیسر رایت در کتابش بنام (مطالعه حرب) مینویسد که از سال ۱۴۸۰ تا حرب دوم جهان در جامعه بین المللی به تعداد دو صد و هفتاد و چهار حرب صورت گرفته است. اما آنچه بیشتر ازین همه ارقام جلب توجه میکند اینست که اخیراً یکی از اعضای صلب احمر بین المللی تذکر داد که در طول سه هزار و چهار صد سال تاریخ شناخته شده بشر صرف دو صد و پنجاه سال صلح عمومی در جهان وجود داشته است.

ازین ارقام بخوبی برمی آید که حرب در روابط بین المللی ساعه مهمی را تشکیل میدهد و در گذشته جوامع بشری به پیمانہ وسیعی با حرب و استعمال قدرت نظامی سروکار داشته اند درین ضمن با پیشرفت هائیکه تدریجاً در جنبه های مختلف زندگانی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بشر بمیان آمده قوای نظامی نیز تکامل یافته و حرب از حیث کیفیت از شکل ابتدائی خود به شکل امروزی تحول وسیعی یافته است. حرب های ابتدائی که توسط قوای کوچک و کم تنوع در ساحه های محدود و با اسلحه بسیط اجرا میشد بالاخره بشکل یک مجادله مغلق به اشتراک قوا و وسایط متنوع و انکشاف یافته که در ساحه های وسیع و موقعیت های سه گانه جغرافی یعنی بحر، بره و هوا صورت گرفته میتواند تحول پذیرفته و ضمناً تلفات آن به تناسب حرب های گذشته خیلی ها افزایش یافته است. قرار محاسبات دست داشته اندازه تلفات بشریت در حرب اول جهان به تقریباً سی میلیون (منجمله تقریباً دو ازمده میلیون مقبول) و در

دوم جهان تقریباً به یکصد و چهل و پنج میلیون (منجمله تقریباً پنجاه و پنج میلیون مقتول) میرسد. دلیل اصلی این تلفات بی سابقه از یکطرف بلند رفتن قدرت تخریبی اسلحه و وسایل متنوع مجادله و از جانب دیگر وسعت ساحه حرب بشمار میرود. چنانچه در حرب اول جهان سی و شش دولت با نفوس مجموعی بیش از یک میلیارد نفر شامل حرب شدند و بطور مجموعی در حدود هفتاد میلیون سر بازار وارد صحنه های جنگ ساختند. این ارقام در مورد حرب دوم جهان هنوز هم بزرگتر اند طوریکه در حرب مذکور شصت و یک کشور با نفوس مجموعی یک میلیارد و هفتصد میلیون نفر در حرب اشتراک جستند و مجموعاً یکصد و ده میلیون عسکر را به مقاصد حرب تحت سلاح در آوردند.

پس از حرب دوم جهان با وجودیکه حرب بین المللی بسویده و حرب گذشته جهان صورت نگرفته است اما نقش قدرت نظامی در روابط بین المللی به هیچ وجه تقلیل نیافته بلکه میتوان گفت که نقش آن در تامین توازن قوا و تحدید خطرات حرب بیشتر از گذشته موثر بوده است. البته انکشافاتی که پس از حرب دوم جهان در جهت تامین صلح و حل پرابلم های بین المللی از طرق مسالمت آمیز صورت گرفته خیلی ها قابل توجه و بی سابقه می باشند مگر با وجود آنهم میتوان گفت که این موضوع در عین زمان شکل حرب و تشدد را تحول داده و از جانب دیگر تا اندازه زیادی بر توازن قوا در روابط بین المللی متکی بوده است زیرا با وجود آمدن اسلحه ذروی و امکانات استعمال آن در ساحه ستراتیژی، اوپراتیوی و تکنیکی و موازی با آن انکشاف قابل ملاحظه اسلحه غیر ذروی در نتیجه پیشرفت های تکنیکی چهره حرب در تمام ابعاد آن به پیمانہ بی سابقه ای مدهشتر و خطرناکتر شده است. چنین خطرات مجمله و تلفات بی سابقه ای که حرب جهانی با استعمال اسلحه ذروی در تمام جهان بمیان آورده اند در حقیقت بدون آنکه حرب را یکسره از ساحه روابط بین المللی خارج سازد منتها شکل آنرا تغییر داده و متناسب به آن تلا شهای سیاسی و نظامی تنظیم یافته اند و یا کوشش به تنظیم آنها صورت گرفته است بدون تردید احتمال استعمال اسلحه ذروی در حرب جهانی تا اندازه زیادی قبول خطر حرب را بسویه جهانی و با استعمال اسلحه ذروی مشکل ساخته مگر طوریکه ذکر یافت سایه حرب را در روابط بین المللی از بین نبرده است و حتی این مسئله سبب شده که در اشکال استعمال قدرت نظامی و یا تهدید توسط قوت تنوع بیشتری بمیان آید و ساحه استعمال قوه و توسل به اعمال تشدد آمیز وسیعتر شود چونکه کشورها در حالیکه هنوز هم حرب را برای تامین مقاصد سیاسی خویش بحیث وسیله نهائی تلقی میدارند شکل اجرای آنرا متناسب با اوضاع و شرایط معاصر هم آهنگ ساخته اند. این

حادثه را میتوان حتی در تیوری‌های استعمال‌قوای عسکری مشاهده کرد طوریکه اگر روزگاری ستراتیژی کاملاً در چوکات اندیشه‌های استعمال‌قوای عسکری در حرب مدنظر گرفته می‌شد در شرایط فعلی مفهوم ستراتیژی تا حدود زیادی ماورای مفهوم ابتدائی عسکری آن توسعه یافته است زیرا همینکه جامعه و حرب بطور دوامدار مغلقتر شدند و با یکدیگر ارتباطات و همبستگی‌های فراوان و چند جانبه یافتند عوامل عسکری بطور روز افزون غیر قابل تفکیک از عوامل غیر نظامی قرار گرفت و ملل ضرورت احساس کردند که عوامل سیاسی، اقتصادی، تکنیکی و روانی را با عناصر عسکری در اداره پالیسی ملی خویش متناسب و هم‌آهنگ سازند. به این ترتیب نقش قدرت نظامی نه تنها در ساحه حرب مانند گذشته قابل توجه می‌باشد بلکه در عین زمان در فعالیت‌های دیپلماتیک، اقتصادی و اجتماعی نیز اهمیت زیادی یافته است. با چنین طرز تفکر جدید تعریف ستراتیژی با گذشته فرق‌های اساسی دارد و برخی آنرا علم و صنعت استخدام‌قوای مسلح یک کشور جهت بدست آوردن اهداف پالیسی ملی از طریق استعمال قوت یا تهدید ذریعه قوت تلقی میدانند و این جمله (تهدید ذریعه قوت) اهمیت زیادی به نقش قدرت نظامی در پالیسی زمان صلح می‌بخشد که تلاشهای سیاسی بر آن اتکامی ورزد.

بنابراین پس از حرب دوم جهان خطرات محتمله استعمال چند جانبه اسلحه ذروی اندیشه‌های تباہی متقابل را میان قدرت‌های بزرگ بمیان آورد و این موضوع سبب شد که از یکطرف در روابط قدرت‌های بزرگ تقابل مسلحانه بتدریج جای خود را به مذاکرات و توافقات بدهد و از جانب دیگر مشکلات در قبول خطر حرب ذروی باعث شد که حرب سرد و حرب محدود به پیمانسه وسیعی در مناطق مختلف جهان جانشین حرب گرم شود و بالاخره هم خطرات احتمالی کشیدگی‌ها در روابط بین‌المللی توجه قدرت‌های بزرگ را بده پایان دادن به حرب سرد و برقراری دیتانت معطوف ساخت. مگر در تمام این انکشافات یعنی مذاکرات، حرب‌های محدود و دیتانت نقش قدرت نظامی بیشتر از هر وقت دیگر واضح و روشن می‌باشد و شاید بتوان آنرا منجیث یک عامل سریع تلاشهای مسالمت آمیز و برقراری صلح از طریق توازن قوا بحساب آورد. البته این تحولات مصالحتی در روابط قدرت‌های بزرگ تحولات خیلی‌ها مثبت و مفید قرن بیستم بشمار می‌روند چونکه صلح جهانی یک ضرورت اساسی بشریت است ولی باید تذکر داد که در عصر موجوده صلح صرف از طریق انکشاف آن در یک جهانیکه سریعاً تحول می‌پذیرد بشکلی که متکی به حل عادلانه و منطقی قضا یا و پرابلم‌های بین‌المللی باشد محافظه شده می‌تواند نه با محافظه کردن وضع بوجود آمده

(*Status-guo*) در تمام موارد، زیرا در بسا نقاط جهان وضع بوجود آمده که محصول گذشته می‌باشد در نتیجه حاکمیت یک جانبه بمیان آمده است نه در اثر موافقت مساوی طرف‌های ذی‌علاقه این موضوع مخصوصاً در مناطقی که مدتی در استعمار قدرت‌های بیگانه بسر برده اند بخوبی مشهود میگردد. گذشته از آن با نزدیک شدن جهان به همدیگر و توسعه روابط بین‌المللی صلح نمیتواند بربیک وضع ساکن متکی شود بلکه لازم است که پیوسته انکشاف داده شود زیرا وضع بین‌المللی و روابط ملل یک شکل ثابت را اختیار نمیکند بلکه پیوسته در حال تحول و توسعه می‌باشد و بنابراین باید انکشاف صلح موازی با این تحولات سیر نماید و در هر وقتی که این هم‌آهنگی بین توسعه روابط، انکشافات جدید و انکشاف صلح از میان برود حرب با چهره خطرناکی بر روابط بین‌المللی سایه می‌اندازد. بدین ترتیب صلح جهانی صرف به حل پرابلم‌های سابقه و موجوده بین‌المللی مربوط نیست بلکه حل عادلانه پرابلم‌ها نیکه در آینده بوجود می‌آیند نیز درین زمینه‌ها نیز اهمیت زیادی می‌باشد و در یک جهانیکه بسرعت تحول می‌نماید بمیان آمدن پرابلم‌ها در روابط بین‌المللی در آینده بسیار امکان دارد و در صورتیکه تمایل به حل این پرابلم‌ها از طرق مسالمت آمیز بمیان نیاید توسل به قدرت نظامی بشکل اجرای حرب یا تهدید توسط قوت یک عمل حتمی تلقی شده می‌تواند و این موضوع اهمیت نقش قدرت نظامی را در روابط فعلی و آینده بین‌المللی بخوبی روشن می‌سازد.

به اینصورت میتوان گفت که قدرت عسکری در عصر موجوده نیز منجیث یک وسیله سیاست از عوامل قاطع در روابط بین‌المللی و تمایلات معاصر در جهان بشمار میرود و با در نظر داشت این حقیقت که ساحه سیاست بین‌المللی اساساً یک ساحه روابط متقابل قوه از حیث سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و کلتوری می‌باشد و در آن تولید هر نوع فشار (سیاسی، اقتصادی، عسکری، روانی) با اتساک بر قدرت بعمل می‌آید واضح می‌شود که در شرایط معاصر نقش قدرت نظامی در صلح و حرب یک عامل موثر بر روابط سیاسی تلقی می‌شود. طوریکه این قدرت در سیاست خارجی بحیث یک عنصر تأمین غایب‌های ملی بشکل تشدد آمیز در صورتیکه تهدیدات خارجی موجب استعمال آن گردد، بشمار میرود و یا بحیث پشتوانه سیاست خارجی بشکل یک وسیله باز داشتن طرف مقابل از توسل به اقدامات تشدد آمیز مورد استفاده قرار می‌گیرد که در اصطلاحات جدید بنام (*Deterrence*) و (*Dissauision*) یاد می‌شود. به همین ترتیب قدرت عسکری در داخل بحیث یک تکیه گاه قابل اطمینان جهت حفظ سیستم‌ها و دلچسپی‌های ملی، تضمین امنیت و آرامش عمومی و مجادله با تخریبات و تحریکات خارجی که از واقعیت‌های تلخ

عصر مامی باشد تلقی شده می تواند.

این نکته قابل توجه است که برخی جریانات و تمایلات فکری مخصوصاً در ده سال اخیر وضع بوجود آمده بین المللی را عامل تشویق کننده ای برای عدم تشدد و پاسیفیزم (Passifisme) دانسته سعی ورزیده اند نقش قدرت عسکری را در صلح و حرب کوچکتر و غیر ضروری تر جلوه دهند. آنها ادعا دارند که توجه بیش از حد به نقش قدرت عسکری در روابط بین المللی در ذات خود اوضاع تشنجی را بمیان می آورد که ممکن است حرب را تشویق نماید. طرفداران پاسیفیزم ادعا دارند که در مقابل ملتاریزم مجادله می کنند مگر در حقیقت پاسیفیزم پیشنهاد عده زیادی از آنها بر تمایلات خاص سیاسی و سایکالوژیک اتکا دارد که تقابلی از عدم تشدد بر روی آن کشیده است بصورت عمومی پاسیفیزم عبارت از مجموعه دو کتورین هائی است که نه تنها حالت صلح را بر حالت حرب ترجیح میدهد بلکه علاوه بر آن داعی تاسین و سابل حفظ صلح و جلوگیری از حرب یا حرب ها می باشد.

از نظر خصوصیات عمومی این تعریف یک اختلاف را بین دو نوع تمایل بوجود می آورد که عبارتند از پاسیفیزم پرنسیپی (که مخالف تمام اقدامات خصمانه می باشد) و پاسیفیزم قسمی که مخالف یک نوع حرب مشخص قرار می گیرد و به مقصد تقویة موقف خود تبلیغات خویش را در چوکات پاسیفیزم پرنسیپی بعمل می آورد. طوری که با اتکا بر روش های پاسیفیزم پرنسیپی با حرب مخالفت ورزیده مگر در عین زمان از برخی اشکال حرب حمایت و پشتیبانی میکنند. این موضوع در ذات خود ماهیت پاسیفیزم را از صلح گرایی بیرون می کشد.

درین شکلی نیست که روحیه انسان متکی بر ارزش های اخلاقی و معنوی فطرتاً صلح را ستایش و تشدد را تقبیح میکند و به اینصورت صلح در نظر روح انسان یک پدیده خوب است که باید انکشاف داده شود و حرب حادثه نامطلوبی می باشد که باید دراز بین بردن آن کوشش بعمل آید. مگر چنین طرز تلقی بعضاً تحلیل موضوع را در وقتیکه حرب و صلح کاملاً از زاویه اخلاقی مورد بررسی قرار گیرد و بطور مجرد بر آن بحث صورت گیرد از بسا واقعیات معاصر جدایی سازد. این نکته را نیز باید خاطر نشان ساخت که اگر عده ای انسانها در روی زمین آرزو مند صلح می باشند عده ای هم وجود دارند که تشدد را وسیله تاسین خواسته های خود می دانند. در گذشته نیز انسانها هم بطوریکه صلح را خواسته اند حرب های زیادی را نیز اجرا کرده اند و در حقیقت مفهوم و کلمه (صلح) بخاطری در فرهنگ بشر بمیان آمد که پدیده ای بنام (حرب) هم وجود داشته است چونکه بانفی حرب، صلح نیز دیگر یک لغت قابل فهم بوده نمی تواند. پس صلح و حالت حرب چیست موضوع مفیدی

برای بحث تلقی شده می تواند نه اینکه کاملاً یکی ازین حالت ها نفی گردد.

البته درین گونه بحث نمیتوان نظر آنها را تأیید کرد که قانون تنازع للبقا را که از قوانین عمومی زندگی حیوانی می باشد بالای زندگی انسان تطبیق میدارند زیرا که انسان از آغاز پیدایش پیوسته از موازین و معیارهای زندگی حیوانی بلندتر رفته و خود را از سوق طبیعی آزاد ساخته و به ارزش های والاتر زندگی گرایش یافته است. مگر درین ضمن نمیتوان اتکا کرد که قوه و تشدد در تنظیم روابط جوامع بشری نقش مهمی داشته است. زیرا واضح است که رقابت مجادله بین افراد در داخل یک جامعه اگر در اوایل بیشتر شکل تشدد آمیز داشته بالاخره با بمیان آمدن ساختمان سیاسی در جامعه تابع قوانین و قواعد خاصی شده است. چنین ساختمان سیاسی که موجود دولت می شود موظف به دفاع از منافع مشترک اجتماع می گردد. تحت چنین شرایط وقتی قدرت عامه در دولت تمرکز یابد تصامیم و مقررات دولت در زمینه روابط بین افراد و گروپ های داخل جامعه دارای مؤیده هائی می شود که قدرت خود را از قدرت عامه می گیرد. بدین ترتیب مجادله بین افراد در داخل جامعه شکل مسالمت آمیز و قانونی را بخود می گیرد و هر کس میدانند که ماورای میل و اداره شخصی او میل و اراده عالیتری وجود دارد که باید از آن اطاعت نماید. در نتیجه بجای تنازع للبقا اتحاد و همکاری بشری به مقصد مصئونیت مجموعی بمیان می آید و به مقصد فراهم آوردن شرایط بهتر زندگی برای همه ادامه می یابد. یکی از نویسندگان معاصر درین مورد تبصره کرده می گوید که حتی در داخل یک ملت که روابط افراد توسط قانون تنظیم می گردد آنچه را که انسان قابل حمایت حس می کند باید بر مبنای قوه اتکا ورزد. به همین ترتیب درین باره مقوله معروفی از پاسکال بیادگار مانده است. که میگوید « عدالت بدون قوه ضعف و بی کفایتی را بار می آورد و قوه بدون عدالت موجب ظلم و ستمگری میشود. بنابراین لازم است که قوه و عدالت با هم توأم گردند تا آنچه که عادلانه است قوی گردد و آنچه که بوسیله قوه اجرا میشود عادلانه باشد. »

مگر چنین وضعیتی که در آن یک انوریته مرکزی حاکم بر روابط ضروری اجتماعی باشد در روابط بین المللی هنوز بمیان نیامده است و جهت از بین بردن حرب و تشدد بشکلی که جمیع روابط بین دول شکل مسالمت آمیز را بخود گرفته بتواند از طریق نافذ ساختن قوانینی که دارای مؤیده های کافی و موثر باشد - توفیق حاصل نشده است. اگر چه موسسات جهانی مانند سوسه ملل متحد برای تاسین صلح و عدالت در جهان یک مرجع بین المللی بشمار میرود ولی در بسا موارد تصمیمات آن در ساحه عمل تطبیق نمیکرد زیرا برای تطبیق این تصامیم تضمین کافی قوت موجود نیست. تحت چنین

شرایط و قتیکه دلچسپی های ملی دول مورد تهدید قرار گیرد یا منافع ملی آنها پامال گردد توسل به حرب یک حادثه ممکن بشمار میرود. امکان حرب در چنین شرایط مربوط به قدرت نسبی در برابر دشمن با در نظر داشت اوضاع و شرایط عمومی ملی و بین المللی می باشد. چنین تحلیل در مورد رابطه قوت و سیاست دول در صلح و حرب در گذشته نیز صورت گرفته است و در شرایط فعلی اگر چه این رابطه به اهمیت خود باقیست اما در اثر بعین آمدن اوضاع تازه آنقدر عمیق و پیچیده شده که به قول نویسنده ای بین یک قوه اساساً سیاسی شده و یک سیاست اساساً برخورد آمیز فرق واضح و روابط غیر قابل تغییر و ثابت وجود ندارد.

البته در این شکی نیست که مفهوم قدرت و حرب در شرایط فعلی و سبتر از مفهومی است که در گذشته به آن تعلق می گرفت زیرا قوت در شرایط امروزه به پیمان و وسیعی قدرت و استقرار سیاسی، اجتماعی، ایده لوژی و اقتصادی را نیز احتوا می کند و بنا برین صرف قدرت نظامی نمیتواند نظم و استقرار مورد نظر را در روابط داخلی و با تطبیق غایه های مطلوب را در روابط خارجی تامین کند بلکه باید قوه در هر دو مورد با در نظر داشت اوضاع فعلی جهان با سایر عناصر قوت که ذکر یافت توأم گردد و در نتیجه آن ممکن است در عصر امروز یک قدرت کوچک با تعقیب روش بهتر و استفاده از شرایط بین المللی در برابر یک قدرت بزرگ به موفقیت برسد. این موضوع در حالیکه اهمیت قدرت نظامی را کمتر نمی سازد نقش سایر انواع قدرت را تجلی میدهد که بطور متحدانه با قدرت نظامی و با یک جهان بینی در حوادث ملی و بین المللی نقش اساسی را در روابط بین المللی بازی می کنند.

بنا برین در حالیکه بعین آمدن توازن ذروی و مشکل شدن قبول خطر حرب جهانی در ساحت بین المللی برعکس گذشته محدودیت های بزرگی را بر اجرای حرب به اشتراک مستقیم قدرت های بزرگ وارد ساخته و مجادلات غیر کلاسیک (گریلائی) عمومیت یافته است. یکنوع تمایل به انتقال حرب از ساحت جهانی به ساحت های داخلی دول و بعضاً منطقوی بعین آمده است چنانچه طبق مطالعات یکی از نویسندگان از جمله ۸۴ تصادمی که بین سالهای ۱۹۳۹ و ۱۹۶۸ در جهان رخ داده است صرف ۲۸ تصادم آن شکل تصادم بین دولت ها را داشته و متباقی آن تصادمات داخلی بوده اند به قول نویسنده دیگری از جمله ۹۷ تصادم منطقوی صرف ۱۵ تصادم آن شکل تصادم بین دولت ها را داشته است. این نکته قابل تذکر است که از یک طرف نزدیک شدن کشورهای جهان به همدیگر از حیث روابط و دلچسپی های مختلف و از جانب دیگر بقایای استعمار گذشته که در برخی موارد قلمروهای

مصنوعی متکی به قوه خالص مادی را بوجود آورده است باعث بعین آمدن حرب های داخلی مخصوصاً در جهان سوم واقع میگردد و چون دلچسپی های قدرت های خارج ساحت در اثر این حوادث در تصادم واقع می شوند یک شکل دیپلماسی ماورای ملل انکشاف می کند.

بدین ترتیب میتوان نتیجه گرفت که در شرایط فعلی ساحت سیاست بین المللی یک ساحت روابط قوه از حیث سیاسی، عسکری، اقتصادی، اجتماعی و کلتوری بشمار میرود و در نتیجه آن تامین غایه های ملی در عرصه بین المللی مخصوصاً در شرایط معاصر که روابط متقابل بین ملل جهان بطور بی سابقه ای توسعه یافته است - با در نظر داشت روابط قوه به اشکال مختلف صورت می گیرد و جریان دیپلوما تیکی یا ستراتژیکی این تلاشها تا اندازه زیادی متکی بر روابط متقابل قوه در ساحت بین المللی بشمار میرود. پس در اثر این وضعیت اگر بحرب جهانی و استعمال نامحدود قدرت نظامی در ساحت بین المللی تجدیدات وضع شده است شکل حرب و مجادله مسلحانه تحول یافته که درینصورت باز هم نقش قدرت نظامی کاملاً مشهود می باشد و نه تنها نسبت به گذشته تقلیل نیافته بلکه افزایش هم پیدا کرده است.

با در نظر گرفتن مطالبی که ذکر یافته واضح می گردد که بعین آمدن اسلحه ذروی پس از حرب دوم جهان، استقرار توازن ذروی و تکامل بی سابقه اسلحه غیر ذروی به هیچ وجه نتوانسته است با درک خطرات احتمالی آن سایه حرب را از بین ببرد بلکه منتها شکل حرب را تغییر داده و با اوضاع جدید مطابقت ساخته است. این موضوع نقش قدرت نظامی را در روابط بین المللی نه تنها کم نساخته بلکه به تدریج افزایش بخشیده است. شاید دلیل اصلی آن این باشد انسان هیچگاه با احساس محدودیت در استعمال یک وسیله سکون را نمی پذیرد بلکه به جستجوی وسایل دیگر می پردازد. این وسایل دیگر در عصر ما تا جائیکه حرب را علاقمند می سازد خیلی ها تنوع یافته است. مثلاً از ختم حرب دوم جهان تا سال ۱۹۶۷ به تعداد ۷۹ حادثه حربی بشمول حرب های منطقوی، مداخلات عسکری، اغتشاشات داخلی و غیره در کشورهای جهان صورت گرفته و پس از آن تا سال ۱۹۷۳ به تعداد ۳۳ حادثه مشابه رخ داده است و صرف در سال ۱۹۷۴ به تعداد ۲۰ مورد نمایش قدرت عسکری در جهان بعین آمده است.

بنا برین واضح است که حوادثی چون تحریکات خارجی، مداخلات عسکری، حرب های محدود و منطقوی از واقعیات این عصر بشمار میرود و درین ضمن دیده می شود که تنوع روز افزون در استعمال قدرت عسکری صرف محدود به تصادمات (بقیه در صفحه ۵۹)

په چمتو او مکمل حالت کېنې د موټر لرونکي واسطی ساتل

د امرام او فکر هغه وخت حاصلیدلی شی چه واسطی ۵۰۰۰-۳۰۰۰ کیلومتر و اندازه وهلی وی همدا رنگه قوماندا نان دی په دغه وخت کېنې ووینی چه په خراب سړک او پر سفر او په سرعت سره دریوری اجرانه شی دموټر لرونکي واسطی د باور وړ او د خدمت د دوری او پر دوالی دهغی د پترولو او آئیلو او محافظی او ساتنی د درجی پوری اړه لری . لکه چه د تپتی درجی پترول او آیل د واسطی د پستونونو، رنگونو او د اشتعال د حجرو د کار بونی کولو سبب گزی .

دهوا د موسم راز راز حالات د واسطی په پترولو او دهغی د سیستمونو او مکانیزمونو په وظیفو باندی تاثیر اچوی د مثال په ډول په تاوده اقلیم کېنې د حرارت درجه پورته کېږی او هوا دگر دغخه ډکه وی دغه شی باید په نظر کېنې وینول شی په لمړی محل بیا ئی چه هوا دانجن په کار باندی خپل تاثیر واچوی خصوصاً دانجن په سړونکي سیستم کېنې تاثیر راښکاره کړی ددی دغخه مرام داشی دی چه ددی ډول کار مخنیوی په جلدی توگه د سرعت په هکله ورکړ شوو تعلیماتو په نظر کېنې نیولو سره تامینېږی دموټر لرونکي واسطی د پور باید په دوامداره او ثابت شکل د سړونکي مایع د حرارت درجی ته سترگی اړوی پرته له دی بیا ئی چه د حرارت درجه ډیره ژر پورته شی او د آئیلو فشار تیت او انجن ډیر ژر گرم راشی .

مخنی د ریوران هغه کوی چه په

درجه په نورمال شکل ساتل یو ضروری کار دی همدا رنگه آئیل باید دروغنیاتو په سیستم کېنې په منظم شکل سره بدل کړ شی د آئیلو د لمړی محل د پاره بدلول هغه وخت باید اجرا کړ شی چه دموټر لرونکي واسطی کیلومتر ۳۰۰ - ۲۵۰ پوری رسیدلی وی .

او د پارچو د چلولو غخه وروسته هم اجرا کړ شی .

کوم وخت چه دنو آئیلو سره دروغنیاتو سیستم ډکېږی د اهم ضروری چه د رقیق فلتر عنصر بیرته مخای په مخای کړ شی او یا دهغی صافونکي پاکشی بل مهم ټکی دادی چه دهغو سړ کونو غخه کار واخستل شی چه مخ ئی اوار او تغیر کونکي وی .

موټر لرونکي واسطه باید بی د تریلر غخه حرکت وکړی او سرعت ئی هم دا غظمی سرعت په اندازه چه ورته حساب شوی د شپیتو فیصد و غخه زیات نه شی او هم دهغی بار د ۷۵ فیصد و غخه زیات نه بار یری .

کوم وخت چه د چلولو وخت سرته رسیدی د ریورانو ته د جزو تامونو د قوماندا نانو له خوا امر ورکول کېږی چه دکار بوراتور غخه تجدید کونکي واشر و باسی او یا دیزل سی انجنونو ته پوره تغذیه ورکړ شی .

ددی کارونو وروسته لمړی قدمه ترمیم سرته رسیدی .

دابه دومره درست هم نه وی چه د چلولو غخه وروسته دی دانجن ټول قسمتونه په مناسب شکل گوندی کار ورکړی .

تجربه ښیی چه دموټر لرونکي واسطی د ټولو سیستمونو ، پارچو او مکانیزمونو د باور وړ او د خدمت داوړدی مودی کار او فعالیت په یوه زیاته اندازه د واسطی د فعالیت دور کړ شوو تعلیماتو په نظر کېنې نیولو د اصول پوری اړه لری او خصوصاً په ریټیا چه دموټر د پارچو د چلولو په وخت کېنې د اهمیت وړ دی .

او ددی سبب هم گزی چه ټولو برخو قسمتونو ، دانجن د مکانیزمونو او د قوی د تولید کونکو پارچو د فعالیت او دکار د ساحی آسانتیا منځ ته راوړی .

دموټر د پارچو چلولو وخت دنو و واسطو او دهغو و واسطو د پاره چه د ترمیم په مرام معاینه شوی وی او یا منغنی ترمیم ته اړ شوی وی لکه (دانجن بدلول) پلانېږی چه د ډیرو واسطو د پاره په معمولی ډول ۱۰۰۰ کیلومتر و غخه وروسته دغه پلان بشپړ یری .

دلپری محل حرکت غخه پخوا قوماندا نان در ریوران د واسطی د فعالیتونو د خصوصیاتو سره آشنا کوی چه دغه خصوصیات د حرکت کولو د تعلیماتو او نورو وظیفو غخه عبارت دی .

مگر کوم د اهمیت وړ تعلیمات چه دکار او چلولو په وخت کېنې په نظر کېنې نیول کېږی په مختصر ډول سره لاندی ذکر کېږی :

دروند بار او دکرنکشافت زیات سرعت په جلدی توگه منع دی د حرارت

سروونکی سیستم کبئی د حرارت په کبسته کونه د در یوری په سرعت اجرا کولو سره د جگ گیر په زریعه اجرا کړی دغه کار باید ونشی لکه چه وروسته به دانجن بار زیات کړی او په نتیجه کبئی به دانجن د حرارت زیاتوالی منخ ته راشی او بنائی په اخر کبئی دانجن د ډیر تود والی سبب وگرزی د داسی وضعیتونو او حالاتو په موجودیت کبئی د پستونونو رنگونه خپل مقاومت بایلل او بنائی چه د سنندر گاسکتونه ضررو مومی او پستونونه به هم خراب شی ښه کار دادی چه گیر د جگ غخه کبسته شکل ته واچول شی او د کر نکشاف سرعت زیات شی .

کوم وخت چه دانجن سرعت کمپړی انجن بنائی چه لږ حرارت منخ ته راوړی او په عین زمان کبئی د کر نکشاف د سرعت زیاتوالی به د دهغه حرارت مقدار چه د هوا په زریعه وزی زیات کړی بنائی چه دغه میتود به د لازم تاثیر په منخ ته راوړلو کبئی بریالی نه شی واسطه درپړی بی له دی چه انجن خاموش کړی شی د سروونکو اوبو سویه باید وکتله شی . او که ضرورت وی سیستم باید دانجن په فعالیت سره اکمال کړشی که انجن په پوره اندازه سوړ شوی نه وی کیدای شی چه په اصطکاکی قسمتونو کبئی سایدگی او سولیدل منخ ته راوړی (لکه چه دا ئیلو د غور و لو او صاف خرابپړی) همدارنگه د خروج والونه او دهغوی سیتونه سوزیدلو ته تحریکوی .

د چارپیر جگ حرارت په زریعه د پطرو لو بخار په تانکونو او پیپونو پکبئی بنائی پورته درجی ته ورسپړی او په نتیجه کبئی به د هوا بندیدلو سبب هم وگرزی او په دی ډول به د پطرو لو د پمپ کولو کار په نا منظم شکل سره واړوی .

که موتر لرونکی واسطی د

یوزیات وخت له پاره بی پطرو لو وساتلی شی د پطرو لو د پمپ د یا فرامونه (پردی) به وچی شی خپل الاستیکیت به بایلی او په اخر کبئی به خرابی هم شی د هوا سره چه زیاته اندازه گرد گهوی په مکا نیز مونو بد تاثیر کوی د مخانه سره سولیدلی مواد راوړی خصوصاً دانجن د صندوق په حصه کبئی په همدی ډول دانجن په سلندرونو کبئی د هوا سره یو غای نوعی اود والونو په اواره سطح کبئی د والونو په سیتونو کبئی غای نیسی او په نتیجه کبئی ضرور سوی .

دانجن غخه سلندرونو، چوشکوونکو اودقوی د تولید پارچوته نوعی په اخر کبئی دغه گردا ئیلو سره لږل کپړی او دا ئیلو په کانا لونو کبئی غای نیسی او په نتیجه کبئی دا ئیلو اکمال بیرنگونه اونوری برخی دخطر سره مخامخ کوی .

او په دی شکل سره د روغیا تود سیستم نور مالی وظیفی په نامناسب شکل بانندی اړوی .

کوم وخت چه انجن کار کوی ائیل کیدای شی چه د کار بن دذراتو سره ککړشی اود فلزاتو میدگی چه د اصطکاکی قسمتونو غخه منخ ته راغی ورسره یو غای شی اودغه ائیل دپستون دگروپ او د سلندرونو د سولیدلو اندازه زیاتوی .

په اکثر وختو کبئی داسی واقعات هغه واسطو ته ورپه برخه کپړی چه دهغوی درپوران دوسایطو دساتلو اونگهبانی قواعدنه مراعاتوی او په وخت اوزمان سره د هوا صا فونکی اوفلترونه نه مینعی اودا ئیلو اوفلترونو د عناصرو چه د پطرو لو اوروغنیا تود په سیستمونو کبئی شته دی په بدلولو باندی نه بریالی کپړی که دانجن د روغیا تود سیستم فلترونه په منظم شکل سره ونه میتخل شی بنائی چه دا ئیلو اکمال اصطکاکی سطحوته بند کړی او په نتیجه کبئی د کر نکشافت

د بیرنگونو د ذوب کیدلو سبب وگرزی که آئیل بدل او د تعلیماتو سره سم فلتر کړی شی دانجن خدمت کولو دوره اوږدوی .

د مثال په ډول کوم وخت چه د دقیق فلتر عناصر په منظم ډول سره بخای په بخای شی دانجن د سایدگی اندازه به دهغی اندازی دریمه برخه وی چه هغوی وروسته د ۷۰۰-۸۰۰ کیلومترو وهلو تجدید کپړی اوسایدگی منخ ته راغی .

په ډیرو وسایطو کبئی د غلیظ فلتر عناصر کیدای شی چه د جمع شوو رسوباتو غخه دهغو په تغیر وړ کولو سره چه دوه

یادری لخله دوسطی میلسی د لاس نیونکی په وسیله اجرا کپړی پاک کړی تجربه ښی چه د هوا درطوبت او تودوالی په حالاتو کبئی بنائی چه د سروونکی مایعاتو د حرارت ۱۰ درجه سانٹیگراد ته ورسپړی (چه اعظمی قیمت دی اود لږ وخت دپاره جواز لری) دغه سبب چه د ډیر مرطوبی چارپیر هوا له کبله منخ ته راغی او کم واقع کپړی دانجن د ډیر سوړ والی خطر له مخانه سره راوړی او همدارنگه د سلندر د خط السیر د سولیدلو اوزنگ وهلو سبب گرخی اودغه کار په هغو کبئی تطبیق کپړی چه دهغوی درپوران د توجه وړ او ویونکی آلاتو په لیدلو کبئی د پوره احتیاط غخه کار نه اخلی :

کوم وخت چه انجن دنور مال حرارت غخه کبسته فعالیت کوی دغه کار بنائی چه دانجن سولیدل زیات کړی او همدارنگه که د سروونکو مایعاتو درجه د ۶۵ درجه سانٹیگراد + غخه ټپه وی د پطرو لو بخار اورطوبت به ډیر تضیق بیامومی او احتراقی موادو تخریبونکی تاثیر به زیات کړی .

دلته همدارنگه داسی هم پیسپیری چه داوبو زیاته اندزه د پطرو لو او آئیلو په دوره کبئی په انجن کبئی نوعی او بنائی دقوا د تولید دپارچو

د غورولو برخوته هم ورښيي چه دغه ناخاپي حادثه ښائي چه دگاسکيت ، پترولو دفلتر دوالونو دبنديدلو دنقصان له کبله منځ ته راشي او يا دهغو برخو په زريعه چه پترولو غځه ډکي وي منځ ته راځي چه دتولو نيمگړتيا واصلی سبب او نتيجه دپترولو او آئيلو دسيستمونو دغير منظم خدمت کول دي .

آئيل دډيرو اوبو داندازی په په لرلوسره کيدای شي چه دبیرنگونو د پناگاو، کرنکپن او دارتباطی میلی دزنګ وهلو او خرابيدلو سبب وگرزی (خصوصاً په هغه وخت کښی چه فعالیت په وقفوی شکل دوام وکړی) داډول آئيل غليظ او ټينگيږی او دغورولواو صاف ئی خرابيږی او مقاومت ئی دزړ په مقابل کښی کميږی او په دوره باندي ضررناک تاثير اچوی آئيل چه

اوبه ولری همدارنگه يوداسی تدریجی عمل اجراکوی چه دمکرو اورگانيزمونو دزياتوالی دپاره ساحه مناسبوی (خصوصاً که چه پيري دغه آئيل دشپرو میاشتو غځه زیات بی له بدليدلو په واسطه کښی پاتی شی) دغه اورگانيزمونه ښائي چه دفلتر عناصر او دآئيلو کانالونه اوبی پونه بندکړی همدارنگه دانجن دروغنياتو دسيستم دتوزیع کولو دکار مخه ونیسی اودهغو کانالونو دبنديدلو سبب شی چه دقوی دتوليد دپارچو غځه خاړوچيږی .

د روغنياتو دسيستم په چمتو حالت کښی ساتلو دپاره باید چه آئيل په هرو شپزو میاشتو کښی تبدیل کړشی پرته دهغی زمان غځه چه په هغی کښی واسطه په فعالیت کښی مصروفیت ولری اوزياته استعماليږی .

دلته یو ډیر مؤثر میتود چه دروغنياتو دسيستم دمنځلو دپاره استعماليږی په دی ډول دی .

کرنکس دنو و آئيلو سره چه ۴۰ درجه سانتیگراد حرارت ولری تر نیمائی پوری ډکيږی انجن د ۱۰-۸ دقیقو په اندازه د حرکت په شکل کښی وي وروسته خراب شوی آئيل لیری او ویستل کيږی او سیستم دنو آئيلو سره ډکيږی .

د ورکړشوو تعلیماتو او تعلیماتو په هکله دپوره معلوماتو لرل دواسطی دچمتو او مکمل حالت دساتلو دپاره یو ضروری کاردی ځکه چه دموترو لرونکی واسطو په کار اعتماد منځ ته راوړی اودهغی دتولو سیستمونو ، پارچو او مکاناتو نیز مونو دخدمت دوره اوږد وی . (پای)

نقش قدرت نظامی در روابط بین المللی

(بقیه صفحه ۵۶)

یک کشور در ساحه بین المللی و تجرید آن از سایر ممالک بعمل می آید . توسعه روابط اقتصادی در جهان ، نزدیک شدن فاصله های جغرافی و انکشاف سریع و سایل ارتباط کتلوی و سایل موثری را در اختیار حرب سایکالوژیک می گذارد .

بنابرین ضروریات حیاتی برای حفظ آزادی و حاکمیت ملی در عصر حاضر ایجاب میکند که دفاع ملی در برابر هر نوع تجاوز و تضمین امنیت ملی برهک قدرت قابل اطمینان متکی باشد . در شرایط فعلی این موضوع بیش از هر وقت دیگر مورد نیاز کشورها بشمار میرود . برای تامین این مقصد اشتراک کلیه نیرو های ملی جهت تحکیم استقرار داخلی و حمایت فعال سیاست خارجی دولت از ضروریات مبرم ملی بشمار میرود و واضح است که در زمینه نقش قدرت نظامی خواه مستقیماً استعمال گردد و خواه بحیث وسیله تهدید کننده فعالیت نماید دارای ارزش بزرگ و اهمیت قابل ملاحظه می باشد .

مسلحانه نمی باشد بلکه به اشکال دیگری نیز صورت می گیرد که برخی از آنها تاثیرات مدهشتر از حرب بار می آورد . تاسیس پایگاه های عسکری در کشور های خارجی ، تجارت وسیع اسلحه و وسایل نظامی در جهان ، بمیان آمدن بلاک های نظامی ، نمایش قدرت عسکری ، تهدید به استعمال قوای عسکری ، اجرای تخریبات و عملیات زیر زمینی ذریعه سازمانهای مخفی میتود های اندک که بحیث وسیله در تامین غایه های سیاسی مورد استفاده قرار گرفته می توانند . علاوه برین از طرق غیر مستقیم مجادله بشمول تولید فشار سیاسی ، اقتصادی و سایکالوژیک بیشتر کار گرفته می شود . شرایط زندگی معاصر و سایل موثری را برای اجرای پروپاگند ، تخریب حقایق و بصورت عمومی تمام اقداماتیکه تحت عنوان حرب سایکالوژیک قرار می گیرد ، مهیا ساخته است . اینگونه حرب را میتوان از حیث اهمیت آن شکل جداگانه حرب تلفی نمود که به مقصد تولید بی اعتمادی ، تخریب وحدت ملی ، بوجود آوردن اختلالات داخلی و همچنان بی اعتبار ساختن

خصوصیات سوق و اداره قوای

مدافعه هوائی

وظایف اساسی سوق و اداره عبارت از پلان گذاری فعالیت محاربوی، تاسیس و حاضر کردن قوتها و نگهداشتن آنها با احضارات محاربوی دائمی است. برای قوای مدافعه هوائی مفهوم اهداف کشف شده پیش از پیش وجود ندارد. موثریت سوق و اداره مربوط به استفاده کردن

قوماندانان از سیستم اداره اتوماتیکی است

مترجم: دیپلوم انجینیر تورن محمد اکبر سروری

وظایف محاربوی برای سویه های مختلف، تشکیل ساختمانی قوتها و طرق اجرای آنها تعیین میگردد.

دوم: گروه بندی قوای مدافعه هوائی و سیستم های اداره آتش آنها قبلاً در زمان عادی (حاضر)، در شرایط مجهول بودن شروع محاربه و تمام امکانات پیشرفت طرف مقابل ترتیب و تنظیم می گردد.

سوم: در تاسیس گروه بندی قوتها و حاضر کردن آنها برای اجرای عملیات محاربوی به انتخاب و اریانت وارد کردن ضربات بالای مناطق و اهداف مدافعه شونده از طرف دشمن حمله کننده حق اولیت داده میشود. و باید بگوئیم که انتخاب این قسم و اریانتها نظر به ساختمان سیستم مدافعه هوائی تعیین میگردد. بدین لحاظ قوای مدافعه هوائی در تمام شرایط فعالیت دشمن پایدار و باطمینان باشد.

چهارم: جایجا کردن گروه های قوای مدافعه هوائی و سیستم اداره آنها باید فعالیت محاربوی قطعات و قول اردوها را با تعداد لازمه و سایر محاربوی شان تأمین داشته و با حجم زیاد کارهای مربوط به مجهز ساختن میدانیهای هوائی و ساختمانهای دیگر را انجام بدهد. مدافعه هوائی در مقیاس یک کشور بصورت آنی در وقت بسیار کم باید تاسیس نگردد.

سوق و اداره قوت های مدافعه هوائی یک عده مسائل مهم را که از هر طرف مربوط به فعالیت و حیات آنها بوده و دارای قانونمندی عمومی است در بر میگیرد. لیکن غیر از قانون مندی عمومی این قوت دارای یک عده خصوصیات مسلکی میباشد که فقط برای همین قوتها مخصوص میباشد. دانستن این خصوصیات برای تعیین مفهوم و طرق فعالیت قوماندانان و قرارگاهها و برای اداره عصری تر و مجهز تر بسیار مهم میباشد. مؤثریت این سلاح بصورت عمومی مربوط به خصوصیات مذکور میباشد.

مفهوم اداره (خصوصیت در اداره) با خصوصیات تعلیم و تربیه و اجرای فعالیت های محاربوی ارتباط مستقیم دارد. در اینجا فقط بعضی خصوصیات مهم تاسیس مدافعه هوائی اهداف و مناطق کشور را که در زمان موجوده در بعضی کشور های پیشرفته جهان از آن استفاده میگردد مطالعه مینمائیم:

اول - مدافعه هوائی اهداف و مناطق یک کشور نظر به پلان و مفکوره واحد تاسیس میگردد. این موضوع نظر به ارزش دهی حلقه های عالی سوق و اداره قوت های ستراتیژیکی اوپراتیوی، تکنیکی و تعیین تشکیل لازمه قوتها و مهمات،



هلیکوپتر جدید امریکایی که (تحت پروگرام *UTTAS*) ساخته شده به مقاصد مختلف از آن استفاده میگردد .

قوت ها و گذاشتن آنها با حضرات محاربوی دائمی، کنترول و معاونت کردن میباشد .

وظایف متذکره باید در تمام مراحل سوق و اداره حل شود، لیکن در چوکات هر یکی از آنها وظایف مذکور دارای خصوصیات و مشخصات معین بوده و دارای مفهوم جدید میشود . زیرا در اینجا خواص مسایل حل شونده تغییر می خورد . تصمیم اتخاذ شده راجع به تاسیس مدافعه و اجرای عملیات محاربوی یکی از جمله مراحل مهم جریان مغلق سوق و اداره قوت ها بصورت مجموعی است . باساس این تصمیم و تهیه پلان های عملیات محاربوی تاسیس مستقیم مدافعه هوائی اهداف و مناطق صورت می گیرد .

در جریان تاسیس مدافعه هوائی تصمیم اتخاذ شونده بعدی رول مهم را بازی می کند . در اثنای طرح این قسم تصمیم ، پیش بینی های علمی پیشرفت و مسایط و طرق تعرض هوائی دشمن احتمالی و با در نظر گرفتن این موضووعات پیشرفت و عصری شدن سلاح و تخنیک محاربوی ، ساختمان تشکیلاتی ، طرق و شکل استعمال محاربوی قوت های خود باساسات علمی رول بسیار مهم را بازی می کند .

تاسیس سیستم های مدافعه هوائی نظر به مفکوره و پلان واحد در مقیاس یک دولت با تحلیل همه جانبه علمی و آینده تصمیم اتخاذ شونده بلند رفتن مفهوم و حجم وظایف که در مرحله تاسیس قوای مدافعه هوائی از طرف ارگانهای عالی

نظر به معلومات مطبوعات خارجی پیشرفت آنها مرحله بمرحله صورت گرفته و مقابلاً وقت زیاد را در بر میگیرد . حل مسایل جدید که در جریان فعالیت و مسایط مدافعه هوائی در مقابل قوای تعرضی دشمن بوجود می آید باساس سیستم های موجوده از طریق عصری ساختن آنها امکان پذیر میباشد .

پنجم - فعالیت محاربوی قوای مدافعه هوائی از قوت های دیگر بواسطه سریع بودن آنها، ساحه فعالیت بسیار وسیع ، استفاده از تخنیک های مختلف، مغلق و شدید بودن اوضاع بالکل فرق میشوند . در صورت رسیدن کدام یکی از طیارات و یاراکت های بالدار دشمن به محل مدافعه شونده، قوای قوای مدافعه هوائی وظایف محاربوی خود را بصورت موفقانه انجام نداده است . موثریت استعمال قوای مدافعه هوائی مربوط بانست که تاچه اندازه در اثنای تعلیم و تربیه پرسونل آن تمام موضوعات فکر شده ، چه قسم پلان گذاری شده ، ترتیب و تنظیم آن چه قسم بوده و در ساحه پرکتیکی تاچه اندازه کار شده است .

مفهوم جریان اداره در وظایف اساسی قوماندانان، قرارگاه و دیگر ارگانهای اداروی آشکار است . این موضوعات را بصورت مفصل بررسی مینمائیم .

در اثنای تاسیس سیستم های مدافعه هوائی نظر به عقیده متخصصین نظامی و وظایف اساسی سوق و اداره عبارت از پلان گذاری فعالیت محاربوی ترتیب و تنظیم و حاضر کردن

سوق و اداره اجرا می‌گردد تعیین می‌شود. درین حلقه‌ها مسایل ذیل حل می‌گردد: ارزش دهی نسبی اهمیت اهداف و مناطق کشور، تعیین تشکیل قوت‌ها و وسایط محاروبی، ساختن گروپ‌ها و انتخاب نظام‌های محاروبی جز و تام‌های بزرگ و قطعات مدافعه هوائی تأمین را داری عملیات محاروبی، تاسیس سوق و اداره و عصری ساختن مدافعه هوائی. حلقه‌های عالی سوق و اداره دارای معلومات کافی راجع به وضعیت و دور نمای پیشرفت قوت‌های خود و دشمن بوده و فقط با استفاده از پیشنهادات و تحقیقات علمی مختلف قادر بانتخاب واریانت‌های اوپتیمالی تاسیس مدافعه هوائی اهداف، مناطق و حتی خود کشور بصورت مکمل می‌باشد. لیکن این موضوع چنین معنی نمی‌دهد که در شرایط داده شده قوماندانان قطعات تکنیکی در عملیات محاروبی تصمیم‌گیرنده در تصمیم آنها بر تأمین مدافعه هوائی مؤثر بی‌اعتبار می‌باشد. استفاده مرکزی از قوت‌ها و وسایط مدافعه هوائی نظر به ضروریات حقیقی مقامات عالی تعیین گردیده و در عملی شدن تصمیم آنها از قوماندانان و قرارگاه‌های قطعات مختلف کوشش و زحمت کشتی اعظمی را تقاضا می‌کند.

با این مناسبت لازم است که موضوعات ذیل را بصورت معصل‌تر بررسی کنیم:

در انتخاب طریقه عبور از سیستم مدافعه هوائی حق اولیت دادن بدشمن، سریع بودن عملیات محاروبی، محدود بودن زمان برای اتخاذ تصمیم، دادن وظیفه بقوت‌های مدافعه هوائی و اجرای وظایف ضرورت به پیش‌گوئی واریانت‌های ممکنه وارد کردن ضربه را از طرف دشمن هوائی پیدا کرده و حاضر کردن عملیات محاروبی قوای مدافعه هوائی

را نظریه واریانت‌ها باید عملی ساخت. وظیفه مذکور برای قوماندانی و قرارگاه‌های اوپراتیفی و تکنیکی حتمی است. این وظیفه دانش عمیق تمام عناصر وضعیت را از قبیل توانستن تحلیل وضعیت، اتخاذ تصمیم همه‌جانبه و مؤثر و عملی کردن آنها در جریان حاضر کردن قوا و غیره را تقاضا می‌کند.

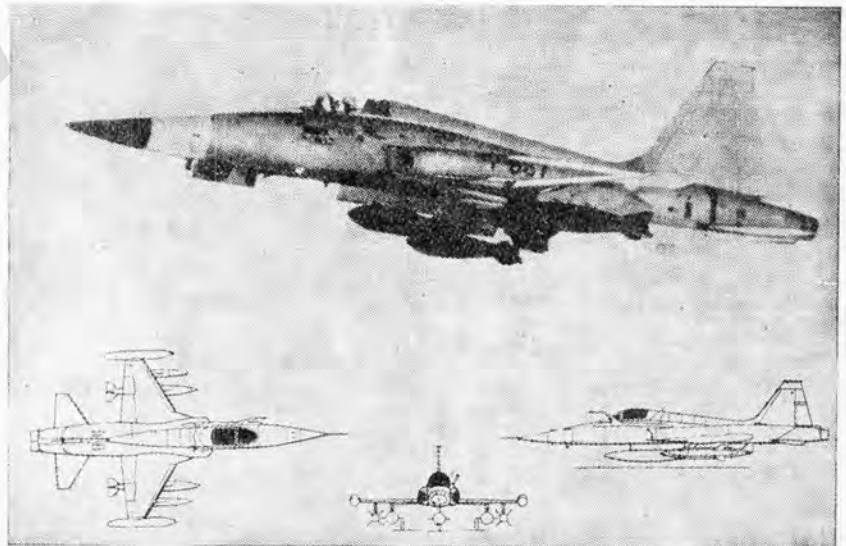
در اساس پلان‌گذاری عملیات محاروبی و حاضر کردن قوا باید از همان واریانت‌های دشمن هوائی استفاده شود که در همان منطقه و در همان شرایط خاص وضعیت زیادتر قابل استعمال ده بوده قوماندان تصمیم جداگانه را در عملیات قوت‌ها برای تخریب دشمن تقاضا می‌نماید.

ارزش دهی تشکیل قوت‌ها و وسایط هوائی دشمن، تحلیل وظایف که در اجرای آن به مقصد وارد کردن ضربات بالای اهداف مدافعه شونده سعی می‌شود، مطالعه مناطق عملیات محاروبی و واضح ساختن معلومات دشمن راجع به خصوصیت سیستم مدافعه هوائی اجازه می‌دهد که بصورت عمومی واریانت‌های ممکنه ضربات هوائی دشمن را پیش‌بینی کرد و از جمله تمام واریانت‌ها ۲ یا ۳ واریانت را که زیادتر مورد استعمال است انتخاب کرده و نظر بآنها اجرای عملیات محاروبی را از طرف قوت‌های خود پلان‌گذاری و حاضر بسازند.

این را هم باید متذکر شویم که واریانت‌های پیش از پیش پلان شده و آماده شده عملیات محاروبی می‌تواند با واریانت‌های یک در جریان وظایف محاروبی اجرا می‌گردد فرق کلی داشته باشد. در اثنای دفع و طرد ضربات هوائی دشمن قوماندان بدون قید و شرط، وضعیت همان وقت را مطالعه کرده و به قوای خود وظایف جدید می‌دهد.

لیکن در شرایط مدنظر گرفتن زمان دادن وظیفه محاروبی و قابلیت مانور قوا مؤثریت مدافعه هوائی مربوط بان عناصر فعالیت محاروبی است که پیش از پیش از طرف قطعات بزرگ و جز و تامها تحلیل شده و در تصمیم قوماندان برای دفع و طرد ضربات دشمن هوائی شامل ساخته شده باشد. تعداد ممکنه این عناصر مربوط به درجه صحیح بودن واریانت‌های پلان شده می‌باشد.

واضح است که مدافعه هوائی مانند سیستم چندین واریانته تاسیس می‌گردد. الاستیکیت آن یعنی قادر بودن آن برای مقابله با هر قسم ضربات دشمن نه نقطه از طریق تاسیس



طیاره تکنیکی *F-5A* بحیث طیاره شکاری دفع و طرد، بمباردمان طیاره گیرنده و حتی طیاره اکتشافی در بسیاری کشورهای پیمان نظامی ناتوازان استفاده می‌نمایند

گروپ ها بلکه در یک ساحه وسیعی بمانور نطعات و جزو تام های مدافعه وبالخصوص طیارات شکاری بدست می آید . مانور طیارات شکاری باید در مقیاس های مختلف اجرا گردد . این مانور ها در زمان بسیار محدود اجرا شده و اقدامات کامپلکسی را قبل از وقت باید تأمین بدارد .

تمرکز دادن قطعات و جزو تامهای طیارات شکاری در مناطق لازمه، اجرای سوق و اداره آنها ، و همچنان مساعی مشترکه آنها با قوت ها و وسایط دیگر مدافعه هوایی به مقصد بدست آوردن تفوق قوت تا اینکه بدون قید و شرط تخریب اهداف هوایی دشمن را تا زمان اجرای وظایف محاروبی شان تأمین بدارد عبارت از خصوصیت عملیات محاروبی شکاری است .

قوای راکت دافع هوا دارای قدرت آتش بوده و امکانات مانور حرکتی آن محدود میباشد . لیکن دشمن برای وارد کردن ضربات بالای اهداف خویش باید به ساحه آتش راکت های دافع هوا داخل شود . سیستم اداره آتش قطعات و جزو تامهای راکتی دافع هوا در هر قسم شرایط وضعیت محاروبی باید تمرکز دادن تمام قدرت آتش راکت دافع هوا را در ساحه فعالیت ممکنه کامپلکس های آن در مقابل اهداف هوایی دشمن تأمین بدارد .

این قسم صنعت عملیات محاروبی قطعات قوای راکت دافع هوا ضرورت به پلان گزاری و آموزش واریانت های قابل استفاده آنها را که خصوصیت آن در مراحل مختلف اداره مرکزی آتش طرق اجرای عملیات محاروبی و مساعی مشترکه با طیارات شکاری شامل میباشد در کرده نمی تواند . انتخاب صحیح واریانت های ممکنه ضربات دشمن هوایی و تعیین بسیار مناسب فعالیت قوت های خود را با حاضر کردن آنها عبارت از مهمترین شرایط تأمین مدافعه هوایی موثر بوده و سبب اجرای موفقانه وظایف محاروبی از طرف قوت های ما در وضعیت مغلق می گردد .

برای قوای مدافعه هوایی مسایل تاسیس اداره آتش از قبیل تعیین وظایف و فعالیت قوماندانهای مختلف در

حاضر کردن و اجرای عملیات محاروبی ، تا سیس سیستم محاربه ، محلات قومانده و محلات سوق و اداره تشکیل و هم آهنگی مرتبات محل قومانده و تأمین راداری فعالیت محاروبی ، آنها از جمله خصوصیات مهم آن میباشد .

برای قوای مدافعه هوایی مفهوم اهداف کشف شده پیش از پیش وجود نداشته و نبودن معلومات راجع به دشمن هوایی در کدام لحظه زمان بانبودن اداره حتی و قتیکه قوی ترین وسایط مفاعلی نمی تواند به فعالیت شروع نمایند مساوی میباشد . بدین لحاظ مهمترین و در عین زمان مغلق ترین شکل تأمین محاروبی قوای مدافعه هوایی عبارت از تأمین راداریست و این موضوع عبارت از جریان واحد مسلسل اجرای کشف را دیوئی جمع آوری ، تهیه ، تحلیل و دادن معلومات را داری راجع به وضعیت هوایی در محلات قومانده قدمه های مختلف میباشد .

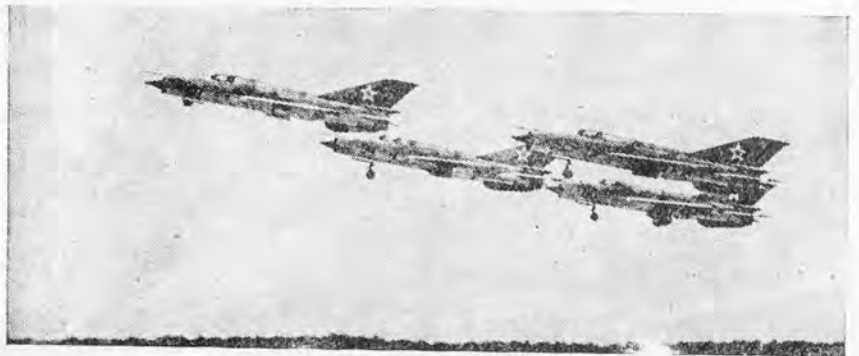
در ترتیب و تنظیم عملیات محاروبی باید آن قسم سیستم تأمین کننده را داری تشکیل گردد که بوقت و زمانش بصورت فوق العاده حل مسایل را در ارسال معلومات لازمه در شرایط بسیار سریع تغیر خوانده او ضاع و استفاده وسیع دشمن از وسایط مبارزه رادیو الکترونی و تحت فشار گیرنده آتش مجحیا بسازد .

در هر کسب و کاری از وسایط مدافعه هوایی عصری کشف دشمن هوایی در مسافت اعظمی از محلات مدافعه شونده و تعقیب صحیح هر هدف در جریان پرواز آن در تمام خط السیر دارای اهمیت بسیار زیاد است . تشکیل این قسم سیستم تأمین کننده را داری تنها بواسطه موجودیت وسایط لازمه و اجرای کار های زیاد مهیا نشده بلکه به تربیه قوماندانان و قرارگاه در تمام قدمه ها که دارای سویه مسلکی بسیار عالی باشند ارتباط دارد .

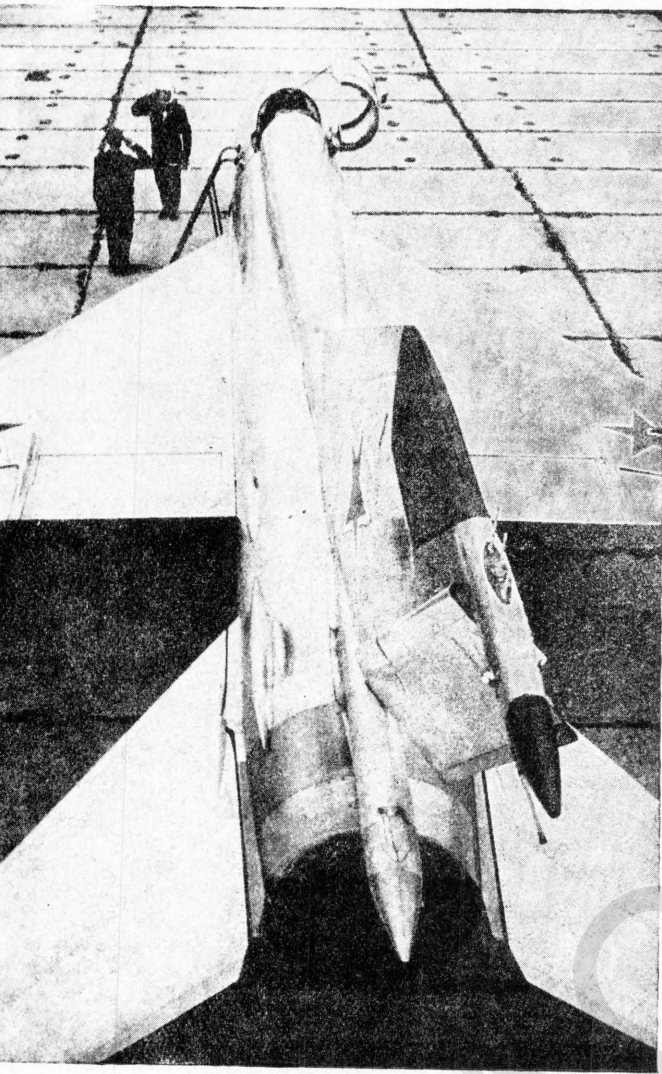
اداره مرکزی قوت ها و وسایط مدافعه هوایی موثریت عالی استعمال آنها را در شرایط مغلق تأمین می دارد باید این راهم خاطر نشان بسازیم که اداره مرکزی فقط از طریق دادن قومانده ها و هدایات لازمه در جریان فعالیت

محاروبی تأمین شده نمی تواند اداره مرکزی یعنی کوشش قدمه های مافوق در حل مسایل عمومی از طرف قدمه های پایان مربوط به خواص پلان گزاری بوقت و زمانش ، واضح ساختن و تحلیل واریانت های فعالیت قوت ها در شرایط اوضاع میباشد .

تعیین مقدماتی وظایف محاروبی تصامیم ممکنه قوماندانان را در باره کدام وضعیت و طرق اجرای آنها مربوط به درجه عالی اداره مرکزی حتی



مشق و تمرین مرتب تجارب پیلوتان را بلند می برد



لحظه شروع پرواز

در صورت اجرای فعالیت مستقل از طرف جز و تامهای و قطعات بزرگ قوای مدافعه هوایی میباشد .
 موثریت عالی و اداره پایدار عملیات محاروبی قوای مدافعه هوایی از طریق یکی ساختن عملی اداره مرکزی و غیر مرکز (مستقل) تأمین شده می تواند .
 علمی ساختن این پرنسیب اجرای اقدامات کامپلکسی احضاراتی را مهیا ساخته و در نتیجه آن قطعات بزرگ و کوچک امکانات فعالیت مستقل را در صورت خراب شدن اداره مرکزی حاصل می نمایند . اقدامات مهم درین پلان عبارت از ترتیب و تنظیم تأمین را داری عملیات مستقل قطعات و جزو تام های راکت دافع هوا و طیارات شکاری میباشد .
 وظایف و فعالیت اداری هر قدمه قوماندانی باساز تحلیل پیشرفت احتمالی فعالیت محاروبی با در نظر گرفتن امکانات بدست آوردن معلومات راجع به وضعیت ، تحلیل آنها و رساندن تصامیم اتخاذ شده به قوت ها تعین می گردد . به قوماندانان و قرار گاه های قطعات و جزو تامهای مدافعه هوایی لازم است که در چوکات تحلیل مقدماتی پلان های فعالیت محاروبی مستقلا نه عمل کنند .
 معلومات گوناگون که وضعیت هوایی را تعریف مینماید ، حجم زیاد و مغلق بودن وظایف که در محلات قوماننده حل میگردد ، محدود بودن زمان اجرای آنها جدیدت و کیفیت عالی سوق و اداره را تقاضا کرده و تاثیر خود را در بالای اشکال و میتودهای ترتیب و تنظیم و اجرای آنها باقی میگذارد .
 موثریت سوق و اداره محاروبی مربوط به مراحل اتومات بودن وظایف اداری ، تعلیم و تربیه و مشق و تمرین قوماندانان و قرار گاه ها ، هم آهنگی مراتب محاروبی محلات قوماننده های مختلف میباشد .

فعالیت محاروبی در محل قوماننده باید طوری ترتیب گردد که در شرایط مغلق اوضاع قوماندان بوقت و زمان به شکل مناسب تری معلومات لازمه را برای اتخاذ تصمیم بدست بیاورد . درینصورت از نقطه نظر موثریت اداره زیاد بودن معلومات و هم چنان ناقص بودن معلومات نقص دارد .
 هم آهنگی کامپلکسی مراتب محلات قوماننده قطعات بزرگ و جزو تامهای مدافعه هوایی باساز استفاده وسیع از دستگاه های ترینازور و تمثیلی تأمین گردیده ، ترتیب و تنظیم علمی فعالیت محاروبی ، فعالیت دوامدار و زیاد قوماندانان و قرار گاه ها و عملی ساختن سیستم مرتب تطبیقات و مشق و تمرین هارا تقاضا مینماید .

برای اداره موثر فعالیت محاروبی قوا ، قوماندان باید دارای سویه علمی مناسب و تجارب زیاد بوده و قادر به قبول معلومات ، محاکمه وضعیت هوایی ، پیش بینی ممکنه تغییر آن باشد و در شرایط وقت بسیار کم تصامیم صحیح را باید اتخاذ بدارد .

این قسم صفت مسلکی را قوماندان قوای مدافعه هوایی

فقط در اثر مشق و تمرین دوامدار اداره قوت ها و وسایط در شرایط مغلق بدست آورده میتواند . موثریت سوق و اداره تا اندازه معین مربوط به استفاده کردن قوماندانان از سیستم اداره اتوماتیکی میباشد . در شرایط محدود بودن زمان و رسیدن معلومات گوناگون زیاد بدون کمک سیستم اداره اتوماتیکی حل عالی مسایل جمع آوردی و تحلیل معلومات راجع بدشمن هوایی ، حالت و امکانات وسایط خود را ، ارزش دهی مناسب تصامیم قبول شده و رساندن آنها تا قطعات بدون ضایع کردن زمان بصورت عملی غیر ممکن میباشد .
 وظیفه اصلی سوق و اداره قوت های مدافعه هوایی عبارت از نگهداشتن آنها با حضرات دائمی برای دفع و طرد ضربات ناگهانی دشمن هوایی میباشد . احضارات دائمی محاروبی قوا بوسیله اجرای اقدامات کامپلکسی قبل از وقت تأمین شده میتواند . مهمترین آنها نگهداشتن احضارات دائمی محاروبی قوا نظر به زمان پرواز دشمن احتمالی ، ترتیب و اجرای نوکریوالی محاروبی میباشد .

دلبنان کورنی

لیکنه: جگتورن حمید

شخړی او جگړی ورځ په ورځ سختیزي



مامول دلاسته راوړلو لپاره دهرپلوه مخانونه چمتو کوي او دمنظمو تشکيلاتو په جوړو لوبی لاس پوری کړی. ترټولو نه مهمه خبره داده چه یوشمیر دلبنان عیسویان هم ددوی ملاتړ کوي. په لبنان کی وروستی تحولات دمسلمانانو په گټه دی پرته لدی چه دلبنان بیوا که جمهور رئیس سلیمان فرانجیه دپته اړ شو چه دلبنان داساسی قانون تعدیل شوی ماده لاسلیک کړی دلبنان پارلمان پدی بریالی شو چه دلبنان دپاره یومنتخب جمهور رئیس وټاکي که څه هم دلبنان نوی منتخب جمهور رئیس الیاس سرکیس چه دیوی معتدلی مفکوری خاوند دی دمسلمانانو په خوښه ندی انتخاب شوی بیاهم دنوموړی ټاکنه دلبنان دمسلمانانو دپاره یونسی بریالیتوب دی. دوروستیو رپوتو څخه معلومه شوه چه دالیاس سرکیس په ټاکل کیدو کی دسوری حکومت هم لاس درلود.

همدا رنگه څرنگه چه دنظامی رپوتو څخه معلومیږی دلبنان حساس ستراتژی یک مخایونه اوس دلبنان دمسلمانانو په لاس کی دی اوددوی قدرت دنظامی پلوه په لبنان کی ورځ په ورځ پیاوړی کیږی: دسوری حکومت چه دپخوانه دلبنان دلانجو دحل لپاره خپلی هلی محلی شروع کړی وی تراوسه پوری پدی ندی بریالی شوی چه په لبنان کی سوله او آرامتیا ټینګه کړی. دسوری دحکومت نظامی مداخلی چه پدی وروستیو وختو کی په لبنان کی شوی پیری نوری نوی لانجی بی په عربی نړی کی منځ ته راوستی اوددی سبب گرځیدلی چه بعضی عربی مطبوعات دسوری په دریځ بانندی انتقاد وکړی. همداراز په خپله دلبنان سوسیالستان هم دسوری دحکومت دنظامی مداخلی څخه ناراضی ښکاري اودفلسطین دآزادی دموسی په بعضی اړخو کی هم متفاوت نظرات پدی هکله پیدا شوی دی چه دپرخواشینی مخای دی او همدا سبب ده چه څوموده پخوا دفلسطین دآزادی دموسی دوه ډلی

یو کال او څو میاشتی کیږی چه په لبنان کی جگړه روانه ده د مبصرینو په عقیده دغه جگړی کورنی شکل لری اما په حقیقت کی ذکر شوی جگړی دبانندی نه تمویل کیږی ځکه دروانورپوتو څخه معلومیږی چه دلبنان دمتخصصو ډلو ته د بهرنه درندی اوسپکی وسلی ایډل کیږی پدغه یو کال او څو میاشتو کی څو څو محله د لبنان دلانجو دحل لپاره دمتخصصو ډلو ترمنځ خبری اتري شوی او په اور بندی موافقه کړی اما هر اور بند دلنهی مودی وروسته بیامات شوی اوسختی جگړی شروع شوی اوزرهاووتنه لبانیان پدغو جگړو کی خپل ژوند له لاسه ورکړی. څرنگه چه گران لوستونکی خبردی او په تیرو بحثو کی پری ریاچول شوی دلبنان اوسنی لانجی منشاء دمتخصصو ډلو ترمنځ دقدرت په لاس کی نیولو موضوع ده چه البته هر ډله زیارباسی چه دلبنان په سیاسی نظامی اواقتصادی کدرو کی زیات قدرت ولری. پدی هکله هره ډله بهل بیل نظر اومفکوره لری اوددغو دعملی کولو لپاره دقدرت نه کاراخلی او په پراخو جگړو لاس پوری کوي.

دلبنان فلانزستان چه په پخوانیو حکومتو کی ډیر سیاسی نظامی اواقتصادی قدرت درلود ترسوسه وسه پوری هلی محلی کوی ترڅو ددوی قدرت هماغسی دپخوا په شان پاتی وی سره لدی چه فلانزستان دنفوس له نظره په لبنان کی په اقلیت کی دی بیاهم دوی زیارباسی چه په لبنان کی دنویو ریفورسو مخه ونیسی اودپته غاړه ټریدی چه قدرت دی په لبنان کی په دیموکراتیک شکل سره دټولو خاکوپه منځو کی په مساوی توگه وویشل شی نوددی دپاره چه دوی وکولایشی دپخوا په شان په قدرت پاتی شی دبهر نه عصری اومدرنی وسلی رانیسی او بگری ته دوام ورکوي.

دلبنان مسلمانان چه دکلونو کلونورا په دپخوا دفلانزستانو دقدرت لاندی تیر کړی ددی اوسنی وضعی نه په تنگ راغلی اوتصمیم بی نیولی چه خپل حقه حقوق ترلاسه کړی اوددی

یودیل سره په جگړې بوخت او یو بل ته یې د سر او مال تاوانونه ورسول .

دسوریې حکومت چه د لبنان دخلکوسره نژدی اړیکې لری ترسره وسه هڅه کوی چه په دغه هیواد کسې سوله او آرامی استقرار و مومی اودازمیننه مساعده نشی چه داسرائیلو حکومت پرلبنان تیری وکړی. او یا د فلسطین دخلکو نهضت په لبنان کسې د پښووغورخوی او یوه بله خونړی جگړه په منځنی ختیز کسې یو بل بیا شروع شی نودسوریې دخبری منابعو په حواله دسوریې وسله وال فوځ ددی دپاره لبنان ته ننوتلی ترڅو پرته تبعیض څخه دبشری حقوقو په اساس د لبنان د ټولو ډلو په منځو کسې سوله ټینګه کړی. نو پدی اساس دسوریې وسله وال فوځ همدا اوس هم په لبنان کسې په نظامی حرکاتو مشغول دی ترڅو هغه کلابند شوی کلی چه په هغوکسې عیسویان ژوند کوی د لبنان د سوسیالستانو د محاصری څخه وباسی .

په اوسنیو شرایطو کسې دسوریې د حکومت دغه دریځ غینو عربی هیوادو او پخپله د لبنان د سوسیالستانو له خوا په شدت سره انتقاد کیری او مخصوصاً د مصر مطبوعات او حکومتی منابع پرسوریې بانندی سخت تورو نه لگولی او پدی هکله د مصر یو باخبری منبع داسی ویلی : غیننی خارجی هیوادونه د اسرائیلو د حکومت د پتو مرستو په اثر دا هڅه کوی چه د لبنان وحدت ته صدمه ورسوی اولبنان په دوو برخوو ویشی او هم د فلسطین دخلکو نهضت په لبنان کسې د پښووغورخوی اود مصر حکومت او خلک به هیچاته دا اجازه ورنکړی . چه د لبنان وحدت ته صدمه ورسوی او یا د فلسطین دخلکو نهضت د پښووغورخوی اود مصر خلک د یته چمتودی چه په خپلو ټولو قواوو سره د فلسطین دخلکو دفاع وکړی .

د بلې خوانه د اسرائیل حکومت د لبنان داوسنیو جریا ناتو څخه په زړه پوری کتبی اخیستلی دی یودا چه د لبنان دلانجو دوام په صورت کسې د اسرائیلو حکومت په آرامه توګه خپلو استعماری هلوځلو اود اشغالی ځمکو په خپل قدرت کسې ساتلو ته دوام ورکوی او هم د عربی هیوادو د ناڅاپی یرغل څخه په امان کسې پاتی کیری لځکه عربی هیوادونه د لبنان دلانجو دخل لپاره یوشان نظر نلری د بلې خوانه د فلسطین خلک اود سوریې حکومت چه د اسرائیلو سره کلکه دینمنی لری د لبنان په لانجو کسې ډوب دی اوددی وخت نلری چه خپلی نظامی حملی په منظمه توګه پر اسرائیلو بانندی اجرا کړی نو په هر صورت د لبنان اوسنی لانجی او خونړی جگړی د اسرائیل حکومت په گټه دی اود اسرائیلو حکومت هم اخطار ورکړی چه په لبنان کسې روان حالات په دقت سره تعقیبوی اودا اټکل هم موجود دی که د لبنان لانجی او کورنی خونړی جگړی داسی شدت و موند د اسرائیل حکومت عسکر به د لبنان جنوبی سیموته ور ننوی اود فلسطینانو

نهضت سره به جگړه بوخت شی لځکه پخوا تردی چه په لبنان کسې جگړه پراخی شوی خو غو واری داسرائیلو نظامی مسلح واحدو نو د لبنان جنوبی سیموته ننوتلی اود فلسطین ډیر خوانان اوس تیری یی وژلی دی . لځکه د لبنان دخاوری څخه فلسطینی سر تیری خپل اکثر نظامی حرکات داسرائیلو پر ضد طرحه کوی اود عمل ډګر ته ا بیردی نو په همدی مناسبت د اسرائیلو حکومت د لبنان د جنوبی سیمو څخه د فلسطینی سرتیرو د بریدو څخه ډیر په تشویش کښی دی او همدا چه په تیر کال کسې د فلسطینی سرتیرو او فلانزستانو ترمنځ پراخی جگړی صورت و موند یو علت یی دا وه چه د لبنان فلانزستانو نه غوښته چه فلسطینی سرتیری د لبنان دخاوری څخه داسرائیلو په خاوری یریدو نکړی اودا قوی امکان موجود دی چه د لبنان په اوسنیو جگړو کسې په پته سره د اسرائیلو حکومت لوی لاس لری . اوحتی ډیری عصری اودرنندی وسلی د لبنان فلانزستانو ته داسرائیل د حکومت لخوا برابری کیری .

همدارنگه دسوریې جمهور رئیس حافظ الاسد چه په تیرو څواونیو کسې په ورځ کسې ۸ ساعته د لبنان په کپ کیچ بانندی کار کوی د لبنان په باره کسې داسی نظر ورکوی « د لبنان دروغی جوړی مساله پدی نژدی وختو کسې امکان نلری » نوموړی داشکایت کوی چه داسرائیلو مخنی پولیس تل دا زیار باسی چه یو شمیر توپک لرونکی په لبنان کسې اجیر کړی او پدی توګه اور بندونه د مسلحانو او عیسویانو ترمنځ ماتوی داسرائیلو د حکومت مقصد ددی کار څخه دادی ترڅو لبنان په دوو برخو د مسلحانو او عیسویانو په منځو کسې ویشی او هم داسرائیل حکومت دا هڅه کوی چه پدی ته ګه داردن د سیند لوی دیننه برخه دخپلی خاوری جزو ګرځوی او خپل قدرت پدغی سیمی کسې لاپسی پیاوړی کړی او ګویا ددغه پلان د عملی کیدو دپاره د اسرائیل حکومت تشویق شوی دی لځکه همدا اوس داردن د سیند په لوی دیننی غاړی کسې د اسرائیلو د افراطی ډلو له خوا داسی ناوړی هلی ځلی روانی دی چه مقصد یی د عربی سیمو شکل ګرځول په اسرائیلی سیمو دی اود اسرائیل حکومت خپل دا حرکت په آرامی او چوپتیا سره عملی کوی او هم په لبنان کسې شقاق اونفاق پیاوړی کوی ترڅو د جهانیا نو نظر دغی سیمی ته واړوی اوددوی په شومو هلو ځلو څوک پوره پو نشی او څوک ورته ملتفت نشی .

په عمومی توګه دسوریې حکومت خپله پالیسی د لبنان د جگړو په اثر داسی طرحه کړی چه د ټولو متخصصو ډلو حقوق محترم وپیژندل شی او کوچنی اقلیتونه دنورو ډلو له خوا و خپل شی ددی طرحی په اساس تراوسه پوری څو ځلی دسوریې حکومت خپلی مسلحی قوا و ی لبنان ته لیردولی ترڅو دهغو کوچنیو ډلو څخه دفاع وکړی چه یا پری تیری شوی او یا کلابند شوی دسوریې حکومت دا هڅه هم کړی ترڅو په لبنان کسې داسی زعامت منځ ته راشی چه وکولای شی

سوله او امنیت په لبنان کې تأمین او ورځنی کارونه او فعالیتونه بیا د سره شروع کړی دسوری دحکومت په نظر الیاس سرکیس چه د لبنان د منتخب جمهور رئیس په توگه ټاکل شوی یو مناسب شخصیت گڼل شوی او دخپارو شویو رپوتو څخه څرگنده کیری چه نوموړی دسوری دحکومت د فشار په اساس د لبنان د منتخب جمهور رئیس په توگه ټاکل شوی دی او همدا دلیل وه چه د لبنان سوسیالیستان دالیاس سرکیس د ټاکل کیدو سره مخالفت کاوه او تر اوسه پوری یی خپل دغه مخالفت ته دوام ورکړی . ځکه کمال جنبلاط او دهغه پلویان یوبل عیسوی مذهب سپری ریوند ایدی د لبنان دجمهوری ریاست د څوکی دنیولو لپاره په پارلمان کې کاندید کړیوه او دیوی اونی دپاره د لبنان د سوسیالیستانو دغوښتنو او فشار په اساس ونشو کولای چه خپلی غونډی پیل کړی او د لبنان دپاره منتخب جمهور رئیس وټاکي وروسته دیوی اونی څخه د لبنان پارلمان په یواضطراری حالت کې غونډه وکړه او د شپږ شپیتو موافقو رایو په اساس الیاس سرکیس بریالی شو چه خپل رقیب ریموند ایدی ته ماتې ورکړی او د لبنان د منتخب جمهور رئیس په توگه وټاکل شو وروسته د دغه روانو حالاتو څخه معلومه شوه چه د الیاس سرکیس ټاکل کیدل په لبنان کې لاپسی لانجی زیاتی کړی او خونړی جگړی په خپل ټول شدت سره یو ځل بیا شروع شوی او د سوسیالیستانو پلویانو د بیروت په ښار او نورو ځایو کې لوړ او جگ عمارتی ځایونه ونیول ترڅو پدی توگه د دغو ځایو څخه خپلی حملی پر افراطی عیسویانو بانندی شروع کړی پدی ترتیب سره هره ورځ د متخصصو ډلو تر منځ جگړی شدت مونده او د لبنان سوسیالیستانو په خپلی پوی طرحه شوی پروگرام کې د ټولو خوا وونه وغوښتل ددی دپاره چه په لبنان کې سوله او امنیت منځ ته راشی باید ددوی طرحه شوی پیشنهادونه ومنل شی د سوسیالیستانو په پیشنهادو کې دسوری دحکومت څخه غوښتل شوی وه چه باید ژر تر ژره خپلی قواوی د لبنان دخاوری څخه وباسی همدارنگه ددوی بل شرط داده چه باید لس زره تنه فلسطینی سرتیری چه مختلفو لارو څخه لبنان ته ننوتی د لبنان خاوره خوشی کړی او همدی دخارجی او عربی هیوادو عسکر دسولی او آرامیاد ټینگیدو دپاره لبنان ته رانشی ددوی بل شرط داده چه د لبنان اردو چه د سوسیالیستانو او عیسویانو د جگړو په اثر په بیلو- بیلو ډلو ویشل شوی بیرته سره یو موټی شی او ددوی یو ځای کیدل باید د سوسیالیستانو د طرحه شوو پروگرام په اثر تر سره شی .

د سوسیالیستانو په طرحه شوی پروگرام کې زیاته شوی که ددوی دغه شرطونه د ټولو ډولو له خوا ومنل شی شاید

د لبنان سوسیالیستان دپه چمتو شی چه خپل ملاتړ او همکاری د سرکیس الیاس د لبنان د منتخب جمهور رئیس سره شروع کړی .

همدا رنگه د لبنان جمهور رئیس سلیمان فرانجیه هم وروسته د الیاس سرکیس د ټاکل کیدو څخه اعلام کړی چه اوس اوس زه په یو پروگرام بانندی کار کوم چه مقصدی ددی ترڅو د امریکي - فرانسې- سوری او سعودی عربستان د لبنان د معضلی د حل لپاره ضمانت وکړی او تر اوسه پوری معلومه شوی نده چه د نوموړی دغه پیشنهاد د لبنان د متخصصو ډلو او الیاس سرکیس له خوا منل شوی یا نه .

په هر صورت سره اوس ، اوس د لبنان لانجی د بل هر وخت نه حساسی مرحلی ته رسیدلی او دا حالت هغه وخت منځ ته راغی چه دسوری حکومت خپل وسله وال عسکر لبنان ته واستول دسوری حکومت دخپلو وسله والو عسکرو لپیرل لبنان ته د محلی مقاماتو دغوښتنو په اثر ښودلی او زیاته کړیده چه دسوری عسکر وظیفه لری چه د لبنان په شمال کې دوه کلانډ شوی کلی د مسلمانانو او د فلسطین د سرتیرو څخه خلاص کړی دیوی امریکایی منبع به قول غوزر تنه سوریایی عسکر لبنان ته ننو تللی او دسوری د ټولو عسکرو شمیر په لبنان کې پنځوزو تنوته رسیری هغه وخت چه دسوری عسکر د لبنان په مرکزی اوشمالی سیمو کې ځای په ځای شول دیوی ابلاغی به ترڅ کښی یی د لبنان د عربی اردو او فلسطین سرتیرو ته اخطار ورکړ چه ژر تر ژره خپل مرکزونه خوشی او د لبنان په غرونو کې موقع ونیسی مگر هم فلسطینی سرتیرو او هم د عربی اردو او سوسیالیستانو مسؤلونو مقاماتو دسوری د حکومت د عسکرو دغه اخطار ته توجه ونکړه اگر کی دسوری څلور جټ الوتکی د قدرت د ښودلو په خاطر د لبنان په فضا کې ولیدل شوی او په مقابله توگه د فلسطینی سرتیرو له خوا پری ډزی وشوی .

د فلسطین د آزادی موسسی ددی کبله چه اوسنی حالت لاپسی خراب نشی دیولیک په ترڅ کې یی د عربی ټولنی ته یی پیشنهاد کړی چه هر څه ژردی د عربی هیوادوله خوا د لبنان په روانو حالاتو او دسوری د وسله والو قواوونو تو دپاره دخارجی وزیران جرگه وشی ترڅو دغه موضوع وڅیړی . محمود ریاض د عربی ټولنی سرمنشی پدغه برخه کې د عربی هیوادو د سفیرانو سره په تماس کې دی او د بلی خوانه څلور عربی هیوادو د فلسطین د آزادی د موسسی پیشنهاد منلی او حاضر شوی چه د عربی هیوادو دخارجی وزیرانو په جرگی کې کېون وکړی دغه څلور عربی هیوادونه مصر ، عراق او اودواړه یمنونه دی همدارنگه د عراق هیواد دری ملیونه ډالره د فلسطین نهضت ته بسپنه ورکړیده ترڅو د دغو

پیسونه دا احتمالی جگړې چې د فلسطین سر تیرو او د سوریې
عسکرو ترمنځ واقع شې کارو اخستل شی .

همدارنگه د عراق حکومت وروسته د سوریې د نظامی
مداخله څخه په لبنان کې ویلی چې د فلسطین سر تیرو د دریځ
څخه به ملاتړ وکړي او هیچا ته به اجازه ورنه کړي چې د فلسطین
د سر تیرو نهضت ته تاوان ورسوي د صبر حکومت هم اعلام
کړې ده چې د فلسطین د سر تیرو دریځ نه ملاتړ وکړي او د
سوریې د حکومت نظامی مداخله په لبنان کې غندی اوزياته
کړې ده پرته لدې چې د سوریې نظامی مداخله په لبنان کې
کې کیچ زیات کړي بله کومه گټه نلري د بلی خوانه د فلسطین
دوه نورو نهضتو په پوی ابلاغیه کې ویلی چې د سوریې د
حکومت عسکر ددی د پاره لبنان ته ننوتلی ترڅو د فلسطینانو
نهضت له پښو وغورځوي پدی ترتیب سره د فلسطین دخلکو
ټولو نهضتو د سوریې د حکومت نظامی مداخله په لبنان کې
غندی اوزياته کړې ده چې تر و سه و سه پوری به هڅه وکړي
چې د سوریې د عسکرو په مقابل کې به جگړې ته دوام وکړي
او همدارنگه دغو نهضتو ویلی چې مو نیر مجبور یو چې دخپلی
تقویې د پاره د نورو عربی هیوادو څخه نظامی مرسته وغواړو
هغو هیوادونه به چې فلسطینی سر تیری نظامی کومک
وغواړي لیبیا، الجزایر، عراق شامل دی .

د پورتنیو حقا یقو څخه دا حقیقت ښکاره کیږي چې اوس، اوس
د عربی هیوادو ترمنځ لانجی خپلی حساسی مرحلی ته رسیدلی
او که ژر د دغو لانجو دحل لپاره گټور اقدام ونشي گوندي
دغه لانجی لاپسی پیاوړی شی ولی دا داډینه موجوده ده
چې د سوریې وسله وال فوجونه به په لبنان کې د یو مثبت دریځ
نه کار واخلي او داسی کار به ونکړي چې د لبنان عربی
اردو فلسطینی سر تیری او د سوریې د عسکرو ترمنځ جگړه شروع
شی، ځکه مخکې لدینه هم د سوریې عسکر لبنان ته ننوتلی
او د دواړو هیوادو عسکرو مال اندیشی صبر او حوصلی څخه کار
واخست او ددوی په منځو کې جگړه ونشوه نو داخلي هم امید
شته چې جگړه ونشي د اسرائیلو دفاع و زبر چې پخوا یی ویلی
وه چې مو نیر د سوریې د عسکرو ننوتل په لبنان کې به بحیر سره
غیږو او دروانو حالاتو څار کوو اوس معلومه شوی چې دغه
هیواد خپل یوڅه ټانکونه د لبنان د جنوبی سیمو نژدی ځای په
ځای کړي وروستی جریانات به وښی چې د لبنان شخړه او
اوسنی جگړه به څرنگه تحولات منځ ته راوړي .

مخکې لدی چې د سوریې عسکر یو محل بیالبنان ته ننوغي
د فرانسې جمهور رئیس والرې ژیسکار د ستن چې د امریکې
هیواد ته یی سفر کړی یوی د منځنی ختیځ او مخصوصاً لبنان

د پاره یوڅه مطالب بیان کړل د فرانسې جمهور رئیس
د منځنی ختیځ د عمومی حل لپاره د امریکا په کانگرس کې
داسی ویلی : د منځنی ختیځ لانجی چې یوه خطرناک ښه یی
غوره کړي که ژر تر ژره ورته توجه وشي گټور به ثابت
شی او موضوع به حله شی او که ورته ژر توجه ونشي د
هغی حل به مشکل وی د فرانسې جمهور رئیس زیاته کړه
ښه به داوی چې غربی اروپا، امریکا او شوروی اتحاد
په گډه سره د منځنی ختیځ د لانجو دحل لپاره اقدام وکړي
او همدوی به راتلونکی وخت کې د منځنی ختیځ هیوادونو
د پولو د خوندي ساتلو حمایت وکړي .

هغه وخت چې د فرانسې جمهور رئیس خپله دغه وینا
په کانگرس کې ایراد کړه په نیویارک کې صهیونی
امریکا ټیان مظاهری وکړي او په چیغوسر وویل چې فرانسه
د امریکې متحده نده د فرانسې د جمهور رئیس د سفر په
وروستیو ښیو په امریکې اعلام وشو چې فرانسه
حاضره ده خپل یو شمیر وسله والی قواووی دسولی دکرار
ولو لپاره لبنان ته واستوی د فرانسې د جمهور رئیس وینا
د مبصرینو په نظر داسی ښکاره شوه چې البته پدغی زمینی کې
د فرانسې حکومت د امریکې، شوروی اتحاد او یو شمیر عربی
هیوادو سره په تماس کې شوی وی . د فرانسې د جمهور
رئیس دغه پیشنهاد په عربی نړی کې ناوړه عکس العملونه
منځ ته راوستل او تقریباً ټولو عربی هیوادو پری انتقاد
وکړ. مخصوصاً د لبنان مسلمانان او فلسطینی سر تیرو ددی
په ضمن کې چې دغه پیشنهادی وغانده زیاته کړه چې د
فرانسې جمهور رئیس خپل دغه پیشنهاد هغه وخت کړی دی
چې د امریکې په مسافرت بوخت او ددی کیله مو نیر ددغه
پیشنهادونه انتقاد کوو او په کلکه سره غندو .

سره لدی چې نظامی او غیر نظامی حالت په لبنان کې
ډیرو یچار ښکاری په پاتې نورو عربی سیمو کې هم
آرامی نه لیدل کیږي د اسرائیل افراطی صهیونستان داردن
د سیند په لوی د پخه برخه کې خپل ټولو هلو ځلو ته د پخوا په
شان دوام ورکوي . او دا زیار باسی چې پدغو سیمو کې
اسرائیلی ځایونه جوړ کړي او په همدی مناسبت غو واری
په دغو سیمو کې عربی اوسیدونکو په پراخو مظاهر و لاس پوری
کړ . چې د عربی اوسیدونکو او د اسرائیلو د پولیسو ترمنځ
اخ و د ب واقع شواو غو تنه عربی مبارزین خپل ژوند له لاسه
ورکړ او یو زیات شمیر عربی ځوانان د پولیسو لخوا ونیول
شول او هم د شپې په تگ او راتگ باندی د اسرائیلی
پولیسو لخوا بندیزونه کیښودل شول . دغی وضعی چې غو

ورځي دوام وموند دملگرو ملتو په موسسي کي ناپيلو هيوادو پر يکړه کړي چه دامنيت په شوري کي دغه موضوع مطرح کاندی او پدی برخه کي يو فيصله ليکک صادر کړی . او همدارنگه دملگرو ملتو د سرمنشي داکتر کورت والدهايم نه غوښتل شوی چه يوخپل مخصوص استاغی داردن دسيند لويديځي غاړي ته وليږي ترڅو د نژدينه داسرائيلو دحکومت زاوړه حرکات پدغی سيمي کي وڅيړي .

په منځني ختيز کي د سوريي او اسرائيلو ترمنځ دغبرگولي د مياشتي په اولو ورځو کي دملگرو ملتو د موسسي د سولي قواوود خدمت دوره بيا د شپږو مياشتو دپاره تجدید شوه دملگرو ملتو دموسسي دسولي قواوي چه په اضطراري حالاتو کي ددو متخصصو هيوادو ترمنځ دنړي په گوټ گوټ کي په فعاليت اچول کيږي په منځني ختيز کي ۱۹۵۶ کال نه راهيسي وظيفه اجرا کوي . او اوس هم دملگرو ملتو د موسسي دغه قواوي د جولان په لوړو څوکو کي ددوه کاله راهيسي دسوريي او اسرائيلو د عسکرو ترمنځ په فعاليت بوخت دی دجولان په لوړو څوکو کي دملگرو ملتو دسولي قواو دوره د لومړي ځل لپاره شپږ مياشتي او يا څوځله نور د ملگرو ملتو د موسسي دهلو ځلو په اثر دغه دوره تمدید شوه شپږ مياشتي دمخه دسوريي حکومت دملگرو ملتو موسسي ته خبر ورکړيوه چه پدی شرط دملگرو دموسسي دسولي قواو د شته والي دپاره دجولان په لوړو څوکو کي موافقت کوي چه دامنيت شوري خپل بحث دمنځني ختيز دبحران په هکله شروع کړي دسوريي دحکومت دغه پيشنهاده ومنل شو او دامنيت شوري هم چه په هغی کي د فلسطین د آزادي د موسسي نماينده حضور درلود خپل بحث دمنځني ختيز د بحران په هکله شروع کړ .

دمنځني ختيز دبحران دپاره مبصرين پدی عقیده وه چه شايد بيا دسوريي حکومت داځل هم دغه رنگه قيد او شرط دملگرو ملتو دموسسي دسولي قواوود خدمت د دوری دتجدید په هکله وکړي مگر دغه نځايه چه دسوريي حکومت په اوسنيو شرايطو کي دلبنان په لانجو کي ډير مصروفه ده بدون دکوم قيد او شرط څخه دايي ومنله چه شپږ مياشتي نور دی هم دملگرو ملتو دسولي قواوي دجولان دڅوکو په لوړو سيمو کي پاتي شي دسوريي دحکومت دغه دريځ هغه وخت څرگند شو چه دملگرو ملتو دموسسي سرمنشي داکتر کورت والدهايم په همدی مقصد سوريي ته سفرو کړ دملگرو دسرمنشي اودسوريي دجمهور رئيس حافظ الاسد ترمنځ پدی برخه که خبری اتري وشوی چه په پای که موافقه وشوه چه دسولي قواوي دی د شپږو نورو مياشتو دپاره دجولان په لوړو څوکو کي پاتي شي .

دداکتر کورت والدهايم په نظر دسوريي دحکومت دريځ پدی هکله ډير مهم وه ځکه هغه وخت چه دسوريي حکومت خپله موافقه اعلام کړه دملگرو ملتو سرمنشي پرته لدی چه اسرائيلو ته سفرو کړي دسوريي نه مستقيماً نيويارک ته ستون شو اودخپلو دخبرواترو نتيجه د حافظ الاسد سره ديوه رپوټ په ضمن کي دامنيت شوري ته وړاندی کړه . دپلی خوانه داسرائيل خارجه وزير ديوي وينا په ترڅ کي وويل چه مونږ هم هغه وخت دملگرو ملتو دسولي قواوود تجدید دجولان په لوړو څوکو کي منوچه دسوريي حکومت بدون د قيد او شرط څخه دغه کارونې دخپاره شويو رپوټو څخه معلومه شوی ده چه پخوا داسرائيلو حکومت دملگرو ملتو موسسي ته خبر ورکړيوه چه داسرائيلو حکومت دجولان په لوړو څوکو کي دملگرو ملتو دسولي قواوود تجدید سره موافقه لري . خو بيا هم داسرائيلو خارجه وزير دداکتر کورت والدهايم سفر سوريي ته وغاڼده اوزياته کړه چه پدی برخه کي اصلاً دملگرو ملتو دموسسي سرمنشي دسوريي دحکومت سره خبروته اړنه وه ځکه ه ۱۹۷۳ کال کي دسوريي حکومت دقواوود دجلا کوکو دپاره دجولان په لوړو څوکو کي چه دهغی په موجب داسرائيلو عسکر ددغو سيمو څخه شانگک وکړ داسرائيلو دحکومت سره صريحاً موافقه کړيوه چه دملگرو ملتو دسولي قواوود دتمدید سره به موافقه وکړي .

اوس چه شپږ مياشتي نور هم دملگرو ملتو د موسسي دسولي قواوي دجولان په لوړو سيمو کي پاتي کيږي زمونږ هبله داده دمنځني ختيز دبحران لپاره دحل عمومي ليار پيداشی او يواځني ليار چه کولای شي دمنځني ختيز دبحران دحل لپاره بڼه موثر کومک وکړي هغه دژنيو دسولي دکنفرانس بيا جوړيدل دی چه پدغه کنفرانس کي ټولی خواوي په پوره اومساوي حقوقو سره گډون وکړي ترڅو پدی ترتيب سره دمنځني ختيز بحران چه دکلونو کلونو راپديخوا لاینحل پاتي ده دحل ليارومومي او ددغی سيمي خلک په سوله او آرامی کي ژوند وکړي .

ځکه داحقيقت اوس ټولو متخصصو ډلو ته معلوم شوی چه جگړه نشی کولای دمنځني ختيز بحران حل کاندی . او يواځني ليار چه کولای شي دمنځني ختيز بحران حل کاندی هغه حسن نيت او سوله ده چه مونږ هيله لرو دغه مأمول دنړی دسوله دوستو هيوادوله خوا اوددوی په مرسته په منځني ختيز کي ترسره شي اودفلسطین دخلکو دخودا راديت حق اونورمادی اومعنوی حقوق ورکړشي اوديوه مستقل او خپلواک هيواد خاوندان شي .

تمرکز حواس و سیله

کنله وی نیز گریبان گیر انسان مرفه امروزی شده است. مسأله تزايد نفوس ، مسأله منابع انرژی ، مسأله کمبود غذا ، مسأله آلودگی و صدها مسأله دیگر حتی بیشتر از هزاران بم های خطرناک اتومی که در جبهه خانه های بزرگ کشورها آماده انفجار استند ، افراد ممالک به اصطلاح پیشرفته را تحت تأثیر قرار داده است ، این وحشت ها باعث میشوند که انسانها تمرکز حواسی و تمرکز قوای دماغی خود را از دست بدهد ، بیش از حد کار و تلاش و بیش از حد تفکر برای رفاه فردی ، آن وسیله که سبب انکشاف ذهنی و بالنتیجه بهبود زندگی او میشود از یاد او رفته است ، حسی منفعت جویی او را تاسر حد تعصب بنده درون گراسی خودش ساخته است . اینست که عده از علمای عصر امروز بخصوص آنانکه در گره کشایی های اجتماعی نقش سهمی دارند متوجه وضع موجوده کنونی شده اند و برای رفع این معضله دست بدامن طریق های حل زده اند . یکی ازین طرق حل در تمرکز حواسی است ، حواسی که اینک فعالیتین نیروهای وجود ما اند و ما بیش از همه مرهون و گرویده طرز کار

و روش عمل آنها استیم .

در جوامع روبه انکشاف کشور های نو خاسته و ملت های که با سیر پیشرفت ممالک انکشاف یافته ، دچار عقده کمبود شده اند ، درین میانه سخت نا آرام اند ، اینان نه

توان آنرا دارند که یکباره بدون انجام یک سلسله

کار های قبلی به آن سوئه رفاه برسند و نه میتوانند قبول کنند که بجای جهش ها از رشد گام به گام در حدود امکانات خود شان در مراتب مختلف و اصول بچنان رفاه مادی و اقتصادی فیض ببرند . راه حل این دسته از ملت ما فقط در رهبری درست ، منطقی و علمی استوار است افراد چنین اجتماعات به فهم یک سلسله حقایق و واقعیت های عینی احتیاج دارند ، یکی از چنین واقعیت های عینی همانا وجود شرایط و امکانات است ، این امکانات را اگر از نظر اقتصادی و مالی توجیه نکنیم ناگزیریم به امکانات

دنیای ما ، دنیای جهش ها و تحولات دانش و تخنیک است سیر پیشرفت علم همراه با ترقی و تعالی انسانها ، مدنیت های جدیدی را پی ریزی میکند و فرهنگ های ضعیف و قدیمی را یلع مینماید . این جهش ها همانقدر که در رفاه و آسایش اقتصادی بشر سهم دارد به همان متناسب در مناسبات اجتماعی پیچیدگیهای بوجود میآورد ، ازینرو اگر انسان از یکطرف با اختراعات و اکتشافات غرق در ناز و نعمت و در بهبود وضع مادی خود موفقیتهای درخشان را حاصل مینماید ولی در عوض در مسایل اجتماعی ، در روابط ذات البینی طبقاتی و در تشکیلات مؤسسات اجتماعی خود دچار تشمتها و آشفتگیها میشود ، بنا بر همین دلایل است

که حتی پیشرفته ترین جوامع باز هم معضله های فراوانی دارند و روز بروز همزمان با پیشرفتهای اقتصادی ، ناآرامیهای اجتماعی شان فزونی مییابد .

تزايد توقعات افراد بالا

میروند . احساسات شان تحت

تأثیر عوامل جهنده دانش و تخنیک قرار میگیرد و منافع افراد فقط متوجه زندگی فردی میشود ، دیگر کسی حاضر نیست بخاطر دیگران فداکاری نماید ، وقت ارزش پیدا مینماید و خدمات با پول معاوضه میگردد همه اینها افراد را وامیدارد که نسبت بهم بیگانه شوند و بجز در برابر تبادل کار به پول ، هیچنوع کششی نسبت به هم نداشته باشند ، این مادی گرایی بر روی احساسات و عواطف بشری پرده سیاه میکشد ، دیگر از ایثارها و فداکاریها ، از قهرمانیها و قهرمان پروری ها خبری پیدا نمیشود ، لهند این عوامل همه ممکنست گره های در روابط ذات البینی انسانها بیندازد و وقتی انسان متوجه میشود می بیند مثل عروسک کوکی برده ماشین و تخنیک شده است ، اگر یک لحظه یکی ازین وسایل رفاه از جدا شود یا مؤقیماً یکی ازین وسایل متوقف گردد آنوقت در ماندگی و وحشت این انسان پیشرفته را خواهیم دید ، ارزش زندگی بالاتر از هم چیز و مقدم تر بر همه چیز از آن انسان مهربان و فداکاری فردی خشن و بی احساس ساخته است . وحشت های مختلف حتی بصورت

برای انکشاف ذهنی

از جگتورن مهرجو

و بهبود زندگی

ذهنی، درکی و احساس توجه نمائیم، چنین جامعه‌ها، درتشت و آشفتگی‌های خاص شان از نظر وضع روحی و اجتماعی بسر میبرند، بحران‌های مختلفی گریبان‌گیر چنین ملت‌های است، تضاد‌های طبقاتی از یکسو و کثرت طبقه مفتخوار از سوی دیگر باعث میشود که سهم مزد عده قلیل زحمتکش بهره‌عده کثیر مفتخوار و دست‌نگردد، تعمیم دانش، آشنائی به تکنیک و توازن و تعادل وضع اجتماعی میتواند عوامل مؤثری برای پیشرفت چنین اجتماعاتی شود، اگر از یکسو افراد مادی‌گرای پیشرفته بخاطر وحشت گوناگون احتمالی تمرکز حواس خود را از دست داده‌اند از طرف دیگر افراد مالک رو به انکشاف نیز بخاطر بحران‌های اجتماعی، عدم تأمینات و عدم رفاه آیدآل اقتصادی دچار عدم تمرکز فکر و گرفتار تشت و آشنگی ذهنی‌اند، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان دودسته از علمای که رهبری فکر و حواس انسان‌ها را بدوش میکشند در تنظیم و تعادل معضلات اجتماعی و فردی تلاش‌های فراوانی انجام میدهند ولی اکثرآ این تلاش‌ها به بن بست می‌انجامد، چون ترکیب اجتماعی و مناسبات ذات‌البینی در هر اجتماع و در هر جامعه فرق بارزی دارد، جستوی علل تشکیل ملیت‌ها، وضع جغرافیایی، موقف سیاسی و ایدئالوژی همه در وجود چنین تفاوت‌ها رول محسوس دارند، کشور‌های رو به انکشاف غالباً دچار چنین پرابلم‌های استند از همین رو است که سخت می‌خواهند بین خود روابطی بوجود آورند تا با تبادل افکار و نزدیکی اندیشه‌ها وضعی را بوجود آورند تا کم از کم وجوه مشترک همدیگر را دریابند.

خوب سخن اصلی ما بر تمرکز حواس بوده، ولی در پهلوی آن شناخت عوامل ترکیبی و مناسباتی اجتماعات اتانند زه برای افرادی همانند جامع ماضوری شمرده میشود. تمرکز حواس در افراد نظیر اجتماع ما قابل یادآوری است، ما هنوز پرابلم‌های خیلی پیچیده و غامض نداریم، مگر در عین حال پرابلم‌های ما قابل توجه‌اند، انکشاف ذهنی و بهبود زندگی برای ما آرزوی بسیار خطیر شمرده میشود پس باید به امر مهم توجه نمائیم.

یکی از گوشه‌های نیم‌رخ زندگی فردی مسأله تمرکز بالوسيله باعث تحریک هنر آفرینندگان و خلاقیت فردی میگردد. در نتیجه تا اندازه زیادی در انکشاف ذهنی و بهبود زندگی موثر است. چه بسیار اند افراد یکه در واقع حواس شان پراکنده نیست، فقط در مورد چیزهای ظاهرآ متشت است که هیچ قسم رابطه‌ای با هدف و کار یا موضوع مورد علاقه آنها که همه فکر و ذهنشان را بخود مطعوف داشته است ندارد.

یکی از سائیکولوژیست‌ها که در کشور‌های نوحاسته و رو به انکشاف مطالعه زیاد نموده است درین زمینه میگوید:

بسیاری از ما مردم، اگر صادق باشیم اعتراف خواهیم کرد که به اندک صدا و یا وسیله انحراف خاطری رشته دقت و تمرکز حواس ما پاره میشود، البته جای تأسف است، زیرا این حقیقتی است که توفیق ما در هر کاری در زندگی بیشتر به قدرت تمرکز حواس ما بستگی دارد تا بداشتن قدرت ذهنی زیاد، و در حقیقت به دارا بودن نبوغ.

امروز به ثبوت رسیده است کسانی که همیشه در خیال زندگی میکنند هیچوقت و در هیچ شاخه‌ی از شاخه زندگی توفیق نخواهند یافت. شماعم ازینکه حسابدار، خانه‌دار یا فوتبالیست و صاحب منصب باشی درمزمه مؤفقتیت تان در اینست که حواس شما جمع باشد و بتوانید ذهن خود را متمرکز سازید ورنه هیچوقت از حد معمولی در کار تان جلوتر نخواهید رفت.

حالا ممکن است این سوال پیش آید که چطور میتوان به این قوه فرار تمرکز حواس دست یافت؟

در جواب باید گفت: نخستین قدم درین راه آنست که به طرز کار ذهن و فکر خود پی ببریم.

مغز آدمی به سه حصه ذیل تقسیم شده است:

قسمت خارجی، قسمت داخلی و قسمت خود آگاهی.

قسمت خارجی در حصه پیشانی مغز جای دارد و همه افکار آگاهانه و شعوری ما بدان مربوط میشود، میتوانیم مجسم کنید که درین قسمت مغز چه خبر است البته تعداد کمی ازین افکار مهم می‌باشند، ولیکن در طی روز کم از کم یک فکر است که باید آنرا در سطح تحت شعوری ذهن حفظ کرد و پرورش داد. مشکل مادر اینست که چطور این فکر ارزنده را به قسمت تحت شعوری و ناخود آگاهانه ذهن خود منتقل سازیم زیرا قسمت داخل ذهن بین قسمت خارجی ذهن و قسمت تحت شعوری آن مانع و حایل است.

قسمت داخلی مغز همه افکاری را که توسط قسمت خارجی دریافت میشود، میگیرد و ذخیره میکند، این بدان معنی نیست که افکار مذکور ازین میرود بلکه در مرحله‌نهایی بصورت خاطرات، خواب و رؤیا، در قسمت شعوری (قسمت خارجی) ذهن آشکار میگردد. اما برای کارهای روز مره زندگی از آن استفاده کرده نمیتوانیم، زیرا درین حصه خلاق مغز ما یعنی درواپسین مغز ما که همان حصه تحت شعوری باشد جای ندارد.

درینجا باز به این سوال بر میخوریم: چطور میتوان تعیین کرد که فلان فکر مهم ما در قسمت تحت شعوری ذهن ما ذخیره شده است؟ برای این کار باید آن فکر را از مجموع افکاری که عارض قسمت خارجی ذهن ما میشود جدا کرد و آنرا مستقیماً به قسمت تحت شعوری ذهن منتقل کرد و این نیز عملی نخواهد بود مگر به همکاری تمرکز حواس. لزوم تمرکز حواس ازین جهت است که بسیاری از

ما مردم قادر به جدا ساختن يك فكر مهم از افكار ديگر نيستيم اين اشتباه است اگر خيال كنيم كه پرداختن به چند موضوع در آن واحد ، قدرت كارآيي ما را بالايي برد. بنا برين فلان قوماندان كه در وقت دادن دير كتياف به قوماندان جزو تام ، در عين حال به يك موضوع ديگر مثل دعوت شبني كه پيشرو دارد فكر ميكند، چون قدرت وقت خود را به چند شاخه تقسيم کرده مينمايد كاري را كه مشغول انجام آن است با كندى انجام ميدهد و به اصطلاح در آن كار معطل ميشود و ممكنست اشتباه نيز بكنند . پس با شاخه شاخه نمودن قواي دقت خود نه تنها باعث ازدياد اندازه كارآيي خود نميشويم بلكه از اندازه آن نيز تا حدى ميكاھيم .

براي اينكه بتوانيد بر قدرت تمرکز خود بيفزائيم ذيلاً به چند نوع تمرين اشاره ميكنيم :

— وقت صبح كه در حال پوشيدن دريشي خود استيد ، سعی نماييد وقتی مثلاً نكتايي خود را مي بنديد منحصراً به آن فكر كنيد نه به چيز ديگر يعني فقط به كاري بيانديشيد كه فعلاً مشغول انجام آن هستيد .

— تمرين ديگر اينست كه به اتاق ساكت برويد ، كاغذ و قلم برداريد و نفس عميق بكشيد ، يعني ذهن خود را به بنديد و هوا را از راه بيني داخل شش ها کرده و بعد از راه بيني آنرا خارج نماييد (نفس عميق بكشيد) . حالا ساعت را ياد داشت نماييد ، چشمها را به بنديد و با خود بگوئيد كه تا پنج دقيقه ديگر به هيچ چيز فكر نخواهيد كرد وقتی كهديد به چيزي فكر كرديد ، چشمها را باز نماييد و نوع فكرتان را بنويسيد و بنويسيد كه چه چيز باعث آن شد و بالاخره بنويسيد چند وقت پس از شروع تمرين اين فكر به خاطر شما خطور کرده است .

معمولاً شخص اين طور ياد داشت مي كند : صدای راديوي همسايه تمرينم را بهم زد ، يا ياد پروگرامي افتادم كه ديشب شنیده بودم ، يا فلمي كه ديشب درسنامه های پارک ديدم خيلي دلچسپ نبود ، يا بيك دقيقه از شروع تمرين گذشته بود كه فكر بالا به سرم افتاد (اگرديد فقط چند ثانيه پس از آغاز تمرين بي فكري ، فكري خود را به شما تحميل کرده است تعجب نمائيد) .

وقتي ديديد درين نوع تمرين مهارتي پيدا كرديد ، آنوقت برويد به سراغ تمرين تجسم معمولي ، غرض ازين تمرين آنست آنقدر به چيزي نگاه كنيد تا يقين حاصل نماييد جزئيات آن را بخاطر سپرده ايد . آنوقت چشم ها را به بنديد و آن چيز را جلو چشم خود مجسم كنيد ، وقتی توانستيد آن چيز را بدین ترتيب « ببينيد » آنوقت چشمها را باز کرده ببينيد آنچه را كه با چشم بسته مجسم کرده ايد يا آنچه واقعيت داشته است ، چه اندازه تفاوت دارد ؟ ممكنست متوجه اين نکته شويد كه در يك چيز جزئي از هم فرق دارند ، وقتی كه چشم را مي بنديد به اين موضوع

توجه نماييد كه آن چيز را بياد نياوريد يا در خيال مجسم نكشيد ، بلكه فقط و فقط جلو چشم خود آنرا مجسم سازيد . ميان اين دونوع تجسم فرق كوچكي دارد .

بالاخره يك تمرين ديگر نيز هست كه در واقع در حكم يك نوع سرگرمي است ، پتنوسوس را بامشني اشياء كوچك و غير مشابه پركنيد ، البته اين كار را بايد كسي بكند كه خود در تمرين تمرکز شركت ندارد . يك دقيقه تمام به يك يك اشياء اين پتنوسوس دقيق شويد ، آنوقت پتنوسوس را پنهان كنيد واسم هر يك آن اشياء را بنويسيد . درست است كه اين تمرين خيلي ساده است ولي بر اندازه تمرين حواس تان اضافه خواهد كرد .

كسب تمرکز به خودي خود هدف نيست ، چون بطور يكه گفتيم تمرکز حواس وسيله براي انكشاف ذهني و بهبود زندگي و همچنين افزايش قدرت و توان آفرينندگي و خلاقيت دماغ انساني است . وقتی قدرت تمرکز فكر و حواس پيدا شد قسمت تحت شعوري مغز ، بصورت يك خدمتگار شگفتي انگيز در خواهد آمد ، بدین معنی كه پس از پيدا كردن حالت تمرکز ، مسأله را به آنكه اکنون ديگر بصورت يك مغز برقي در آمده است بدهيد و همه جزئيات آنرا به آن بسپاريد ، همانطور يكه صورت مسایل ويرايلم ها را بايد به مغزهاي برقي (مغز الكترونيكي) داد تا آن مسایل را براي شما حل كند . پس از سپردن جزئيات مسأله به قسمت تحت شعوري مغز ، ميتوانيد بالكل آن مسأله را فراموش نماييد و يقين كنيد كه ناخودآگاهي شما ، حتى به وقت خواب ، مشغول حل كردن پرابلمي است كه به آن سپرده ايد در حقيقت نيز بهترين فرصتي كه ميتوانيد با تحت شعور و ناخودآگاهي خود تماس بگيريد پس از خواب شبانه است .

اکنون راجع به تمرکز حواس معلوماتي بدست آورديم بايد از هنر خلاقيت وجود خود نيز مطالبی بدانيم . به عنوان سرلوحه و شعار ساپكولوژيكي بايد بگوئيم كه : هنر خلق كردن ابتكار و ايجاد و ساختن آثار و اشياء ، قدرت و سلامت رواني به شما ميدهد .

در ذهن ما آدمها چيزي است كه ميخواهد آفتابي شود ، وقتي كه راههاي براي اين آفتابي شدن يا ابراز آن پيدا ميكنيم احساس كاميابي و خوشوقتي ميكنيم و اين پاداشي است كه از نتيجه تمرکز قواي دماغي و حواس خود بدست آورده ايم ولي اگر نتوانيم ، احساس ناکامي و بدبختي مينمائيم . وقتی كاري را به آخر ميرسانيد ، مثلاً وقتی در يك تطبيقات بصفتم قوماندان قرار صحيح اتخاذ ميكنيد و يا به حيث يك نويسنده يك مقاله مي نويسيد (در قلموس هنر نويسندگي امروز ، نويسنده به كسي ابلاغ ميشود كه نوشته هاي هنري مثل داستان ، پارچه هاي ادبي و مقالات تحقيقي كه از هنر نويسندگي مثل تركيب ، تجزيه ، توصيف ، تعميم و غيره برخوردار باشد بنويسد) و يا به عنوان يك تخنيك دان يك ماشين را ترميم مينمائيد ، وقتی آخرين قسمت كار خود را انجام ميدهيد

احساس رضایت و کامیابی می‌کنید. همینطور است که نقش خود را در انتشار مجله‌ای ایفا می‌نمایید یا در تطبیقاتی سهم خود را بدون غلطي به سر می‌پیرید.

قسمتی از هنر زندگی کردن در نیست که می‌بینید آیا برای ارضای این احتیاج اساسی طبیعی خود، راه‌های لازم و مناسبی پیدا کرده‌اید؟ ببینید خود شما تا چه اندازه به این احتیاج اصلی خود میرسید.

اگر می‌بینید زندگی شما مخصوصاً دردناک یا ملال‌انگیز است و یا اگر احساس ناکامی و بدبختی می‌کنید احتمال دارد علتش این باشد که مجالی برای ابراز کردن افکار و قریحه‌های خود پیدا نمی‌کنید.

علمای روانشناسی پنج طریق ابراز افکار و احساسات را کشف کرده‌اند، این پنج طریق موجب میشود که افراد درین باره بیندیشند و راهی را در نتیجه تمرکز حواس و قوای دماغی برای خود انتخاب کنند تا به کامیابی‌ها و موفقیت‌های بیشتری در زندگی برسند.

اولین راه: راه مکالمه و گفت و شنید است، منظور از گفت و شنید اینست که کسی بتواند به روشنی البته بادر نظر گرفتن تمرکز حواس حرف‌هایش را بزند و منظور خودش را بیان و ابراز کند. به یقین این قدرت که شخص بتواند با خاطر جمعی با دیگران گفت و شنید ارزنده بکند، خود یکی از منابع مهم کامیابی در زندگی است. بیان اعتقادات یا شرکت در آنچه موجب غم و شادی دیگران شده است، افشای خودمانی عمیق‌ترین تجارب شخص یا نقل لطفه‌های شخصی، همه و همه مبین شخصیت حقیقی و عصاره وجود ماست.

در گفت و شنید باید سعی کنید تا عمیق شخصیت شنوندگان خود نفوذ کنید نه اینکه به ظاهر و به اصطلاح به نفوذ در ظاهر آنها قناعت ورزید.

دومین راه: راه کار است، که کار روزانه در واقع یکی از راه‌های ابراز شخصیت است به عبارت دیگر هر چه کار خود را بهتر انجام دهید به همان اندازه شخصیت‌تان جالبتر جلوه خواهد کرد کاریکه خلاق باشد یا فرصت‌های برای اخذ تصمیم به وجود آورد و یا موجب شود که از قدرت به نحو مطلوبی استفاده شود، بی‌اندازه کامیاب‌کننده است.

حتی ساده‌ترین و تکراری‌ترین کارها اگر به نیت خدمتگزاری آنها را انجام بدهیم میتوانیم به صورتی درآوریم که موجب کامیابی ما شوند.

سومین راه: راه اصلی یعنی راه آفرینندگی و خلاقیت است این راه یکی از بهترین راه‌های ابراز وجود خویش است، « ساختن » با طبیعت ما انسانها از نیم میلیون سال به اینطرف عجین شده است. جای تعجب نیست که همه ما وقتی اشیاء مشابهی می‌سازیم احساس خورسندی و موفقیت می‌کنیم، اگر در کار خودتان شخصاً چیزی نمی‌سازید یا کمکی به ساختن چیزی نمی‌کنید، باید به بینید آیا در مواقع فراغت گاهی به ساختن چیزی اقدام می‌کنید یا نه؟

باید بدانید انواع و اقسام مهارت‌ها و استعداد‌های دست‌نخورده در وجود شما هست که باید آنها را پرورش دهید.

چهارمین راه: همانا نویسنندگی و شاعری است که هنرهای برتر به شمار میرود، البته شما احتیاجی ندارید که اثرات یک کتاب پر فروش باشد، بسیاری از مردمان، نامه یا چیزی در مجله‌ی یاروز نامه می‌نویسند و ازین کار خود احساس لذت و کامیابی میکنند و بدین ترتیب افکار خود را ابراز کرد، به نظر هزاران خواننده میرسانند.

خاطرات روز نوشتن نیز یک عمل کامیاب شده است به شرط آنکه عمیقترین افکار خود را در آن بنویسید نه اینکه هوا امروز چنین و چنان خواهد بود.

چه عیبی دارد وقتی احساسات شما در موردی خیلی شدید شد شعر بگوئید؟ لزومی ندارد دیگران شعرتان را بخوانند اگر از نوشتن خوشتان می‌آید، میتوانید نزدیک نویسنده کار آمد، مدتی کار آموزشی کنید. معمولاً اگر با پشتکار در راه نویسنندگی قدم بردارید نتایج خوبی از کوشش‌های خود خواهید گرفت.

پنجمین راه: راه کامیاب شدن آخری یعنی سخن گفتن در میان جمع است زیرا یکی از موفق‌ترین راه‌های ابراز عقاید است، هر کسی بایک هوس متوسط و بالغاتی مناسب و معقول و چند فکر قابل عرضه میتواند در مجامع و لویک‌صنف یا یک جزو تام باشد سخن بگوید و توفیقی بدست آورد.

به عقیده بسیاری از روانشناسان میل به خود نمائی و ابراز وجود، یکی از شدیدترین امیال بشری است، وقتی بتوانید با استفاده از تمرکز حواس خود راه کامیابی برسانید خود بخود احتیاج به خود در شما ارضاء خواهد شد. این بود مطالبی درباره تمرکز حواس که بصورت فشرده با استفاده از افکار و آراء دانشمندان سایکوژی تهیه و ترتیب شده است البته در آینده باز هم درین مورد سخن خواهیم زد.



چگونه میتوان بالای بیماری قرن پیروز و چیره گردید؟

از جگتورن میرحسام الدین «محتشمی»

رشد سریع صنعتی جهان و عدم تحرک کافی نسل موجود را بیک مریضی و حشمتناکی مبتلا ساخته است که رهائی از آن در شرائط موجود در جهان بسیار مشکل جلوه میکند.

امادانشمندان گیتی میخواهند تا با طرقهای متعدد بر رفع و درمان آن پرداخته و انسانها را از گزند آن تا یک اندازه در امان نگهدارند. برای رهائی از این مریضی قرن پروفیسور اناتولی کوروبو کوف دانشمند مشهور اتحاد شوروی طرز حل و روش خاصی را اتخاذ کرده و در صدد است تا با پیوستن به آن از این بیماری، انسانها در آینده حیات خوشی را پشت سر بگذرانند.

بیماری قرن بیستم عبارت از ماشینی شدن زندگی میباشد که با گذشت هر روز بغرنج تر و پیچیده تر میگردد. در جهان امروزی بدون توجه بر برخی از پهلوهای دیگر آنچه بشر را بصورت دوامدار خورد و به مشکلات متعدد مواجه میسازد، کار ماشینی مداوم در بالای میزهای کار و یاد بر برابر چرخها و ماشینها میباشد.

کار بی حرکت اندام های حرکتی را مهجور و ضعیف میسازد و کار با حرکت فعالیت های مغز را محدود ساخته و حاصله این دونوع کاربرد بزرگترین خطر را برای نسل های آینده تولید و بعضاً باعث مرگ های زود رس و پیش از وقت میگردد. بعقیده شیلر فیلسوف مشهور آلمانی آنها نیکه بصورت مداوم و بدون تحرک در بالای یک میز و یا یک ماشین بکار اشتغال میداشته باشند و یک وظیفه مشخص را انجام میدهند رفته، رفته مغز آنها در مراحل قرار میگیرد که جزبه همان نوع کار بچیز دیگری متوجه نمی شوند و در نتیجه اندازه های وسیع فکری و پرواز شگرف لایتنای را از دست میدهند و کم کم شکل همان ماشین را اختیار میکنند که بالای آن کار میکنند.

پس قرار گرفته شیلر و برخی از محققین دیگر دونوع کار یاد شده مداوم بالا اساس بیماری قرن را تشکل میدهد.

بیماری یاد شده بزرگترین خطرو موانع را در راه از بین بردن تعادل اعضای وجود بمیان آورده که در نتیجه هم آهنگی و تعادل روحی و جسمی را از بین برده و مریضی های عصبی، بیماری قلبی، عروق و یک تعداد زیاد مریضی های دیگر را بار میاورد که در برخی مواقع تشخیص آنها از امکان بدور میباشد چه رسد به معالجه و تداوی آن. مخصوصاً آنها نیکه برای کسب در آمد بیشتر از وقت تعیین شده اضافه تر به چنین کارها خود را سرگرم میسازند اضافه تر زیر تاثیر بیماری قرن قرار میگیرند.

و بالاخره باید گفت: درد نیاثی که آلودگی محیط روز بروز اضافه تر میشود و غلظت هوا، آب و فرسایش خاک لحظه به لحظه بیشتر میشود امیدها کم رنگ تر و نسل ها روز بروز نگران تر میگرددند، هیچ وسیله را و یا هیچ راهی رانی توان بهتر از گفته انا تولی کورو بو کوف عالم تربیت بدنی مسکو که عبارت از پرداختن به سهورت و یا ورزش میباشد سراغ کرد.

لذا برای گریز از این بیماری قرن و گبرودار زندگی بر داختن بورزش های گوناگون کلید موفقیت را در زندگی تشکیل داده، از انواع مریضی ها کاسته شده و انسانها در نتیجه این راز موفقیت حیات خوشی را بدون از هر گونه درد سر که ناشی از زندگی ماشینی امروزی میباشد به پیش خواهند برد.

در اینجا برای آنکه با اهمیت ورزش که در طول عمر از طفلی گرفته تا پیری میتواند مصدر خدما ن ارزنده گردد بی ببریم نقش ورزش را در سنین مختلف ارزیابی کرده و جنبه های اجتماعی و روانی آنرا که برای از بین بردن مریضی قرن خیلی ها مؤثر واقع میگردد زیر بررسی قرار میدهیم.

ابتدا میپردازیم بتاثير ورزش در عنفوان طفلی و نقش آن در آینده بهتر و سلامتی کامل این دسته. قسمت بزرگی از حیات کودکان و نوجوانان صرف بازی، سهورت و یا دویدن های بقسم جست و خیز میگردد که این جست و خیز در روحیه اطفال نقش بزرگی را بازی کرده و در حقیقت توشه و تحفه آنها را در سنین جوانی و کمهولت تشکیل میدهد. تفریحات سالم در میدان های بازی خواه در زمین مکتب باشد و خواه در محیط خانه و کوچه اطفال را از جار و جنجال های صنوف درسی و تشوشات فکری در امان داشته و بر اکثر آ از عیوب جسمی شان که با اثر تعدیه نادرست عدم نشو و نما ی کافی بمیان آمده باشد موفق و پیروز میگردد اند و شده میتواند که توسط همین نیروی محرکه به مقابل اکثر آ از مریضی ها مقاومت و بمقابل ناملاحت زندگی و پایداری کرد.

طبق آخرین مطالعات برخی از دانشمندان رشته های مختلف ورزشی و تفریحات سالم سهم بزرگی را در تربیت اطفال تشکل داده و به آنها می فهماند که بکدام شکل شده میتوانند به پیش رفت و از تفریحات اجتماعی بقسم بازی برای تربیت شخصی و انکشاف فکری استفاده اعظمی را کرد.

با سهری شدن یک مدت در میدان های بازی نوجوانان میاموزند که موجودیت آنها شده میتواند در اجتماع نظیر بزرگ سالان باشد، که این امر پشتوانه ای بزرگی را برای انکشاف روحیه و مجادله با مشکلات در زندگی آینده آنها تشکیل خواهد داد.

در همین بازیها است که اطفال قانون و مقررات را آموخته و بریفریها و حکم ها احترام بیشتر قایل میگرددند، و این آلات در روحیه آنها رشد و تقویه پیدا کرده و با گذشت هر روز بارور تر میگردد تا اینکه بالاخره بقسم ملکات فاضله برایشان تلقی میگردد.

در میدان ورزش بچنین اطفال به نظر احترام باید دیده شود تا آنها خویش را بزرگتر فکر کنند، زیرا آنها دارای شخصیت مستقلی از نگاه روانی و جسمی میباشد که در ورزش رشد یافته و در هر پیروزی در میدان بازی هنوز هم بیشتر انکشاف پیدا کرده و در حقیقت باعث تقویت اضافه تر اعتماد به نفس در آنها میگردد، که این شیوه گذشته از آنکه در انکشاف ذهنی آنها تاثیر فراوان وارد میسازد بعین شکل در تبارز شخصیت آنها در آینده نیز رول بس مهمی را ایفا خواهد کرد.

طبق بررسی برخی از دانشمندان باید علم طب مداخله مستقیمی درباره ارتباط دستگاه های مختلف جسم و ورزش های رقابتی در سنین پائین داشته باشد، زیرا در سنین خوردی از یاد کار مایه فعالیت برای موفقیت در مسابقه ضامن

کوشش های دوام دار و فوق العاده دستگاه های بدن است که اکثراً این ازدیاد فعالیت و خستگی بدست آمده از آن برای طفل و یا نوجوان قابل تحمل و برداشت نیست .

با تحلیل گفته فوق چنین نتیجه بدست میاید که قبل از سنین ۱۲ تا ۱۴ سالگی جسم در حالت رشد سریع میباشد قسمیکه همزمان با این فعالیت رشد فشار خون در درجات پائین ثبت میگردد که در این آوان رشته عضلاتی و تریبات عضلاتی به حال کامل نبوغ رسیده نمی تواند .

در همین وقت است که تریبات رشد استخوان ها و الیاف ما هیچه ئی بدن تشکیل میگردد ، که اگر در این وقت ورزش بقسم مسابقه و به پیمانۀ یامقدار زیاد اجرا شود ضرر های زیادی را در آینده با خود همراه خواهد داشت که اصطلاحاً بنام سوختگی قد که در بین مردم مروج میباشد به آنها گفته میشود که ناشی از همین فورمول بالا یعنی پرداختن ورزش های رقابتی به پیمانۀ ای زیاد در سنین پائینتر از ۱۴ سالگی و یا پیش از وقت میباشد .

طبق اظهار نظر برخی از معلمین تر بیتی ورزش در بین سنین ۶ تا ۱۱ سالگی جنبۀ تفریحات سالم را داشته و بشکل ساعت تیری باید اجرا گردد .

بعین ترتیب با گذشت یک مدت و آمادگی وجود شروع از سن ۱۶ سالگی شده میتواند از ورزش های سبک و تمرینی برای آمادگی و پذیرش سپورت های سنگین تری استفاده کرد، و در این وقت نباید لحظه ای از حرکات ورزشی کودکان از نظر معلمین ورزشی شان بدور بماند زیرا کوچکترین یک اشتباه در آینده آنها تاثیر بد و ناگوار را بوجود خواهد آورد .

وقتی عوامل یاد شده ای بالا بالای کودکان و اطفال عملی گردید پس جسم آنها نیرومند و قوی همراه با آموزش صحیح از لحاظ تکنیکی در سنین ۱۵ سال به بالا آماده میگردد که در نتیجه ورزش های رقابتی هم در این وقت کوچکترین تاثیر بدی بالای ورزشکار نخواهد کرد ، بخصوصاً با مراقبت دوامدار طبی و کنترل معلم یا مربی اگر صورت بگیرد هنوز هم حاصله آن مطلوب تر تمام خواهد شد .

نکته دیگری را که در اینجا یاد آور شد، اینست که توام با قدرت جسمی و آمادگی بدنی کر کتر و خصوصیات اطفال نیز باید مد نظر گرفته شده و از آن مراقبت دوامدار صورت بگیرد تا در آینده مشکلاتی از این ناحیه متصور نگردد . به اساس مفکوره فوق و طبق تحقیقات برخی از موسسات علمی شده میتواند در اکثر معالک ورزش و پرورش قوای جسمانی یک قسمت از پروگرام های آموزشی آنها رادر آینده تشکیل بدهد و در انتخاب نوع ورزش هم شرایط جسمی نوجوانان مطالعه شده و بعد رشته ورزشی هر کدام شان با همکاری مشترک که دوکتور و معلمین ورزشی تعیین گردد . در آنصورت شده میتواند قسمی پروگرام های ورزشی

و تربیتی برایشان تهیه گردد که با شرایط جسمی شان هم آهنگی و مطابقت داشته باشد . اگر بالفرض با وجود این طرز انتخاب درست باز هم کدام اشتباهی رخ بدهد شده میتواند که در جریان بازیهای متعدد از طرف دوکتور اشتباه برطرف شده و در نوع انتخاب تجدید نظر گردد ، و حتی نظر طبیبان ورزشی اینست که باید در طول جریان بازیهای ورزشی از جوانان بصورت دوامدار توسط طبیب مراقبت صورت گرفته و حتی کارت طبی را برای آنها مهیا گردانند که در آن شهرت مکملۀ هرورزشکار درج شده و با گذشت هر سال دوباره کارت های جدید جای کارت های کهنه را بگیرد .

با این مراقبت های دقیق طبی شده میتواند که بسیاری از نواقص دستگاه های وجود را مشخص کرد و آنها ئی را که دارای نقاط منفی اضافه تر اند از دیگر ورزشکاران تجرید کرد . و اگر اطعمینان بهترشدن ورزشی آنها در آینده متصور نگردد اقلان ورزشی را برای آنها انتخاب کرد تا حداقل از یکنوع پروگرام تفریحی و ورزشی استفاده ببرند .

با چنین یک معاینۀ طبی معلوم میگردد که آیا حقیقتاً یک کودک و یا نوجوان قادر است بورزش انتخابی خود بپردازد یا خیر ؟

در چنین موانع باید از قدرت دستگاه های مختلف اساسی بدن مثل قلب، نبض و اعصاب درعین بازی معاینۀ مفصلی صورت بگیرد که در عوض این معاینات از بسیار عوارض غیر پیش بینی شده جلوگیری خواهد کرد .

از نگاه شرایط جسمی نیز نوجوانان بگروپ های مختلف « فربه ، متوسط ، لاغر » باید تقسیم گردند و از رهگذر روحی هم دقت فراوان صورت بگیرد تا آنها خود را با چیز فکر نکرده و سبب عقده های روانی شان نشود . علاوه از مراقبت از طرف طبیب باید طبع ورزشی نیز بالای نوجوانان تدریس و فهمانده شود تا از ضرر های جسمی و روحی بیک معیار بزرگ معانت گردد .

از طریق پروگرام های ورزشی طبیب مکاتب میتواند به متعلمین ضرر های ناشی از خطرات الکلی ، سگرت و عدم رعایت بهداشت تغذی را تفهیم نماید، که اگر در جریان بازیها چنین رهنمائی ها و هدایت ها صورت بگیرد هنوز هم نتیجۀ آن مشمتر واقع خواهد شد .

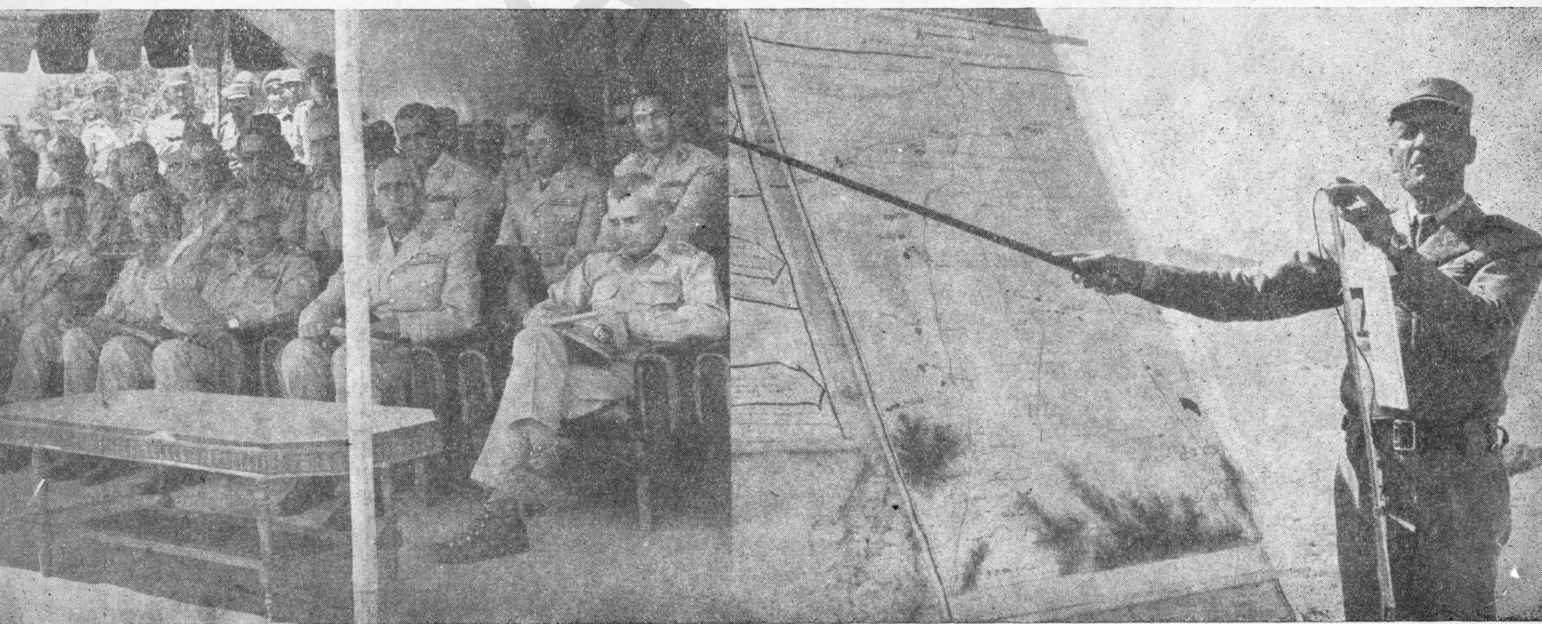
و با بالفرض اگر در محیط مکتب چنین شرایط و یازمینۀ سپورت برای متعلمین مهیا نمیشد بروالدین لازم است تا وسایل کافی را بدسترس چنین متعلمین قرار داده و از هیچ گونه کمک و رهنمائی و هدایات مضایقه نکنند .

(بقیه در صفحه ۸۵)

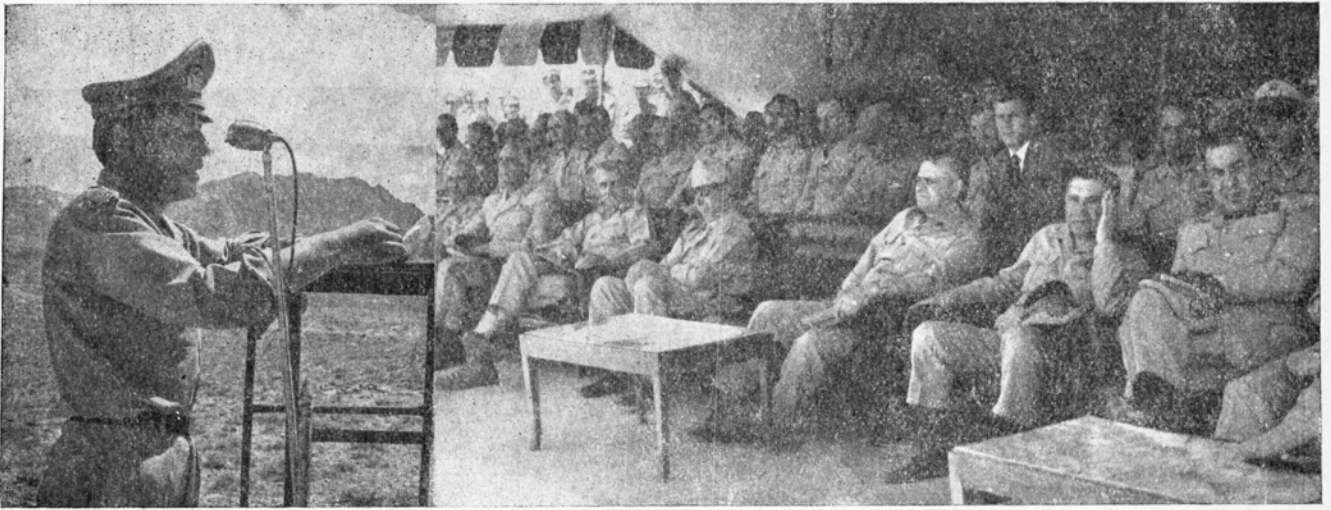
تطبیقات قوماندان و قرار گاہ فرقہ (۷)



تورنجنرال غلام حیدر رسولی لوی درستیز ہنگامیکہ بیانیہ خود را ایراد می فرمایند
 تطبیقات و ہم در اجرای آن موجود
 از آنچه مربوط با دارہ کنندگان
 تطبیقات است مہمترین آن نمایشی
 بودن تطبیقات ہا است . اگر چہ
 تطبیقات ہای نمایشی یکہ ضرورت
 میرم اردوہای روبہ انکشاف و مترقی
 است و ہدف از آن آموختن طرز اجرای
 حرکات تکتیکی برای اشتراک
 کنندگان میباشد و بدون آن تکامل
 و رسیدن بسویہ کہ تطبیقات ہا با
 دربر داشتن شرائط حقیقی بدون افشاء
 قبل از وقت بہ اجرا کنندگان اجرا
 شدہ بتواند ممکن نیست . باید فراموش
 نکنیم کہ تطبیقات حقیقی باید بدون
 ابلاغ بہ اجرا کنندگان و تکرار چندین
 مرتبہ اجرای پروا ہای پر مصرف
 اجرا گردد . سویہ حقیقی تعلیم و تربیہ
 صاحبمنصبان قرار گاہ ہا . قطعاً و
 جزو تامہای خود را وقتی درست ارزیابی
 خواهیم توانست کہ این تطبیقاتہا
 بشکل حقیقی آن اجرا گردد .
 نقصان دیگر ما عدم قدرت بہ اجرای
 تطبیقات ہای تکتیکی دارای چوکات
 بزرگتر است . ما تا کنون
 فقط تطبیقات ہای کندک و بعضاً غندرا
 اجرا کردہ ایم . اسباب موجیہ آن را
 میتوان در بعضی نواقص اکمالات
 مادی و قسماً در امور تعلیم و تربیہ
 کادر سوق و ادارہ مسلکی جستجو نمود



دگرمن ارکانجرب جمال الدین عمر پیرامون موضوع مشخص تطبیقات تشریحات میدہد



برید جنرال محمد یحیی نورو ز رئیس او پراسیون وزارت دفاعی ملی در حال ایراد بیانیه

۲- تطبیقات قوماندان و قرارگاه بالای اراضی، خریطه، وظائف نظریه تعلیمنامه شب و روز، شرائط و صفحات مختلفه .

۳- تکمیل تجهیزات قرارگاه و صاحبمنصبان مخا بره .

۴- تجهیز مناطق تجمع

۵- تعلیم و تربیه رفتار .

۶- احضارات محار بوی

دیرکتیف وزیر دفاع ملی- توزیع کورس قصیر المدت عملی . راپورهای قطعات کروکی وضع الجیش تنها شکل

ما به تظاهر علاقه ندارند. همچنان باید شخصیات را از بین برد. همچنان افراد ما به عجله عادت دارند. سرعت مهم و ضرور اما عجله مضراست.

ارزیابی این نواقص فقط بعد از تهیه راپور مکمل حکمها و معاونین اداره کننده ممکن خواهد بود .

اینها با یدر اپور خود را تهیه بداند ما خوش شدیم که رقاع علاقه نشان داده نوت گرفتند .

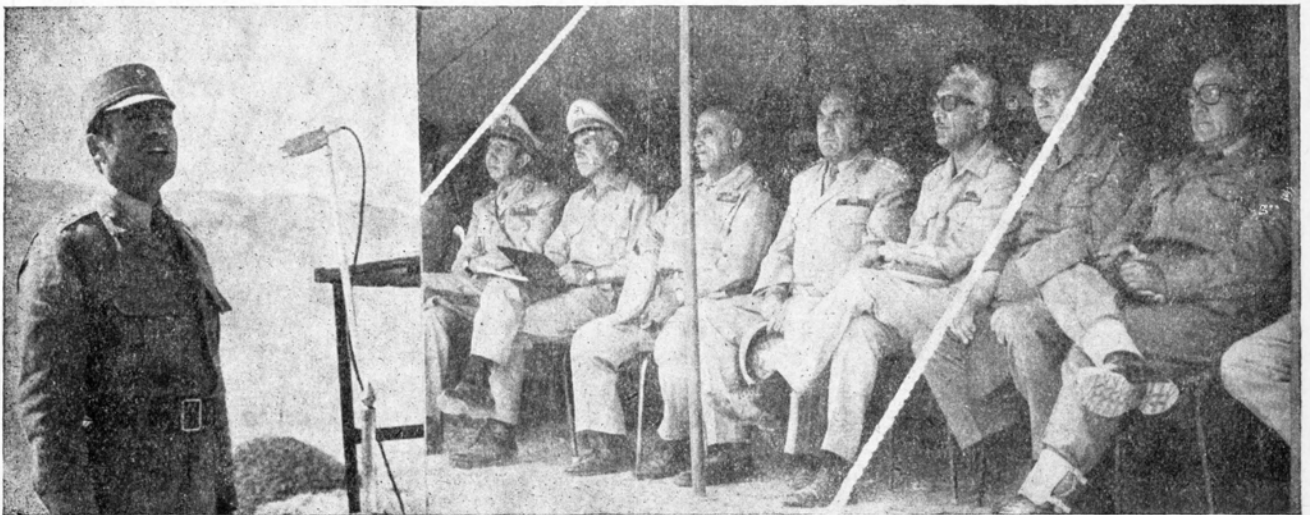
وظائف قوماندانان و قطعات:

۱- اجرای تطبیقات های نمایشی طبق پلان تعلیم و تربیه .

ما یقین داریم که با مساعی لازمه و وظیفه شناسی با وجود خالیگاه های تامینات مادی و تخنیکی انکشاف چوکات اجرای تطبیقات ممکن است . ریاست او پراسیون در سال آینده با اجرای تطبیقات تکتیکی فرقه مساعی ممکنه بعمل خواهد آورد .

در اجرای تطبیقات نواقص متعدد وجود داشت. هیچ تطبیقات بدون نواقص نمیباشد .

یکی از مهمترین عللی که علی العجله گفته شده میتواند تظاهر است. آمرین



جگرن سلطان محمد قوماندان قطعہ پراشوت در موضوع دیسانت های هوائی و وظائف آن توضیحات میدهد



پرسونل مخابره در حال اجرای وظایف محاروبی

نوکر یوال او پراتیفی هم به حاضرین نشان داده شد.

سپس تورنجنرال رسولی با معیت جنرالها و دیگر صاحب منصبان و اشتراك كمنندگان تطبیقات، بعد از آنكه در محل مساعی قوماندان فرقه آمدند قطعات مربوطه را گردش نموده، فعالیت های گرفتن احضارات محاروبی افراد را در محلات شان بالذات مشاهده کردند، علاوه بر آن وضع آشپزخانه ها و اعاشه افراد را از نزدیک دیدند.

همچنان، دیوها و ترتیب کشیدن مطبخ سیار را از کانسرویشن، وضع و صوت باربندی ذخایر سیار و مواد مالی دیوهای فرقه را ملاحظه نمودند.

بناغلی لوی در ستیز و دیگر صاحب منصبان در پارک فرقه صورت کشیدن تانک، زره پوش و موتورها را از کانسرویشن و صورت تبدیلی

دگرمن عبدالعظیم قوماندان غندان ۳۶ فرقه ۷ راجع به سیستم ایقاف فرقه توضیحات داده شد، حاضرین از طرز فعالیت نوکر یوال او پراتیفی فرقه با گرفتن اشاره اخطار محاروبی دیدن کردند تجهیزات تاسیسات و لوازم اتاق



افراد قطعه پراشوتی بعد از نشستن بر زمین در حال تعرض دیده میشوند

میتود یک اجرای وظایف نشان میدهد و از پریشانی جلوگیری میکند.

بارولی که اردوروزبروز در حیات ملی کشورها تعقیب میکند. یگانه چیزیکه واقعاً آنرا شایسته مقام و حیثیت آن میسازد تطبیق همین دیرکتیف است.

در پایان این گفتار لازم میدانم به نمایندگی از ریاست او پراسیون از اجرا کنندگان که با مساعی خسته کن چند روزه تطبیقات را اجرا کرده اند. قوماندان و قرارگاه فرقه ۷ قول اردوی مرکز و متخصصین و والی لوگر تشکر کنم.

در این تطبیقات دگروال عبدالغفور نماینده ریاست او پراسیون پیرامون نوکر یوال او پراتیفی فرقه، وظایف و طرز فعالیت و دیگر امور مربوط به آن توضیحات داد. بعداً دگرمن ارکان حرب جمال الدین عمر راجع به پلان تقویمی پیشبرد قطعات و صفحات آن تشریحات لازم را ارائه نمود، پس از آنکه از طرف

زنجیرهای تانک را مشاهده کردند هم چنین محل لبر اتوار احضار مهمات و طرز پاک کردن و خشک کردن و تبدیلی سرگلوله‌ها را عملاً مشاهده نمودند در اخیر احضار کردن مهمات توپچی را برای انداختن و صورت باربندی مهمات را بالای تانکها دیدند.

* * *

قبل از ظهر ۲۸ ثور ۱۳۵۵ که تور نجنرال غلام حیدر رسولی لوی درستیز و عده از صاحب منصبان ارشد اردوی جمهوری، دردشت (سقا به) حضور داشتند، مساعی آغاز گردید:

دگروال عبدالغفور درباره پلان مساعی تطبیقات تشریحات داد. بعداً از طرف شاملین تطبیقات درباره شمه منطقه تجمع و محل قومانده فرقه و فعالیت هیأت اوپراتیفی در منطقه

تجمع و تدابیر درجه اول احضارات محاربوی و پلان مخا بره. در تطبیقات بطور شماتیک توضیحات داده شد. به همین ترتیب پیرامون موضوعات دیگر شامل پلان تطبیقات مطالب چند ارائه گردید. سپس حضور لوی درستیز و دیگر صاحب منصبان، منطقه تجمع تانک، و رکشاپ ترمیم توپچی و غیره موضع های پلانیزه شده را مشاهده کردند.

* * *

بتاریخ ۲۹ ثور ۱۳۵۵ جریان عملی تطبیقات با تشریک مساعی قوای هوائی دردشت «التمور» صورت گرفت. بعد از آنکه اعلان شروع تطبیقات داده شد برید جنرال عبدالعلی پیرامون مفکوره تطبیقات، محاربه تصادفی، وظایف مفرزه کشف و قدمه های امنیت توضیحات مفصل داد.

دگرمن ارکان حرب جمال الدین عمر در باره طرز رفتار فرقه و جدول اشارات. سوق و اداره تشریحات لازمه ارائه کرد، همچنین جگرن سلطان محمد قوماندان قطعه پراشوت در موضوع دیسانت های هوائی و وظایف آن در اثنای محاربه معلومات مفصل داد. درباره ارتباط مخا بره در اثنای رفتار از طرف دگرمن اختر محمد روشنی انداخته شد.

پر تاب گروپهای پراشوتی در محلیکه قبلاً بدان مقصد پیش بینی شده بود صورت گرفت. بعد از آنکه قدمه پیشترین کشف مواصلت کرد محاربه آغاز شد. حرکات و مساعی محاربوی اشتراک کنندگان صحنه تطبیقات جالب و دیدنی بود. برید جنرال عبدالعلی درباره موضوع و مفکوره تطبیقات بیانیه مفصل داد و تطبیقات خاتمه پذیرفت.



در تطبیقات مذکور
طیاره هلیکوپتر نیز
نقش بارزی داشت

مسوولیت مادران



نویسنده
میرمن نفیسه شایق مبارز

را جبران کنیم. و وطن را مانند اسلاف خود بصورت یک امانت تاریخ اما مترقی و انکشاف یافته به آیندگان بسپاریم. یگانه راهی که مارا به هدف میرساند توجه به اصل تعلیم و تربیه اطفال ما، توجه به صحت و سلامت فکری فرزندان ما و توجه به پدید آوردن روحیه احترامکاری به اولاد ما و توجه به تلقین فعالیت و پشتکار به فرزندان ما است. ما باید استعداد های نهفته فرزندان خود را سراغ کرده ذوق و سلیقه شان را پرآنچه دارند و شایسته است بحیث یک مادر با درک و روشنفکر تربیه بکنیم. و تا وقتیکه فرزندان مارا خود را در زندگانی مطابق آرمانهای ملی بیابند و احساس مسؤولیت شخصی بکنند خود را مسؤل و مکلف تربیه و رهنمائی آنان بدانیم. و پلان معقولی را برای خانواده خود طرح کنیم آنوقت است که وطن مترقی و اجتماع مرفه خواهد شد.

بیشه شیران و رزم آوران شده و از نوامیس ملی با امانت داری حفاظت کرده اند بر ماست که امروز با اقتباس از سنجایای اصیل افغانیت و با پیروی از اخلاق جمیل اسلامیت فرزندان این خاک را با اهداف والای وطنپرستی و کار و زحمتکشی مانند زنان و مردان دیروز تربیه کنیم و به منظور پدید آوردن یک افغانستان مترقی و یک افغانستان نوین و مستحکم که آرزوی شایسته زعمیم ملی ما است در راه تربیه و رهنمائی فرزندان و جوانان خود با سن و نوامیس ملی رسالت تاریخی خود را دنبال بکنیم زیرا وظیفه یک مادر بسیار حساس و با اهمیت است. اولین دانشکده طفل کانون خانواده و دامن مادر است.

ما امروز به فرزندان صالح، پرهیزگار، وطنپرست، آراسته باغرور ملی و معقول و تعلیم یافته احتیاج داریم تا برای اعتلا و سر بلندی این خاک گذشته های شایسته را دنبال و پسمانیها

از آنجائیکه دولت جمهوری ما برای تقویت مادی و معنوی مادران افغان توجه کامل شانرا امیدواری میدهند ما زنان افغان بزرگداشت روز مادر را امسال با دور نمای روشنتری استقبال میکنیم.

بهترین تبریکات و شایسته ترین تمنیات خود را بر همه مادران و زنان عالیقدر این سرزمین مردآفرین تقدیم میداریم. و به همه مادرانیکه فرزندان با شهامت و با همت در دامن مهر - پرورشان تربیه کرده اند. مرحبا و تهنیت میگوئیم.

در آئین مقدس ما احترام و اکرام مادر از فرایض برگزیده انسانی است. تاریخ درخشان افغانستان کهن نام مادرانی را نشانه افتخار ماثبت کرده است که اولاد سرباز و قهرمان را برای حفظ و به منظور حاکمیت ملی باشیره جان و با اصالت خاص افغانیت پروریده اند. بدون شبهه به توجه و مشاعی مادران سلف ما این خطه باستانی

گرانی

ماته دیری گرانی او قدر دانی موری زه نه پوهیږم چه تا په کوم نوم اوصفت یاده کړم او څنگه او په څه ډول دی د زیاتو پیر زویڼو ، لورینو او بی آلايشه مینې او محبت ستاینه او یادونه وکړم؟ زه چه هر څومره فکر وکړم هری خواته مخ واړوم لماره دومره قدرت او طاعت نشته چه دویلو اولیکلو په وسیله پری ستادکار ونو او خدمتونو یادونه وکړم .

خوږی او درنی موری ! لوی څښتن د ځمکې پر مخ ته یو مقدس موجود اوستر نعمت پیدا کړی ئی او دانسانی ژوند خونه او نړی ستا په مهربان وجود باندي روښانه او ودانده او دنیا پایښت او ټنگښت ، سمورتیا او ښکلا ستاسی په کار او زیار پوری اړه لری .

مهربانی موری ! ستا غیر د جنت مثال لری ستا په غیر کی یو عالم رنگېنی او خوږلنی شته او هلته د ښانه انسانی مینې او خواخوږی څرگند مظاهره لیدل کیږی ، ټوله شپه دیو ناتوان ، ضعیف محتاج او دترحم وړ ماشوم ته چه دیوی بی حرکت او ناتوانی ټوټی غوښی ته ورته دی دروزنی او پالنې په خاطر زرهاوو کړونه او تکلیفونه گالل په په پرله پسې ډول بی خوبی ، شوگیرونه او ستومانی لیدل او تیرول او داسی نور ډول ډول رېرونه او ستونځی پرخپل ځان منل او قبولول ډیر گران او مشکل کاردی دهیچا دوسی پوره نه دی اونه څوک دی ته چمتو او حاضر یری چه دیو وړوکی ماشوم او

او کوچنی مخلوق د ژوندانه د دوام ، روغتیا ، خوښی او آرام ساتلو په مقصد دی شپه اورخ پر ځان یوه کړی او خپل وجوددی په ډول ، ډول مشکلا نو او رېرونو اخته کړی او په لوی لاس دی ځان د تکلیفونه په سوراوړ باندي وسیزی او یادی خپله خوښی ، آرامی ، نیکمرغی ، خوب ، خندا ، سعادت او راحت د بیوزلی کوچنی مخلوق او اړ موجود د پاللو او روزلو په لار کی وقف کاندی ؟ د بل ژوند له پاره دخپل ژوند نه تیریدل او ځان هیرول څه آسانه او وړوکی کار ندی خو ولی همداته ئی چه د ژوند هر څنگه او هر ډول کړ او نو اورېرونو ته دی غاړه ایښی او دیو وفادار او حقیقی غمخوار انسان په حیث د بشر

او مهربانی

جگتورن حبیب الله

او بشریت په خدمت کی پریشانه ، لالها نده او ستومانه ښکاری او پخپلو مبارکو لاسونو په ډیر غور او دقت سره انسانی گلان روزی ، په رښتیا چه ستاسی صمیمانه خدمتونه او کارونه دزیاتی ستاینی او لمانځنی وړدی او ستاسی اجتماعی اړخښت ، اجتماعی شخصیت او په ټولنه کی لوړ معنوی مقام دومره غوره اولوردی چه په هر وخت او هر ځای کی ورته د زړه له کومی احترام او اکرام کول او په لوړه سترگه او درانه نظر ورته کتل دهر انسان ایمانی او اخلاقی وظیفه ده . مهربانی موری ! کله چه ما دلومړی ځل له پاره د ژوندانه په دگر کی سترگی وغړولی خپل ناتوانه

او اړ ځان می ستا په درنه ، خوږه او دمهربانی اوخوا خوږی نه ډکی غیر کی ولید او غه چا چه زما د ماشوم او ناتوانه وجود خواته دهمدردی او مینې په نظر راوکتل او زما دضعیفه او بیوزلی وجود او بدن روزنی او پالنې ته ئی ملاوتې له هغه ته وی .

د ژوند او طبیعت درسزونو او رازونو سره تاراشنا کړم ، د وطن پالنې ، نوعه دوستی ، پاکی او رښتینوالی خوږی نغمی او ترانی راته تادللو ، للو په خوږو کلمو کی پیل کړی داسلامیت او انسانیت دغوښتنو او سپارښتنو یادونه او ښونه تارا ته کوله د ژوند په سمو او کبرو لارو چارو تا پوهولم او دیو واقعی ښوونکی په صفت دی ماته د ژوند هغه څه را وښودل چه دتل له پاره می پکار یری اومرسته راسره کوی .

موری ! ستاسی مقام په ټولنه او اجتماع کی څومره لوی او لوړدی یو پوه وائی « مور په یو لاس عازنگو عننگوی او په بل لاس جهان خوځوی » ددی معنی داده چه د مور په غیر د نړی سترملی او بین المللی شخصیتونه روزل کیږی چه د پوهی او عمل په وسیله په دنیا او جهان کی ډول ، ډول بدلونونه او تحولونه راولی او په نتیجه کی اجتماع او اجتماعی ژوند ته یو خاص کیف اوخوند بښی .

موری ! ستاسی په غیر کی تل

موری

رحمت او برکت دی او د مینې
پلوشی پکی له ورايه څرگند پیری پدغه
باره کې یوبل پوه داسې خپله عقیده
څرگندوی « هغه څه چه په هر
وخت او هر ځای کې ئی دمور
په غیر کې لیدلې او موندلې
شوهغه هیڅه، لورینه او خوا
خوږی ده » موری! د اسلام په
کامل او جامع دین کې تل ستاسې
دمقدس او سپیڅلی وجود او په ټولنه
کې دلور مقام د احترام او لمانځنی
یادونه او سپارښتنه شوی د اسلامی
نړۍ ستر پیشوا حضرت محمد(ص) په
خپل یو مبارک حدیث کې فرمائی:
«په کوم کور کې چه بنځه نه
وی هلمته دنیکمرغي اور رحمت
فرښته خپل گام نه اړدی» .
دا څومره لوی او ستاینې وړ کار
دی چه تاسې ټولنی ته نیک عمله، نیک
خویه په انسانی او اخلاقی گانه
سحبال انسانان د سوغات په توگه وړاندې
کوی، داپه حقیقت کې هغه خدمتونه
او فعالیتونه دی چه دیوی سالمی او
صالحی اجتماع د انسجام او استحکام
له پاره ئی سرته رسوی.

موری! که ته له یوی خوا زما
مورئی نوله بلې خوا می ښوونکی او
استازه هم ئی نوځکه ته پرما باندې



دوه ډوله حقونه او معنوی پورو نه لری
«یو دمورولې او بل داستازی»
په رښتیا چه دمور کلمه ډیر خوږه
او درنه ده او په اجتماع کې دمور
مقام او منزلت ډیر لوړ او اوچت دی
او ترهر چامور مهربانه او گرانه ده.
دایو څرگند حقیقت دی چه دمور
مقام چاپیژندلی او دهغی له خاص
او زیاتې پیرزویښی، سالمی او صالحی
روزنی او ښوونې نه ئی استفاده کړی
ده هغه بیا په ملی او بین المللی سویه
دنړۍ د ستر او نامتو شخصیتونو په
ډله کې ودریدلی او بشریت ته ئی
ستر او نه هیریدونکی خدمتونه - او
کارونه سرته رسولی دی. که مور
نه وی نو دنړۍ پوهان، فیلسوفان،
نابغان، مخترعین، کاشفین، سیاستمداران
اجتماع جوړونکی او داسې نور لوړ
شخصیتونه به چا روزلی، زیر ولی
اورالوی کړی وای؟ داهرڅه چه دی
دمور د زیار او کاربرد دی.

پاک لمن موری! زه پداسی حال کې
چه خپل محان ستا د خدمتونو او کارنامو
د یادونی او ستا د زیاتې مهربانی
او خواخوږی دستاینې نه عاجز بولم
ستا قدردان او مهربان حضور ته
د عقیدت د گلانو غنچې وړاندې کوم
اوددغی لوړ مقام او منزلت له امله

تا او دگران هیواد نورودرنو میرمنو
اومیندوته مبارکی وایم .

گرانې موری! تاسې باید پدی
حقیقت پوه شی چه دنوی جمهوری نظام
په راتگ سره ستاسې وظیفی د پخوانه
ډیری درندی او دمسئولیت نه ډکی
شوی دی افغانی میرمنی اومیندی ښائی
د پخوانه زیاته هڅه وکاندی چه په
خپلو غیرو کې داسې افغانی بچیان
وروزی چه د هیواد پالنې، وطن دوستی
ولسی مینې او قام ولی دعالی روحیه
له مخی خپل هیواد او خپلی ټولنی ته
نه هیریدونکی او دستاینې وړ خدمتونه
سرته ورسوی او هم دا اجتماعی دردونو
دله منځه وړلو او د ماتو گوډو داوارولو
په لار کې مثبت او گټور گامونه
اوچت کاندې .

که افغانی میرمنی اومیندی همیشه
خپلو بچیانوته د هیواد پالنې خواږه
او گټور درسونه ورکړی نو نتیجه
او حاصله به ئی د ټولنی د نیکمرغی
اولوړ تیا تامین او تضمین وی .

هو! هیواد حقیقی، اصیلو،
فداکارو او هیواد پالونکو بچیانوته
ضرورت لری دغه ضرورت باید
افغانی میرمنی اومیندی درک او حس
کړی .

(پای)



رول و اهمیت سوق و اداره

بدوش خود گرفته است بالای مادونان خویش تحمیل نکند. بدین صورت تشکیل و کرکتر معلومات راجع به وضعیت هوائی که در محل قومانده تجسم (منعکس) شده است باید با سویه سوق و اداره موافقت کند.

مهمترین وظیفه سوق و اداره او پراتیقی عبارت از تحت آتش گرفتن دشمن هوائی از مسافت اعظمی ممکنه بکمک طیارات شکاری و بوجود آوردن تناسب لازمه قوت ها در مناطق عملیات طیارات شکاری و در منطقه راکت های دافع هوا که تخریب بدون قید و شرط دشمن را تا شروع اجرای وظایف محاروبی تأمین میدارد میباشد. تفوق نظر به قوا بالای دشمن از طریق مانور عالی طیارات شکاری و قوت های دیگر مدافعه هوائی هم در جبهه و هم در عمق جبهه بدست آمده می تواند. این برتری به سبب تردیک شدن دشمن به اهداف مدافعه شونده با پدز یاد تر شود.

در چوکات تکتیکی مهمترین وظایف آنها عبارت از اداره آتش قطعات و جزو تاسمهای راکتی دافع هوا و فعالیت طیارات شکاری در گرفتن و تخریب کردن اهداف هوائی است. در محلات قومانده باید راجع به وضعیت هوائی معلوماتی موجود باشد که نه تنها کرکتر (صفات) عمومی پرواز طیارات دشمن را منعکس سازد، بلکه قیمت دهی هر یک از وسایط تعرض هوائی مانند هدف برای قوای راکت دافع هوا و طیارات شکاری را اجازه بدهد. در اینجا ترکیب و اهمیت اهداف، پارامتر پرواز، نوع طیاره، زمان پرواز و غیره باید تعیین گردد. کوردینات همه اهداف در محل قومانده بصورت بسیار دقیق باید منعکس ساخته شود تا اینکه مؤثریت عالی اداره آتش قوای راکت دافع هوا و توجیه طیارات شکاری را تأمین بدارد.

در شرایط بسیار محدود بودن زمان و شرایط هیجان آور فعالیت محاروبی انتخاب و اجرای واریانت صحیح تاثیر آتش بالای اهداف بک موضوع فوق العاده مغلط بوده و از قوماندان احضارات مسلکی بسیار عالی را تقاضا می کند

در جریان فعالیت محاروبی وظایف اصلی سوق و اداره عبارت از هدایت قوت ها و وسایط نوکر یوال، آوردن قوتها به احضارات محاروبی، اجرای کشف، قیمت دهی و پیش گوئی وضعیت، اتخاذ تصمیم در دفع و طرد حملات هوائی و واضح ساختن وظایف محاروبی قوت ها، تأمین مساعی مشترکه، اتخاذ اقدامات برای نگهداری قدرت محاروبی قوا و برپااستاد کردن مدافعه تخریب شونده میباشد.

موجودیت قدرت عظیم تخریبی و وسایط تعرضی در قوای مسلح هوائی دشمن ضرورت به کشف و تعقیب را از طرف سیستم مدافعه هوائی هر یک از طیارات و هر یک از راکت های بالدار رهبری شونده «هوا- زمین» را ایجاب مینماید. در اثنای اجرای فعالیت محاروبی حتی وسایط منفرده تعرضی هوائی باید از سرحد تعیین شده عبور نکنند. بدین لحاظ هر قدمه قوماندانی کوشش مینماید که معلومات مکمل را راجع به تمام اهداف هوائی دشمن به محلات قومانده خود جمع آوری بنمایند. لیکن با توسعه یافتن مقیاس فعالیت محاروبی جمع آوری این قسم معلومات و انعکاس آن هادر یک محل قومانده ممکن نمیشد. زیاد تر از آن معلومات اضافه گی در بعضی موارد در اداره قوتها و وسایط مدافعه هوائی تاثیر منفی مینماید. بدین لحاظ بزرگ شدن وظایف و حل آنها با بلند رفتن سطح سوق و اداره عبارت از فکتور مهم است که در شرایط مغلط هوائی اداره مؤثر عملیات محاروبی قوای مدافعه را در دفع و طرد طیارات دشمن تأمین میدارد.

لازم است که تصمیم و فعالیت قوماندان و پرسونل آن بصورت عمومی یک مرام را ارائه کرده و اداره مؤثر اعظمی قوتها را در شرایط تعیین شده اوضاع تأمین بدارد هر مرحله اداره حل وظایف را نظر به سطح و مکمل بودن معلومات پیش بینی می نماید. در پهلوئی آن هر آمر بزرگ رتبه که تصمیم می گیرد باید آن مسئولیتی را که در اجرای وظیفه محاروبی نظر به وضعیت پیدا شده و موجودیت معلومات

چگونه میتوان بالای بیماری قرن ...

(بقیه صفحه ۷۶)

درین صورت متعلمین میتوانند در خارج از مکتب نیز بمشق و تمرین پرداخته و بانکشاف جسمی خویش بپردازند. همچنان به تجربه ثابت گردیده که تهیه میدان ورزشی و وسایلی که طرف ضرورت آنها میباشد اکثر اوقات از بروز رشد افراد مجرم و خطا کار جلوگیری کرده که برای همین مقصد موسسات مخیلف ورزشی پیشنهاد میکنند تا با اضافه کردن هرچه بیشتر میدانهای ورزشی از وقوع حوادث و جنایات نایک پیمانها را تأمین بدارد.

در اخیر باید علاوه کرد از آنجائیکه نوجوانان از نیروی کافی بهره ورمیباشند بدرجه اول باید یک اندازه زیاد آنرا صرف تحصیلات خویش نمایند و متباقی آنرا در راه ورزش بکار بیندازند، زیرا در غیر آن تجمع چنین نیروها باعث فشار روحی شده و عقده های ناشناسی را بمیان خواهد آورد که حل آن در آینده خیلی هامشکل بوده و خسارات و مریضی های متعددی را بار خواهد آورد.

از طرف دیگر هنگامیکه من پیری فرا میرسد و امراض مختلف گریبان گیر آدمی میشود و سلولهای بدن روه ضعیفی میگزارند، در این وقت است تنها وسیله که میتواند مشر واقع گردد، قدرت جسمی و روحی کسانی است که در دوران طفلی و جوانی ب ورزش های متعدد و متنوع پرداخته اند که درد قایق اخیر نتیجه آنرا بالفعل می بینند.

با این شکل می بینیم که پیروی از اصول صحیح تعلیم و تربیت و ورزشی و مراقبت های مربوط به آن برای همه لذت بخش و جاویدانی خواهد بود. و در درجه اول باید این اکسیر بالای کودکان و نوجوانان تطبیق گردد تا نسل های آینده از هر نگاه نیرومندی خویش را حفظ کرده و مشکلات متعدد را از راه خویش بدور سازند. در آن صورت بیماری قرن نیز نخواهد توانست مشکلاتی را برای انسانها ایجاد کند

در فعالیت قوماندانان و قرار گاه تمام قدمه ها شکل عملی بخود بگیرد. بلند رفتن رول اداره محاربوی وحل وظایف که به قطعات داده میشود عصری ساختن و مجهز بودن دائمی آنها را تقاضا می کند. فعلاً سوق و اداره باید دارای پایه های محکم علمی بوده و در تمام شرایط اوضاع موثریت عالی فعالیت محاربوی و استفاده اعظمی از تمام امکانات مادی و معنوی را تأمین بدارد.

و در عین زمان ترتیب و تنظیم واضح فعالیت محاربوی محل قوماننده، تجربه و هم آهنگی عالی مرتبات محاربوی نیز حتمی است. قوماندان قوای مدافعه هوایی در انتخاب تصمیم برای دفع و طرد حملات دشمن هوایی اغلباً برای استماع پیشنها دات مادونان خویش وقت ندارد. هم آهنگی مرتبات محاربوی محل قوماننده برای آن کمک می نماید که بدون یادآوری آن عملیاتی را انجام بدهد که به نفع حاضر کردن و عملی کردن تصمیم اتخاذ شده ضروریست. راهپور باید بسیار مختصر بوده و فقط حاوی معلوماتی باشد که اداره مؤثر فعالیت محاربوی قطعات و جزواتها را تأمین بدارد.

اختصار اصغری زمانهای ارسال تصمیم قوماندان از طریق استفاده از اشارات قوماننده ها و هدایات بسیار کوتاه برای دادن وظیفه امکان پذیر است. بدین سبب برای ارسال هدایت راجع به موقعیت هدف در فضاء به محلات قوماننده پایانتر بصورت اعظمی از امکانات سیستم اداره اتوماتیکی استفاده می شود.

موضوع فعالیت مناسب مشترک قطعات و جز و تاههای قوای راکت دافع هوا و طیارات شکاری در اثنای دفع و طرد ضربات دشمن هوایی در محلات قوماننده حل می گردد. قوماندانان قوای راکت دافع هوا و طیارات شکاری این تصمیم را واضح ساخته و آنرا اجرامی کنند، نظر به وظایف محل و زمان فعالیت محاربوی قطعات راکتی دافع هوا و طیارات شکاری را هم آهنگ می سازند.

در صورت تغییر سریع وضعیت، خراب شدن سوق و اداره ارگانهای بلند پایه و هم حتی در صورت فعالیت مشترک قوای راکت دافع هوا و طیارات شکاری به شکل غیر مرکزی (مستقل) اداره صورت گرفته و فعالیت مشترک قوای راکت دافع هوا و طیارات شکاری با اساس تصمیم مستقل قوماندانهای شان عملی می گردد. هدف فعالیت مشترک در اجرای بدون قید و شرط فعالیت محاربوی و کمک متقابل تمام میشود. طرق ممکنه فعالیت مشترک عبارت از فعالیت همزمانی و یا مسائل قوای راکت دافع هوا و طیارات شکاری بالای عین هدف هوایی و یا بالای اهداف مختلف میباشد.

مساعی مشترکه قوای مدافعه هوایی دارای خواص تکتیکی و یا اوپراتیوی شده می توانند. تأمین امنیت فعالیت طیارات شکاری خود را نظر به شکل و طرق فعالیت مشترک شان عملی می سازیم.

اینک بعضی خصوصیات سوق و اداره محاربوی قوای مدافعه هوایی را فوقاً مطالعه کرده ایم و این نظریات

صلاح الدین ایوبی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(۴)

صلاح الدین: من مناسب میدانم که سلطان امر دهد لشکر خود را بسوی مصر در حرکت آوریم...
نورالدین: آیا خطر هائیرا که در سر راه لشکر ما وجود دارد در نظر گرفته‌ای...؟ در حالیکه شهرهای ساحلی و قلعه‌های کرک و شوبک که کلید راه ما بسوی مصر است در دست قوای دشمن افتیده است...

صلاح الدین: به یاری خداوند در راه نجات میهن عزیز همه خطرها نا بود خواهند شد.

نورالدین: پس تو و کاکایت اسدالدین شیرکوه در رأس لشکر قرار خواهید داشت.

صلاح الدین: ما به توکل و نصرت خداوند در راه نجات این خطه عزیز اسلام پیروز خواهیم شد... زیرا عمل ما در راه رضا و نجات دین او است. اگر غالب گردیم و یا شهید شویم در هر دو حال پیروزی و سعادت از آن ما است... لشکریان را مردهید تا بسوی مصر حرکت کنند... رزمندگان راه خدا همیشه پیروزانند. (انشاء الله).

نورالدین: لشکریان را بنام خداوند توانا فرمان میدهم که به افسری صلاح الدین ایوبی و اسدالدین شیرکوه بسوی مصر حرکت کنند... برای ما شام و مصر یکسان است، زیرا هر دو بلاد اسلام‌اند و باشندگانش زیر شعار توحید (الله اکبر) زندگی میکنند و تا جان در تن است دشمنان عقیده خود را اجازه نخواهیم داد که با قدمهای پلیدشان کشور ما را ملوث

صلاح الدین بعد از خواندن نامه حسن که در آن ملت مصر از و درخواست همکاری نموده بودند، نامه دیگری را از قصر خلیفه مصر دریافت میدارد که در آن همشیره خلیفه از و خواهش بعمل آورده تا مصر را از چنگال نامیومون فرنگیان نجات دهد...

صلاح الدین بعد از اینکه هر دو نامه را میخواند به همراهی جوان مصری (حسن) جهت مشوره با سلطان نورالدین با قامتگاه اومی رود... در عرض را توطئه‌گران میخوانند او را از عزمش منصرف سازند ولی موفق نمی‌شوند. بالاخره میخوانند او را بقتل رسانند ولی عنایت خداوندی او را نجات میدهد، و به اقامتگاه سلطان نورالدین میرسد. دق الباب میکند و بعد از اجازه داخل اطاق میشود و چنین سخن آغاز میکند:

صلاح الدین: ای زمامدار دمشق سلطان نورالدین... راجع به مقابله با غارتگران صلیبی چه نظریه دارید؟
نورالدین: در زمینه برخی نظر دارند تا به سوی قدس حرکت کنیم و آنرا از دست دشمن نجات دهیم... و بعضی دیگری میگویند که باید اول ترگنجینه‌های شام را که در دست فرنگیان افتیده و سپس بدست آریم... و کسانی دیگر رأی میدهند که بسوی مصر روند تا مبادا قوای مادی و بشری آنجا بدست غارتگران افتد و بعد از تسخیر آنجا همه مقاومت‌های خارج از مصر را سرکوب کنند و از بین برند...

سازند... حرکت بسوی مصر... خداوند یار و مددگار تان باد !!

سپاه مجاهدین به افسری صلاح الدین و اسدالدین شیرکوه به سوی مصر حرکت میکنند... اما پس از اینکه این لشکر مجاهد بمصر داخل شود، شاور وزیر خلیفه (عاضد الدین فرمانروای مصر) از خویش باوری خلیفه نسبت به خودش سوء استفاده کرده و او را علیه صلاح الدین تحریک میکند... در حالیکه خود را حامی تخت خلافت معرفی میکنند، صلاح الدین را بحیث طماع و آرزومند مقام و ضد خلیفه (عاضد الدین) قلمداد مینماید همچنین بر همشیره خلیفه که به صلاح الدین نامه ای را فرستاده بود اتهامات نا بجای مینهد... دیری نمیگذرد که مجاهدین دمشق به سرکردگی صلاح الدین و اسدالدین شیرکوه داخل مصر میشوند. اسدالدین برادرزاده خود را صلاح الدین ایوبی به نمایندگی خود به خلیفه میفرستد. صلاح الدین بعد از اجازه داخل قصر خلیفه میشود... سلام میدهد و چنین به سخن آغاز می کند:

صلاح الدین: به حضور امیر المؤمنین چنین عرض تقدیم میدارم: سلطان عادل نورالدین محمود کا کایم را اسدالدین شیرکوه در رأس لشکر سر باز و مجاهد برای کمک با برادران مصری باینجا اعزام داشته تا علیه فرنگیان دوش بدوش همدیگر بجنگیم و دیار اسلام را از دست اغیار آزاد سازیم... کا کایم مرا بشما فرستاد تا از موقف سپاه شما در برابر دشمن اطلاع حاصل کند. و بعد با اتحاد نظر و عمل علیه دشمن حمله فیصله کنی را آغاز نمائیم.

در اینجا شاور مداخله می کند و ما کرانه جواب می گوید: شاور: ما میتوانیم به تنهایی خود علیه فرنگیان بجنگیم و کشور خویش را از تسلط آنها آزاد سازیم.

صلاح الدین: ما بحکم عقیده اسلام و درخواست ملت مصر باینجا آمده ایم نه به اساس استمداد زما مداران و حکام اینجا... زما مدارانیکه بجز مال و منال حکمروائی و عیاشی چیزی را آرزو ندارند... ولی با آن هم بمنظور تحکیم علائق و حفظ وحدت میان صفوف مجاهدین ما میخواهیم بکمک یکدیگر علیه فرنگیان اشغالگر و استعمارجو بجنگیم تا آزادی کشور و عزت مسلمانان را واپس بدست آوریم. (خداوند مددگار مومنان راستین و کار ساز مجاهدین راه حق و آزاد است)...

شاور: من میتوانم به پیشنهادات جواب مثبت دهم و منفقاً علیه دشمن برزمیم... ولی میخواهم بمن تضمین دهی و تعهد کنی که نورالدین محمود آرزوی منصب خلافت را ندارد و توهم به منصب وزارت خود را کاندید نخواهی کرد...

صلاح الدین: سبحان الله - ما برای چنین هدف ناچیز نیامدیم و هیچگاه جهاد فی سبیل الله را بمتاع دنیا نخواهیم فروخت. بلکه آرزوی ما پشتیبانی و همکاری با برادران

مسلمان خود درین دیار اسلام است تا علیه دشمن ناموس و عقیده پیکار آغاز نمائیم و ازستمگری بیگانگان نجات یابیم. شاور: بسیار خوب قول است که باهم برادر وار برضد دشمن بجنگیم.

صلاح الدین: وزیر شاور... میدانی که مادر لحظات بسیار حساس زندگی قرار داریم. هر تصمیم و هر نوع عمل ما برای آیندگان بیادگار میماند و در وضع زندگی ایشان رول مستقیم دارد... یا آزاد خواهند زیست و یا تا دیر زمانی تحت اسارت دیگران با ذات اسرار حیات خواهند کرد. بنا بر هر نوع خیانت و عهد شکنی گناه نیست نا بخشودنی و قابل باز پرس... باید از همین لحظه پلان عملیات و جنگ خود را طرح کنیم و برای این کار آمادگی بگیریم...

شاور: آری - بسیار معقول و بجاست از همین حالا تصمیم باید گرفت!

صلاح الدین: فکر میکنم اگر دشمن را هنگام بامداد تحت حمله ناگهانی قرار دهیم، بهتر خواهد بود... چطور؟ آیا سپاه شما باین کار آماده استند..؟

شاور: بسه تمام معنی... و آنها بجانب شما قرار خواهند داشت.

صلاح الدین: ما به نتیجه مثبت و موافقه نهائی رسیدیم... چند لحظه قبل از بامداد در پیش دروازه باب الفتح باهم ملاقات خواهم کرد... تا رسیدن موعد مذکور شما را بخداوند می سپارم... خدا حافظ!

شاور: خدا حافظ

* * *

چند تنی از جوانان پر احساس و با ایمان مصر در خانه ای باهم جمع آمده اند. آنها پلان مقابله را با اشغال گران خارجی و دسیسه کارهای خائنین داخلی - طرح می کنند... زینب دختر جوان و با غیرت که او نیز به نوبه خود درین جهاد مقدس بهره ای دارد از برادر خود حسن می پرسد:

زینب: اینها کیستند که درین اتاق یکجا شده اند؟ حسن: اینها فرزندان صدیق مصر و شاگردان فیض یافته مکتب اسلام اند که حاضر نیستند قدمهای نامیمون و پلید فرنگیان را بر خاک خود قبول کنند. آنها برای خود نقشه کار و فعالیت را می سنجدند، که چگونه سرزمین خود را از دست غارتگران آزاد سازند، و آزاد زیست کنند...؟

زینب: پس آنها چه کاری را انجام میدهند...؟ حسن: برخی از آنها در پهلو صلاح الدین قهرمان خواهند جنگید... و بعضی دیگری هم مراقبت احوال دسیسه بازان و خائنان را بدوش خواهند گرفت تا رجال برانزده ما از شر آنها در امان بمانند.

زینب: برادر عزیز! بمن نیز کاری را بسپارید، و افتخار بخشید تا در راه خدا و وطن عملی را انجام دهم که سبب رضای

پروردگار و نجات هموطنان گردد .

دراثنای که آنها سرگرم گفت و شنید هستند سائلی درب را آهسته می کوبد و صدا می کند :

سعید : ای دوستان یزدان ... ای منزل سخاوت و کرم لقمه نانی برضای خدا بدهید .

وقتی حسن او را می بیند می گوید :

حسن : این سعید است بچه مامایت ، زینب !

زینب : پس چرا اینگونه کلمات را بزبان خود می آورد ؟ و چرا خود را باین شکل درآورده است ؟

حسن : اوهم اکنون در منزل وزیر شاور کار می کند ، و این کلمات سریست میان ما و او .

سعید : در را بکشائید - دوستان خدا و به این فقیر لقمه نانی را احسان کنید .

سعید « به آهستگی » : لحظه پیش شاور با گروهی از سواران خود برآمد ، و من تاجایی آنها را تعقیب کردم که داخل اردوگاه فرنگیان شد .

حسن : آیا بعد از اینکه او با صلاح الدین تعهد همبستگی می کند بافرنگیان تماس می گیرد ؟

سعید : این کاریست انجام شده ، اکنون باید تدبیری را بسنجیم تا مبادا نقشه شومی علیه ما و مجاهدین راه آزادی عملی گردد .

حسن : تو حالا باید به خانه شاور بروی و مشغول کار خود شوی - نشود که بر تو بدگمان شوند .

سعید : در امان خداوند باشید ، دوستان خدا (ج) !

* * *

پاسبان فرهنگی شاور را از دور می بیند که بسوی او می آید ... بالایش صدا می کند : کیست ؟

شاور : من شاور استم ، وزیر خلیفه عضدالدین .

پاسبان : بسیار خوب ، بفرمائید که فرما نروا (امری) به انتظار شما است ... ولی دیرتر آمدی ، بفرمائید داخل خیمه شوید .

فرمانروا امری : خوش آمدید ، جناب وزیر . کمی دیرتر آمدی - فکر کردم تعهد ما را نادیده گرفته ای .

شاور : در انتظار فرصت مناسب بودم تا مرا کسی نبیند . امری : آیا میتوانم بدانم که شیر کوه و صلاح الدین چه تصمیم دارند ؟

شاور : آنها میخواهند بوقت با مداد علیه شما حمله ور شوند . و باین صورت (به لهجه استهزاء آمیز) شما را غافلگیر و از بین ببرند .

امرئ : پس شما چه نظر میدید ؟

شاور : بهتر است شما اولتر هجوم را آغاز نمائید و در نیمه شب او را از پا درآورید ..

امرئ : بسیار خوب .. از همکاری تان یک عالم تشکر !!

شاور : ولی میخواهم وعده خود را فراموش نکنی ... و بعد

از پیروزی منصب وزارت مرا هنوز تحکیم بخشی .

امرئ : فراموش نکرده ام و هیچگاه فراموش نخواهم کرد . و جواب احسان را به احسان خواهم داد ... مطمئن باش !!

* * *

شاور بعد از اینکه از ملاقات امرئ فارغ می شود واپس به اقامتگاه خود مراجعه میکند . در عرض راه ناگهان باحسن رو برو می شود .

حسن : آیا در همین لحظه خطیر با دشمن ملاقات میکنی...؟ در حالیکه باصلاح الدین تعهد کردی هنگام بامدادان علیه دشمن حمله بی امان را آغاز مینمایی... این عملت ثابت می سازد که تو خائن هستی و باید کشته شوی ... ولی قبل از اینکه بکیفر عملت برسی بهتر است ازین خیانت مسؤولین امور و صلاح الدین را آگاه سازم .

شاور : تو جاسوس هستی ... بگیرید این جاسوس را دستگیر سازید ...

حسن با اسب تیز گام خود بسرعت از آنها دور می شود ، طرفداران شاور او را تیر باران می کنند . گرچه چندتیر بیدنش اصابت می کند ولی کاری نمی افتد و خود را به خانه نزد همشیره خود زینب می رساند .

زینب : برادر عزیز : ترا چه شده ... چرا نالشی می کنی ؟ حسن : مرا طرفداران شاور تیر زدند .

زینب چقدر خون !! بگذار برادر عزیزم تا زخمت را ببندم . خون زیادی را ضائع کردی .

حسن : مرا بگذار ... وقت را از دست ندهی ، هر چه زودتر خود را به برادران مجاهد ، برسان ... احمد ، کامل ، محمود و سعید را از موضوع مطلع بساز . و بعد نزد صلاح الدین برو که همیشه کاران و خائنان حتماً نقشه ای دارند و میخواهند مجاهدات ما را نقش بر آب سازند .

زینب : در همین قلب شب ... ؟

حسن : آری چاره ای جزء این نیست . من راه رفته نمی توانم ، و تو یگانه کسی هستی که این اطلاع را به صلاح الدین برسانی ... با و بگو که شاور به تو مرتکب خیانت شده و همین اکنون نزد دشمن رفته و همکاری خود را اظهار نموده است .

زینب : اکنون حیات تو در معرض خطر است این جریان خون ترا خواهد کشت .

حسن : زود شو خود را به صلاح الدین برسان ... حیات من در برابر عقیده و میهن که هر دو در خطر نابودی قرار دارند هیچ اهمیتی ندارد .

زینب بدون معطلی در پی برادران مجاهد می افتد و آنها را از حالت حسن مطلع می سازند . و سپس روی خود را بسوی اردوگاه صلاح الدین آورده و می گوید :

زینب : خدا یا بمن قوت و شجاعت عنایت فرما تا این وظیفه را درست انجام دهم .

بازدید از فرقه ۸ و فعالیتهای

قرارگاه قول اردوی مرکزی



تورنجنرال غلام حیدر رسولی هنگام استماع تشریحات یک تن از صاحب منصبان فرقه ۸

در سخنان تکتیکی فرقه اخذ موقع نمودند، سرود ملی نواخته شد. سپس بریدجنرال محمد نواز ضمن بیانیه خیرمقدم از فعالیت های که در حصه پیشبرد سویه تعلیم و تربیه منسوبین فرقه بعمل آمده توضیحات داد و علاوتاً یاد آور شد که در آینده سعی بیشتری خواهد شد تا وضع تعلیمی و تدریسی پرسونل افراد و صاحب منصبان بهتر و عالی تر گردد.

بناغلی لوی در ستیز و دیگر صاحب منصبان از در سخنان های او پراسیون، لوژستیک، مخابره، تخنیک و تانک دیدن نمودند. که در باره هر کدام آن از طرف مؤظفین مربوط توضیحات داده میشد در سخنان های مذکور همه باآلات و وسائل مجهز و مرتب بود. هم چنان از میدان دریوری موتر، موضع های توپچی، پولیگونهای قطعه دافع تانک و دافع هوا، پولیگونهای انداخت بم دستی، انداخت

جمهوری از فرقه (۸) باز دید بعمل آوردند.
بدعین بعد از آنکه بداخل

بتاریخ ۳۰ ثور ۱۳۵۵ تورنجنرال غلام حیدر رسولی لوی درستیز و عده از صاحب منصبان ارشد اردوی



تورنجنرال غلام حیدر رسولی لوی درستیز در حالیکه توضیحات یک تن از صاحب منصبان را در باره یکی از در سخنان های فرقه ۸ استماع میفرمایند

صاحب منصبان به سالون کنفرانس تشریف آوردند و بعد از نواختن سرود ملی در ستیزوال قول اردوی مرکزی راپور مفصل در باره فعالیت های قوماندانی قول اردوی مرکزی در امور زراعت، تعمیرات ایراد کرد، بعد از آن تورنجنرال غلام حیدر رسولی خطاب به حاضرین گفت:

رفقای عزیز و دوستان محترم!
 از اینکه امروز مساعی یک هفته شمار و به اختتام است، رفقائی که جهت بازدید از تطبیقات و وضع تعلیم و تربیه و غیره امور قطعات قول اردوی مرکزی به مرکز آمده اند ملتفت شدند که چه تحولاتی در قطعات رونما گردیده است و من بجهت همکاری شما شهادت میدهم که از بدو تاسیس نظام مردمی جمهوری با اینطرف سنسوبین قوای مرکز و تمام قطعات آن در مساعی ۲۴ ساعته خویش از هیچگونه مجاهدت دریغ نکرده اند و شما ثمره آنرا در این مدت مشاهده کردید.



شیاغلی لوی درستیز در حال استماع جوابات يك تن از افراد فرقه ۸

محل کار در ستیزوال و در سخا نه قوماندان قول اردوی مرکزی را ملاحظه نمودند.
 سپس شیاغلی لوی درستیز و دیگر

اسلحه پیاده و تانک بازدید بعمل آوردند و به اثر جدیت و فعالیتی که از طرف قوماندانان و افراد مربوط به مشاهده رسید، مورد تقدیر و نوازش تورنجنرال رسولی قرار گرفتند و برای عده از آنها مکافات نقدی اعطا گردید. به همین ترتیب میدانهای دریوری تانک و زره پوش، محل سوق و اداره لوژستیک اتاقهای اوپراتیفی، دیپوی غنند احتیاط، آشپزخانه جدید و شفاخانه را از نزدیک مشاهده نمودند.

بعد از ختم بازدید، تورنجنرال رسولی و دیگر صاحب منصبان بسوی قرارگاه قول اردوی مرکزی حرکت نمودند صاحب منصبان قطعات اطراف و مرکز از در سخا نه مخا بره، محل پولیگون توپچی، قوریه های فارم زراعت، جنگلات فارم و رستوران و قهوه خانه قول اردو که به شکل زیبایی طرح و دیزاین گردیده دیدن نمودند. که قرار توضیحات یکی از مؤظفین کار اعمار آن در حدود ۹۰ فیصد با کمال رسیده است.

هم چنان اتاق نو کرویال اوپراتیفی



تورنجنرال غلام حیدر رسولی لوی درستیز در حال استماع توضیحات يك تن از صاحب منصبان فرقه ۸



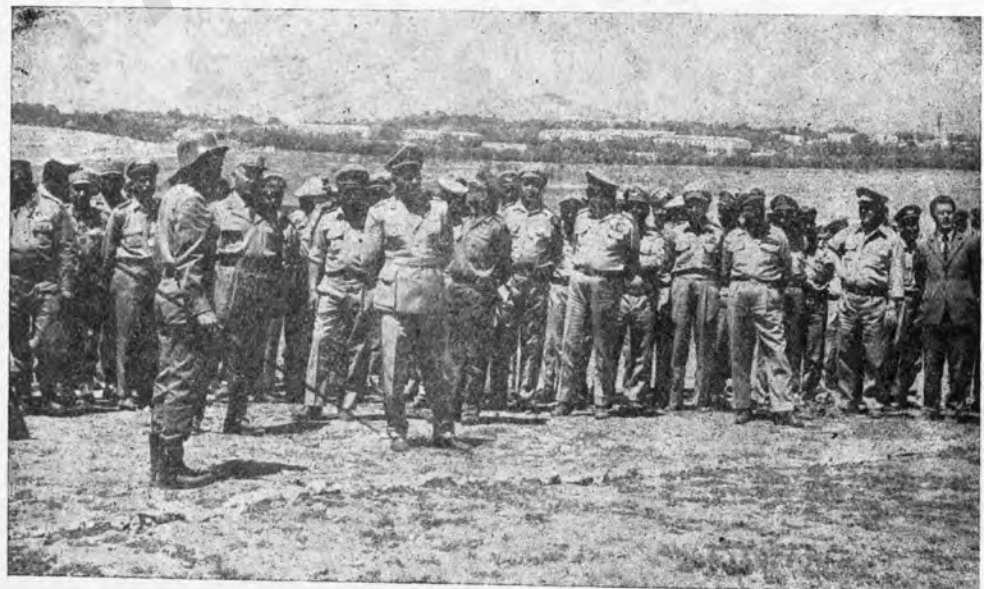
تسورنجنرال غلام حيدر
رسولى در حالیکه فعالیت
افراد فرقه ۸ را از نزدیک
مشاهده مینمایند

برابری و برادری است. و برخورداران لازم است که بر بزرگان احترام گذارند و تحت رهنمائی های آنها وظایف محوله خویش را انجام دهند. پس با اتحاد و احترام متقابل به پیش روید و شاهد پیروزی را ببرکشید.

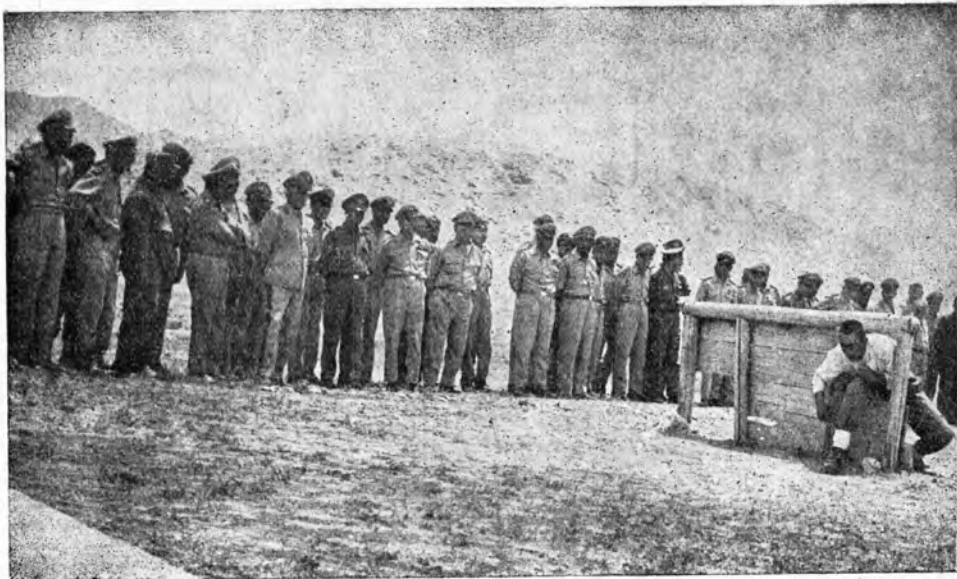
امروز خوشبختانه رهبری دارید که هدفش جز اعتلا و سعادت افغانستان چیزی دیگری نیست، پس وجیبه همه ما است که هدف و مرامهای بهی خواها نه رهبر خویش را گام به گام تعقیب کنیم.

نموده اند که ما به افتخارات آنها می نازیم و شخصیت آنها را قدر میکنیم. امروز که نظام مردمی جمهوریت به اثر قهرمانی ها و از خود گذری مردیکه از همه چیز خود گذشت و آرامی و آسایش خود را فدای مردمش کرد بمیدان آمد. اکنون وظیفه شما است که در تحکیم این بنای مردمی از هیچگونه جانبازی دریغ نکنید. توصیه من بحیث یک همکار از شما اینست که بازیردستان خود با حسن نیت و خوشبینی رفتار کنید و حقوق آنها را محترم شمارید، زیرا امروز زمان

دیروز چیزی بود و فردا چیزی دیگریست، فردائیکه به اثر عزم و مساعی خستگی ناپذیر شما مشعل فروزان پیروزی فروزانتر میشود. کسانی که وظایف خویش را با کمال صداقت و ایمان داری انجام داده و میدهند هرگز فراموش شدن نیستند و نامشان مانند اجداد نامورشان نیکو و جاوید خواهد ماند. تاریخ گواه است که پدران ما به اساس روحیه وطنپرستی که در نهادشان و در خونشان آمیخته بود چه فداکاریها و چه جانبازی هائی



بناغلی لوی درستیز
هنگام استماع
تشریحات یک تن
از پرسونل فرقه ۸
دیده میشود

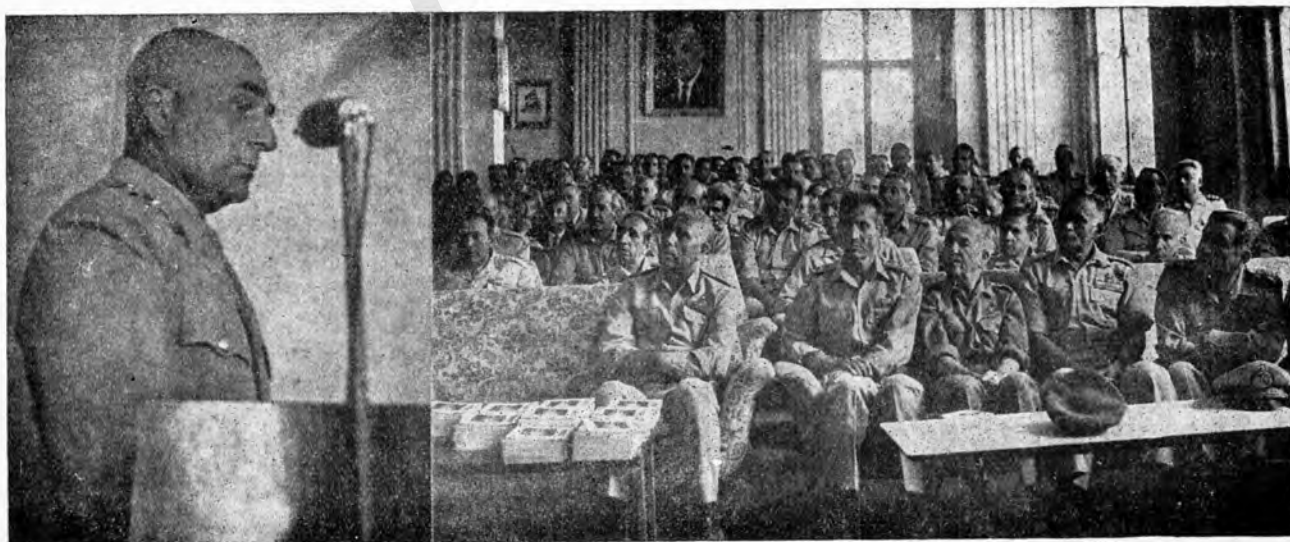


مشاهده بناغلی لوی درستیز و
همراهان شان از فعالیت گذشته
افراد فرقه ۸ از موانع

نمایندگی از قوماندانی قول اردوی
مرکز گفت :
فعالیت ها و کاریرا که ما اجرا
کردیم همه به اثر رهنمائی هایی حضور
لوی درستیز میباشد زیرا بدون رهنمائی
بجائی رسیدن مشکل است . ما با کمال
صداقت و ایمان داری تعهد میکنیم
که تا آخرین رمق حیات در راه خدمت
بوطن و مردم خود حاضر و آماده ایم .

ارزنده گردید و بکوشید تا اردو ب
معراج ترقی و اعتلای خویش متوسل
گردد .
بناغلی لوی درستیز بیانیۀ خود را
باشعار : زنده باد افغانستان ، زنده باد
رهبر ملی ما بناغلی محمد داؤد خاتمه
داد .
سپس برید جنرال عبدالعلی درستیز و ال به

در اخیر بناغلی لوی درستیز
صاحب منصبان قطعات اطراف را
مخاطب قرار داده و افزودند
آرزوی من از شما اینست که در
راه پیشبرد تعلیم و تربیۀ پرسونل افراد
و صاحب منصبان خویش از هیچگونه
مساعی دریغ نورزید . تا باشد برای
مردم و خاک خویش مصدر خدمات



تورن جنرال غلام حیدر رسولی هنگام ایراد بیانیۀ در تالار قرارگاه قول اردوی مرکزی

تورن جنرال

غلام حیدر (رسولی) لوی درستیز

تورنمنت بهاری اردو را در سٹیوم ورزشی کلوپ عسکری ضمن مراسم خاصی افتتاح نمودند



ساعت ۱۶ روز ۲ جوزا تورن-
جنرال غلام حیدر (رسولی) لوی درستیز
تورنمنت بهاری اردو را در میدان
های ورزشی کلوپ عسکری در حالیکه
یکتعداد صاحب منصبان ارشد اردوی
جمهوری و تعداد زیاد تماشاچیان
اجتماع نموده بودند با برافراشتن
بیرق ملی و بیرق های تیم های اشتراک
کننده توام با اجرای سرود ملی
افتتاح کردند .

بناغلی لوی درستیز ضمن بیانیه
افتتاحیه خویش خطاب بورزشکاران
اردو چنین گفتند : سرورم که
باموجودیت شما جوانان با شہامت
اردوی جمهوری تورنمنت بهاری
تیم های سپورتی را افتتاح مینمایم
تعلیم و تربیه بدنی و ورزش روزافزون
آنها مخصوصاً برای منسوبین اردو
قابل یاد آوری میدانم و اطمینان
کامل دارم که همه جوانان ما با

ماہیت و کیفیت جسمی و روحی سپورت
واثرات مفید و مؤثر آن در راه رشد
سلامت وجود و انکشاف سالم قوای
ذهنی بخوبی آگاهی دارند . قوای
مسلح مجموعه ای از نیرو های مادی
و معنوی است که خاص از راه عقیده
و ایمان قوی برای حفظ مقدمات ملی
وصیانت خاک و استقلال مملکت به
مساعی و تلاش های شہاروی ادامه
میدهند و این نیروها قاعدتاً با ورزش



تورن جنرال غلام حیدر (رسولی) لوی درستیز هنگام معاینه رسم گذشت ورزشکاران اردو

وسپورت های اساسی و مداوم روز -
 بروز مراحل انکشاف را پیموده از
 یکسو سلامت جسمی را بار میاورد
 و از جانب دیگر نقش قاطعی در
 سلامت فکری و ذهنی همگان دارد .
 مساعی جوانان اردو از طریق
 ورزش و تربیه بدنی دارای ارزش
 اجتماعی بوده و این مجموعه سلامت
 فکری و جسمی شما جوانان اردو است
 که در خدمت مملکت، دفاع از خاک
 و وطن بکار میرود .

اردوی جمهوری با مطالعه
 و ملاحظه دقیق موضوعات سپورتی
 توسعه و انکشاف مسایل سپورتی را
 خیلی ضروری و حایز اهمیت میدانند
 در پروگرام های تعلیمی و تربیوی
 صنوف مختلفه اردو فعالیت های
 ورزشی به پیمانۀ وسیع صورت میگیرد
 و همچنان به منظور تشویق مساعی
 و ارتقای استعداد های فردی و اجتماعی
 و بلند بردن مورال قطعات و فراهم
 آوردن زمینه های مساعد برای تقویه
 روح همکاری بین منسوبین اردو
 جمهوری مسابقات سپورتی انجام
 میگیرد .

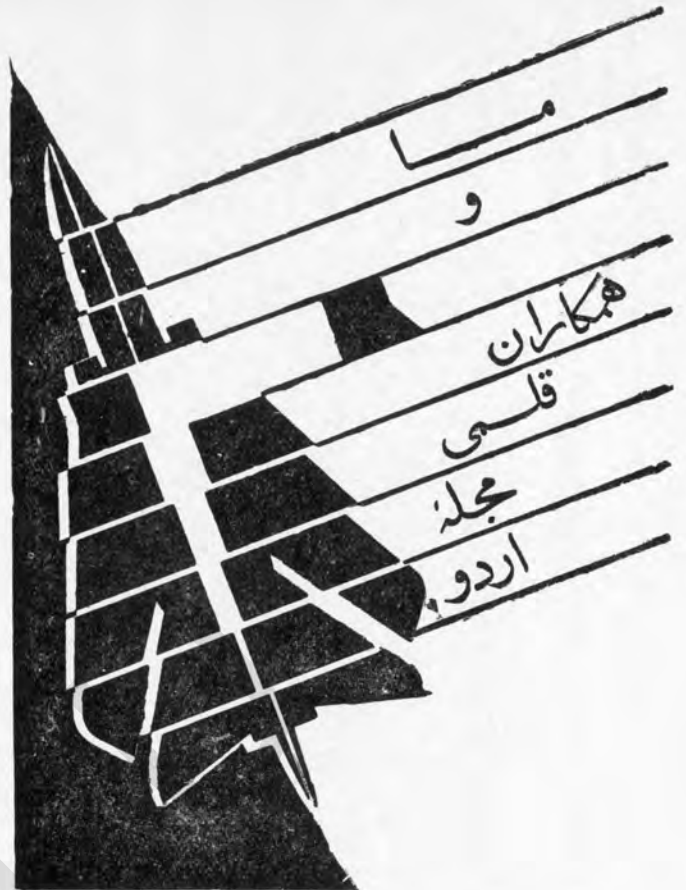
برای ما موجب مسرت است که
 در پرتو رهنمائی ها و قیادت رهبر
 ملی مابناغلی محمد داود سر قوماندان
 اعلی اردوی جمهوری افغان در تمام
 ششون حیات ملی مردم ما تحولات
 عمیق و بنیادی صورت گرفته و در
 پهلوئی این تحولات به توسعه، انکشاف
 و بهبود سپورت نیز توجه قابل
 ملاحظه ای بعمل آمده است. انکشافاتی
 که در فعالیت های ورزشی اردوی
 جمهوری مخصوصاً سپورت های
 اجتماعی بمیان آمده است ما را به



تورنجرال لوی در ستیز در حالیکه کپ قهرمانی مسابقات عمومی خزان
 مؤسسات را به برید جنرال شاپور قوماندان حربی پوهنتون اهدا مینمایند

بورزشکاران گوشزد فرمودند .
 قبل از شروع مسابقات برید جنرال
 با به جان رئیس تعلیم و تربیه اردو
 بعد از روشنی انداختن در اطراف
 برگزاری و چگونگی این تورنمنت
 به سخنان خویش چنین ادامه داد .
 در چنین عصر فرخنده و درخشان
 که ارزش های تابناک انقلاب جمهوری
 تحت قیادت رهبر خردمند و بانوی حیات
 نوین افغانستان بناغلی محمد داود
 به تمام ششون زندگانی ملی مردم این
 کشور باستانی پرتو افکنده است
 توجه به انکشاف تعلیم و تربیه مادی
 و معنوی منسوبین اردوی جمهوری
 مورد توجه خاص مقامات صلاحیت دار
 و اشخاص مسؤول اردو میباشد ،
 ما یقین کامل داریم که چنین توجهات
 هر گاه با سعی و تلاش زحمت کشی
 و همکاری صمیمانه جمیع اشخاص
 و منسوبین اردوی جمهوری توأم گردد
 (بقیه در صفحه ۱۱۲)

آینده ثمر بخش ورزش های اردو
 امیدوار میسازد .
 پیشرفت سپورت اگر قسماً به علاقه
 و شوق سپورتمین ارتباط میگیرد ،
 تا اندازه زیادی به توجه و زحمت کشی
 قوماندان و آمرین مسئول تعلق دارد .
 ما مساعی جدی و دوامدار آنها را
 در زمینه توقع داریم .
 بتأسی از گفته های فوق اینک
 بنام خدای بزرگ و توانا فعالیت های
 ورزشی تورنمنت بهاری تیم های
 سپورتی را افتتاح میکنم .
 زنده باد افغانستان
 پاینده باد جمهوریت
 زنده باد رهبر ملی و مؤسس جمهوریت
 نیرومند باد جوانان اردوی جمهوری .
 همچنان بناغلی لوی در ستیز مطالب
 سودمند دیگر را پیرامون اخلاق
 سپورتمین که باید با روحیه عالی
 و احساس همکاری و پیش آمد نیک باشد



نصرالدین است نامت برتست این کرامت
 گویند دوستان صد مرحبا مبارک
 ای راحت دل و جان وی دوره بزرگان
 این مسلک درخشان باد ترا مبارک
 تو عسکر غیوری با همت و فکوری
 هستند آمرانت از تو رضا مبارک
 ای عسکر جوان مرد بنگر بخویش یکدم
 در چهره تو پیدا نور هدا مبارک
 عسکر دلیر باشد دایم خبیر باشد
 هنگام رزم چون شیر خیزد زجا مبارک
 تو عسکر شجعی نزد همه رفیعی
 نوباوه مطیعی حلم و حیا مبارک

شاغلی موسی محتاج دانجنیری جگتورن !
 ستاسی (دین اوپرون انسان) ادبی پارچه چه دنیونکی
 د لوپ مقام نمانخنه ده ، اردو مجلی دفتر ته راورسیده او په
 درناوی نشرته سپارو :

دین اوپرون انسان

نن چه په غرونو کښی زاره، زاره غارونه ښکاری
 ترینه څرگند د پرونی انسان رازونه ښکاری
 داچه انسان له کومه راغی او کوم لورته رهی؟
 نن ئی ترڅنگ د پرومینی ژوند موزیمونه ښکاری
 هاچه پرون به و غواڼی ته په سجده بانندی پروت
 نن په سپوږمی کښی دده پلونه، بیرغونه ښکاری
 که وی پرون پری بټکدی ، اټشکدی ودانی
 په دغه محای د علم و فن پوهنتونونه ښکاری
 درود نیل وی پرون ښکلی ، ښکلی پیغلی خوراک
 نن ئی په مخ کښی داسوان غونډی بندونه ښکاری
 جهان لاهه پرون خبر لسه خپله محانه نه و
 نن ئی د پوهی پلوشو کښی اتومونه ښکاری
 د استعمار کړی د علم په بر پښنا ما تیری
 خواره ، واره د خپلواکی انقلابونه ښکاری
 معلمه ! ته ئی چه د علم دپوی بلی ساتی
 ستا پلوشی د تکامل مهم شرطونه ښکاری
 ستا منزلت او لوپ مقام دلهر په غیردی څرگند
 دا دپرون او نن بدلون ستا له مضمونه ښکاری
 وحدت د فکر او عمل نه شی نن پوهه جوړه
 « محتاجه ! ستا پرونی فکر نن خیا لونه ښکاری

شاغلی محمد عمر (مطیعی) !

پارچه منظوم شما بنام (مکتوب منظوم پدر به پسرش) را
 که برای فرزند خویش (نصرالدین سلجوقی) افرادتولی
 دافع هوا درقوای ۱۵ قندهار سروده بودید خواندیم اینک
 بمنظور تقدیر از احساسات یک پدر آنرا به طبع میرسانیم:
 فرزند نور دیده زیر لوا مبارک
 ای عسکر رسیده عید شما مبارک
 جامه عسکریت زینده است برتن
 این پیشه مقدس از ما ترا مبارک
 خدمت نما به میهن ازجان و دل عزیزم
 تاهر که بر تو گوید صدق و صفا مبارک
 این عهده مقدس بگرفته ئی چو بردوش
 بنما ادای آنرا رونق فزا مبارک
 بستی کمر بخدمت بنمای جد و جهدی
 امر خدا بجا کن عهد وفا مبارک
 در خرقه مبارک شهبای جمعه وعید
 تسبیح و ختم و قرآن صل علی مبارک
 این جامه نظامی برتست نیکنامی
 بسیار زیب دارد نام خدا مبارک
 سر باز با و قاری با عزم استواری
 کندک شمار اول دافع هوا مبارک

مضمون (میترو لوژی) شمارا خواندیم و اینک باعرض معذرت نسبت به تراکم مضامین و ارده ، نوشته شمارا در قسمت ماوهکاران قلمی مجله اردو بطبع میرسانیم امید است مورد استفاده قرارگیرد :

میترو لوژی

طوریکه مشاهده میشود کاروان سریع السیر تمدن معاصر نسل بشریت را به افق و روزنه جدید آشنا میسازد همه این آشنائی و معرفت در فروغ کسب علم و دانش ، فرهنگ ، ثانیاً در صحنه عمل در اثر کار و فعالیت تحریک شده بمنظور رفاه آسایش و سعادت زندگی میسر میگردد . بشر برای کسب سعادت و خوشبختی خود مجبور است تا نخست علم بیاموزد و بعداً ذخیره علمی اش را در طول تحصیل فرا گرفته در صحنه عمل تبارز دهد ، و از ثمر آن برای وطن و مردم خود مصدر خدمت شود ، و هم معیشت زندگی اش تامین گردد .

پس همین جدوجهد فعالیت و اکتشافات و ابتکارات است که انسان را از سه بلای عظیم فقر ، بیکاری و جهل نجات میدهد لذا هر فرد بشر را آرزو برین است تا در جهان حیات آبرومند و سعادت مند داشته باشد ، و در اثر فعالیت و کوشش متداوم در رشته های مختلف تخصص حاصل نماید ، تا بتواند از اندوخته های علمی خویش بعالم بشریت خدمت را انجام داده باشد .

امروز علم میترو لوژی چه از نگاه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و حیاتی از همه بیشتر در ستراتیژی نظامی رول بس مهمی در جهان مترقی دارد ، و از آن استفاده مینماید ، بنا آدرین - جا راجع به مضمون میترو لوژی و رول میترو لوژی عصری کم ، روشنی می اندازیم :

A- تاریخچه مختصر :

در زمان های قدیم مردم سر نوشت خود را مربوطه به قوانین و یا قوه های طبیعت میدانستند . و همچنین هوا و حوادث جوی را نیز یک پدیده طبیعت دانسته ، و در بسیاری مذاهب قدیم حوادث جوی مثل رعد ، برق ، ژاله و غیره را بنام حوادث مرموز یا معنائی یاد میکردند .

از آنروز که علم هواشناسی و درک پدیده های جوی توجه خاص را به خود جلب نمود اولین سعی و کوشش برای شرح وضع میترو لوژیکی در یونان قدیم صورت گرفت بزرگترین عالم یونان قدیم ارسطو در سال (۳۲۲ الی ۳۸۴) قبل از میلاد کتابی راجع به میترو لوژی نوشت و محتویات این کتاب شاهد آن بود که ارسطو در آن وقت علت بعضی

از حوادث میترو لوژی را خوب میدانست ، و کوشش میکرد تا دیگر عملیه های که در اتموسفر صورت میگردد تحقیق کند ، و او برای اولین بار یک رابطه بین هوا و باد را قایلیم کرد . (از نویسندگان قرون وسطی آثاری دلچسپ راجع به مشاهدات مختلف طبیعت باقی مانده است) قسمت زیادی از این آثار راجع به هوا از ابتدائی قرن سیزده در روسیه حفظ شده که در بین این آثار معلومات بیشتر آن راجع به طوفان ، رعد و برق ، ژاله ، برف باری شدید ، یخ بندی ، خشک سالی ، سیلاب ها ، روشنی قطبی ، که همه این حوادث در عصر موجوده هم طرف علاقه علما و دانشمندان قرار گرفته وجود دارد .

بعداً آهسته آهسته در بسیاری از ممالک جهان مشاهدات بصری عناصر میترو لوژی شروع شد .

اولین مشاهده میترو لوژی توسط آلات و وسایط میترو لوژی در قرن شانزده و هفده بعد از آن که گالیلی در سال ۱۵۹۷ ترمومتر را ساخت و تورچیلی در سال ۱۶۴۳ بارومتر را اختراع کرد صورت گرفت سپس علما به ساختن گروپ استیشن های مشاهده شروع نمودند ، برای بار اول شاگردان گالیلی در سال ۱۶۵۴ اکادمی فلورانس را ساختند به اساس تجارب و تحقیقات بعدی ساختن استیشن های میترو لوژی در ایتالیه و متعاقباً در فرانسه و وارسا موفق شدند . ولی بعد از مسدود شدن اکادمی مذکور همه این استیشن ها از بین رفتند .

در روسیه مشاهدات ممتد میترو لوژی در سال ۱۷۲۲ در شهر پیتربورگ (لنینگراد امروزه) تحت رهبری و اداره پتراول شروع شد در سال ۱۷۳۳ هیتی تحت رهبری ب ، بیرنگاه تحقیقات قطب شمال را شروع نموده ، این هئیت در ضمن تحقیق خود در قسمت های شمالی سایبریا استیشن های مشاهده را ساختند .

درین حصه علمای میترو لوژی و اکادمی علوم روسیه توجه خاص مبذول داشته از علمای پیش قدم و مشهور روسی (م ، بلما نوموف) وسایط عدیده میترو لوژی را اختراع و شخصاً مشاهده نموده و اختراعات مشهور آن عبارت انداز انورمبومیتر دار آلله اندازه گیری سمت و سرعت باد .

بارومیتر بحری دار اندازه گیری فشار ، لمانوسوف به مشاهدات میترو لوژی اهمیت زیاد قایل بود اکادمی علوم روسیه و لمانوسوف که عضو آن بود توجه خود را به توسیع و انکشاف استیشن های میترو لوژی مبذول نموده و بدان قدر و قیمت سیاسی و اقتصادی قایل بودند . در نیمه اول قرن ۱۸ لمانوسوف به نتیجه رسید که مطالعه و تحقیق ارتفاعات بلندتر نیز حتمی و ضروری است .

برای این مقصد یک ماشین ایرودینامیکی ساخت و توسط آن آلات راجهت اندازه گیری حرارت طبقات اتموسفر به

ارتفاعات می فرستاد، اما این نظریه لمونوسوف نسبت مصارف زیاد و عدم توجه حکومت وقت تزاری به پیشرفت علوم جامه عمل نپوشید.

از جمله علمای ممالک پیشرفته جهان که در پیشرفت علم مینرولوژی سهم بارز داشتند عبارت بودند از گومبالت، ودوف و غیره.

در سال ۱۸۲۶ براندیس اولین نقشه مینرولوژی را ترتیب و به چاپ رسانید

در نیمه اول قرن ۱۹ بعد از کشف تلگراف و استفاده از علم ستاره شناسی لیویر فرانسوی در فرانسه و فشر یا قوماندان بحری انگلیس در انگلستان میتود های سینا پتیکی را در ممالک مذکور انکشاف داده و به اساس سرویس های هواشناسی تشکیل گردید.

در سال ۱۷۵۱ در نمایش بین المللی لندن نقشه که در آن هوائی ۲۲ امتیاز مینرولوژی ثبت شده و توسط تلگراف اخذ گردیده بود به معرض نمایش گذاشته شده بود.

کمی بعد تر در بسی از ممالک اروپائی ادارات هواشناسی تشکیل شد، و در روسیه بصورت رسمی در اول جنوری ۱۸۷۲ اداره هواشناسی به میان آمد.

تحقیقات درباره مینرولوژی و مخصوصاً مطالعات طبقات بالائی اتموسفر از طرف عالم بزرگ کمیا مندلیف صورت گرفت این عالم بزرگ در ۱۷ اگست ۱۸۸۷ توسط یک بالون هوائی برای مشاهده حرارت اتموسفر تا ارتفاع ۳۵۰۰ متر بلند شد.

در نیمه دوم قرن ۱۹ اساسات علم مینرولوژی دینامیکی (مینرولوژی نظری) از طرف عالم معروف امریکای بنام فیرل و گیلمه گولت جرمنی و یک تعداد علمای دیگر گذاشته شد در قرن ۲۰ انکشافات بیشتر مینرولوژی دینامیکی از طرف عالم مشهور نروژی بیرکنیسه و شاگردان وی مرگولیس استریائی صورت گرفت.

همزمان به آن موفقیت های زیادی در ساحه ایرولوژی نصیب بسیاری علمای جهان گردید که سهم تیسران بادورفرانسوی و اسمون جرمنی که آنها کاشفین سترا توسفر اند از همه بیشتر است.

بعد از انقلاب کبیر اکتوبر و حرب ۲ جهانی علم مینرولوژی به سرعت انکشاف نموده طرق و میتودهای جدید برای پیشگویی هوا وضع و کشف گردید.

بعد از کشف ایروستاتما، رادیوزوندها، طیارات، وراکت های ارتفاعات بلند اتموسفر تحقیقات بیشتری ایرولوژیکی صورت گرفت. انکشافات بعدی مسایل جدیدی چون پیشگویی طویل المدت پیشگویی توسط کمپیوتر تشکیل ابر، باران، غبار مصنوعی، از بین بردن ابرها، تحقیقات بیشتر قطبین ظهور نمود در سال های اخیر با پیشرفت

تکنالوژی و تسخیر کیهان - موفقیت های زیادی نصیب علمای مینرولوژی و محققین آن تا ارتفاعات بلند اتموسفر زمین و حتی اتموسفر سیارات دیگر گردید. این موفقیت ها همه مربوط پیشرفت طیارات، راکت ها، اتمار مصنوعی، کشتی های فضای و استیشن های اتمومات بین سیارات میباشد.

در پیشرفت و انکشاف علم مینرولوژی، علما و محققین زیادی از همه ممالک مترقی جهان سهم بارزی داشتند، که درین جاه تذکار همه آن ها مجال نیست.

چون علم مینرولوژی یک اهمیت بین المللی دارد، بعد از تاسیس موسسه ملل متحد در ۲۴ اکتوبر ۱۹۴۱ در منشور آن یک شعبه اختصاصی بنام شعبه هواشناسی بین المللی در سال ۱۹۴۷ تشکیل گردید. مرکز سکرتری این مؤسسه در شهر ژینوا است و ۱۲۱ مملکت در آن عضویت دارد.

در اساس این مؤسسه جهانی یک کنفرانس بین المللی هواشناسی که بعد از هر چار سال تشکیل جلسه میکند قرار دارد بعد از ختم اجندا برای اجرا و تطبیق پروگرام مطرح شده کانگرس به کوسیتته اجرائیه که از ۲۴ نماینده متشکل است و وظیفه سپرده میشود.

به مقصد سهولت و سرعت اجرای کار تمام کره زمین را به ۶ حوزه اصلی، ۸ شعبه تقطیش و معاینات تخنیککی و گروپ کار گر تقسیم کرده.

عندالضرورت سمپوزیم ها و کنفرانس ها راجع به مسایل مختلف مینرولوژی تشکیل میدهد.

وظایف این مؤسسه جهانی عبارت اند از:

- (۱) همکاری بین المللی در تشکیل امتیاز مینرولوژی با مالزمه و وسایط آن.
 - (۲) تشکیل حوزه های مرکزی مینرولوژی برای جمع آوری معلومات مینرولوژی، تحلیل و نتیجه گیری از آن به سویه بین المللی، محافظه مواد ضروری برای مطالعات آینده.
 - (۳) تشکیل سیستم تیلو کمونیکشن بین المللی برای تبادل و معلومات های مینرولوژی.
 - (۴) ساختن پروگرامهای تحقیقاتی برای انکشاف و بهتر ساختن پیشگویی هوا برای ممالک عضو.
 - (۵) انکشاف عملی مینرولوژی در ساحه هوا نوردی، بحر پیمائی، دریافت ذخایر آب برای پیشبرد زراعت، و کمک های مینرولوژی در ساحه فعالیت های بشری.
 - (۶) تحقیقات و رساندن متخصصین در رشته های مختلف مینرولوژی.
 - (۷) ساختن ستاندرت های بین المللی برای مشاهدات و نشریات مینرولوژی.
- این مؤسسه جهانی فعاله مرکز عمده و فعال دارد. واشنگتن، مسکو، میلپورن، در آینه ۲۵ مرکز اصلی دیگر نیز در نظر است.

وطن عزیز ما از بدو تأسیس آن عضو آن بوده از کمکهای آن همیشه برخوردار می باشد .

B - مضمون میترولوژی و رول میترولوژی عصری : چون در اتموسفر زمین بلا و فقه عملیه های مختلف فیزیکی ، کیمیاوی بیولوژیکی و غیره صورت میگیرد که حالت و وضعیت طبقات پائین و ارتفاعات بلند اتموسفر را تغییر میدهد ، پس علم که همه این عملیه ها ، تغییرات و حوادث اتموسفر را مطالعه و تحقیق میکند بنام علم میترولوژی یاد میشود .

تماماً عملیه های که از فضای کیهان الی سطح زمین رخ میدهد با یک دیگر رابطه مستقیم دارند ، این عملیه ها وقتاً فوقتاً بین زمین و اتموسفر به شکل تبادل گازات ، اجسام جامد ، مایع ، حرارت و رطوبت و غیره صورت میگیرد منبع اساسی انرژی برای عملیه های اتموسفر تشعشع آفتاب است که به انواع و طرق مختلف به زمین میرسد که این انواع مختلف انرژی سبب بعضی عملیه های کیمیاوی در اتموسفر شده و بالاخره سبب حرکت هوا ، تبادل حرارت رطوبت بین قسمت های مختلف اتموسفر شده ، و در نتیجه سبب تشکیل ابرها ، بارندگی و حوادث (برقی ، ابتیکی ، صوتی) و غیره میشود .

خواص و حالت فیزیکی اتموسفر را بنام حوادث میترولوژی یاد میکنند و عبارت اند از :

حرارت ، رطوبت فشار هوا ، سمت و سرعت باد ، پوشیدگی آسمان ، مقدار و شدت بارندگی ، ساحه دید ، طوفان روشنی قطبی ، حوادث (ابتیکی ، برقی ، صوتی) و غیره علم میترولوژی مثل دیگر علوم طبیعی در ساحه عمل و فعالیت ضرویات و آرزوهای عالم بشریت را جواب میدهد مطالعه آن نه تنها برای میترولوجیست ها ، بلکه جزوی مهم فعالیت های روزمره جوانوردان ، جغرافیه دان ها علمای زراعت ، بیولوجیست ها ، اینجنیرهای فابریکه ها ، و غیره تلقی میشود .

یکی از وظایف اصلی میترولوژی شرح و موجودیت عملیه های که در اتموسفر رخ میدهد میباشد پیشرفت آن مربوط به پیشرفت علوم دیگر طبیعی از قبیل فزیک ، ریاضی جغرافیه ، هایدرولوژی ، نجوم ، بحر شناسی و غیره میباشد .

میترولوژی عصری موضوعات بسیار وسیع را احتوا میکند بدین سبب به چندین شعبات علمی جداگانه تقسیم میشود .
(۱) فزیک اتموسفر : یکی از شعبات بسیار مهمی میترولوژی میباشد ، این شعبه از میخانیزم فزیک حاد اتموسفر از قبیل عملیه های ترمودینامیکی اتموسفر ، ترکیب و ساختمان اتموسفر ، بارندگی تشعشع ، حوادث (صوتی ، برقی ، ابتیکی) اتموسفر بحث میکند .

(۲) میترولوژی سینماپتیک : یک شعبه مهم میترولوژی بوده و این شعبه از پیشگوی هوا و میتودهای آن بحث میکند ، و بلا و فقه میتود و طرق جدید را برای پیشگوی هوا در شرایط مختلف مطالعه و تحقیق میکند .

(۳) میترولوژی دینامیکی (میترولوژی نظری) : این شعبه در علم میترولوژی جای مخصوص و با اهمیت دارد میترولوژی دینامیکی از جریانات اتموسفر و از تاثیر رابطه آن بالای عملیه های ترمودینامیکی و انرژی اتموسفر بحث مینماید . درین اواخر علما به کمک علوم ریاضی سینودها و طرق جدید را برای مطالعه دیگر حوادث اتموسفر وضع نموده اند .

۴- میترولوژی هوا نوردی : این شعبه در ساحه عملی اهمیت زیادی داشته و روز بروز اهمیت آن زیاد شده میرود یعنی هوا نوردی و هوا شناسی لازم و ملزوم یکدیگر اند هوا نوردی بدون هوا شناسی ممکن نیست .

میترولوژی هوا نوردی عملیه ها و حوادث میترولوژی را از نقطه نظر هوا نوردی و تاثیر آن بالای تخنیک و فعالیت های هوا نوردی مطالعه و تحقیق میکند .

طوریکه مشاهده میشود کاروان سیر و محیر العقول ساینس و تکنولوژی مراحل اعظمی خود را می پیماید ، و ما هر روز می بینیم که طیارات غول پیکر که دارای هزار تن وزن و به سرعت مافوق صوت پرواز نموده و صد ها نفر مسافر را به مسافت بعید نقل میدهد ، چطور میتواند از حوادث جوی خط السیر خود بی خبر باشد . بالخصوص طیارات حرابی که سرعت آن چند ماک (ماخ) است .

و تانک های بزرگ هوایی ، دیسانت های هوای ، توپچی راکت های هوا به هوا ، هوا بزمین ، زمین به هوا و دیگر سوق الجیش ما هرگز بدون معلومات وضعیت جوی فعالیت کرده نمی تواند .

میترولوژی هوا نوردی هر روز طرق و راه های جدید را برای خدمت به هوا نوردی مطالعه و تحقیق نماید .

۵- کلامی تو لوژی (اقلیم شناسی) : خواص و رژیم سنا تیکسکی وضع جوی یک منطقه نظر به موقعیت جغرافیوی آن اقلیم منطقه مذکور نامیده میشود .

این شعبه یک رول بسیار عمده در انکشاف علم میترولوژی بازی میکند .

۶- ایرو لوژی : علمیه است که از عملیه های اتموسفر آزاد تر کیب ، ساختمان و جریانات هوا در طبقات و ارتفاعات بلند بحث میکند .

این شعبه در انکشاف علم میترولوژی عصری رول مهمی دارد و قتیکه مشاهدات توسط راکت ها جوی فزیک و میترولوژیکی اعمار مصنوعی ، استیشن های اتومات کیهانی کشتی های فضائی استیشن های اتومات بین سیارات شروع شد ، مطالعه

و تحقیقات اتموسفر را تا چندین هزار کیلومتر ممکن ساخت. در سال‌های اخیر عملیه‌های فزیک‌ی این طبقات را بنام ایرونومی یاد میکنند.

۷- میترولوژی زراعتی (اگر ومتر و لوژی):
علمیست که حوادث میترولوژیکی را از نقطه نظر زراعت و تولیدات آن مطالعه تحقیق میکند این شعبه هر روز طرق جدید را برای پیشگویی به دهاقین و زمینداران مطالعه و تحقیق میکند.
۸- بیومیترو لوژی: این شعبه میترولوژی تأثیرات حوادث میترولوژی را بالای انسان و دیگر زنده جان‌ها مطالعه و تحقیق میکند.

۹- میترولوژی هستوی: عبارت است از مطالعه و تحقیق رادیواکتیف مصنوعی، رادیو اکتیف اتموسفر، رادیو اکتیف آلوده و تأثیرات انفجارات هستوی هسته حرارتی در فضا در سال‌های اخیر این شعبه میترولوژی، توجه خاصی علمار را به خود جلب نموده است.

۱۰- رادیومیترولوژی: در سال‌های اخیر مطالعه و تحقیق وسیع درباره تأثیرات حوادث میترولوژی بالای انتشارات امواج رادیویی در اتموسفر و همچنین تحقیق عملیه‌های اتموسفر به کمک رادارهای میترولوژی صورت گرفته است. و این شعبه را بنام رادیومیترولوژی یاد میکنند.
نظر به پیشرفت تکنولوژی علم میترولوژی در تمام ساحه‌های فعالیت بشر بحیث یک علم جداگانه تباروز نموده و از خود شعب متعدد دارد که هر کدام آن جوانب مختلف زندگی انسان را بطور مشخص برسی مینماید. بطور مثال، میترولوژی بحری، میترولوژی قطبی، میترولوژی ساختمانی، میترولوژی سیارات مترو لوژی طبی، میترولوژی ترانسپورتی... و غیره

بناغلی سلطان جان (کلیوال)

د تعلیمی غند د توپچی کندک دلومری بطری افراد!
ستا سو (دزمانی عسکرته) ادبی پارچه موولوستله او حقیقته
یوعالی اثردی چه په در ناوی ئی چاپ اوستاسو د همکاری نه
تشکر کوو :

دوطن په پاکه مینه، تیر له مال شه هم له سره

مه ویر پیره له اجله، ای دملک غوانه عسکره!

دوطن نجونی به خانندی، که دینم غنی په شاشوی
کپری به داخونه و بیچاره که په تمه د سبا شوی
لاس په خپله توره کیده، چی په بل باور ونکړی
که چاچه دبل په زور شوی، و پوهیره چی تالاشوی
رسیدن شرطدی منزل ته، د همت په لور په پوله

بس پتنگ دی هلته بولم، چی په شمعده دی شیداشوی
د ناموس په سردی وزی، برچه نیغه له تهره
مه ویر پیره له اجله، ای دملک غوانه عسکره!

دژوندون په فلسفه کی، ته خاوند د بیل نظام ئی
دوختو په ترانه کی، ته مین په یو مرام ئی

شه بقا دی انسانیت ته، خو کیدار هره شیبه کی
ناروا په تا ژوندون دی، که بی غم ئی یا آرام ئی

دجهان له هره کونجه، دظلمت پردی کپه لری
که قبله دامنیت ته، د دنیا د خاص و عام ئی
قافله دنوی ژوند کپه، انسانیت ته برابره!
مه ویر پیره له اجله، ای دملک غوانه عسکره!

کونډی رندی په ویتنام کی، یتیمان په افریقا کی
دظلمت په لمبو سوی، په لاتینه امریکا کی
مخه په غتو سترگو گوره، درپه در خواره وگری
صیهو نیزم هلاک کپری، د عربو په دنیا کی
د پښتون، بلوڅ په خوښه پروت بچی دستعمار دی
ډیر وریت شوی انسانیت دی، مفشنه اروپا کی
تیری ټولی گلوډی کپه، په دنیا کی له نظره
کپه دصلحی نړی جوړه، دانسان زویه عسکره!

د نړی مظلومان خلک، عدالت درغنی غواړی
په یو غوورغنی ژوندون کی دامنیت درغنی غواړی
چی لوټ کپری استعمار دی، دبشر له ذهنه و فکره
تش په نوم بانندی انسان نور، انسانیت درغنی غواړی
دغیرت ملا کپه ټینگه، د بشر د خیر د پاره
پیدا شوی چی شریف دی، شرافت درغنی غواړی
ای دظلم گذاروته، کرامت نه جوړه غره!

کپه دصلحی نړی جوړه، ای دصلحی پیغمبره!
پیوستون ته وکپه هغه، د نړی دانسانانو
میلمانه چی وی خپل کور کی، دهغی خوار وکسانو
ته انسان دزمانی ئی، استبدادله، یو ټکان شه
استعمار ټوټی ټوټی کپه، غابښ ورمات کپه دلیوانو

چی په بلده سترگه گوری، خو ک دبل ناموس آبروته
یوسور تندر د آسمان شه، پدی رنگه چا که مارانو
دانپری دی کپه آبا ده، دجهان اصلی رهبره!
دوطن باتور بیچه، د مظلومو د زړه سره!
یا په خپلو وینو رنگ کپه، دژوندون دگلو، و نه

په ناموس بانندی شهید شه، دتیری د سردبښنه
یادبښمن دآزادی کپه، تورو خاورو سره خاوری
یا نیمگری ژوند ته شاکپه، کله واخله له وطنه!
چی دبل په حق پښه پردی، دغاصب سترگی رندی کپه
په مظلومو راخوره کپه، دآزاد ژوندون لمنه!

د نړی له ټولو خلکو، « کلیوال » ته معتبره
کپه ناره دظلم ورکه، دنیا له هر ټبره!
ټولی تیری گلوډی کپه، په دنیا کی له نظره
کپه دصلحی نړی جوړه، دانسان زویه عسکره!

(بقیه در صفحه ۱۰۲)

په اجتماعي، اقتصادي او دملی فرهنگ په چارو کی

(۵ د مخ پاتې)

او ټولنی په نزدکی تر هر چا زیات وی بحکه همدا ښوونکی دی چه د وطن ماشومان او ځوانان د ټولنی د جوړولو او سمبالولو لپاره روزی که یوه ټولنه نیکمرغه کیږی او د پرمختګ او تکامل پړاو ته یو په بل پسې وهی هغه مربوط پدی دی چه په ټولنه کی څومره پوه با تعلیمه ، وطنپرسته او با ایمانه او په وظیفی مین خلک او ځوانان شته که په ټولنه کی ددغو ډلو شمیر زیات وی ټولنه هم انکشاف او تکامل کوی او که ندوی انکشاف او تکامل هم مینځ ته نشی راتلای . نوددی د پاره چه هیواد آباد او مسورشی نو د ښوونکی مسؤولیت او مکلفیت چه حقیقی پوهنه د وطن بچیانو ته ورزده کړی او دهیواد ځوانان داسی وروزی چه د هغو سره د مسؤولیت احساس موجودی بحکه د پوهنی ډیوه د ښوونکو لخوا زده کوونکو ته انتقال موسی او زده کوونکی دپته چمتو کوی چه د ټولنی د سبا ورځی د مهمو چارو و اگی په لاس کی ونیسی نو په همدی مناسبت دی چه په داسی نړی کی د هر څه نه زیات تل دا هڅه کیږی چه د خپلو ځوانانو د ښی تعلیم او تربیی په خاطر نوی لیاری او چاری ولټوی تر څو ددوی ځوانان دینی سویی او تعلیم ځوانان شی نوددی دپاره چه زمونږ د ټولنی ځوانان هم ښه وروزل شی پکار دی چه زمونږ شوونکی د خپلی سویی دلورولو لپاره هر راز هلنی وځلی و کړی او یواځی او یواځی په رسمی تعلیماتو ا کفا ونکړی . بحکه پوهه او علم ورځ په ورځ د علمی تحقیقاتو په اثر انکشاف موسی او د تکامل خواته دروسی نوددی دپاره چه زمونږ ښوونکی هم دجهانی نویو معلوماتو څخه مستفیده شوی وی او خپل ځانونه بی داسی علمی پرمختګو سره سمبال کړیوی نولومړی خود مسؤولو مقاماتو وظیفه ده چه د کورسونو اوسمینارونو په جوړولو سره دغه نوی علمی پرمختګونه استادانو او معلمینو ته عرضه کړی او هم دی پدی هکله گټور نوی علمی کتا بونه دهیواد په کتا بخانو او نورو علمی مرکزو کی د علمی کتبی اخستلو په خاطر چمتو او تهیه کړی . په همدی توگه په خپله استادان او ښوونکی هم باید په خصوصی توگه د څیړنی او مطالعی له لیاری خپل علمی سویه جگه کړی . بحکه د علم زده کول ځانته حد او حصر نلری او که د ژوند تر پایه پوری هم زده کړی ته دوام ورکړشی بیا هم په انسان کی د علم د زده کولو شور او شوق لاپسی پیاوړی کوی او د انسان معنوی فضیلت لاپسی زیاتیری او په ښه توگه کولای شی چه خپلو شاگردانو ته نوی علمی معلوما تونه

نودغه ضرورت دی چه مخ په انکشافه هیوادونه چه دملی او مترقی نظامو ځوانان دی مځکی لدی چه ددغه رهگذره ددوی ټولنه متضرره شی د خپلو ټولنو د ژوندانه ټولی چارو ته علمی مینا ورکوی بحکه نننی نړی دسیانس او تخنیک نړی ده که دیوی ټولنی ټولی چاری په علمی شکل سره دسیانس او تخنیک په رڼا کی پرمخ لاړی نشی یوه ټولنه نشی کولای چه تکامل او پرمختګ و کړی په حقیقی توگه دغه پرمختګ او تکامل د علم او پوهی په رڼا کی منځ ته راتلای شی او بس علم تخنیک او پوهه هم د ښوونکو پوسیله په ټولنه کی تعمیم او خپریری نودلته یو ځل بیا په اوسنی عصر او شرایطو کی د ښوونکی نقش او رول مخصوصاً په بیرته پاتی او مخ په انکشافه هیوادو کی زږپته زیات دی بحکه په مخ په انکشافه هیوادو کی چه اکثریت خلک دسواد او پوهی د نعمت څخه محروم پاتی شوی دی دغه اکثریت د هر ډول لارښوونی یا ملرنی او حمایتی ته اړدی بحکه همدا ښوونکی دی چه د ټولنی اکثریت خلک په یو صحیح او منطقی خواته رهنمایی کوی او دویته دسواد او پوهی رڼا خپروی او د ژوندانه واقعیتونه او حقیقتونه خلکو ته زده کوی .

نود همدی واقعیتو په خاطر دی چه په ټوله نړی کی د ښوونکی نقش ورځ په ورځ پیاوړی کیږی او ټولنه او خلک د معلم دویارنی پخاطر د هر راز پرزوینی څخه ژغورنه نه کوی او تل د ښوونکی د مقام او معنوی ارزښت نه مننه کوی نو همدا وجه ده چه زمونږ په ټولنه کی هم هر کال یوه ورځ د ښوونکی دستایلو په خاطر ټاکل شوی او په شاندارو مراسمو سره دغه ورځ نمانځل کیږی . نوددی دپاره چه لانور هم د ښوونکی مقام په ټولنه کی ستایل شوی وی دهیوادو ټولو مسؤولو مقاماتو وظیفه او مسؤولیت دی چه د ښوونکی د معنوی او مادی ژوند د ښه کولو لپاره جدی توجه وشی بحکه دغه ډله چه د ټولنی ماشومان او ځوانان د علم په معرفت پوهی او ددوی ذهنیتو ته وده او انکشاف ورکوی او همدارنگه په بل عبارت د ټولنی ځوان نسل دهیواد د خدمت کولو لپاره چمتو کوی په حقیقت کی یوه ستره او مهمه وظیفه سر ته رسوی نولازمه ده چه د ټولنی ټول وگړی د زړه له کومی د ښوونکی د مقام نه په بیساری ډول ستاینه وکړی .

همدارنگه په خپله ښوونکی چه د ټولنی غړی دی او په ټولنه کی ژوند کوی دده مسؤولیت او مکلفیت هم دهیواد

ورکړی . ځکه په ښوونځی او پوهنځی کی ټول شاگردان هغو استادانو او ښوونکی ته د زړه له کومی احترام کوی چه د ډیرو علمی معلوماتو خاوندوی او هغه ښوونکی او استاد چه و کولای شی په ښه توگه درس او تعلیم خپلوشاگردانو ته ورکړی په خپل اجتماعی ژوندکی تل بریالی اوسی اوسترو علمی مرتبونه رسیری .

دعلم په څنګه کی د ښوونکو ښه سلوک، عدالت، سره سینه او داسی نورهم د خورا اهمیت وړدی ځکه تل هغه ښوونکی په خپلو وظیفو کی بریالی دی چه ددغو صفاتو خاوندان وی . د ښوونکی بل غوره صفت دادی چه و کولای شی علمی، فلسفی، اقتصادی او اجتماعی مفاهیم په ښه مضمون او ښه کلام سره خپلوشاگردانو ته را نقل کړی اود شاگردانو معقولو سوالو ته صحیح او منطقی جواب وواپی ځکه ډیر بل لیدل شوی هغه شاگردان چه دخپلو ښوونکو نه معقول او صحیح سوال کړی وی استاد او ښوونکی چه د ښو صفاتو خاوند او پوه وی دغه رنگه شاگردان پری گران وی او دوی لاپسی تشویقوی چه نورهم سوالونه وکړی پدی توگه که زموږ ښوونکی په صنف او نورو محایو کی خپلو شاگردانو ته موقع ورکړی چه دخپلو درسی او تعلیمی ستونزی دلری کیدو لپاره پوښتنی وکړی او جواب یی واخلی زموږ د ټولنی د پوهنی دپاره به ډیر گټور ثابت شی ځکه که استاد یا ښوونکی په ورین تندی د شاگردانو هر سوال ته په موقع جواب ورکړی پرته لدی چه د شاگردانو علمی سويه پیاوړی کیری په شاگردانو کی اخلاقی جرئت پیدا کیری او په مرورد زمان سره د ښاگردانو دافاده او مناقشی قوت زیاتیری او پدی توگه د ښاگردانو ښوونکی په منځو کی دصمیمت فضا منځ ته راغی او هم ښاگرد او هم ښوونکی ته د امینه پیدا کیری چه په پوره شوق او ذوق سره تعلیمی او درسی چاری د عصر د ایجاباتو سره سم مخکی بوزی.

ځکه بیا وایو چه د بشری ټولنی داوسنی مدنیت اساسی ستنی د ښوونکی د عاملا نه نقش اورول په اثر منځ ته راغلی او نیکمرغه او بختوری هغه ټولنی دی چه ښه پوه او با مسؤولیته ښوونکی لری او په ډیر درناوی سره دخپلو ښوونکی نماښنه او احترام کوی ځکه پرته د ښوونکی دلار ښووننی نه یوه ټولنه نشی کولای چه په اجتماعی، اقتصادی فرهنگی او سیاسی او نورو چارو کی پرمختګ او تکامل

وکړی او پدی هکله په تیر کال کښی دا انقلاب لار ښود داسی فرمایلی دی! «په اجتماعی، سیاسی اقتصادی او دملی فرهنگ په چارو کی د بشری ټولنو د ترقی او پرمختیا بنسټ د ښوونکی په واسطه ایښودل کیری . او د بشر د سالم تفکر په قوت او د پوهی په زور د مقصود پراوته رسیری» .

په رښتیا سره ترخو چه د ټولنی اقتصادی، اجتماعی او سیاسی چارو ستونزی او نیمګړتیاوی د علم او پوهی په زور او قوت سره د منځه لاړی نشی بله هیڅ قوه نشی کولای چه دغه نیمګړتیاوی او ستونزی له مینځه یوسی که دی مطلب ته ښه په بحیر سره متوجی شو حقیقت هم همدغه دی ځکه موږ د تاریخ په اوږدو کی ډیر بل لیدلی په هغه ټولنو که چه د علم او پوهی ښه پرمختګ کړی وی، اقتصادی، اجتماعی او سیاسی ستونزی او نیمګړتیاوی هم لری وی برعکس په هغو ټولنو کی چه علم او پوهنی وده او تکامل نوی کړی د ژوندانه په مختلفو اړخو کی ډیر کړاوونه او ستونزی هم موجود وی. اود بلی خوانه همدا اوس په بیرته پاتی هیوادو کی چه په حقیقی توگه علم او پوهی انکشاف ندی کړی په زرهاوو ستونزی او اجتماعی نیمګړتیاوی شته اود ټولونه مهمه دا چه په سلها ووزرو تنو ددغو ټولنو کی خپل ژوند د کورنیو جګړو پخاطر له لاسه ورکړی. ځکه هغه عناصر چه علم او پوهه نلری په آسانی سره دخارجی اوداخلی ارجاعی قوتوله خوا استخدامیری اود هغو دشومو مقاصدو دلاسته را وړلو لپاره ناکامه هلی، بلکی کوی. نو په هر صورت په اوسنیو شرایطو کی که په یوی ټولنه کی علم او تخنیک انکشاف او تکامل ونکړی پرته لدی چه اجتماعی عدالت منځ ته نشی راتلای ددی ټولنی خلک نشی کولای چه دخپلو طبیعی مادی او معنوی نعماتو څخه گټه واخلی همدا رنگه په دی ټولنو کی فقر، مرض، وزگاری په خپل ټول شدت سره دخلکو ژوند دتباهی کندی ته غورځوی . نو پدی اساس ددی بد بختیو دلیری کیدو دپاره د پوهی او علم انکشاف او تصمیم دلایقو او مجربو ښوونکی پوسیله په ټولنی کی ترسره کیدای شی او پدی هکله دا انقلاب لار ښود په خپل سړنی پیام کی د ښوونکی دورحی په مناسبت فرمایلی دی! «معلمان تأمین کنندۀ گوهر حیثیت انسانی، معماران تحولات عظیم جهانی، تهداب گذار تمدن‌ها، و عامل ترقی جوامع بشری میباشند و آنچه را نبوغ بشری طی هزاران سال در ساحات اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی، کلتوری حاصل نموده است، معلمان در ایجاد آن سهم فعال داشته اند.

ددی واقعیت په بناء همدا ښوونکي ده چه دبشري ټولني دنیکمرغه کولو دپاره یی دتاریخ په اوږدو کی یی په ملیونو تنه پوهان، لیکوالان، طبیبان، انجنیران، محققین، اوداسی نور دخپل پرعظوفته لمن کی روزلی او ټولنی ته یی وړاندی کړی. لکه که د نړی د پوهانو، نوابعو او نورو علمی شخصیتو کارناموته یو سطحی نظر واچوو دا حقیقت راته په گوته کیږی چه دغو ټولو دخپل ژوندانه په مختلفو پړاوو کی ښوونکی اواستاد درلود او هیڅ داسی ندی لیدل شوی چه یو پوه او یا یو نابغه او یا یو علمی شخصیت بدون همدا ښوونکی اواستادان وه چه لومړنی زده کړی یی خپلو شاگردانو ته ورښودلی او بیا وروسته دصحیحی او سالمی روزنی په اساس دبشري ټولنی علمی شخصیتونه اونوابعمنځ ته راغلی اوبیایي دنړی دتمدنوواتاریخ جوړ کړیدی اوبه خپلو علمی تحقیقواوابتکارو سره دپخوانی ژوند څیره کاسلا" اړولی اودژوندانه په مختلفو اړخو کی یی غوره اوبنیادی مثبت بدلونونه راوستلی دی.

نواوس چه زمونږ په ټولنه کی هرکالیوه ورغ دښوونکی دنمانځنی دورغ په نامه په ټول هیواد کی نمانځل کیږی او تازه د اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگي چارو دسمونتیا لپاره بنیادی هلی محلی شروع شوی زمونږ د هیواد د ټولو خلکو مخصوصاً روشنفکرو ډلو اومسؤولو مقاماتو، اساسی وظیفی اومسؤولیتونه دی چه په رښتیا نی توگه داستاد اوشوونکی دمقام څخه مننه اوویارنه وکړی اویدی هکله دی دهیڅ راز معنوی او مادی مرستی څخه بحان ونه ژغوری اودښوونکو څخه دی داسی احترام اومننه وکړی چه ددوی مقام سره مناسب وی لکه چه زمونږ ملی لارښود فرمایلی دی: «در فرهنگ ملی وسنن دینی ما، معلم مقام شامخ دارد. واحترام به مقام معلم، ازعنعنات برجسته ملی ما میباشد وما این میراث سالم وارزشمند کلتوری خود را نیک حفظ میداریم. وبه نسل های آینده امانت میسپاریم.»

دښوونکی دمقام څخه ستاینه څرنگه چه زمونږ ملی رهبر ویلی زمونږ پر ټولو خلکو مخصوصاً محصلینو اوشاگردانو باندی ده چه په صادقانه توگه دښوونکی احترام وکړی اوددوی دلارښوونو اودرس ویلو څخه اعظمی گټه واخلي

اودزدکړی موده چه دژوندانه دحساسو مرحلو څخه شمیرل کیږی ښه اساس اوبناء ورته ورکړی لکه همدا دزده کړی موده ده چه داشخاصورا تلونکی ژوند اوسرنوشت معلوموی. محصلین اوشاگردان هغه وخت چه په زدکړو یوخت دی باید خپلی زده کړی دعصر دایجاباتو سره سم اودملی اړتیاوو په اساس زده کړی اودتحصیل دفرصت نه په زړه پوری مستفیده شی اودښوونکی، فرهنگ اودپوهی په زور دخپلی ټولنی اوخلکو دنیکمرغه کولو لپاره صادقانه خدمت وکړی.

(بقیه ما و همکاران قلمی)

ښاغلی شاه امیر فروغ عسکر ټولی استحکام کنديک مختلط غنډ تعلیمی! (شعر آشیان آرزو) اثر طبع شمارا خواندیم واینک آن را از ملاحظه خوانندگان مجله اردو می گذرانیم :

چهره ها مغرور
بازوان پرزور
چشم ها همچون عقاب تیز بال و پر فشان -
پرنور
*

سینه ها از شور و مستی شاد
دل زغم آزاد
ونام پاک میهن باد و صد مستی
شاد می لغزد بگوش هر یکی باشورو با فریاد.
*

گرد هم شادان ستاده چون ستیغ کوه
وه جوانان هر طرف مغرور
یکی سرشار از عشق وطن خواهی
بادل پر آرزو، هم چهره پرنور
شاد آموزد طریق حفظ ناموس وطن را
همچو مستی آفرین افسانه های دور.
*

هیچ میدانی چه جایی باشد اینجا؟
این مکان قدس و تابناک؟
باشد اینجا « غنډ تعلیمی »
آری اینجا، این مکان پاک!
*

وه که اینجا آشیان آرزوی مردمان ماست
واینان، این جوانان
آرزوهای نظام نوجوان ماست.

از ابتدای که بشرها بعرضه وجود گذاشته تاکنون به خطرات گوناگون محیطی مواجه بوده و این خطرات عوامل مختلف را احتوا مینماید که زندگی انسانها را بیرحمانه تهدید میکند، خصوصاً در این عصریکه وسایط نقلیه، موجودیت فابریکه ها و غیره مؤسسات تولیدی روز افزون است زمینه آلودگی محیط زیست را مساعدتر ساخته و حتی خوف آن میرود که روی کره زمین را چنان مسموم کند که هیچ موجود زنده نتواند به حیات خود ادامه بدهد. این آلودگی منحصر به دود و گازات فابریکه ها و وسایط نقلیه نبوده بلکه در پهلوی آن بسا وسیله های مسموم کننده دیگری هم وجود دارد، خصوصاً در ممالک پیشرفته که محصولات متنوع را تولید میکنند از آنجمله مواد غذایی کانسرو شده است که با وجود رساندن منفعت عواقب وخیم و ناگوار را نیز با خود میآورد که آلودگی محیط زیست است زیرا بقایا و مواد اضافی آن که روزانه میلیونها قطی آن به مصرف میرسد محیط را فاسد میسازد. همچنین سروصداهای فابریکه ها و وسایط نقلیه، و واقعات ترافیکی، فقدان آب مشروب صحتی عدم رعایت حفظ الصحه در خوراک پوشاک و مسکن و خشک سالی ها که همه این ها باعث اخلاص محیط زیست بشر میگردد. برای جلوگیری از آن و مهیا شدن یک محیط مساعد برای امر احیای بشر مؤسسه ملل متحده

محیط زیست

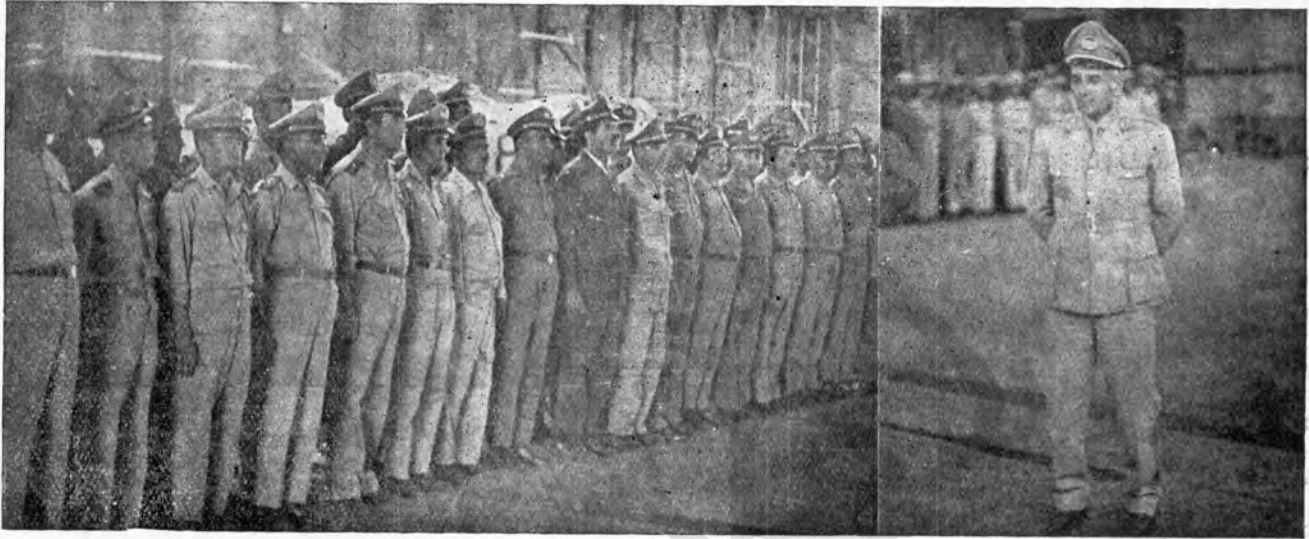
نوشته: راز

تاریخ ۵ جون را که مصادف به ۱۵ جوزا میشود بنام روز جهانی محیط زیست شناخته است، تا همه را متوجه خطرات آن بنماید.

پس وجبیه هر فرد وطن دوست است تا در ایجاد محیط سالم از هیچگونه سعی و تلاش دریغ ننموده و برای از بین بردن این دشمن بزرگ مجاهدت نمایند، تا از خطر شیوع بیماریها و ظهور مرگ های نا به هنگام که یگانه عامل آن غیر صحتی بودن خوراک، پوشاک و آبهای آشامیدنی و فضای مسموم شده رهایی یابیم. یگانه نیروی که به این دشمن تباہ کننده غلبه میکند و آنرا نابود میسازد همین انسان است پیش از آنکه در چنگال این دشمن نامرئی دراثیم باید آنرا از بین ببریم، و برای بهبود خود و سلامت جامعه خود از هر طریقیکه میسر شده میتوان در این راه بذل مساعی نموده و مصدر خدمات ارزنده گردیم که البته این مأمول را نخست از خانواده خویش شروع نموده و بعد آنرا در قریه و بازر در شهر به همین ترتیب در کشور تعمیم بخشیم که البته نقش افراد و مؤسسات مسئول در این زمینه بسیار مهم است که باغرس نهالها، پاکسی و صفایی محیط تدابیر مؤثر جهت جلوگیری از آلوده شدن محیط و همچنان تطبیق موثر نتایج حاصله علما و متخصصین مربوط در این مورد میتواند که یک محیط سالم و قابل پرورش را برای هموطنان ما آماده و میسر سازد.

بازدید از تطبیقات قوای هوایی

و تعلیم و تربیه قول اردوی کندهار



تورنجنرال غلام حیدر رسولی لوی درستیز هنگام ایراد بیانیه در میدان هوایی کندهار

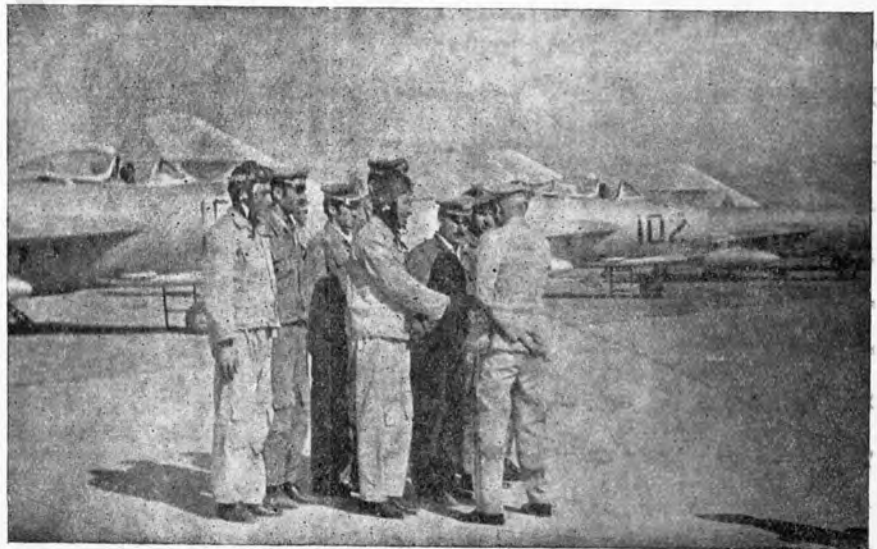
از صاحب منصبان قول اردوی کندهار
اشترک ورزیده بودند.

بناغلی لوی درستیز بعد از ختم
تطبیقات خطاب به صاحب منصبان
قوای هوایی ومدافعه هوایی گفت:
رفقای عزیز قوای هوایی و
مدافعه هوایی!

خیلی هامسرورم از اینکه شمارا
از نزدیک ملاقات میکنم، شما که عضو
حساس وستون فقرات اردو را تشکیل
میدهد و طیفه نسبتاً سنگین تری را به
عهده دارید پس به اساس آن در حصه
پیشبرد وظایف محوله خویش نسبت
به همه جدی و کوشا باشید و علاوه
رهمبر ملی افغانستان بناغلی محمد داؤد
به قوای هوایی و مدافعه هوایی
اردوی جمهوری چه از نگاه پرسونل
و چه از نگاه وسایط توجه خاصی دارند
تا این عضو حساس اردو تقویه بیشتر یا بد.

برای مشاهده آن تورنجنرال غلام
حیدر رسولی لوی درستیز و هیأت
میعتی شان، دگر جنرال محمد عظیم
قوماندان قول اردوی کندهار وعده

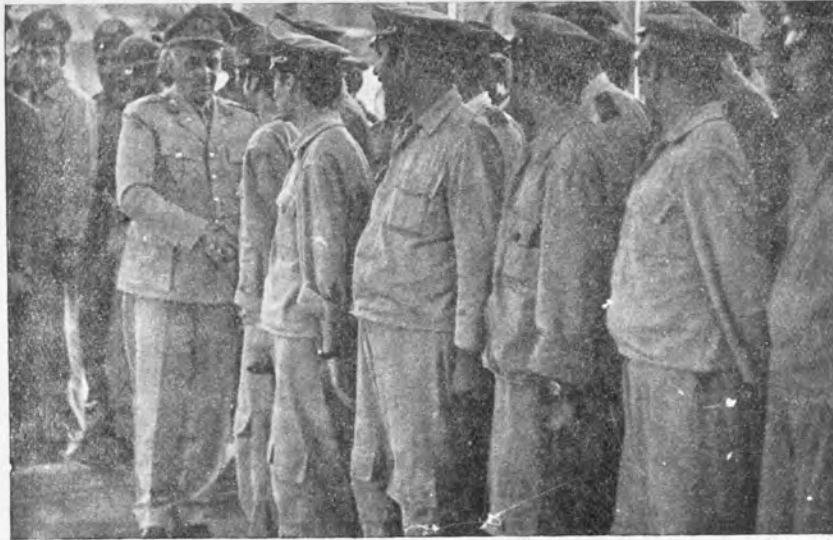
باساس پلان تقویمی طرح شده
بتاریخ ۳۰۲ جوزا ۱۳۵۵ از طرف قوای
هوایی کندهار تطبیقاتی صورت گرفت
که در نوع خود جالب و دیدنی بود.



تورنجنرال رسولی در حال مصافحه با پیلوتان

من ورفقایم با معیت قوماندان قول- اردو و قوماندان قوای هوایی و مدافعه هوایی مساعی شمار از نظر به پلان تقویمی که از مقام ستر در ستیز داده شده کاملاً مشاهده کردیم و دیدیم که مساعی خویش را به حسن صورت انجام دادید و از این اجراءات نیک شما اظهار امتنان و تشکر میکنم. اما توصیه من بحیث یک برادر برای شما جوانان اینست، چون در راه اجرای وظایف مسئولیت بیشتر و سنگین تر دارید باید مساعی و فعالیت های شما نیز زیادتر باشد و از روی ایمان داری و صداقت تا جای که توان دارید در راه خدمت بوطن و سعادت مردم افغانستان و بهبود اردو از هیچگونه خدمت و فداکاری دریغ نورزید.

تورنجترال رسولی در اخیر از مساعی قوای هوایی و مدافعه هوایی در تطبیقات تشکر نموده و بپاداش آن مکافات نقدی معتنا بهی اهدا نمود که



تورنجترال غلام حیدر رسولی هنگام مصافحه با صاحب منصبان قوای هوایی کندهار

با کف زدنهای معند ابراز خوشنودی نمودند.

دگر جنرال محمد موسی قوماندان قوای هوایی و مدافعه هوایی از تشریف آوری و نوازش بناغلی لوی- در ستیز اظهار امتنان و قدردانی نموده

و افزود که ما همه تحت رهبری بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم افغانستان در هر گونه شرایط و موقعیت برای حفظ خاک و تعالی افغانستان آمادگی کامل داریم و وظایف محوله خویش را بطور اعظمی به وجه، حسن انجام میدهیم.

هم چنین دگروال دین محمد قوماندان قوای هوایی و جگرن عبدالقهار قوماندان هوایی کندهار هر کدام آمادگی خویش را در اجرای هر نوع وظایف که برای رفاه و خیر افغانستان باشد ابراز کردند.

بتاریخ ۲ جوزا ۱۳۰۵ حضرات محار بوی گرفته شد یعنی بعد از گرفتن اشاره الارم از محل قومانده اساسی غند شکاری، کندک خفیف دافع هوا و کندک رادار برای حضرات محار بوی آمادگی گرفتند و هر کدام از مرتبات و وظایف محوله خود را مجدداً پیش بردند.



بناغلی لوی در ستیز هنگامیکه اساسات اهداف را بروی پلان شیت ملاحظه میکنند

قوماندان هوایی ، قرار محاروبی خود را قرائت و علاوهً در حصه وظائف محاروبی پیشنهادات خورا تفصیل داد که از طرف قوماندان قوای هوایی مطالعه و در نتیجه قرار مذکور را منظور نمود .

* * *

بتاریخ ۳ جوزا که مرحله عملی و نهائی تطبیقات بود ، تورنجنرال غلام حیدر رسولی لوی درستیز و همراهان شان بمیدان هوایی کندهار تشریف آورده ، محل قومانده پرواز را مشاهده نمودند و در ضمن قوماندان گارنیزیون هوایی کندهار راجع به مسئله داده شده توضیحات لازم را عرض کرد .

بعداً بناغلی لوی درستیز نوکر یوالهای پرواز را معاینه و از پیلوتان سوالات لازمه نمودند به همین ترتیب دستگاه ارتباط میدانها ، شعبات قرارگاه غند ، دیوهای اسلحه و مهمات عمومی



بناغلی لوی درستیز در محل قومانده مشترك توضیحات دگرمن محمد یعقوب مدیر اوپراسیون مدافعه هوایی را درباره تطبیقات استماع میفرمایند

سرانجنیر و انجنیر تورن عبدالحق آمر مخابره .
بعد از استماع قرار و راپور قوماندانان و آمرین مربوط ، جگرن عبدالقهار قوماندان غند هوایی کندهار پس از اخذ وظیفه از طرف

دگروال دین محمد قوماندان قوای هوایی راجع به مفکوره تطبیقات برای حاضرین توضیحات داد و بعد از مواصلت به میدان ، از پیلوتان درباره احضارات شان پرسش های نمود . و از هر کدام جوابات درست شنیده شد .

سپس مدعوین در سالون میدان هوایی اجتماع نمودند و راپورها و قرار محاروبی صاحب منصبان اشترک کننده تطبیقات را استماع نمودند صاحب منصبان نیکه راپور و قرار محاروبی را بطور شما تیک تشریح دادند عبارت بودند از : دیپلوم انجنیر ولی محمد قوماندان رادار کندهار ، دگرمن عبدالحبیب قوماندان قطعه ۲۱۸ دافع هوای کندهار ، جگرن احمد شیر رئیس ارکان غند میدان هوایی کندهار ، جگرن محمد صادق آمر میدان ، جگرن نعمت الله آمر محل غند ، دیپلوم انجنیر جگرن ملنگ

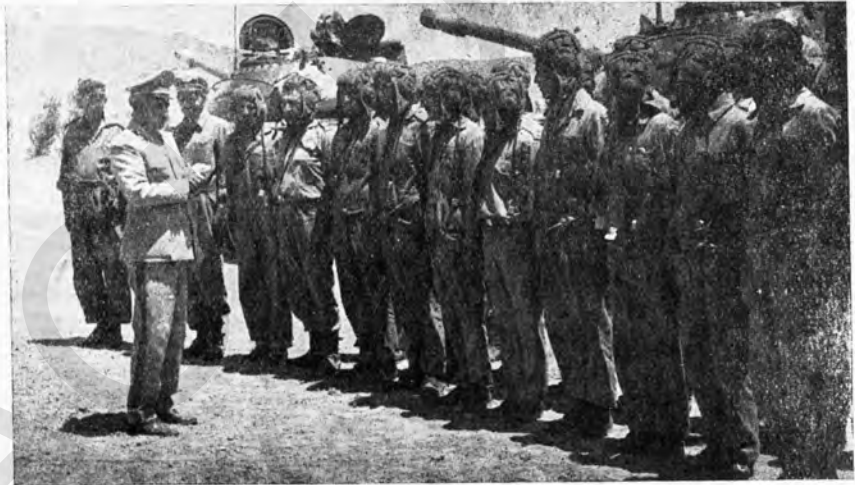


بناغلی لوی درستیز هنگام استماع توضیحات یک تن از صاحب منصبان قوای هوایی



تور نجنرال غلام حیدر رسولی هنگام استماع توضیحات قوماندان قوای رادار-
کندهار در محل قومانده مشترک

در آنجا سلاح کوت بلوک مخا بره ،
سانترال و ارتباط بی سیم و دایره تولى
قطعه ۳۴ را مشاهده نمودند علاوه
از کندک تانک قوای «۷» زره دار
دیدن کردند و جهت اطمینان، برای
کندک مذکور قومانده فعالیت داده
شد و طوریکه مشاهده شد همه فعال
و قابل اطمینان بودند. ضمن مشاهدات
از صورت تعلیم و ترییه افراد کندک
های مذکور نیز بازدید بعمل آمد



بناغلی لوی درستیز هنگام بازدید از مرتبات کندک تانک مربوط
قول اردوی کندهار



اهداف دفع و طرد هوانی را بروی
برده اندیکا تور عملاً مشاهده نمودند
به همین ترتیب توسط دگرمن ولی محمد
قوماندان رادار کندهار در باره پلان شیت
وضعیت عمومی و پلان شیت ساحه کشف
و اساسات آن معلومات داده شد .
بعد از بازدید محلات فوق رهسپار
قشله جدید قول اردوی کندهار شدند

بناغلی لوی درستیز هنگام بازدید
از محلات قشله جدید قول اردوی
کندهار



از اینکه افراد کندک مذکور در اجرای وظایف محوله و سوالات که از آنها کرده شد موفق بودند مورد مکافات نقدی واقع گردیدند. سپس بناغلی لوی درستیز به قرار گاه قول اردو حرکت و بعد از مواصلت احترام گارد تشریفات را قبول و آنرا معاینه نمودند.

دگر جنرال محمد عظیم قوماندان

قول اردوی کندهار ابتدا تشریف -

آوری بناغلی لوی درستیز و همراهان

شانرا خیر مقدم گفته و افزود :

قوای کندهار با تمام نیرو و توان

خود برای هر گونه وظائف جهت

تعالی افغانستان عزیز حاضر و آماده

است، و آرزوی ما جز این نیست که

تحت لوای جمهوریت و رهبری بناغلی

محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم

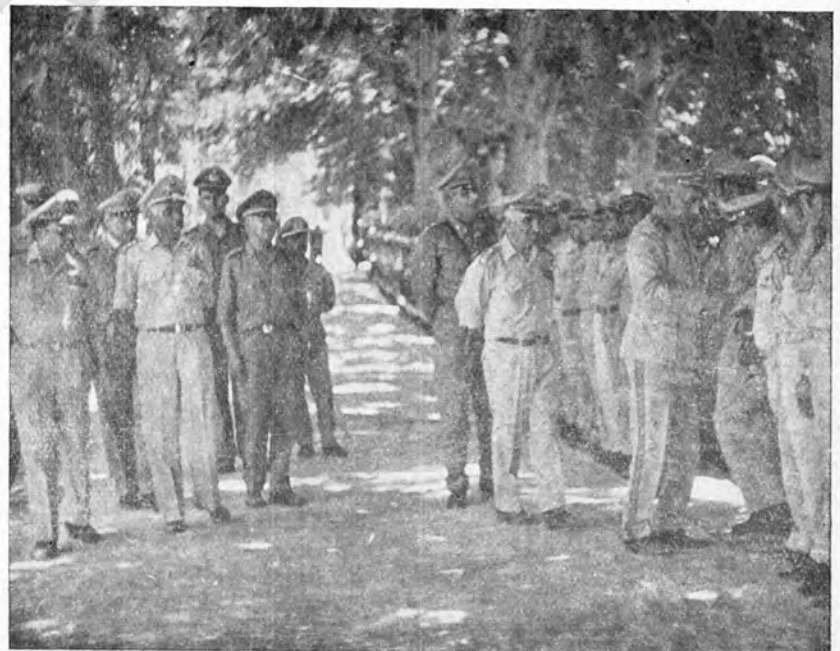
و رهنمائی های مقام ستر درستیز به

مدارجیکه خواسته هر فرد وطن دوست

است نایل گردیم. از ابتدائیکه من

تور نجنرال
رسولی لوی
درستیز در حالیکه
از یک تن افراد
قول اردوی
کندهار سوالات
می نماید

بمحیت قوماندان این قوا مؤظف شده ام
همه منسوبین آنرا مردان شریف و
فداکار یافته ام و تماماً در اجرای
وظایف خویش شب و روز مساعی بخرج
میدهند و با صداقت و ایمان داری در
پیشبرد آن کوشان هستند. دگر جنرال



تور نجنرال غلام حیدر رسولی
لوی درستیز هنگام مصافحه
با صاحب منصبان قول اردوی
کندهار.



قوماندان و آمرین شامل تطبیقات
هنگام قرائت راپور و قرار محار بوی
در میدان هوائی کندهار



بناغلی لوی درستیز در حالیکه افراد قول اردوی کندهار را مورد نوازش
قرار میدهند



برادران عزیز محترم!
من و همکاران من که رؤسای
وزارت استند به اساس پلان مرتبه
که عبارت از واری و بازدید قطعات
اردو میباشد، خواستیم که از قوای
هوائی و قوای کندهار دیدن کنیم
و غایب اصلی ما عبارت از واری از

محمد عظیم بیانیه خویش را با شعار
پاینده باد افغانستان، پاینده باد
استقلال افغانستان و سر بلند باد اردوی
جمهوری افغانستان خاتمه داد.
سپس تورنچرال غلام حیدر رسولی
لوی درستیز خطاب به صاحب منصبان
قوای کندهار گفت:





تورنجرال غلام حیدر رسولی لوی درستیز و همراہان شان

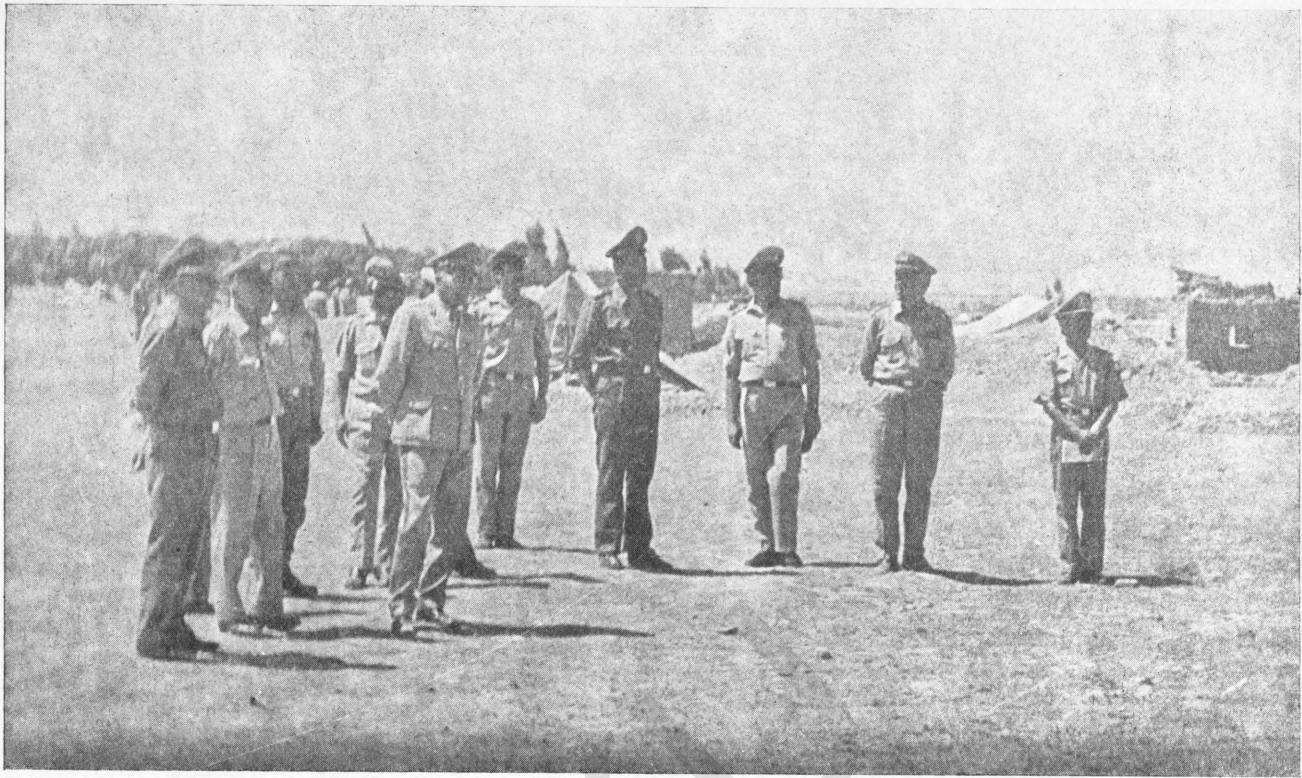
و سعادت ملت افغانستان و رہبر
بزرگی کہ رژیم مردمی را بمیدان
آورد و بر ما لازم است کہ برای
استحکام این رژیم از هیچگونه
مجاهدت دریغ نورزیم .
ما امروز تطبیقات قوای هوائی

رفقای عزیز ، بحیث یک برادر
و همکارتان به شما توصیه میکنم کہ
امروز همه ما در مقابل خدا (ج)
رسول (ص) و وطن و مردم و رنج خویش
مسئولیت داریم ، مسئولیت بخاطر
حفظ تمامیت خاک و نوامیس ملی

تطبیق پروگرامها و دیدن رفقایکہ
وظایف شانرا بحسن صورت انجام
میدهند سببش امروز اردو گاہ
صحرا را مشاهده کردیم تا جاییکہ
دیده شد صاحب منصبان و افراد
در اجرای وظایف خود موفق بودند .



دگروال دین محمد قوماندان قوای هوائی هنگامیکہ قرار میچار بوی را برای پرسونل شامل تطبیقات ابلاغ مینماید



هنگام بازدید فعالیت مرتبات تانک در قشله جدید کندهار

و همراهان شان بعد از ختم تطبیقات
قوای هوایی و بازدید از قوای
کندهار به میدان هوایی مواصلت
و بعد از خدا حافظی از قوماندانان
و دیگر صاحب منصبان، طیاره حامل
شان اوج گرفته و بطرف کابل
حرکت نمودند.

روائی های مردان مبارزان عمیقانه
نگاه کنیم و از آنها چیزی بیاموزیم.
تورنجنرال رسولی بیانیه خود را
با شعار: زنده باد افغانستان
زنده باد رهبر ملی ما بنیاد علی محمد داود
خاتمه داد.
تورنجنرال رسولی لوی درستیز

را دیدیم و قوای زمینی هم باید در
این حصه مساعی مشترک داشته باشند
تا با تشریک هم دوش بدوش پیش
روند تا یک اردوی قوی و نیرومند
برای مدافعه مملکت در هر نوع
شرایط آماده و مهیا باشند در این
ولایت که شما زیست دارید امتیاز
بخصوصی دارد زیرا در اینجا خرقة
مطهر حضرت سرور کائنات و رهبر
عالم بشریت قرار دارد، رهبریکه
درس انسانیت و فداکاری را برای همه
آموخت و ما باید با پیروی از ارشادات
پیشوای بزرگ اسلام برای اعتلای
دین مبین اسلام و محافظه خاک مقدس
افغانستان در هر آن آماده باشیم.

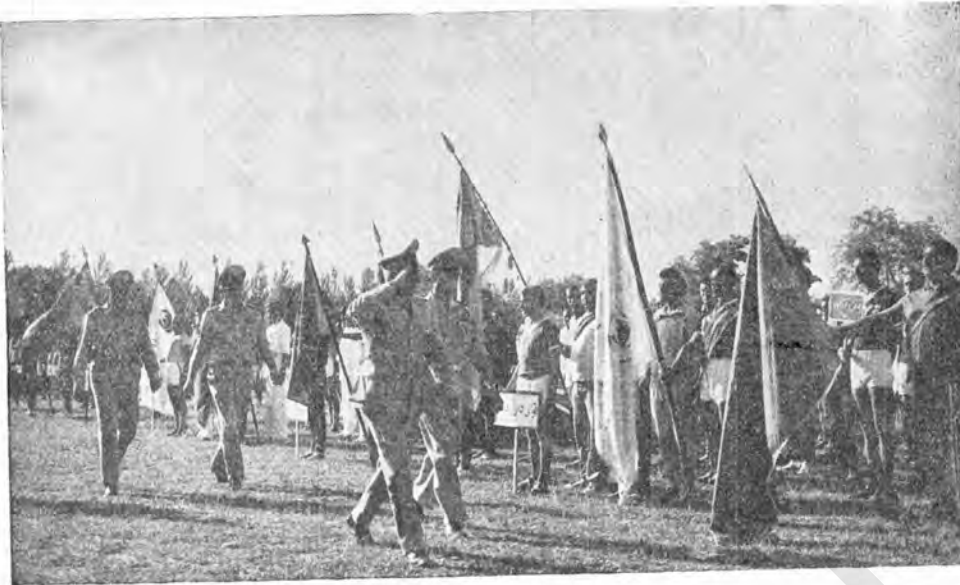
علاوتاً شخصیت نامداریکه تاریخ
افغانستان را شکوهمند ساخته و اکنون
در دل این خاک آرمیده عبارت از
احمدشاه بابا کبیر است که در راه
اعتلای وطن بذل مساعی نموده است.
ما باید بتاریخ وطن و کار-



افتتاح تورنمنت بهای اردو

(بقیه صفحه ۹۴)

تورن جنرال
غلام حیدر رسولی
لوی درستیز هنگام
معاینه تیم های
اشتراک کننده ←



مختلف ورزشی نیز آغاز گردید .
این تورنمنت که مدت یکماه را
دربر خواهد گرفت در آن اکثر
از مؤسسات مثل حربی پوهنتون
و پوهنچی های مختلف آن ، حربی
بنوونچی واکشرا از قطعات مرکز
و ولایات حصه گرفته ورشته های
ورزشی این تورنمنت که تیم های
مختلف در آن به مسابقه خواهند
پرداخت عبارت انداز- فیتبال- والیبال
هندبال- هاکی- باسکتبال- تلتیک خفیف
سپورت های ۳ گانه عسکری - دویدن در
اراضی عارضه دار دویدن بین شهر به
مسافه ده هزار متر - جمناستیک -
وزنه برداری - پهلوانی و پنگ پانگ .
در اخیر باید یاد آور شد که در
تورنمنت بهاری سال جاری اردو در
روز افتتاح آن قسمیکه تماشا چیان
ملاحظه کردند چه از نگاه تعداد
ورزشکاران و تیم های ورزشی و چه
از نگاه البسه و دیگر مالزمه های
ورزشی تحولات ثمر بخشی بمیان آمده
بود که در این صورت ما با یک
اطمینان قوی گفته می توانیم که نتایج
این مسابقات نیز نسبت به مسابقات
گذشته یک برتری و برآ زندگی خاصی
خواهد داشت البته بعد از ختم مسابقات
جریان آنرا از نظر دو ستداران
ورزشی خواهیم گذشتاند

و تشریک مساعی مؤثر تلقی میگردد
و این موضوع در ذرات خود یکی از مقاصد
اساسی تعلیمی ورزش ها و سپورت های
دسته جمعی قبول شده می تواند .

بنابران امیدواریم تورنمنت
بهای سپورتی اردو جمهوری نه تنها
بتواند و رزیدگی انفرادی
ورزشکاران جوانان ما را انکشاف
و توسعه دهد بلکه در عین زمان در تقویت
روحیه همکاری صمیمانه بین منسوبین
اردو مؤثر ثابت شود و در پر تور فابت
سالم و تلاش های صادقانه روحیه
مساعدی را جهت پیشبرد مایر وظایف
ایشان بمیان آورد .

همچنین رئیس تعلیم و تربیه نقش
مقام ستر درستیز را در راه انکشاف
سپورت مؤثر دانسته و نتایج
و موفقیت هائی را که در طی یکسال
گذشته ورزشکاران اردو در خارج
از اردو بدست آورده اند یاد آور شده
و کثرت روز افزون تیم های اشتراک
کننده را قدم مؤثری دیگری دانست .
در راه انکشاف سپورت در اردو .

دگر من سید عبدالقیوم آمرورزشی
وزارت دفاع ملی راجع به برگزاری
وارزش این مسابقات مطالب مفصلی
بیان کرده و بعداً مسابقات رشته های

نتایج مثبت و مطلوبی را در جهت
انکشاف سویه آمادگی اردو برای
اجرای وظایف مقدس ملی که بدوش
دارد بار خواهد آورد .

اهمیت سپورت و تربیه بدنی و نقشی
را که در تربیه سالم فکری و جسمی
اشخاص دارد کاملاً واضح و مسلم
است ، زیرا سپورت نه تنها موجب
ورزیدگی مطلوب در قدرت فیزیکی
افرادیکه برای خدمت موثر و فعال
خیلی ها ضروریست واقع میگردد ،
بلکه در عین زمان زمینه مساعدی را
برای رشد فکری ، تفکر سلیم ، آرامش
اعصاب ، ثبات اراده ، تحمل و برده باری
که در ذرات خود صفات ایده آل
برای تمام منسوبین اردو میباشد
بوجود می آورد . و این البته ارزش
انفرادی سپورت و ورزش
بدنی میباشد . امادر مورد ارزش
و اهمیت سپورت در تربیه روحیه همکاری
و تشریک مساعی که یک وصف
دسته جمعی میباشد باید عرض شود
اجرای فعالیت دسته جمعی در چوکات
تیم های سپورتی که بر همکاری مجموعی
در راه اهداف دسته جمعی متکی میباشد
در عین زمان بوجود آورنده و انکشاف
دهنده روحیه همکاری صمیمانه

زنده نگه میداشتند و همینکه فرصتی دست میداد مردانه وار و با قدرت حق ، به پیکار باطل می شتافتند .
 ملت افغان از پیروان بزرگ همین راه حق است که در کوره راه پر پیچ و خم تاریخ آسیای کهن، این امتحان حق پرستی و آزادیخواهی را بارها داده است و هر بار نیز با سر بلندی و پیروزی ، پرچم حق را برافراشته و با خون استعمار چیان خونخوار ، دشت بودامان این سرزمین را رنگین ساخته است و خود پرچمدار و مشعلدار آزادی خواهی دیگران شده است .
 پنجاه و هفت سال قبل این ندای حق از حنجره فرزند پرشور و آزادی پرست افغان اعلیحضرت غازی اسان الله خان برآمد و شمشیر حق از نیام افسر فداکار و نامور افغان اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید برون شد و با قلم تو انای مرحوم محمود طرزی که از سالها پیش تخم آزادی و احساسات ملی بشور در آورده بود این هنگامه بزرگ به ثمر رسید و با پیمان عظیم ملت افغان و با سر بازی و قربانی های اردوی باشهامت ما پیکار حق و باطل آغاز گردید .

ملت و اردوی ما با قیادت راد مردان قهرمان خویش و با فریاد پر عظمت :
 (الله اکبر) بجنگ استعمار شتافتند ، سپاه حق با سلاح ناچیز مادی اما با قدرت عظیم ایمان و لشکر باطل با اسلحه و تجهیزات عصری و مکمل ، لیکن با روح علیل و نابکار ، در مقابل یکدیگر صف کشیدند ، کشتیم و کشته دادیم ، تپیدیم و تپیدند ، صحنه کارزار از خون طر فین گسگون شده بود ، بر خون مبارزان راه حق نقش (الله اکبر) و بر خون سپاه نابکاران راه باطل ، لکه ننگ نمایان بود عاقبت پیروان حق پرچم کامیابی و فتح و نصرت را بر افراشتند و داعیه حق را از گفتار به کردار مبدل ساختند .

دشمن غاصب ، فرمان آزادی ملت رنج دیده را بضرع شمشیر راد مردان افغان امضاء نمود و بار دیگر تاریخ تکرار شد ، آری ، استعمار با ردوم بسر نوشت شوم خویش مبتلا گردیده بود و روح وزیر اکبرخان غازی در آسمان کشور ما بیرواز در آمده و انوار شادی و خرمی را بر سر زمین ما می پاشید .

ما سالهاست که این روز فرخنده را جزو عاید ملی خویش ساخته ایم و شش جوارا جشن می گیریم و بروح فرزندان شهید و آن هائی که در پیکار حق و باطل براه حق جان سپرده اند تحفه های ادعیه و تحیات می فرستیم . آری تجلیل از خدمات و قربانی های نیاکان ما ، وظیفه و سنت حمیده مردم ما است و هرگز قربانی های قهرمانان خود را بدست فراموشی نخواهیم سپرد .

در بهلولی این روز فرخنده که عید استقلال و مظهر افتخارات جاودانی ما در برابر استعمار و شکست استعمار است خوشحال و مسروریم که با درایت و تدبیر باشکوه و تاریخی مرد مبارز و رهبر ملی ما بنیاد اعلی محمد داؤد رئیس دولت و سر قوماندان اعلی اردوی جمهوری افغان از نعمت جمهوریت نیز برخورداریم و آن مجادلات دیرینه ما در برابر استعمار و استعمار نو و در راه سر بلندی و عظمت و ترقی افغانستان عزیز تحت قیادت پیشوای حیات نوین ما ادامه دارد ما بلطف خدای توانا و به نیروی ملت حق پرست افغان و قدرت عظیم اردوی جوان خویش ایمان و اعتقاد کامل داریم که آزادی و استقلال ما در پرتو نظام جمهوریت روز بروز متکاملتر و ثمر بخش تر شدنی است و با چنین آرزو و اطمینان جشن استرداد استقلال کشور را به حضور رهبر ملی و حامی استقلال کشور بنیاد اعلی محمد داؤد و ملت نجیب افغان و اردوی قهرمان خویش صمیمانه تبریک می گوئیم .

پیکار حق

و

باطل

(بقیه صفحه ۴۶)

زنده باد افغانستان پاینده باد آزادی و جمهوریت ما
 سر بلند باد پرچم اردوی قهرمان افغان

تورن جنرال غلام حیدر « رسولی » کپ‌های قهرمانی تورنمنت بهاری را به مستحقین آن اعطاء کردند

مسابقه قبلی از تیم والیبال اردو شکست خورده بود مگر بآنهم موفق گردید که در مسابقه آخری با بدست آوردن ۳ میدان از پنج میدان مقام قهرمانی والیبال آزاد را بدست بیاورد. تیم والیبال اردو در این تورنمنت مقام دوم را و تیم های والیبال تربیت بدنی و کلب پوهنتون مقام های سوم و چهارم را حاصل کردند.

همچنین ورزشکاران اردو در این روز موفق بگرفتن کپ‌های قهرمانی هندبال و هاکی که در هر دو رشته مقام قهرمانی را بدست آورده بودند نیز شدند.

ارتقائی خود را به پیماید تا باشد ورزشکاران ما در میدان های بزرگ داخلی و خارجی به موفقیت های بزرگی دست یافته و افتخاراتی برای خود و کشور بارمغان بیاورند.

در مسابقات بهاری والیبال امسال که بین ۱۳ تیم بقسم بی سابقه در میدان های والیبال کلوب عسکری برگزار گردید تیم های مختلف در آن حصه گرفته و بمسابقه پرداختند که در نتیجه تیم اردو، کابورا « الف » انستیتوت تربیت بدنی و کلب پوهنتون بفاصل راه یافتند. در مسابقه نهائی تیم والیبال کلب کابورا « الف » اگرچه در یک

کپ ها و مدال های ورزشی به تیم های والیبال، هندبال، باسکتبال و هاکی که در تورنمنت بهاری آزاد امسال لقب قهرمانی را کسب نموده بودند؛ عصر روز پنجشنبه ۱۳ جوزا در حالیکه انجنیر عبدالنواب آصفی وزیر معادن و صنایع حاضر بود، توسط تورن جنرال غلام حیدر (رسولی) لوی درستیز در کلوب عسکری بآنها تفویض شد.

در ختم مسابقه تورن جنرال لوی درستیز ورزشکاران را طرف تشویق رار داده اخلاق ورزشی آنها را ستوده و آرزو نمودند، هنوز هم چنین مسابقات با مشق و تمرین بهتر سیر



تورن جنرال غلام
حیدر « رسولی »
لوی درستیز در حال
اهدای کپ قهرمانی
فوتبال به کپتان تیم
حر بی بیونئی



خلص سوانح دگرمن متقاعد محمد شریف

مرحوم در سنه ۱۲۸۷ قمری در
قریه کاکاخیل ولایت وردک تولد
یافته تحصیلات ابتدائی خود را طور
خصوصی انجام داده بعداً در سال
۱۳۱۱ داخل خدمت مقدس عسکری
شده بعد از ختم دوره عسکری در سال
۱۳۱۴ نظر به لیاقت، شهامت و تجربه
کافی ایکه در فن حرب داشت بر تبه
پر کمشری نائل گردید و در سال
۱۳۱۵ بر تبه دوهم بریدنی ترفیع نموده
و در قول اردوی مرکزی مؤظف گردید
در سال ۱۳۱۹ به لمری بریدنی ترفیع
در سال ۱۳۲۱ به رتبه تورنسی ترفیع
نمود در سال ۱۳۲۶ بر تبه جگتورنی
ترفیع در سال ۱۳۲۹ به رتبه جگرنی
ترفیع به صفت قوماندان کندک اول
لوای نمبر ۳ فرقه ۲ ق، م مؤظف
در سال ۱۳۳۰ تبدیلا به صفت قوماندان
کندک ۳ لوای ۳ فرقه ۲ مؤظف
در سال ۱۳۳۲ تبدیلا به صفت
قوماندان کندک ۳ لوای ۸۲ فرقه
نمبر مؤظف در سال ۱۳۳۴ به صفت
قوماندان کنسندک ۳
لوای ۱۸ جنوبی مؤظف در سال
۱۳۳۷ در بست قوای هوایی مؤظف در
سال ۱۳۳۸ به حیث سرحدار جاجی
میدان مؤظف و در سال ۱۳۳۹ به رتبه

دگرمنی ترفیع و تبدیلا در بست
قوماندانی قوای کاروزارت فواید
عامه مؤظف در سال ۱۳۴۲ نظر به
ایجابات اصولنامه ترفیع و تقاعد عسکری
به تقاعد سوق گردید،

دگرمن مرحوم در شرارت های
سال ۱۳۲۴ دره دیوه گل کنرها و در
محاربه صافسی و خوگیانی اشتراک
نموده جسارت و فعالیت زیاد از خود
نشان داده و ۱۲ ماهه قدم هم گرفته
است نشان های که در ادوار ماموریت
خویش اخذ نموده :

۱- مدال رشتین نکلی

۲- مدال ورتیا نکلی

۳- مدال ورتیا نکلی

به کمال تاسف اطلاع گرفتیم
دگرمن مرحوم به اثر مریضی که عاید
حال شان بود بتاريخ ۱۹ حمل سال ۱۳۵۵
به عمر (۶۸) سالگی داعی اجل را
لبیک گفته پدرود حیات نموده

انالله وانا الیه راجعون

وزارت دفاع ملی از فقدان دگرمن
مرحوم که یک تن از صاحب منصبان
سابقه دار اردوی جمهوری افغانستان
عزیز بوده متأثر و متالم گردیده از
خدای متعال برای آن مرحوم طلب
مغفرت و به بازماندگان نش صبر جمیل
میخواهد امین .

خلص سوانح جگرن نورالدین



مرحوم در سنه ۱۳۰۶ شمسی در ولایت هرات تولد گردیده و بعد از تحصیلات مقدماتی شامل حربی پوهنتون گردیده در سال ۱۳۳۰ از حربی پوهنتون نشأت و به رتبه وکیل ضابط در بست قوماندانی قوای مرکز مقرر گردیدند در سنه ۱۳۳۱ به رتبه دریم برید منی ترفیع و در بست

قوماندانی قطعاً همراه تبدیل در سال ۱۳۳۳ به رتبه دوم برید منی ترفیع در سال ۱۳۳۶ برتبه لمړی برید منی ترفیع و در سال ۱۳۳۹ به رتبه تورنی ترفیع در سال ۱۳۴۲ در بست قوماندانی قوای مرکز تبدیل در سال ۱۳۴۴ به رتبه جگرنی ترفیع در سال ۱۳۴۹ به رتبه جگرنی ترفیع و در بست احتیاط پذیرفته شده در سال ۱۳۵۲ مکرراً در بست قوماندانی قوای مرکز تبدیل و نسبت مریضی که از مدت زیاد عاید حال شان بود دوباره در احتیاط پذیرفته شد مرحوم در زمان وظیفه داری شان به اخذ مدال ورتیا برنزدال ورتیا نکلی نائل گردیده به تاسف اطلاع گرفتیم جگرن مرحوم به اثر مریضی که عاید حال شان بوده به عمر (۴۹) سالگی داعی اجل را لبیک گفته بتاریخ ۵۵/۲/۵ پدرود حیات نموده انالله و انا الیه راجعون .

وزارت دفاع ملی از فوت جگرن مرحوم که یک تن از صاحب منصبان صادق اردوی جمهوری بوده متأثر و متالم گردیده از بازارگاه خداوند بزرگ برای مرحومی طلب مغفرت و برای بازمانده گانش صبر جمیل میخواهد آمین .

خلص سوانح دگروال محمد صدیق



مرحوم دگروال محمد صدیق بعد از تحصیلات مقدماتی شامل حربی پوهنوی گردیده بعد از فراغت شامل حربی پوهنتون گردیده در سال ۱۳۲۵ از حربی پوهنتون نشئت برتبه وکیل ضابط در بست قوماندانی قوای مرکز مقرر گردیده در سنه ۱۳۲۶ برتبه دریم برید منی ترفیع در سال ۱۳۲۸ برتبه دوم برید منی ترفیع و بفرقه ۳ تبدیل گردید در سنه ۱۳۳۰ برتبه لمړی برید منی ترفیع در سال ۱۳۳۱ در بست قوماندانی قوای ۱۴ غزنی تبدیل در سال ۱۳۳۲ برتبه تورنی ترفیع در سال ۱۳۳۳ در بست قوماندانی قوای ۲۰ نهرین مؤلف در سال ۱۳۳۴ دوباره در بست قوماندانی قوای پکتیا مؤلف گردیده در سال ۱۳۳۶ برتبه جگرنی ترفیع در سال ۱۳۳۸ برتبه جگرنی ترفیع در سال ۱۳۴۱ دوباره در بست قوماندانی قوای ۱۴ غزنی مؤلف در سال ۱۳۴۳ برتبه دگرنی ترفیع در سال ۱۳۴۴ به کفالت غند مرکز خوست فرقه ۲۵ قوای پکتیا مؤلف در سال ۱۳۴۵ بحیث مدیر اوپراسیون فرقه ۱۲ مؤلف در سال ۱۳۴۷ شامل کورس (آ) گردیده در سال ۱۳۴۸ بعد از فراغت بحیث رئیس ارکان غند ۱۶ فرقه ۱۲ مؤلف در سال ۱۳۴۹ برتبه دگروالی ارتقاء جسته و بحیث قوماندان غند ۱۹ فرقه ۲۵ مؤلف در عین سال بحیث آمر توپچی قوای ۳ مؤلف گردید در سال ۱۳۵۰ نظر به ایجابات اصولنامه ترفیع و تقاعد به تقاعد سوق گردید .

دگروال مرحوم نظر به خدمات پرارزش شان نائل به اخذ مدال ورتیا نکلی، نشان ستور درجه ۴ ورتیا نکلی رشتین گردیده اند .

باتأسف اطلاع گرفتیم دگروال مرحوم در لیل ۳۱-۲-۵۵ در اثر مریضیکه عاید حالش گردیده بود به عمر ۵۸ سالگی پدرود حیات گفت .

وزارت دفاع ملی از وفات دگروال محمد صدیق که یک صاحب منصب سابقه دار اردوی جمهوری بوده متأثر و متالم گردیده و از بازارگاه ایزدی برایش طلب مغفرت و به بازماندگان صبر جمیل میخواهد .

دملی دفاع وزارت - سترده ستیز

د نشریاتو لوی مدیریت - داردو د مجلی مدیریت



مجله اردو (نشریه ماهانه)

شرح اشتراك:

۱۵۰- افغانی

سالانه برای صاحب منصبان و اشخاص ملکی

۱۲/۵۰- افغانی

قیمت فی شماره:

۶۰۰۱

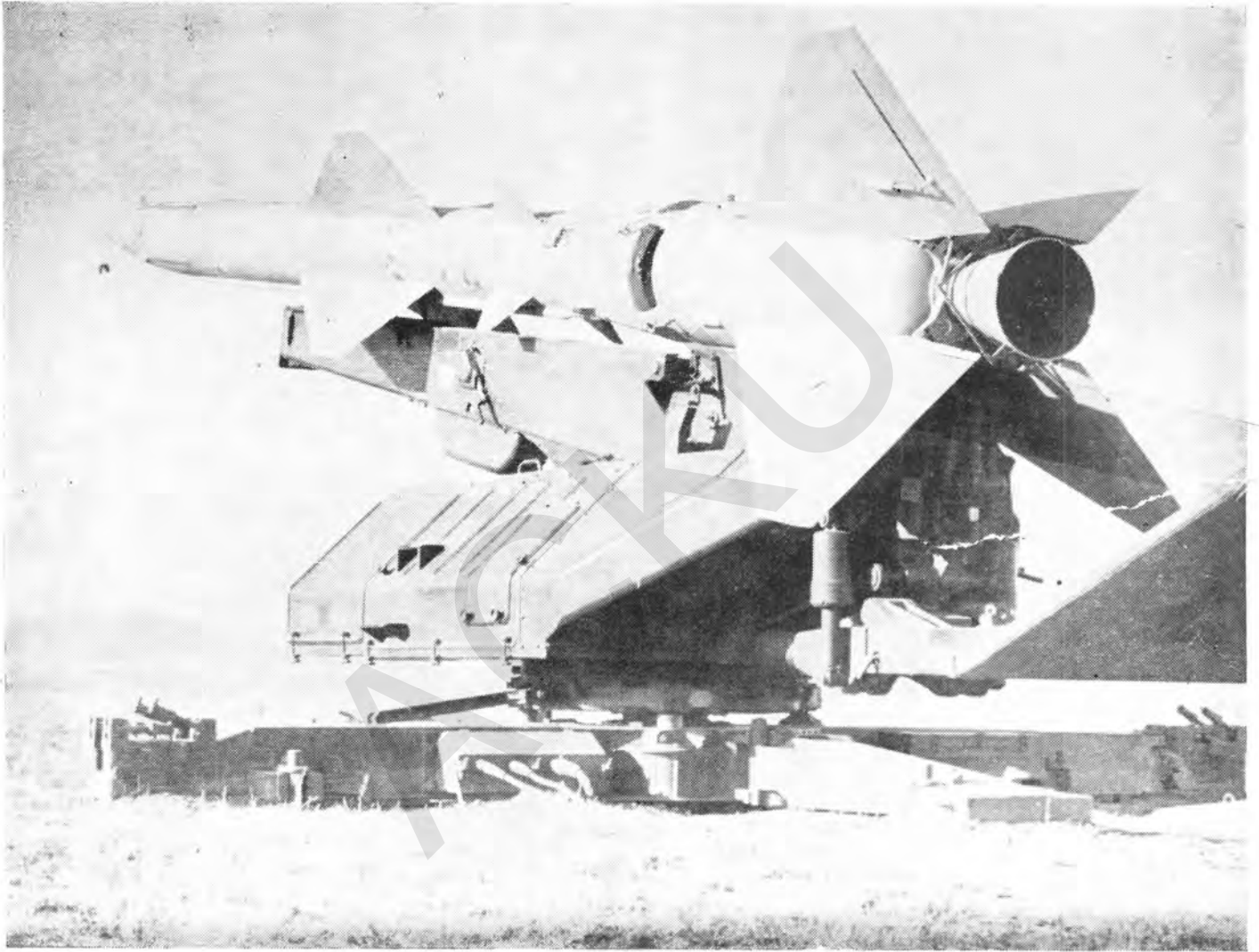
نمبر حساب در افغانستان بانک:

کابل - افغانستان

آدرس: - داردو مجله - دملی دفاع مطبعه

۲۴۴۰۸

نمبر تېلغون مدیر مجله:



نمونه از اسلحه مدرن اردوی جمهوری افغان

AFGHAN MILITARY REVIEW

(Monthly Magazine)

*Address: Urtao Mojella, Military Press, Kabul
Afghanistan*

Tele: 23208

Subscription rate for foreigners & abroad - 15US dollars,

Volume, 56 Serial. 651 (R.S.No. 35)

May - June 1976